آشنایی با روزنامه‌ها و مجلات عربی







دکتر یحیی معروف
دکتر وحید سبزیان پور

قابل استفاده برای دانشجویان ادبیات عرب.
الهیات.ادبیات فارسی.علاقه مندان زبان عربی


بسم الله الرحمن الرحیم

آشنایی با

روزنامه‌ها و مجلات عربی

قابل استفاده دانشجویان ادبیات عرب،

الهیات، ادبیات فارسی و

کلیه علاقه‌مندان زبان عربی

دکتر یحیی معروف

دکتر وحید سبزیانپور

تهران

۱۳۸۳

معروف، یحیی، ۱۳۴۴-
آشنایی با روزنامه‌ها و مجلات عربی: قابل استفاده دانشجویان ادبیات عرب، الهیات، ادبیات فارسی و کلیه علاقه‌مندان زبان عربی / یحیی معروف، وحید سبزیانپور. ــ تهران: خورشید باران، ۱۳۸۳.
۲۲۴ ص.

ISBN 964-8515-05-0

فهرستنویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
۱. زبان عربی -- راهنمای آموزشی (عالی). ۲. زبان عربی -- کتابهای قرائت -- روزنامه‌نگاری. ۳. زبان عربی -- ترجمه به فارسی. ۴. فارسی -- ترجمه به عربی. الف. سبزیانپور، وحید، ۱۳۳۷ - ب. عنوان.
PJ۶۲۰۳/۵آ۶م ۴۹۲/۷۸۶۴فا
کتابخانه ملی ایران ۸۳-۱۹۸۸۴م



■ **نام کتاب:** آشنایی با روزنامه‌ها و مجلات عربی
■ معروف، یحیی و سبزیانپور، وحید
■ **ناشر:** خورشیدباران ۰۹۱۲۳۴۶۶۳۲۰
■ **ناظر چاپ:** سید صالح ادنانی
■ **طراحان:** سید رضا ادنانی - علی بهادری
■ **چاپ:** اول - ۱۳۸۳
■ **تعداد:** ۳۰۰۰ نسخه
■ **چاپ و صحافی:** الهادی
■ **تاریخ چاپ:** زمستان ۸۳
■ **شابک:** ۹۶۴-۸۵۱۵-۰۵-۰
■ ISBN: 964-8515-05-0
■ **قیمت:** ۱۸۰۰۰ ریال

فهرست مطالب



پیشگفتار مؤلفان

و لَهُ الحَمْدُ في السَّمَواتِ و الأَرْضِ ... (قرآن کریم)

الحمدُ لله رب العالمين و الصَّلاةُ و السَّلامُ عَلَى خَيْرِ خَلْقِهِ محمدٍ المُصْطَفَى و آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ و طَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً إِلَى يَوْمِ القِيامَةِ و بعد: حمد و ثنای بی منتها خدایی را که توفیقی نصیب کرد تا بار دیگر در خدمت زبان قرآن ره‌توشه‌ای تقدیم عزیزان نماییم. کتاب حاضر گزیده‌ی مجموعه‌ی عظیمی از مطالب منتشر شده در مجلات مختلف عربی و سایت‌های اینترنتی است که بارها در رشته‌های ادبیات عرب و الهیات تدریس شده است و مورد پسند دانشجویان قرار گرفته است.

کتاب حاضر می‌تواند به عنوان منبع دروس «روزنامه‌ها و مجلات عربی» در مقطع کارشناسی رشته زبان و ادبیات عرب و الهیات، و نیز دروس عربی در رشته زبان و ادبیات فارسی مورد استفاده‌ی دانشجویان عزیز قرار گیرد. امید است علاوه بر دانشجویان، طلاب علوم دینی، سایر علاقه‌مندان به زبان عربی نیز از آن بهره‌مند شوند.

ویژگیهای کتاب

۱ـ جذابیت و تنوع متن همچنین توجه به آموزنده بودن مطالب.

۲ـ انتخاب موضوعات نادر و شنیدنی در زمینه‌های علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی و طبی.

۳ـ مختصر بودن هر متن.

۴ـ اعراب و شکل صحیح کلیه‌ی واژگان.
۵ـ ترجمه‌ی لغات دشوار هر متن.
۶ـ ذکر افعال ثلاثی مجرد همراه با حرکت حرف مضارعه و مصدر آنها.
۷ـ ترجمه‌ی روان متون به فارسی بر اساس اسلوبهای دقیق ترجمه.
۸ـ ذکر جمعِ واژگان مفرد.
۹ـ ذکر مفردِ واژگان جمع.
۱۰ـ تفکیک فعلهای لازم و متعدی.
۱۱ـ تفکیک فعلها با حروف جر ویژه‌ی هر فعل.

امید است خوانندگان گرامی کاستی‌های احتمالی را متذکر شوند تا در چاپهای بعدی اصلاح گردد.

مؤلفان

١ـ سَرِقَةُ أَجْرَاسِ كاتِدْرَائِيَّةٍ.

ذَكَرَتِ الشُّرْطَةُ الأَمِيْرْكِيَّةُ أَنَّ ثَلاثَةَ أَجْرَاسٍ لاتُقَدَّرُ بِثَمَنٍ تَبَرَّعَ بِهَا قَيْصَرُ رُوسيَّا اَلِكْسَنْدِرُ الثَّالِثُ لِكَاتِدْرَائِيَّةِ الثَّالُوثِ المُقَدَّسِ الأُرْثُوذُكْسِيَّةِ فِي «سَان فرَانسيسكُو» سُرِقَتْ فيمَا يَبْدُو فِي مَطْلَعِ الأُسْبُوعِ. وَقَالَ رَئِيسُ كَهَنَةِ الكَاتِدْرَائِيَّةِ «سُوكُولُوف» لِرَادِيُو «كي سي بي اس»: صَمَدَتْ هَذِهِ الأَجْرَاسُ أَمَامَ الزَّلازِلِ الْكَبِيرةِ وَحَرِيقِ عَامِ ١٩٠٦م. وَأَضَافَ قَائِلاً: إِنَّهَا أَجْرَاسٌ فَرِيدَةٌ. وَالأَجْرَاسُ المَسْرُوقَةُ ضِمْنَ مَجْمُوعَةٍ مِنْ سَبْعَةِ أَجْرَاسٍ تَبَرَّعَ بِهَا اَلِكْسَنْدِرُ الثَّالِثُ لِبِعْثَةِ الكَنِيسَةِ الأَمِيْرْكِيَّةِ الرُّوسِيَّةِ عَامَ ١٨٨٨م وَقَالَ المَسْؤولُونَ بِالْكَنِيسَةِ: إِنَّ الأَجْرَاسَ مُزَيَّنَةٌ بِحُفَرٍ بَارِزَةٍ وَيُعْتَقَدُ أَنَّهَا فَرِيدَةٌ فِي الْوِلايَاتِ المُتَّحِدَةِ بَلْ وَنَادِرَةٌ حَتَّى فِي رُوسيَا حَيْثُ دُمِّرَتْ أَجْرَاسٌ كَثِيرَةٌ فِي الحَرْبِ العَالَمِيَّةِ الثَّانِيَةِ. وَتَبْحَثُ الشُّرْطَةُ عَنْ مُرْتَكِبِي السَّرِقَةِ الَّتِي تَمَّتْ أَثنَاءَ عَمَلِيَّةِ تَرْمِيمٍ رَئِيسِيَّةٍ فِي أَعْقَابِ حَرِيقٍ شَبَّ بِالكَاتِدْرَائِيَّةِ عَامَ ١٩٩٨م.

١ـ سرقت ناقوسهای یک کلیسای بزرگ.

پلیس آمریکا اظهار داشت: به نظر می‌رسد در آغاز این هفته سه ناقوس که قیمت آنها قابل برآورد نیست و قیصر روسیه الکساندر سوم به کلیسای بزرگ ارتودکس «ثالوث مقدس» در سانفرانسیسکو هدیه داده بود، به سرقت رفته است. رئیس کشیشان این کلیسا «سوکولوف» به رادیو «کی سی بی اس» گفت: این ناقوسها در برابر زلزله‌های بزرگ و آتش سوزی سال ۱۹۰۶ میلادی مقاومت کردند. وی افزود: این ناقوسها بی‌نظیر هستند. ناقوسهای مسروقه بخشی از هفت ناقوسی است که الکساندر سوم در سال ۱۸۸۸م به هیأت کلیسای (آمریکایی ـ روسی) هدیه داد.

مسؤولان کلیسا گفتند: این ناقوسها مزیّن به کنده‌کاریهای بارزی هستند. و عقیده بر آن است که نه تنها در آمریکا بلکه در روسیه نیز منحصر به فرد هستند. زیرا بسیاری از ناقوسها در جنگ جهانی دوم نابود شدند. پلیس به دنبال عاملان این سرقت است که هنگام عملیات اصلی بازسازی پس از آتش سوزی سال ۱۹۹۸م رخ داد.

قَدَّرَهُ: آن را برآورد کرد؛ تخمین زد. **لاتُقَدَّرُ بِثَمَنٍ**: قیمت آن قابل برآورد (تخمین) نیست. **تَبَرَّعَ بِهِ**: آن را هدیه داد.

الأرثوذكسيَّة: ارتودکس.

بَدَا يَبْدُو بَدَاءً وَبُدُوّاً وَبَدْواً: نمایان شد.

مَطْلَعُ الأُسْبُوعِ: آغاز هفته.

الكَهَنَة: مف: الكاهِن: کشیش، کاهن.

الكَاتِدْرَائِيَّة: کلیسای بزرگ.

صَمَدَ ـُ صَمْداً: مقاومت کرد.

الفَرِيدَة: منحصر به فرد؛ ج: فَرائِد.

البِعْثَة: هیأت؛ ج: بَعَثَات.

الحُفَرُ البَارِزة: مف: الحُفْرَةُ البارِزَةُ: کنده‌کاری نمایان.

المُزَيَّنَة: تزیین شده.

اِعْتَقَدَهُ: بدان عقیده داشت. **يُعْتَقَدُ**: عقیده بر آن است.

دَمَّرَهُ: آن را ویران کرد. **دُمِّرَتْ**: ویران شد.

أَعْقَابُ الحَرِيق: مف: عَقِب الحریق: پس از آتش سوزی.

شَبَّ ـِ شَبّاً وَشُبُوباً: آتش گرفت، شعله‌ور شد.

تَمَّ ـِ تَمّاً وَتَمَاماً: تمام شد، پایان یافت.

تَمَّتْ أثناءَ عَمَلِيَّةِ تَرْمِيمٍ رَئِيسِيَّة: هنگام عملیات اصلی بازسازی اتفاق افتاد.

بَحَثَ ـَ بَحْثاً عن ...: در مورد ... جستجو کرد، دنبال کرد، تحقیق کرد.

☐ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَتَى سُرِقَتِ الأَجْرَاسُ؟ ۲ـ مَنْ تَبَرَّعَ بِهَا؟ ۳ـ عَنْ مَاذَا تَبْحَثُ الشُّرْطَةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ قیمت ناقوسها قابل برآورد نیست. ۲ـ این ناقوسهای بی‌نظیر بخشی از پنج ناقوس است. ۳ـ بسیاری از ناقوسها در جنگ جهانی اول نابود شدند.

۲ـ اِتِّهَامُ مُرَاهِقٍ بِالْهُجُومِ عَلَى الإِنْتِرْنِت.

ذَكَرَتْ شَبَكَةُ تِلِفزِيُونِ (أَي بِي سِي) فِي وَاشِنْطُنَ أَنَّ كَنَدِيّاً يَبْلُغُ مِنَ العُمْرِ ١٥ عَاماً أُعْتُقِلَ لاتِّهَامِهِ بِتَعْطِيلِ الدُّخُولِ فِي مَوَاقِعَ شَهِيرَةٍ عَلَى شَبَكَةِ الإِنْتِرْنِتِ مِثْلِ (يَاهُو وأَمَازون) لِسَاعَاتٍ فِي (شُبَاط /فِبْرَايِر) المَاضِي وَاعْتَقَلَتِ السُّلُطَاتُ الكَنَدِيَّةُ الصَّبِيَّ فِي مَطْلَعِ الأُسْبُوعِ المَاضِي وَوَجَّهَتْ إِلَيْهِ اتِّهَامَاتٍ لَكِنَّهَا أَحَاطَتِ الأَمْرَ بِالسِّرِّيَّةِ بِسَبَبِ سِنِّهِ. وَقَالَتْ شَبَكَةُ التِّلِفزِيُونِ: إِنَّ الصَّبِيَّ كَانَ يَسْتَخْدِمُ اسْمَ (صَبِيِّ المَافِيَا) عَلَى الإِنْتِرْنِتِ وَإِنَّهُ اتُّهِمَ فِي هُجُومٍ وَاحِدٍ عَلَى الأَقَلِّ مِنَ الهَجَمَاتِ الَّتِي تَعَرَّضَتْ لَهَا الشَّبَكَةُ وَأَثَارَتْ مَشَاكِلَ بِشَأْنِ أَمْنِ الدُّخُولِ فِي المَوَاقِعِ.

۲ـ اتهام یک نوجوان به خاطر حمله به اینترنت.

شبکه‌ی تلویزیونی (ای بی سی) در واشنگتن نقل کرد: یک کانادایی ۱۵ ساله به اتهام به تعطیلی کشاندن چند ساعته‌ی ورود به سایتهای مشهور شبکه‌ی اینترنت همانند (یاهو و امازون) در فوریه‌ی گذشته، بازداشت شد. مقامات کانادایی این نوجوان را در ابتدای هفته گذشته بازداشت کردند و او را به چند جرم متهم کردند ولی به دلیل سن وی قضیه را به صورت محرمانه اعلام کردند. این شبکه‌ی تلویزیونی گفت: این کودک از نام (کودک مافیا) در اینترنت استفاده می‌کرد. او متهم است که حداقل یک بار اقدام به حملاتی کرده که شبکه در معرض آن قرار گرفته و مشکلات زیادی را در مورد امنیت ورود به سایت‌ها پدید آورده است.

المُرَاهِق: نوجوان.
إِعْتَقَلَهُ: او را بازداشت کرد. **أُعتُقِلَ**: بازداشت شد.
المَواقِع: مف: المَوْقع: سایت،
شُبَاط / فِبْرَايِر: فوریه، دومین ماه میلادی که تعداد روزهایش ۲۹ و معادل تقریبی اسفند است.
السُّلُطَاتُ الكَنَدِيَّة: مقامات کانادایی.
مَطْلَع الأُسْبُوعِ: آغاز هفته.
وَجَّهَهُ: آن را فرستاد، روانه کرد. **وَجَّهَ إِلَيْهِ**
آتِّهَامَاتٍ: اتهاماتی به او وارد کرد.
أَحَاطَهُ: آن را احاطه کرد. **أَحَاطَ الأَمْرَ بِالسِّرِّيَّةِ**: قضیه را به صورت محرمانه در آورد.
تَعَرَّضَ لِـ...: در معرض ... قرار گرفت. **تَعَرَّضَتْ لَهَا الشَّبَكَةُ**: شبکه در معرض آن قرار گرفت.
أَثَارَهُ: او را برانگیخت. **أَثَارَتْ مَخَاوِفَ**: ترس (هایی) پدید آورد (ایجاد کرد).

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا آعْتُقِلَ هَذَا الكَنَدِيُّ؟ ۲ـ مَنِ آعْتَقَلَهُ؟ ۳ـ مَا هِيَ آتِّهَامَاتُهُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ من وارد سایتهای مشهور اینترنت شدم. ۲ـ این نوجوان در ابتدای سال گذشته بازداشت شد. ۳ـ او متهم است مشکلات زیادی را پدید آورده است.

۳ـ شِجَارٌ عَطَّلَ إِقْلاعَ طائِرَةٍ.

عَجَزَتْ طَائِرَةٌ تَابِعَةٌ لِشَرِكَةِ طَيَرَانِ الخَلِيجِ فِي القَاهِرَةِ عَنِ الإِقْلاعِ تِسْعَ سَاعَاتٍ بَعْدَ تَمَرُّدِ رُكَّابِ الطَّائِرَةِ عَلَى أَفْرَادِ الطَّاقِمِ الَّذِينَ رَفَضُوا السَّمَاحَ لِرَاكِبٍ بِتَغْيِيرِ مَقْعَدِهِ. وَقَالَتْ صَحِيفَةُ الأَخْبَارِ: إِنَّ المُشْكِلَةَ بَدَأَتْ عِنْدَمَا رَفَضَ طَاقِمُ الطَّائِرَةِ السَّمَاحَ لِمِصْرِيٍّ بِتَغْيِيرِ مَقْعَدِهِ لِكَي يَجْلِسَ بِجِوَارِ

زَوْجَتِهِ وَابْنَتِهِ أَثْنَاءَ الرِّحْلَةِ المُتَّجِهَةِ إِلَى الشَّارِقَةِ بِدَوْلَةِ الإِمَارَاتِ العَرَبِيَّةِ المُتَّحِدَةِ بِالرَّغْمِ مِنْ مُوَافَقَةِ صَاحِبِ المَقْعَدِ عَلَى تَبَادُلِ المَقَاعِدِ. فَتَدَخَّلَ الطَّيَّارُ البِرِيطَانِيُّ الجِنْسِيَّةُ وَطَالَبَ الأُسْرَةَ بِأَكْمَلِهَا بِالنُّزُولِ مِنَ الطَّائِرَةِ ولَكِنْ بَقِيَّةُ الرُّكَّابِ مَجْمُوعُهُم ۲۳۰ رَاكِباً رَفَضُوا السَّفَرَ دُونَهُمْ. وَأَضَافَتِ الصَّحِيفَةُ: أَنَّ الطَّائِرَةَ غَادَرَتِ القَاهِرَةَ فِي نِهَايَةِ الأَمْرِ وَعَلَى مَتْنِهَا الأُسْرَةُ المِصْرِيَّةُ بَعْدَ تَغْيِيرِ أَفْرَادِ الطَّاقِمِ بَعْدَ وِسَاطَةِ المَسْؤُولِينَ بِالْمَطَارِ.

۳ـ مشاجره‌ای مانع برخاستن یک هواپیما شد.

یک هواپیمای وابسته به شرکت هواپیمایی (الخلیج) در قاهره، پس از سرپیچی مسافران هواپیما از دستورات کادر پرواز که اجازه‌ی تغییر صندلی را به یکی از مسافران ندادند، به مدت نه ساعت موفق به برخاستن نشد. روزنامه‌ی الاخبار نقل کرد: مشکل زمانی آغاز شد که کادر پرواز، اجازه‌ی تغییر صندلی را به یکی از مسافران مصری نداد تا در مدت پرواز به سمت شارجه در امارات متحده عربی، کنار همسر و دخترش بنشیند. باوجود اینکه صاحب صندلی موافق با جابجایی بود. پس از آن خلبان بریتانیایی مداخله کرد و از همه‌ی افراد این خانواده خواست از هواپیما پیاده شوند ولی بقیه‌ی مسافران که ۲۳۰ نفر بودند، سفر بدون آنان را نپذیرفتند. این روزنامه افزود: در نهایت هواپیما با افراد این خانواده و پس از تغییر کادر پرواز و با وساطت مسؤولان فرودگاه، قاهره را ترک کرد.

عَجَزَ ـ عَجْزاً: ناتوان بود. **عَجَزَتْ عَنْ الإِقْلاعِ**: نتوانست بلند شود.

إِقْلاعُ الطَّائِرةِ: برخاستن هواپیما.

التَّمَرُّد: سرپیچی، نافرمانی.

المُتَّجِهَة: به سمت. **الرِّحْلَةُ المُتَّجِهَة...**: پرواز (سفر) به سمتِ ...

رُكَّابُ الطَّائِرةِ: مف: رَاكِبُ الطَّائِرةِ: سرنشین هواپیما.

رَفَضَ ـُـ رَفْضاً هُ: آن (او) را ترک کرد، آن (او) را نپذیرفت؛ **رَفَضُوا السَّفَرَ دُونَهم:** سفر بدون آنان را نپذیرفتند. **رَفَضُوا السَّمَاحَ:** اجازه ندادند.
تَغْيِيرُ المَقْعَدِ: تغییر صندلی.
أَثْنَاءَ الرِّحْلَة: در مدت پرواز.
طَاقِمُ الطَّائِرةِ: کادر پرواز هواپیما.
السَّمَاح: اجازه.
تَبَادُلُ المَقَاعِدِ: جابجایی صندلی‌ها.
تَدَخَّلَ: دخالت کرد.
البِرِيطَانِيُّ الجِنْسِيَّة: بریطانیایی.
غَادَرَهُ: آن را ترک کرد.
مَتْنُ الطَّائِرَة: درون هواپیما.
الشِّجَار: مشاجره.
أَضَافَهُ وَأَضَافَ إِلَيهِ: آن را اضافه کرد، بدان افزود.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا عَجَزَتِ الطَّائِرَةُ عَنِ الإِقْلاعِ؟ ۲ـ مَتَى بَدَأَتِ المُشْكِلَةُ؟ ۳ـ هَلْ تَدَخَّلَ الطَّيَّارُ البِرِيطَانِيُّ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ سرپیچی مسافران از دستورات کادر پرواز موجب تأخیر در پرواز شد. ۲ـ کادر پرواز، اجازه‌ی تغییر صندلی را نمی‌دهد. ۳ـ خلبان از این خانواده خواست از هواپیما پیاده شوند.

۴ـ الطَّابُورُ الخَامِسُ.

شَاعَ تَعْبِيرُ «الطَّابُورِ الخَامِسِ» أَثْنَاءَ الحَرْبِ الأَهْلِيَّةِ الإِسْبَانِيَّةِ الَّتِي اسْتَمَرَّتْ ثَلاثَ سَنَوَاتٍ، وَأَوَّلُ مَنْ أَطْلَقَ هَذَا التَّعْبِيرَ هُوَ الجِنِرَالُ «كويبوكيلانو» وَكَانَ أَحَدَ القُوَّاتِ الثَّائِرَةِ، وَكَانَ يُحَدِّثُ قُوَاتَهُ الزَّاحِفَةَ عَلَى «مَدْرِيدَ» وَكَانَتْ تَتَكَوَّنُ مِنْ أَرْبَعَةِ طَوَابِيرَ مِنَ الثُّوَّارِ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ هنَاكَ أَيْضاً

طَابُوراً خَامِساً يَعْمَلُ مَعَ الثُّوَّارِ وَكَانَ دَاخِلَ «مَدْرِيدَ»، وَيَقْصُدُ بِهِ مُؤَيِّدِي الثَّوْرَةِ مِنَ الشَّعْبِ. اِزْدَادَ هَذَا التَّعْبِيرُ رُسُوخاً فِي مَعْنَاهُ عَنِ الجَوَاسِيسِ عِنْدَمَا اعْتَمَدَ «هِتْلِرُ» فِي الْحَرْبِ العَالَمِيَّةِ الثَّانيةِ عَلَى عَدَدٍ كَبِيرٍ مِنَ الجَوَاسِيسِ. وَاتَّسَعَ أَكْثَرَ حِينَمَا شَمِلَ مُرَوِّجِي الإِشَاعَاتِ وَمُنَظِّمِي الحُرُوبِ النَّفْسَانِيَّةِ الَّتِي انْتَشَرَتْ نَتِيجَةَ الحَرْبِ البَارِدَةِ بَيْنَ المُعَسْكَرَيْنِ: الشُّيُوعِيِّ وَالغَرْبِيّ.

۴ـ ستون پنجم.

تعبیر «ستون پنجم» در خلال جنگ داخلی اسپانیا که سه سال طول کشید، شایع شد. اولین کسی که این تعبیر را به کار برد ژنرال «کویبوکیلانو» بود. او یکی از نیروهای انقلابی بود که برای نیروهای حمله کننده‌ی (تحت فرمان خود) به مادرید سخن می‌گفت. این نیروها متشکل از چهار ستون (گردان) از انقلابیون بودند. او (در این سخنان) اظهار داشت: ستون پنجمی نیز در مادرید با انقلابیون کار می‌کند. مقصود او، افراد طرفدار انقلاب بود. این تعبیر به معنای جاسوس بعدها رسوخ بیشتری یافت و آن زمانی بود که «هیتلر» در جنگ جهانی دوم به تعدادی از جاسوسان پشتگرم بود. استفاده از این واژه در ارتباط با شایعه افکنان و تنظیم‌کنندگان جنگهای روانی که در نتیجه‌ی جنگ سرد بین دو اردوگاه کمونیستی و غربی انتشار پیدا کرد ـ وسعت بیشتری یافت.

شَاعَ ـ شُيُوعاً: شایع شد.
الطَّابُورُ الخَامِس: ستون پنجم؛ ج: طَوابِير.
الحَرْبُ الأَهْلِيَّة: جنگ داخلی.
اسْتَمَرَّ: ادامه یافت.
أَطْلَقَهُ: او را رها کرد؛ **أَطْلَقَ:** اطلاق کرد.
الثَّائِر: انقلابی؛ ج: ثُوَّار.
حَدَّثَهُ: آن را بیان کرد. **كَانَ يُحَدِّثُ قُوَّاتَهُ:**

با نیروهایش سخن می‌گفت.
القُوَّاتُ الزَّاحِفَة: نیروهای حمله کننده.
تَكَوَّنَ: تشکیل شد. **كَانَتْ تَتَكَوَّنُ:** تشکیل می‌شد.
مُؤَيِّدِي الثَّوْرَةِ: حامیان انقلاب.
اِزْدَادَ: فزونی یافت.
اِعْتَمَدَ عَلَى ...: به ... تکیه داد، به ... اعتماد کرد، به ... پشتگرم بود.
شَمِلَ ـَ شَمَلاً وَشَمَلَ ـُ شَمْلاً وَشُمُولاً هُ: آن را در بر داشت، در بر گرفت. **شَمَلَهُ:** مشتمل بر آن بود.
مُرَوِّجِي الإِشَاعَاتِ: شایعه افکنان.
مُنَظِّمِي الحُرُوبِ النَّفْسَانِيَّةِ: تنظیم کنندگان جنگهای روانی.
اِنْتَشَرَ: پراکنده شد، انتشار پیدا کرد.
الحَرْبُ البَارِدَة: جنگ سرد.
المُعَسْكَرَيْنِ: دو اردوگاه.
الشُّيُوعِيّ: کمونیستی.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَتَى شَاعَ تَعْبِيرُ الطَّابُورِ الخَامِسِ؟ ۲ـ كَمْ مُدَّةً آسْتَمَرَّتِ الحَرْبُ الأَهْلِيَّةُ الإِسْبَانِيَّةُ؟ ۳ـ مَنْ أَطْلَقَ هَذَا التَّعْبِيرَ لأَوَّلِ مَرَّةٍ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ نیروها متشکل از چهار ستون از انقلابیون بودند. ۲ـ ستون پنجم، در خدمت دشمن است. ۳ـ تنظیم‌کنندگان جنگهای روانی ستون پنجم محسوب می‌شوند.

۵ـ وَفَاءُ زَوْجَةٍ.

قَدَّمَتْ سَيِّدَةٌ أُورُوبِيَّةٌ إِلَى الشُّرْطَةِ بَلاغاً بِفِقْدَانِ زَوْجِهَا، وَقَدْ دَلَّتِ التَّحَرِّيَاتُ عَلَى أَنَّهُ قَدْ مَضَى عَلَى فِقْدَانِهِ خَمْسَةُ أَشْهُرٍ! وَلَمَّا آسْتَفْسَرَ الضَّابِطُ عَنْ هَذِهِ الحَالَةِ وَلِمَاذَا لَمْ تُبْلِغْ عَنْ فِقْدَانِ زَوْجِهَا طِوَالَ خَمْسَةِ شُهُورٍ، أَجَابَتْ بِبَسَاطَةٍ: إِنَّنِي لَمْ أَشْعُرْ بِفِقْدَانِهِ طِوَالَ تِلْكَ المُدَّةِ السَّابِقَةِ،

فَحَالَمَا أَحْسَسْتُ بِفِقْدَانِهِ أَعْلَنْتُ عَنْهُ!

۵ـ وفاداری یک همسر (زن).

یک خانم اروپایی با تقدیم اظهارنامه‌ای به پلیس، مفقود شدن همسرش را اطلاع داد. تحقیقات نشان داد که پنج ماه از مفقود شدن شوهرش گذشته است. هنگامی که افسر پلیس در مورد این وضعیت (از او) توضیح خواست و اینکه چرا در طی این پنج ماه مفقود شدن شوهرش را اعلام نکرده، به سادگی پاسخ داد: من در طی این مدت فقدان او را احساس نکردم. بنابراین به محض اینکه نبودنش را احساس کردم وضعیت را اعلام نمودم!

قَدَّمَهُ: آن را تقدیم کرد.
البَلاغ: اظهارنامه، ابلاغیه.
دَلَّ ـُ دَلالَةً عَلَی...: ... را نشان داد، به ...اشاره کرد، هدایت کرد؛ **دَلَّتِ التَّحَرِّيَاتُ عَلَى:** تحقیقات نشان داد.
مَضَى يَمْضِي؛ و مَضَا يَمْضُو مُضُوّاً و مُضِيّاً الشَّيءُ: گذشت، سپری شد، رفت.
اسْتَفْسَرَ عَنْ...: در باره‌ی... توضیح خواست.
الضَّابِط: افسر؛ ج: ضُبَّاط.
أَبْلَغَ عَنْ ...: ... را اعلام کرد. **لَمْ تُبْلِغْ عن...:** ... را اعلام (ابلاغ) نکرد.
حَالَمَا: هنگامی که.
أَحَسَّ بِهِ: آن را احساس کرد. **أَحْسَسْتُ:** احساس کردم.
أَعْلَنَ عَنْهُ وَأَعْلَنَهُ: آن را اعلام کرد.
أَعْلَنْتُ عَنْهُ: وضعیت او را اعلام کردم.
البَسَاطَة: سادگی.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَنْ قَدَّمَ البَلاغَ إِلَى الشُّرْطَةِ؟ ۲ـ عَلَى أَيِّ شَيءٍ دَلَّتِ التَّحَرِّيَاتُ؟ ۳ـ كَمْ مُدَّةً

مَضَى عَلَى فِقْدَانِ الزَّوْجِ؟

ب) ترجمه كنيد:

۱ـ اين خانم اروپايى مفقود شدن همسرش را اطلاع داده است. ۲ـ ما از افسر پليس توضيح مى‌خواهيم. ۳ـ چرا در طى اين مدت فقدان شوهرش را احساس نكرده بود؟

۶ـ إِفْرِيقِيَا تَفْقِدُ عُقُولَهَا النَّيِّرَةَ.

تَفْقِدُ إِفْرِيقِيَا الآلافَ مِنْ عُقُولِهَا النَّيِّرَةِ مِنْ أَسَاتِذَةِ الجَامِعَاتِ وَغَيرِهِمْ كُلَّ عَامٍ لِأَنَّ الجَامِعَاتِ الأَمْرِيكِيَّةَ وَالأُورُوبِّيَّةَ تُوَفِّرُ لَهُمْ أَمَاكِنَ بُحُوثٍ وَمَوَاقِعَ عَمَلٍ جَذَّابَةً. تَحَدَّثَ «بِيكْلِي» فِي «جُوهَانْسبورغ» عَنْ هِجْرَةِ نَحْوِ ۲۳ أَلْفاً مِنْ أَسَاتِذَةِ الجَامِعَاتِ وَالعُلَمَاءِ الأَفَارِقَةِ سَنَوِيّاً مِنْ بُلْدَانِهِمْ إِلَى الغَرْبِ وَفَقَدَتْ جَامِعَتَانِ فِي البَلَدِ الإِفْرِيقِيِّ الغَرْبِيِّ السِّنِغَالِ نَحْوَ ۱۰۵ أَسَاتِذَةَ خِلالَ السَّنَوَاتِ القَلِيلَةِ المَاضِيَةِ بِسَبَبِ الهِجْرَةِ الجَمَاعِيَّةِ لِلْعُقُولِ، وَيَقُولُ السِّكِرتِيرُ العَامُّ لاتِّحَادِ أَسَاتِذَةِ الجَامِعَاتِ المُسْتَقِلِّ مِنْ مَقَرِّهِ فِي دَاكَارَ: إِنَّنَا لانَلُومُ زُمَلاءَنَا عَلَى سَعْيِهِمْ وَتَطَلُّعِهِمْ نَحْوَ مَوَاقِعِ العَمَلِ الجَذَّابَةِ، بَلْ إِنَّنَا نَحْسُدُهُمْ لأَنَّهُمْ يَنَالُونَ فِي الخَارِجِ إِمكَانَاتِ بَحْثٍ جَيِّدَةٍ وَشُرُوطَ حَيَاةٍ أَفْضَلَ، لِلْأَسَفِ فَإِنَّ جَامِعَاتِ إِفْرِيقِيَا تُقَدِّمُ لِلْغَربِ أَفْضَلَ أَسَاتِذَتِهَا مِنْ ذَوِي الخُبْرَةِ.

۶ـ آفريقا مغزهاى روشنفكر خود را از دست مى‌دهد.

آفريقا ساليانه هزاران نفر از مغزهاى روشنفكر خود را از ميان اساتيد دانشگاهها و ديگران از دست مى‌دهد. زيرا دانشگاههاى آمريكايى و اروپايى براى آنان مراكز تحقيق و موقعيت‌هاى جذاب كارى را فراهم مى‌كنند. «بيكلى» در «ژوهانسبورگ» از مهاجرت ساليانه حدود ۲۳ هزار نفر از اساتيد دانشگاهها و دانشمندان آفريقايى از كشورهايشان به غرب سخن گفت (و افزود): دو دانشگاه در كشور سنگال واقع در

غرب آفریقا تاکنون حدود ۱۰۵ نفر از اساتید خود را در طی چند سال گذشته به دلیل مهاجرت دسته جمعی مغزها از دست داده است. دبیرکل اتحادیه‌ی مستقل اساتید دانشگاهها که مقر آن در «داکار» است می‌گوید: «ما همکارانمان را به دلیل تلاش و نگرششان به موقعیت‌های جذاب کاری ملامت نمی‌کنیم. بلکه به آنان حسد می‌بریم زیرا آنها در خارج به امکانات خوبِ تحقیق و شرایط زندگی بهتر دست می‌یابند». متأسفانه دانشگاههای آفریقا بهترین اساتید متخصص خود را به غرب تقدیم می‌کنند.

فَقَدَ ـِ فَقْداً وَفِقْدَاناً وَفُقْدَاناً هُ: او را از دست داد. **تَفْقِدُ** از دست می‌دهد.
العُقُولُ النَّيِّرَة: مغزهای روشنفکر.
وَفَّرَ الشَّيءَ: آن چیز را فراهم کرد. **تُوَفِّرُ** فراهم می‌کند.
تَحَدَّثَ عَنْ...: در باره‌ی ... سخن گفت.
الأَفَارِقَة: مف: الإِفْرِيقيّ: آفریقایی.
الهِجْرَةُ الجَمَاعِيَّةُ لِلْعُقُولِ: مهاجرت دسته جمعی مغزها.
السِّكرتِيرُ العَامّ: دبیرکل.
اِتِّحَادُ أَسَاتِذَةِ الجَامعَاتِ المُسْتَقِلُّ: اتحادیه‌ی مستقل اساتید دانشگاهها.
التَّطَلُّع: نگرش.
مَواقِعُ العَمَلِ الجذَّابَةُ: موقعیت‌های کاری جذاب.
حَسَدَ ـُ حَسَداً وَحَسَادَةً هُ: به او حسادت ورزید. **نَحْسُدُهُمْ:** بر آنان حسد می‌بریم.
نَالَ يَنَالُ نَيْلاً: دست یافت، نایل شد.
يَنَالُونَ إِمكَانَاتِ بَحْثٍ جَيِّدَةٍ: به امکانات خوبِ تحقیق دست می‌یابند.
ذَوِي الخِبْرَة: دارندگان مهارت، متخصصان.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَاذَا تَفْقِدُ إِفْرِيقِيَا؟ ۲ـ مَاذَا تُوَفِّرُ لَهُمْ الجَامِعَاتُ الأَمْرِيكِيَّةُ؟ ۳ـ مَاذَا يَقُولُ

السِّكرِتيرُ العَامُّ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ سالیانه تعدادی از اساتید دانشگاهها به غرب مهاجرت می‌کنند. ۲ـ دانشگاهی در کشور سنگال تعدادی از اساتید خود را از دست داد. ۳ـ آنها همکارانشان را ملامت نمی‌کنند بلکه به آنان حسد می‌برند.

۷ـ المُدْمِنُونَ عَلَى المُخَدِّرَاتِ وَهُمْ فِي الأَرْحَامِ.

كَشَفَتِ البُحُوثُ الطِّبِّيَّةُ أنَّ عَدَداً مُتَزَايِداً مِنَ الأَطْفَالِ يُولَدُونَ مُدْمِنِينَ لِلْمُخَدِّرَاتِ بِسَبَبِ اسْتِخْدَامِ أُمَّهَاتِهِمْ لِهَذِهِ المَوَادِّ غَيْرِ المَشْرُوعَةِ خِلالَ فَتْرَةِ الحَمْلِ. قَالَ خَبِيرُ صِحَّةِ الأَطْفَالِ الدُّكتُورُ «هَارف»: إنَّ مَا لايَقِلُّ عَنْ وَاحِدٍ مِنْ بَيْنِ كُلِّ ثَمَانِيَةٍ مِنَ الأَطْفَالِ فِي بِرِيطَانِيَا يُولَدُ مُدْمِناً لِلْحَشِيشِ، وتَكْشِفُ الاِخْتِبَارَاتُ تَعَرُّضَ أَعدَادٍ مُتَزَايِدَةٍ مِنَ الأَطْفَالِ الحَدِيثِي الْوِلادَةِ إلَى مُخدِّرَاتٍ مِنَ الدَّرَجَةِ الأُولَى مِثْلِ العِقَارَاتِ المُهَدِّئَةِ غَيْرِ المَسْمُوح قَانُوناً الحُصُولُ عَلَيْهَا، وَالَّتِي مِنْهَا الكُوكَايِينُ، والهِيرُوِينُ وَحَذَّرَ الاِتِّحَادُ الوَطَنِيُّ لِلْوِقَايَةِ مِنَ المُخَدِّرَاتِ مِنْ أَنَّ الأَطْفَالَ المَوْلُودِينَ لأُمَّهَاتٍ يَتَعَاطَيْنَ الحَشِيشَ هُمْ أَكْثَرُ بِعَشْرِ مَرَّاتٍ مِنْ غَيْرِهِمْ عُرْضَةً لِلإِصَابَةِ بِبَعْضِ أَنْوَاعِ «اللُّوكِيمِيَا»، وَيَقُولُ الدُّكتُورُ «مَارْكُوفِيتْش» مُحَرِّرُ المَجَلَّةِ العِلْمِيَّةِ لِطِبِّ الأَطْفَالِ وَالنَّاطِقُ بِاسْمِ الكُلِّيَّةِ المَلَكِيَّةِ لِطِبِّ الأَطْفَالِ: مِنْ سُوءِ الحَظِّ أَنَّ هَذَا الأَمْرَ شَاعَ فِي بِرِيطَانِيَا خِلالَ العَقْدِ المَاضِي، وَقَدْ وَصَلَ الآنَ إِلَى أَسْوَأ وَضْعٍ.

۷ـ معتادان به مواد مخدر که در رحم مادران هستند.

تحقیقات پزشکی نشان داده که تعداد روز افزونی از کودکان به دلیل استفاده‌ی

مادرانشان در دوران بارداری از این موادِ غیر مجاز، معتاد متولد می‌شوند. دکتر «هارف» کارشناس بهداشت کودکان اظهار داشت: حداقل، یک هشتم از کودکان بریتانیا معتاد به حشیش متولد می‌شوند. آزمایشات، نشان می‌دهد تعداد روزافزونی از کودکانِ تازه متولد شده در معرض مواد مخدر از نوع درجه‌ی یک مانند گیاهان آرام‌بخش همچون کوکایین و هروئین که دستیابی به آنها غیر مجاز است، قرار دارند. اتحادیه‌ی ملی پیشگیری از مواد مخدر هشدار داد کودکان متولد شده از مادرانی که حشیش می‌کشند ده برابر بیشتر از دیگران در معرض برخی از انواع «لوکیمیا» هستند. دکتر «مارکوویچ» عضو هیأت تحریریه‌ی مجله‌ی علمی طب کودکان و سخنگوی دانشکده‌ی سلطنتی طب کودکان اظهار داشت: این امر از بدشانسی، در دهه‌ی گذشته در بریتانیا شایع بوده و اکنون به بدترین وضع رسیده است.

أَدْمَنَ عَلَى...: به ... اعتیاد داشت.
مُدْمِنُونَ عَلَى ...: معتادان به... ؛ **مُدْمِناً لِلْحَشِيشِ**: معتاد به حشیش.
البُحُوثُ الطِّبِّيَّةُ: مف: البَحْثُ الطِّبِّيُّ: تحقیق پزشکی.
العَدَدُ المُتَزَايِدُ: تعداد روبه افزایش.
وَلَدَ يَلِدُ وِلادَةً: بدنیا آورد. **يُولَدُونَ**: متولد می‌شوند.
غَيْرُ المَشْرُوعَةِ: غیر قانونی.
فَتْرَةُ الحَمْلِ: دوران بارداری.
الخَبِير: کارشناس؛ ج: خُبَراء.
صِحَّةُ الأَطْفَالِ: بهداشت کودکان.
الحَدِيثِي الْوِلادَةِ: تازه متولد شدگان.
العِقَارَاتُ المُهَدِّئَة: مف: العِقَارُ المُهَدِّیء: گیاه آرام‌بخش.
غَيْرُ المَسْمُوحِ: غیر مجاز.
الحُصُولُ عَلَى...: دستیابی به ...
حَذَّرَهُ: به او هشدار داد، او را برحذر داشت. **يُحَذِّرُ**: هشدار می‌دهد، برحذر می‌دارد.
الاِتِّحَادُ الوَطَنِيّ: اتحادیه‌ی ملی (میهنی).
الوِقَايَةُ مِنَ المُخَدِّرَاتِ: پیشگیری از مواد مخدر.

تـعَاطَى الشَّـيءَ: بـدان چـيز پـرداخت.
يَتَعَاطَيْنَ الحَشِيشَ: حشيش مـى‌كشند، به كشيدن حشيش مى‌پردازند.
عُرْضَةً لِلإِصَابَةِ بِـ...: در معرض ابتلا به ...
المُحَرِّرُ: عضو هيأت تحريريه.
النَّاطِقُ بِاسْمِ الكُلِّيَّةِ المَلَكِيَّةِ: سخنگوى دانشكده سلطنتى.
سُوءُ الحَظِّ: بد شانسى.
العَقْدُ المَاضِي: دهه‌ى گذشته.
أَسْوَأُ الوَضْعِ: بدترين وضع.

□ **تمرين**

الف) به سؤالات زير پاسخ دهيد:

۱ـ لِمَاذَا يُولَدُ الأطفال مُدْمِنينَ لِلْمُخَدِّرَاتِ؟ ۲ـ مَا هِيَ نِسْـبَةُ الإِدْمَـانِ بَـيْنَ الأَطْـفَالِ الحَدِيثِي الْوِلادَةِ فِي بِرِيطَانِيَا؟ ۳ـ مَنْ أَكْثَرُ عُرْضَةً لِلإِصَابَةِ بِبَعْضِ أَنْوَاعِ اللُّوكِيمِيَا؟

ب) ترجمه كنيد:

۱ـ تعداد روزافزونى از كودكان، معتاد متولد مى‌شوند. ۲ـ اتحاديه‌ى ملى پيشگيرى از مواد مخدر هشدار مى‌دهد. ۳ـ اعتياد در سال گذشته در بريتانيا شايع بوده است.

۸ـ الرَّاحَةُ فِي الفِرَاشِ لَيْسَتْ دائماً الأَفْضَلَ لِلشِّفَاءِ.

ذَكَرَ أَطِبَّاءُ أُسْتُرَالِيُّونَ: أَنَّ الرَّاحَةَ فِي الفِرَاشِ قَدْ لاتَكُونُ دائماً عِـلاجاً مُفِيداً وَيُمْكِنُ في بَعْضِ الحَالاتِ أَنْ تُؤَخِّرَ الشِّفَاءَ أَوْ رُبَّمَا تُؤْذِي المَرِيضَ. وَقَدْ كَتَبَ البُرُوفِيسُورُ «دِيل» وبَاحِثُونَ فِي جَامِعَةِ «كُوينزيلاند» الطِّبِّيَّةِ فِي أُسْتُرَالِيَا ۳۹ دِرَاسَةً مَنْشُورَةً لِتَقْوِيمِ فَـوَائِـدِ وَأَضْـرَارِ الرَّاحَـةِ فِـي الفِـرَاشِ لِخَمْسَ عَشْرَةَ حَالَةً طِبِّيَّةً مُخْتَلِفَةً. وَقَالُوا فِـي دِرَاسَـةٍ نُشِـرَتْ فِـي مَـجَلَّةِ «لانست» الطِّبِّيَّةِ: «في ۲۴ تَجْرِبَةً بِشَأْنِ الرَّاحَةِ في الفِرَاشِ بَعْدَ إِجرَاءٍ طِبِّيٍّ لَمْ تَتَحَسَّنِ النَّتَائِجُ بِشَكْلٍ مَلْمُوسٍ وَسَاءَتْ حَالاتُ ثَمَانِيَةِ أَشْخَاصٍ بِشَكْلٍ

مَلْحُوظٍ. وَكَشَفَتْ تَجَارِبُ أُخْرَى النِّقَابَ عَنْ أَنَّ حَالاتِ المَرْضَى المُصَابِينَ بِأَلَمٍ حَادٍّ فِي أَسْفَلِ الظَّهْرِ وَالمَخَاضِ وَالأَزْمَةِ القَلْبِيَّةِ وَٱلْتِهَابِ الكَبِدِ لَمْ تَتَحَسَّنْ بَعْدَ الرَّاحَةِ فِي الفِرَاشِ. وَفِي إِحْدَى الدِّرَاسَاتِ اِتَّضَحَ أَنَّ النِّسَاءَ اللَّائِي يَلْزَمْنَ الفِرَاشَ فِي المَرْحَلَةِ الأُولَى مِنَ المَخَاضِ تَكُونُ حَالَتُهُنَّ أَسْوَأَ مِنَ النِّسَاءِ اللَّائِي يَبْقَيْنَ فِي حَالَةِ حَرَكَةٍ طِوَالَ تِلْكَ المَرْحَلَةِ وَأَضَافُوا: «بِوَجْهٍ عَامٍّ لَمْ يَظْهَرْ دَلِيلٌ عَلَى أَنَّ الرَّاحَةَ فِي الفِرَاشِ لَهَا أَيُّ تَأْثِيرٍ مُفِيدٍ بِشَكْلٍ مَلْمُوسٍ عِنْدَ ٱسْتِخدَامِهَا كَعِلاجٍ أَوْ عِنْدَ اللُّجُوءِ إِلَيْهَا بَعْدَ الجِرَاحَةِ وَبِالْفِعْلِ بَدَتْ ضَارَّةً فِي بَعْضِ الأَمْرَاضِ».

۸ـ استراحت در بستر همیشه برای بهبودی سودمند نیست.

پزشکان استرالیایی اظهار داشتند: استراحت در بستر ممکن است همیشه درمان سودمندی نباشد. و در برخی حالات ممکن است بهبودی را به تأخیر اندازد و یا ممکن است به بیمار آسیب برساند. پروفسور «دیل» و محققانِ دانشگاه پزشکی «کانزیلند» در استرالیا ۳۹ تحقیق منتشر شده را به منظور ارزیابی فواید و زیانهای استراحت در بستر برای پانزده حالت مختلف طبی به رشته‌ی تحریر درآورده‌اند. در یک تحقیق که در مجله‌ی پزشکی «لانست» منتشر شده اظهار داشتند: پس از معاینه‌ی طبی، نتایج ۲۴ آزمایش در ارتباط با استراحت در بستر، به شکل ملموس بهتر نشد و وضعیت ۸ نفر به صورت قابل ملاحظه‌ای بدتر شد. آزمایش‌های دیگر نشان داد که وضعیت بیماران مبتلا به درد شدید ناحیه‌ی تحتانی پشت، درد زایمان، حمله‌های قلبی و التهاب کبد بعد از استراحت در بستر بهبود نیافت. در یکی از تحقیقات مشخص شد زنانی که در مرحله‌ی اول درد زایمان، در بستر می‌آرمند از کسانی که در همان مرحله حرکت طولانی دارند، وضعیت بدتری دارند. آنها افزودند: به طور کلی دلیلی وجود نداشت که نشان دهد استراحت در بستر، تاثیر سودمندی به

صورت ملموس به عنوان درمان، دارد و یا اینکه پس از جراحی بتوان از آن بهره جست. و عملاً در برخی از بیماریها زیان آور بنظر می‌رسید.

الفِرَاش: بستر؛ ج: أَفْرِشَة و فُرُش.
أَخَّرَهُ: آن را به تأخیر انداخت. **تُؤَخِّرُ الشِّفَاءَ:** بهبودی را به تأخیر می‌اندازد.
آذَاهُ: او را اذیت کرد. **تُؤْذِي:** اذیت می‌کند، آسیب می‌رساند.
البَاحِثُونَ: مف: الباحِث: محقق.
رَاجَعَهُ: آن را بررسی کرد، به آن مراجعه کرد.
الدِّرَاسَةُ المَنْشُورَة: تحقیقِ منتشر شده.
التَّقْوِيم: ارزیابی.
نَشَرَ ـُـ نَشْراً هُ: آن را منتشر کرد. **نُشِرَتْ:** منتشر شد.
الإِجرَاءُ الطِّبِّيُّ: معاینه‌ی پزشکی.
تَحَسَّنَ: بهتر شد. **لَمْ تَتَحَسَّنِ النَّتَائِجُ:** نتایج، بهتر نشد.
سَاءَ ـُـ سَوَاءً و سَوْأً الشَّيءُ: بد شد.
بِشَكْلٍ مَلْحُوظٍ: به صورت قابل ملاحظه.
كَشَفَ ـِـ كَشْفاً النِّقابَ عَنْ ...: از ... پرده برداشت.
المَرْضَى المُصَابِينَ بِـ...: بیماران مبتلا به ...
الأَلَمُ الحَادّ: درد شدید.
أَسْفَلُ الظَّهرِ: ناحیه تحتانی پشت.
المَخَاض: درد زایمان.
الأَزْمَةُ القَلْبِيَّة: ناراحتی قلبی.
اِتَّضَحَ: معلوم شد.
أَسْوأ: بدتر.
لَزِمَ ـَـ لُزوماً وَلِزَاماً الفِرَاشَ: بستری شد.
يَلْزَمْنَ الفِرَاشَ: بستری می‌شوند.

☐ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ هَلِ الرَّاحَةُ فِي الفِرَاشِ تَكُونُ عِلاجاً مُفِيداً دَائِماً؟ ۲ـ كَمْ تَجْرِبَةً ذَكَرَتْهَا مَجَلَّةُ «لانست» الطِّبِّيَّةُ؟ ۳ـ هَلْ تَتَحَسَّنُ حَالاتُ المَرْضَى المُصَابِينَ بِالأَزْمَةِ القَلْبِيَّةِ بَعْدَ

الرَّاحَةِ فِي الفِرَاشِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ استراحت در بستر اغلب بهبودی را به تأخیر می‌اندازد. ۲ـ ما مبتلا به درد شدید ناحیه‌ی تحتانی پشت و التهاب کبد هستیم.۳ـ دلیلی وجود ندارد که استراحت در بستر، تاثیر مفیدی دارد.

۹ـ الخَسُّ

يُعْتَبَرُ الخَسُّ مِنَ الخَضَارِ المُفَضَّلَةِ لِفَوَائِدِهِ الغِذَائِيَّةِ وَالطِّبِّيَّةِ العَدِيدَةِ. وَتَحْتَوِي أَوْرَاقُ الخَسِّ الخَضْرَاءُ عَلَى مَوَادَّ غِذَائِيَّةٍ غَنِيَّةٍ جِدّاً، فَهِيَ بِسَبَبِ تَعَرُّضِهَا لِلْهَوَاءِ وَالْمَطَرِ وَالشَّمْسِ تَحْتَفِظُ بِنِسْبَةٍ عَالِيَةٍ مِنَ الكُلُورُوفِيلِ فِي دَاخِلِهَا. وَيَلْعَبُ الخَسُّ دَوْراً مُهِمّاً في عَمَلِيَّةِ التَّنْظِيمِ الغِذَائِيِّ بِمَا يَحْتَوِيهِ مِنْ فِيتَامِينَاتٍ كَثِيرَةٍ لاسِيَّمَا فِيتَامِينَ «B» المُسَاعِدَ فِي تَخْفِيفِ نِسْبَةِ الكُلُسْتُرُولِ فِي الجِسْمِ. وَتُعْتَبَرُ سَلَطَةُ الخَسِّ الَّتِي تُمْكِنُ إِضَافَةَ الطَّمَاطِمِ وَالخِيَارِ وَالجَزَرِ وَالزَّيْتُونِ إِلَيْهَا، نَوْعاً مِنَ الأَطْعِمَةِ العَالَمِيَّةِ المُتَعارَفِ عَلَيْهَا وَهِيَ مُفِيدَةٌ جِدّاً لِلْمَعِدَةِ. وَأَخِيراً فَالْخَسُّ هُوَ أَفْضَلُ طَعَامٍ مُزِيلٍ لِرَائِحَةِ الفَمِ.

۹ـ کاهو

کاهو به دلیل فواید غذایی و طبی فراوان، یکی از سبزیجات مورد علاقه به شمار می‌رود. برگهای سبز کاهو مواد غذایی سرشاری دارند و به دلیل اینکه در معرض هوا، باران و خورشید قرار دارد مقدار زیادی کلروفیل را در خود حفظ می‌کند و با توجه به اینکه ویتامینهای زیادی مخصوصاً ویتامین (B) را در خود دارد که به کاهش کلسترل در بدن کمک می‌کند ـ نقش مهمی در فرایند تنظیم غذا بازی می‌کند. سالاد کاهو که می‌توان گوجه فرنگی، خیار، هویج، و زیتون را بدان افزود، به عنوان یک

غذای جهانی متداول به شمار می‌رود و برای معده بسیار سودمند است. و نهایتاً کاهو بهترین غذای از بین برنده‌ی بوی (بد) دهان است.

الخَسّ: مف: الخَسَّة: کاهو.
الخَضَارُ المُفَضَّلَة: سبزیجات مورد علاقه (ترجیح داده شده).
العَدِيدَة: بی‌شمار.
اِحْتَوَى عَلَى ...: چیزی را ... دربرداشت.
تَحْتَوِي عَلَى ...: چیزی را ... دربردارد.
أَوْرَاقُ الخَسِّ الخَضْرَاءُ: برگهای سبز کاهو.
التَّعَرُّضُ لِلْهَواء: در معرض هوا بودن.
احْتَفَظَ بِـ...: حفظ کرد. **تَحْتَفِظُ بِـ...**: حفظ می‌کند.
سَلَطَةُ الخَسِّ: سالاد کاهو.
الطَّمَاطِم: مف: الطُّمَاطَة: گوجه فرنگی.
الجَزَر: مف: الجَزَرَة: هویج.
المُزِيلُ لِرَائِحَةِ الفَمِ: از بین برنده بوی (بد) دهان.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا يُعْتَبَرُ الخَسُّ مِنَ الخَضَارِ المُفَضَّلَةِ؟ ۲ـ مَاذَا تَحْتَوِي أَوْرَاقُ الخَسِّ الخَضْرَاءُ؟ ۳ـ لِمَاذَا يَلْعَبُ الخَسُّ دَوْراً مُهِمّاً في عَمَلِيَّةِ التَّنْظِيمِ الغِذَائِيِّ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ خاصیت برگهای سبز کاهو چیست؟ ۲ـ ویتامینهای کاهو به کاهش کلسترل در بدن کمک می‌کنند. ۳ـ چرا سالاد کاهو برای معده سودمند است؟

۱۰ـ لَمْ يُطْرِبِ الضُّيُوفُ لِصَوْتِهِ فَأَطْلَقَ النَّارَ عَلَيْهِم.

ذَكَرَ مَصْدَرٌ فِي الشُّرْطَةِ المِصْرِيَّةِ: أَنَّ مُغَنِّياً مِصْرِيّاً دُعِيَ لِإِحيَاءِ حَفْلِ زَفَافٍ فِي ضَاحِيَةِ القَاهِرَةِ أَصَابَ بِالرَّصَاصِ سِتَّةً مِنَ المَدْعُوِينَ الَّذينَ لَمْ

يَرُقْ لَهُمْ صَوْتُهُ. وَبَدَأَ قُطْبُ بِالغِنَاءِ عِنْدَمَا قَاطَعَهُ الحُضُورُ بِصَيْحَاتِ الاِسْتِنْكَارِ إِذْ وَجَدُوا أَنَّ صَوْتَهُ لايُطَاقُ. «وَبَعْدَ أَنْ رَفَضَ النُّزُولَ مِنَ المَسْرَحِ بِالرَّغْمِ مِنْ إِصْرَارِ الحُضُورِ أَخْرَجَ مُسَدَّساً وَأَطْلَقَ النَّارَ عَلَى المَدْعُوِينَ فَأَصَابَ سِتَّةً بِجُرُوحٍ وَهَرَبَ العَرُوسَانِ. فَنُقِلَ الجَرْحَى إِلَى المُسْتَشْفَى وَأُوقِفَ المُغَنِّي فَقَالَ لِلشُّرْطَةِ: إِنَّ غَضَباً كَبِيراً انْتَابَهُ لأَنَّهُ أَحَسَّ بِأَنَّ فَنَّهُ أُهِينَ.

۱۰ـ مهمانان از صدای او به وجد نیامدند، او هم به سوی آنها تیراندازی کرد.

یک منبع (مطلع) در (اداره‌ی) پلیس مصر اظهار داشت: یک خواننده‌ی مصری که برای برپایی جشن عروسی در اطراف قاهره دعوت شده بود، شش نفر از مهمانان را که از صدای او خوششان نیامده بود با گلوله زد. وقتی که حاضران صدای او را قابل تحمل ندانستند، با فریادهای اعتراض‌آمیز، آواز او را قطع کردند، اما قطب همچنان به آواز خود ادامه داد. وی پس از آنکه با اصرار حضار، حاضر نشد از سِن پایین بیاید هفت‌تیری را بیرون کشید و به سوی مهمانان تیر اندازی کرد، و شش نفر را مجروح کرد و عروس و داماد گریختند. سپس مجروحان بـه بـیمارستان مـنتقل شـدند و آوازخوان بازداشت شد. او به پلیس گفت: دچار عصبانیت شدیدی شده زیرا احساس کرده به هنرش اهانت شده است.

أَطْرَبَهُ: او را به طرب آورد. **لَمْ يُطْرَب:** به وجد و طرب نیامد.

الضُّيُوف: مف: الضَّيْف: میهمان.

أَطْلَقَ النَّارَ عَلَى ... : بـه سـوی ... تیراندازید.

دَعَا ـُ دُعَاءً وَدَعْوىً: دعوت کرد، دعا کرد. **دُعِيَ:** دعوت شد.

أَحْيَاهُ: آن را برپا کرد، زنده کرد. **إِحيَاء:** برپایی.

حَفْلُ الزَّفَاف: جشن عروسی.

الضَّاحِيَة: اطراف؛ ج: ضَواحِي.

أَصَابَ بِالرَّصَاصِ: با گلوله زد.

رَاقَ ـُ رَوْقاً هُ الشَّيءُ: از آن چیز خوشش آمد، خوشایندش بود. **لَمْ يَرُقْ لَهُمْ صَوْتُهُ**: صدای او برایشان خوشایند نبود.

قَاطَعَهُ: (کلام) او را قطع کرد، او را تحریم کرد.

الحُضُور مف: الحَاضِر: موجود، حاضر.

الصَّيْحَات: مف: الصَّيْحَة: فریاد.

اِسْتَنْكَرَهُ: آن را ناپسند شمرد، محکوم کرد. **الاِسْتِنْكَارِ**: ناپسند شمردن، محکوم کردن.

أَطَاقَهُ: آن را تحمل کرد، بر آن قادر بود.

لايُطَاقُ: قابل تحمل نیست.

المَسْرَح: سِن در تئاتر.

المُسَدَّس: هفت تیر (این واژه در اصل به معنای شش تیر است).

العَروسَانِ: عروس و داماد.

نُقِلَ الجَرْحَى: مجروحان منتقل شدند.

أَوْقَفَهُ: او را بازداشت کرد. **أُوقِفَ**: بازداشت (توقیف) شد.

المُغَنِّي: آوازخوان (مذکر).

اِنْتَابَهُ: او را دچار ... کرد. **اِنْتَابَهُ غضبٌ**: او را دچار خشم کرد.

أَهَانَهُ: به او اهانت کرد. **أُهِينَ**: مورد اهانت قرار گرفت.

□ **تمرين**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا أَطْلَقَ المُغَنِّي النَّارَ عَلَى الحُضُورِ؟ ۲ـ كَمْ عَدَداً أُصِيبَ بِالرَّصَاصِ؟ ۳ـ مَاذَا فَعَلَ الحُضُورُ عِنْدَمَا لَمْ يَرُقْ لَهُمْ صَوْتُهُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ شما برای جشن عروسی دعوت شده بودید. ۲ـ چرا صدای او را قابل تحمل ندانستید؟ ۳ـ چرا دچار عصبانیت شدند؟ آیا احساس کردند به هنرشان اهانت شده است؟

۱۱ـ مَاذَا تعْرِفُ عَنِ الدُّولْفِينِ؟

اِشْتَهَرَ الدُّولْفِينُ بِأَدَاءِ الحَرَكَاتِ الأَكْرُوبَاتِيكِيَّةِ. وَلَقَدْ شُوهِدَ لِمَرَّاتٍ وَهُوَ يُنْقِذُ حَيَاةَ أَشْخَاصٍ أَشْرَفُوا عَلَى الغَرْقِ. وَقَدِ اكْتَشَفَ العُلَمَاءُ حَدِيثاً بِأَنَّ حَجْمَ مُخِّ الدُّولْفِينِ يُعَادِلُ حَجْمَ مُخِّ الإِنْسَانِ وَيَسْتَطِيعُ أَنْ يُصْدِرَ مِنْ عِنْدِهِ ۳۲ صَوْتاً مُخْتَلِفاً هِيَ وَسِيلَةٌ لِلارْتِبَاطِ فِيمَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَفْرَادِ مَجْمُوعَتِهِ. وَيُؤَكِّدُ العُلَمَاءُ عَلَى أَنَّ لِكُلِّ دُولْفِينٍ نَبَرَاتٌ صَوْتِيَّةٌ خَاصَّةٌ تَخْتَلِفُ عَنِ الدَّلافِينِ الأُخْرَى. وَيُحَدِّدُ الدُّلْفِينُ تِجَاهَهُ عَنْ طَرِيقِ إِرْسَالِ الأَصْوَاتِ وَاسْتِقْبَالِ الأَمْوَاجِ المُنْعَكِسَةِ عَنْ هَذِهِ الأَصْوَاتِ شَأْنُهُ فِي ذَلِكَ شَأْنُ طَائِرِ الخُفَّاشِ. وَقَدْ أَثْبَتَتِ الدِّرَاسَاتُ الَّتِي قَامَ بِهَا البَاحِثُونَ أَنَّهُ بِإِمْكَانِ الدُّلْفِينِ تَحْدِيدُ المَسَافَاتِ وَمَدَى صَلابَةِ الأَجْسَامِ وَحَجْمِهَا دُونَ النَّظَرِ إِلَى الأَجْسَامِ، وَالخَاصِيَّةُ جَعَلَتِ الجَيْشَ الأَمِيرْكِيَّ أَنْ يَسْتَخْدِمَ الدُّلْفِينَ لِكَشْفِ الأَلْغَامِ العَائِمَةِ عَلَى سَطْحِ البِحَارِ وَالمُحِيطَاتِ وَهُوَ الآنَ يَمْتَلِكُ بِالْفِعْلِ مَجْمُوعَةً مِنْ هَذَا الحَيَوَانِ. وَأَظْهَرَتْ نَتَائِجُ الأَبْحَاثِ عَلَى الدُّلْفِينِ بِأَنَّهُ يُرْسِلُ أَصْوَاتاً خَاصَّةً حِينَمَا يَتَعَرَّضُ لِحادِثَةٍ أَوْ إِصَابَتِهِ بِجُرُوحٍ تَتَمَكَّنُ بَقِيَّةُ الدَّلافِينِ مِنْ مَعْرِفَةِ مَغْزَى الصَّوْتِ وَتَهْرَعُ لِنَجْدَتِهِ وَنَقْلِهِ إِلَى سَطْحِ المَاءِ لإِنْقَاذِهِ مِنَ الغَرْقِ.

۱۱ـ از دلفین چه می‌دانید؟

دلفین، به اجرای حرکات آکروباتیک مشهور است. بارها دیده شده این حیوان زندگی افرادی را که در آستانه‌ی غرق شدن بوده‌اند نجات داده است. دانشمندان به تازگی کشف کرده‌اند که حجم مغز دلفین برابر با حجم مغز انسان است. دلفین می‌تواند ۳۲ صدای مختلف را منتشر کند. این صداها وسیله‌ی ارتباطی او و افراد گروه اوست. دانشمندان تاکید می‌کنند که هر دلفین تن صوتی خاصی دارد که با

دلفین‌های دیگر متفاوت است. دلفین مسیر خود را از طریق ارسال صداها و دریافت امواج منعکس شده از این صداها تعیین می‌کند. وضعیتش در این مورد همانند خفاش است. تحقیقاتی که محققان انجام داده‌اند ثابت کرده که دلفین می‌تواند فاصله‌ها و میزان سختی اجسام و حجم آنها را بدون دیدن تعیین کند. و این ویژگی، ارتش آمریکا را واداشته تا از دلفین برای کشف مین‌های شناور در سطح دریاها و اقیانوسها استفاده کند. ارتش آمریکا در حال حاضر مجموعه‌ای از این حیوان را در اختیار دارد. نتایج تحقیقات بر روی دلفین نشان داده که این حیوان هنگامی که دچار حادثه‌ای می‌شود و یا زخمی می‌گردد، امواج خاصی را ارسال می‌کند که بقیه دلفین‌ها می‌توانند مفهوم و مقصود صدا را دریابند. و برای کمک و انتقال او به سطح آب به منظور نجات او از غرق شدن بشتابند.

شَاهَدَهُ: آن را مشاهده کرد **شُوهِدَ:** مشاهده شد.
أَنـقَذَهُ : او را نجات داد. **يُنْقِذُ حَيَاةَ أَشْخَاصٍ:** زندگی افراد را نجات می‌دهد.
أَشْرَفَ عَلَى ...: نزدیک به ... بود. **أَشْرَفُوا عَلَى الغَرْقِ:** نزدیک به غرق شدن بودند.
عَادَلَهُ: با آن برابری کرد. **يُعادِلُ:** برابر است.
أَصْدَرَهُ: آن را صادر کرد. **يُصْدِرُ صَوْتاً مُخْتَلِفاً:** صداهای مختلفی را از خود صادر می‌کند.
النَّبْرَةُ الصَّوْتِيَّةُ: تن صدا.
حَدَّدَهُ: آن را تعیین کرد. **يُحَدِّدُ تجَاهَهُ:** جهتش را تعیین می‌کند.
مَدَى: میزان.
صَلابَةُ الأَجْسَامِ: سختی و سفتی اجسام.
الأَلْغَامُ العَائِمَة: مف: اللُّغْمُ العائِمُ: مین شناور.
المُحِيطَات: مف: المُحِيط: اقیانوس.
اِمْتَلَكَهُ: آن را در اختیار داشت. **يَمْتَلِكُ:** در اختیار دارد.
بِالْفِعْلِ: عملاً.
مَغْزَى الصَّوتِ: مفهوم و مقصود صدا.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ بماذا اِشْتَهَرَ الدُّولْفِينُ؟ ۲ـ كَمْ صَوْتاً يَسْتَطِيعُ أَنْ يُصْدِرَ مِنْ عِنْدِهِ؟ ۳ـ ما هِيَ الخَاصِيَّةُ الَّتِي جَعَلَتِ الجَيْشَ الأَمِيرْكِيَّ لاسْتَخْدَامِ الدُّلْفِينَ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ دانشمندان کشف کرده‌اند حجم مغز دلفین برابر با حجم مغز انسان است. ۲ـ ما مسیر را با ارسال صدا و دریافت امواج منعکس شده تعیین می‌کنیم. ۳ـ شما امواجی را ارسال می‌کنید که شنونده مفهوم و مقصود آن را درمی‌یابند.

۱۲ـ أُنْشُودةٌ بَدَلُ غَرَامَةِ السَّيْرِ.

قَرَّرَ أَحَدُ القُضَاةِ إِعْفَاءَ مخَالِفِي قَانُونِ السَّيْرِ عَنْ دَفْعِ الغَرَامَاتِ فِي نِهَايَةِ السَّنَةِ مقَابِلَ أَنْ يُنْشِدُوا أُغْنيةً لِعِيدِ المِيلادِ. وَيَشْتَهِرُ هذَا القَاضِي فِي مِنْطَقَةِ «دَافِيدسُون» بِفَرْضِ الغَرَامَاتِ عَلَى أَدْنَى مُخَالَفَةٍ لِقَانُونِ السَّيْرِ. لَكِنَّهُ أَبْدَى آسْتِعْدَادَهُ مَعَ اِقْتِرَابِ نِهَايَةِ السَّنَةِ لِيَغُضَّ نَظَرَهُ وَيَفْتَحَ أُذُنَيْهِ إِذَامَا وَافَقَ المُخَالِفُ عَلَى أَنْ يُنْشِدَ أُغْنيةً مِنْ أُغْنيَاتِ عِيدِ المِيلادِ. وَقَدْ أَعْرَبَ مُعْظَمُ السَّائِقِينَ عَنْ سُرُورِهِمْ بِالعُقُوبَةِ الجَدِيدَةِ، وَأَبْدَوْا آسْتِعْدَاداً لِلإِمْسَاكِ بِمُكَبِّرِ الصَّوْتِ. وَأَضَافَ: «وَمَعَ ذَلِكَ طَلَبْتُ مِنْهُمْ أَنْ يَقْطَعُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ عَهْداً هُوَ بِمَثَابَةِ قَرَارٍ لِلسَّنَةِ الجَدِيدَةِ بِأَلَّا يَتَخَطَّوْا الضَّوءَ الأَحْمَرَ».

۱۲ـ یک سرود به جای جریمه‌ی رانندگی.

یکی از قضات تصمیم گرفت متخلفان از قانون راهنمایی و رانندگی را در پایان سال با خواندن یک ترانه از ترانه‌های عید میلاد از پرداخت جریمه معاف کند. این

قاضی در منطقه‌ی «دافیدسون» مشهور به تحمیل جریمه با کمترین تخلف از قانون راهنمایی و رانندگی است. اما او با نزدیک شدن پایان سال، آمادگی خود را اعلام کرد که چشمش را بسته، و گوش خود را برای متخلفانی که مایلند ترانه‌ای از ترانه‌های عید میلاد را بخوانند، باز می‌کند. بیشتر رانندگان خشنودی خود را از مجازات جدید ابراز داشتند. و آمادگی خود را برای گرفتن بلندگو اعلام کردند. (این قاضی) افزود: باوجود آن از رانندگان خواسته‌ام به عنوان یک تصمیم در سال جدید با خود عهد ببندند از چراغ قرمز عبور نکنند.

قَرَّرَ أنْ ... : تصمیم گرفت که ...

الإِعْفَاء: معافیت.

مُخَالِفِي قَانُونِ السَّيْرِ: متخلفان از قانون راهنمایی و رانندگی.

دَفْعُ الغَرَامَاتِ: پرداخت جریمه‌ها.

أَنْشَدَ أُغْنيةً: یک ترانه خواند. **أَنْ يُنْشِدُوا أُغْنيةً**: که یک ترانه بخوانند.

اِشْتَهَرَ بِـ... : به ... شهرت داشت. **يَشْتَهِرُ بِـ...**: به ... شهرت دارد.

فَرْضُ الغَرَامَاتِ: تحمیل جریمه‌ها.

أَدْنَى مُخَالَفَةٍ: کمترین تخلف.

قَانُونُ السَّيْرِ: قانون راهنمایی و رانندگی.

أَبْدَى اسْتِعْدَادَهُ: آمادگی خود را اعلام کرد.

اِقْتِرَابُ نِهَايَةِ السَّنَةِ: نزدیک شدن به پایان سال.

غَضَّ ـُ غَضّاً الطَّرْفَ: چشم را بست، چشم پوشی کرد. **لِيَغُضَّ نَظَرَهُ**: تا از نظر خود چشم پوشی کند.

وَافَقَ: موافقت کرد.

العُقُوبَةُ الجَدِيدَة: مجازات جدید.

الإِمْسَاك: گرفتن.

مُكَبِّرُ الصَّوْتِ: بلندگو.

قَطَعَ عَلَى نَفْسِهِ عَهْداً: با خود عهد بست. **أَنْ يَقْطَعُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ عَهْداً**: که با خود عهد ببندند.

تَخَطَّى الضَّوءَ الأَحْمَرَ: از چراغ قرمز عبور کرد. **أَلَّا يَتَخَطَّوا الضَّوءَ الأَحْمَرَ**: که از چراغ قرمز عبور نکنند.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَا هُوَ مُقَابِلُ إِعْفَاء مخَالِفِي قَانُونِ السَّيْرِ عَنْ دَفْعِ الغَرَامَاتِ؟ ۲ـ بِماذا يَشْتَهِرُ القَاضِي؟ ۳ـ هَلْ أَعْرَبَ السَّائِقُونَ عَنْ سُرُورِهِمْ بِالعُقُوبَةِ الجَدِيدَةِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ من چشم خود را بسته، و گوشم را برای متخلفان باز می‌کنم. ۲ـ ما رانندگان خشنودی خود را از مجازات جدید ابراز می‌داریم. ۳ـ ما آمادگی خود را برای گرفتن بلندگو اعلام می‌کنیم.

۱۳ـ سَمَاءُ «تِكْسَاس» أَمْطَرَتِ الدُّولارَاتِ.

فُوجِيءَ المَارَّةُ وَسَائِقُو السَّيَّارَاتِ فِي «البَاسُو» بِوِلايَةِ «تِكْسَاس» بِكَمِّيَّاتٍ كَبِيرَةٍ مِنَ الدُّولارَاتِ تَتَطَايَرُ فَوْقَ رُؤُوسِهِمْ حِينَ رَكِبَ مُدِيرُ فَرْعٍ مِنْ فُرُوعِ سِلْسِلَةِ مَطَاعِمِ «مَكْدُونَالدز» السَّيَّارَةَ فَقَادَهَا مُسْرِعاً نَاسِياً أَنَّهُ وَضَعَ أَرْبَاحَ اليَوْمِ فَوْقَ سَقْفِ السَّيَّارَةِ. وَقَالَتِ الشُّرْطَةُ: إِنَّ مُدِيرَ الفَرْعِ الَّذِي لَمْ تَكْشِفْ عَنِ آسْمِهِ كَانَ فِي طَرِيقِهِ لِوَضْعِ النُّقُودِ فِي البَنْكِ. وَرَفَضَتِ الكَشْفَ عَنْ حَجْمِ النُّقُودِ الَّتِي تَنَاثَرَتْ فِي الهَوَاءِ وَتَكَالَبَ المَارَّةُ عَلَى الْتِقَاطِهَا. وَقَالَتْ «مَارِيَا» الَّتِي شَهِدَتِ الوَاقِعَةَ: «السَّمَاءُ كَانَتْ تُمْطِرُ الدُّولارَاتِ وَالكُلُّ كَانَ يَقْفِزُ لالْتِقَاطِهَا» وَنَسِيَ مُدِيرُ المَطْعَمِ أَنَّهُ وَضَعَ حَقِيبَتَيْنِ مَلِيئَتَيْنِ بِالدُّولارَاتِ فَوْقَ سَقْفِ سَيَّارَتِهِ وَحِينَ قَادَهَا سَقَطَتَا فَانْفَتَحَتْ وَاحِدَةٌ وَتَطَايَرَ مَا بِدَاخِلِهَا فِي الهَوَاءِ وَلَمْ يَبْقَ فِيهَا سِوَى القَلِيلِ بَعْدَ التَّمَكُّنِ مِنِ آسْتِعَادَتِهَا أَمَّا الحَقِيبَةُ الثَّانِيَّةُ فَقَدْ تَمَكَّنَتْ سَيِّدَةٌ مَجْهُولَةٌ مِنِ الْتِقَاطِهَا و الفِرَارِ بِهَا بِسَيَّارَتِهَا قَبْلَ أَنْ تَلْتَقِطَ الشُّرْطَةُ رَقَمَ سَيَّارَتِها.

۱۳ـ آسمانِ تگزاس دلار بارید.

رهگذران و رانندگان اتومبیل در شهر «باسو» در ایالت «تگزاس» (با دیدن) مقدار زیادی دلار که روی سر آنها در پرواز بود غافلگیر شدند. (قضیه از این قرار بود) که مدیر یکی از شعب رستورانهای زنجیره‌ای «مک دونالد» سوار اتومبیل شد و با سرعت به رانندگی پرداخت غافل از اینکه درآمد آن روز را روی سقف اتومبیل گذاشته است. پلیس اظهار داشت: مدیر آن شعبه ـ که نامش را ذکر نکرد ـ در مسیر حرکت به سمت بانک بود تا پولها را به بانک تحویل دهد. پلیس از اعلام مبلغ کلی پولهای پراکنده شده در هوا که عابران برای دستیابی بدان به یکدیگر حمله‌ور می‌شدند ـ خودداری کرد. «ماریا» که شاهد ماجرا بود گفت: آسمان، دلار می‌بارید و همه برای گرفتن آن می‌پریدند. مدیر رستوران فراموش کرده بود که دو کیف پر از دلار را روی سقف اتومبیل گذاشته است و پس از آنکه به رانندگی پرداخت، هردو کیف پرتاب شدند و یکی از آنها باز شد و محتویات آن در هوا پراکنده شد. پس از بازگرداندن کیف، جز مبلغ اندکی چیزی درون آن باقی نمانده بود. اما کیف دوم؛ خانم ناشناسی توانست آن را به چنگ آورد و قبل از آنکه پلیس شماره‌ی اتومبیلش را بردارد با اتومبیل خود گریخت.

فَاجَأَهُ: او را غافلگیر کرد. **فُوجِیءَ المَارَّةُ:** عابران پیاده غافلگیر شدند.

المَارَّة: مف: المَارّ: رهگذر، عابر پیاده.

سَائِقُو السَّيَّارَاتِ: مف: سَائِقُ السَّيَّارَةِ: راننده اتومبیل.

فُرُوعُ سِلْسِلَةِ المَطَاعِمِ: مف: فَرْعُ سِلْسِلَةِ المَطْعَمِ: شعبه‌ی رستوران زنجیره‌ای.

قَادَ ـُ قِيَادَةً السَّيَّارَةَ: اتومبیل را راند.

النَّاسِي: فراموش کننده.

وَضَعَ يَضَعُ وَضْعاً الشَّيءَ: آن را قرار داد.

أَرْبَاحَ: مف: الرِّبْح: سود.

وَضْعُ النُّقُودِ فِي البَنْكِ: تحویل دادن پولها به بانک.

تَنَاثَرَ فِي...: در ... پراکنده شد. **تَنَاثَرَتْ**

فِي الهَوَاءِ: در هوا پراکنده شد.
تَكَالَبَ عَلَى ...: به ... حمله‌ور شد.
الاِلْتِقَاط: دستیابی، به چنگ آوردن، برداشتن.
شَهِدَ ـَ شَهَادَةً الوَاقِعَةَ: شاهد ماجرا بود.
أَمْطَرَتِ السَّماءُ: آسمان باران بارید.
كَانَتْ تُمْطِرُ الدُّولارَاتِ: بارانِ دلار می‌بارید.
قَفَزَ ـِ قَفْزاً: پرید. **كَانَ يَقْفِزُ**: می‌پرید.
مُدِيرُ المَطْعَمِ: مدیر رستوران.
وَضَعَ الحَقِيبَتَيْنِ فوقَ... : دو کیف را روی ... قرار داد.
انْفَتَحَتْ: باز شد.
تَطَايَرَ فِي الهَوَاءِ: در هوا در پرواز بود.
بَقِيَ ـَ بَقَاءً: باقی ماند. **لَمْ يَبْقَ**: باقی نماند.
بَعْدَ التَّمَكُّنِ مِنِ اسْتِعَادَتِهَا: پس از برگرداندن آن.
السَيِّدَةُ المَجْهُولَةُ: خانم ناشناس.
تَمَكَّنَ مِنْ...: توانست.

□ **تمرين**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ أَيْنَ وُضِعَتْ أَرْبَاحُ ذَلِكَ اليَوْمِ؟ ۲ـ هَلْ أُعْلِنَ حَجْمُ النُّقُودِ الَّتِي تَنَاثَرَتْ فِي الهَوَاءِ؟ ۳ـ مَاذَا حَدَثَ لِلْحَقِيبَةِ الثَّانِيَّةِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ مدیر این شعبه می‌خواهد پولها را به بانک تحویل دهد. ۲ـ من فراموش کردم پولها را داخل اتومبیل بگذارم. ۳ـ کیف‌ها را پرتاب کردم ولی یکی از آنها باز شد.

۱۴ـ عَبَدَةُ الشَّيْطَانِ قَتَلُوا شَابَّةً لِوَقْفِ الزِّلْزَالِ.

ذَكَرَتِ الصُّحُفُ التُّرْكِيَّةُ أَنَّ ثَلاثَةَ أَتْرَاكٍ مِنْ عَبَدَةِ الشَّيْطَانِ قَتَلُوا شَابَّةً وَقَدَّمُوهَا ضَحِيَّةً بَشَرِيَّةً لِتَهْدِئَةِ الشَّيطَانِ وَوَقْفِ الهَزَّاتِ الاِرْتِدَادِيَّةِ الَّتِي هَزَّتْ شَمَالَ غَرْبِ تُرْكِيَا مُنْذُ الزِّلْزَالِ العَنِيفِ فِي ۱۷ (آب /أُغُسْطُس)

المَاضِي. وَٱلْتَقَى «جِيلِيک ۲۳ عَاماً» وَ«أَصْلان ۱۸ عَاماً» وَصَدِيقَتُهُ «زينور ۱۹ عَاماً» بِـ«سحريبان ۲۱ عَاماً» فِي مَطْعَمٍ، لَيْلَ ۱۳ (أَيْلُول /سِبْتَمْبِر) الحَالي وَٱقْتَادُوهَا إِلَى مَقْبَرَةِ «أورتَاكوي» فِي القِسْمِ الأُورُوبِّيِّ مِنْ إِسْطَنْبُولَ. وَأَوْضَحَتِ الصُّحُفُ أَنَّ الثَّلاثَةَ طَعَنُوا الشَّابَةَ بِالسِّكِّينِ وَقَتَلُوهَا بِضَرْبِ الْفَأْسِ عَلَى رَأْسِهَا. وَأَوْضَحَتِ الشُّرْطَةُ أَنَّ جُثَّةَ الشَّابَّةِ طُمِرَتْ جُزْئِيّاً فِي المَقْبَرَةِ. وَقَالَ «زَعِيمُ» المَجْمُوعَةِ «أَصْلانُ» الَّذِي أَوْرَدَتْ تَصْرِيحَهُ صَحِيفَةُ «حُرِّيَت»: إِنَّهُ قَرَّرَ قَتْلَ الفَتَاةِ بَعْدَ هَزَّةٍ ٱرْتِدَادِيَّةٍ قَوِيَّةٍ بَلَغَتْ قُوَّتُهَا ۵/۸ دَرَجَةً عَلَى مِقْيَاسِ رِيشْتِرِ حَيْثُ ضَرَبَتْ شَمَالَ غَرْبِ تُرْكِيَّا وَأَسْفَرَتْ عَنْ سُقُوطِ سَبْعَةِ قَتْلَى عَلَى الأَقَلِّ. وَأَظْهَرَتْ حَصِيلَةٌ رَسْمِيَّةٌ مُؤَقَّتَةٌ أَنَّ زِلْزَالَ (آب / أُغُسْطُس) الَّذِي بَلَغَتْ قُوَّتُهُ ۷/۸ دَرَجَةً عَلَى مِقْيَاسِ رِيشْتِرِ أَسْفَرَ عَنْ سُقُوطِ ۱۵۶۰۰ قَتِيلٍ. وَقَالَ «أَصْلان» وَهُوَ طَالِبٌ فِي كُلِّيَّةِ السِّيَاحَةِ: إِنَّ التَّضْحِيَةَ بِرُوحٍ بَشَرِيَّةٍ ضَرُورِيَّةٌ لِتَهْدِئَةِ الشَّيْطَانِ الَّذِي أَبْلَغَهُ أَنَّ الهَزَّةَ الإِرْتِدَادِيَّةَ فِي ۱۳ (أَيْلُول / سِبْتَمْبِر) كَانَتِ التَّحْذِيرَ الأَخِيرَ. تُفِيدُ الصُّحُفُ: أَنَّ عِبَادَةَ الشَّيطَانِ رَائِجَةٌ فِي صُفُوفِ المُهَمَّشِينَ فِي «إِسْطَنْبُولَ» وَأَنَّهُمْ يُقِيمُونَ بَرَامِجَهُمْ فِي مَخْزَنٍ مَهْجُورٍ فِي حَيِّ «أَتَاكوي» السَّكَنِيِّ.

۱۴ـ شیطان پرستان به منظور توقف زلزله یک دختر جوان را به قتل رساندند.

روزنامه‌های ترکیه اظهار داشتند: سه شیطان پرستِ تُرک یک دختر جوان را به قتل رساندند و او را به عنوان یک قربانی انسانی برای آرام کردن شیطان و توقف پس‌لرزه‌ها به دنبال زلزله‌ی شدیدی که شمال غرب ترکیه را در هفدهم آگست گذشته تکان داد ـ تقدیم کردند. «جیلیک ۲۳ ساله» و «اصلان ۱۸ ساله» و دوست دخترش «زینور ۱۹ ساله» با «سحریبان ۲۱ ساله» در یک سالن غذاخوری در شب سیزدهم سپتامبر کنونی دیدار کردند و آن دختر را به قبرستان «اورتاکوی» در بخش اروپایی

استانبول کشاندند. این روزنامه‌ها اظهار داشتند: این سه جوان، دختر مذکور را با کارد مورد حمله قرار دادند و با زدن تبر بر سرش او را به قتل رساندند. پلیس اظهار داشت: جسد این دختر جوان در قبرستان به صورت جزئی دفن شده است. «اصلان» سردسته‌ی این گروه که روزنامه‌ی «حریت» اظهاراتش را ذکر کرده، گفت: وی پس از پس لرزه‌ای قوی ـ که شدتش ۵/۸ درجه در مقیاس ریشتر بود و شمال غرب ترکیه را لرزاند و منجر به کشته شدن حداقل ۷ نفر شد ـ تصمیم به قتل این دختر جوان گرفت. نتیجه‌ی رسمی موقت حاکی از آن بود که زلزله‌ی ماه آگست که شدت آن به ۷/۸ درجه در مقیاس ریشتر می‌رسید، منجر به کشته شدن ۱۵۶۰۰ نفر شد. «اصلان» که دانشجوی دانشکده‌ی جهانگردی است گفت: قربانی انسانی برای آرام کردن شیطان که به او اعلام کرده بود پس لرزه‌ی ۱۳ سپتامبر آخرین هشدار بوده ـ ضروری است. این روزنامه‌ها اظهار می‌دارند: پرستش شیطان در صفوفِ حاشیه نشینانِ استانبول رایج است. آنها برنامه‌های خود را در یک انبار متروکه در محله‌ی مسکونی «اتاکوی» برگزار می‌کنند.

عَبَدَةُ الشَّيْطَانِ: شیطان پرستان.

وَقْفُ الهَزَّاتِ الارْتِدَادِيَّةِ: توقفِ پس لرزه‌ها.

الضَّحِيَّةُ البَشَرِيَّةُ: قربانی بشری.

تَهْدِئَةُ الشَّيطَانِ: آرام کردن شیطان.

هَزَّ ـُ هَزّاً هُ: آن را تکان داد.

الزِّلْزَالُ العَنِيفُ: زلزله‌ی شدید.

آب /أُغُسْطُس: آگست (معادل تقریبی مهرماه)

أَيْلُول /سِبْتَمْبِر: سپتامبر (معادل تقریبی شهریور).

الحَالي: کنونی.

اِقْتَادَ: (لازم و متعدی) از ریشه‌ی «قَادَ يَقُودُ قَوْداً وَقِيَادةً هُ: او را به دنبال خود کشاند. **اِقْتَادُوهَا:** او را به دنبال خود کشاندند (هدایت کردند).

طَعَنَ ـَ طَعْناً هُ: او را (با...) زد. **طَعَنُوا:** مورد ضرب (با کارد) قرار دادند.

الْفَأْس: تبر؛ ج: فُؤُوس.
جُثَّةُ الشَّابَّةِ: جسد دختر جوان؛ ج: جُثَث.
طَمَرَ ـُ طَمْراً وَطَمِرَ ـَ طَمَراً هُ: آن (او) را دفن کرد. **طُمِرَتْ جُزْئِيّاً**: به طور جزئی دفن شد.
زَعِيمُ المَجْمُوعَةِ: رهبر گروه؛ ج: زُعَماء.
أَسْفَرَ عَنْ...: منجر به... شد.
التَّضْحِيَة: قربانی کردن.
التَّهْدِئَة: آرام کردن.
التَّحْذِيرُ الأَخِيرُ: آخرین هشدار.
المُهَمَّشِينَ: حاشیه‌نشینان.
المَخْزَنُ المَهْجُورُ: انبار متروکه؛ ج: مَخَازِن.
الحَيُّ السَّكَنِيُّ: محله‌ی مسکونی.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا هَؤلاءِ الشُّبَّانُ قَتَلُوا الشَابَّةَ؟ ۲ـ أَيْنَ ٱلْتَقَوْا بِـ«سحریبان»؟ ۳ـ أَيْنَ ٱقْتَادُوا الشَّابَةَ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ در سالن غذاخوری دیدار کردند سپس وی را مورد حمله قرار دادند. ۲ـ بعد از پس‌لرزه‌ای قوی تصمیم به قتل این دختر جوان گرفت. ۳ـ هنوز هم پرستش شیطان در میان حاشیه نشینان رایج است.

۱۵ـ دُبٌّ افْتَرَس طِفْلاً فِي حَدِيقَةِ الحَيَوَانَاتِ.

أَعْلَنَتِ الشُّرْطَةُ البَاكِسْتَانِيَّةُ: أَنَّ دُبّاً أَسْوَدَ مِنَ الهِيمَالايَا اِفْتَرَس طِفْلاً لايَتَعَدَّى عُمْرُهُ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ شَهْراً فِي إِحْدَى حَدَائِقِ الحَيَوَانَاتِ فِي مَدِينَةِ لاهُورَ. وَرَوَى شُهُودُ عَيَانٍ: أَنَّ عَبْدَاللّٰهِ الَّذِي ٱصْطَحَبَهُ والِدَاهُ إِلَى حَدِيقَةِ الحَيَوانَاتِ حَاوَلَ أَنْ يُصَافِحَ يَدَ الدُّبِّ فَإِذَا بِالحَيَوَانِ الحَبِيسِ دَاخِلَ قَفَصِهِ

سَحَبَ الطِّفْلَ نَحْوَهُ وَٱفْتَرَسَهُ عَلَى مَرْأَى وَالِدَيْهِ اللَّذَيْنِ أَخَذَا يَصْرُخَانِ هَلَعاً عَلَى طِفْلِهِمَا. وَحَاوَلَ حَشْدٌ مِنَ الزُّوَّارِ الغَاضِبِينَ قَتْلَ الدُّبِّ مِمَّا ٱضْطُرَّتِ الشُّرْطَةُ إِلَى التَّدخُّلِ لِلسَّيْطَرَةِ عَلَى الوَضْعِ. وَلامَ مَسْؤُولُ حَدِيقَةِ الحَيَوَانَاتِ الوَالدَيْنِ عَلَى سمَاحِهِمَا لاِبْنِهِمَا بِلَمْسِ ٱلدُّبِّ.

۱۵ـ خرسی در باغ وحش کودکی را پاره پاره کرد.

پلیس پاکستان اعلام کرد: یک خرس سیاه هیمالیایی در یکی از باغ وحش‌های شهر لاهور کودکی را که سن او از هجده ماه فراتر نمی‌رفت، پاره پاره کرد. شاهدان عینی نقل کردند: عبدالله که پدر و مادرش همراه او بودند خواست با خرس دست بدهد، ناگهان حیوان زندانی در قفس، کودک را به سمت خود کشید و او را در مقابل چشمان پدر و مادرش که با وحشت و نگرانی از وضعیت کودک خود شروع به فریاد زدن می‌کردند ـ پاره پاره کرد. جمعی از بازدیدکنندگانِ خشمگین تلاش کردند خرس را به قتل برسانند، به طوری که پلیس برای کنترل اوضاع مجبور به مداخله شد. مسؤول باغ وحش، این پدر و مادر را که به پسرشان اجازهٔ تماس با خرس را داده بودند، مورد سرزنش قرار داد.

تَعَدَّاهُ: فراتر رفت، از آن گذشت.
لایَتَعَدَّی عُمْرُهُ...: سنش از.... فراتر نمی‌رود.
حَدَائِقُ الحَیَوَانَاتِ: مف: حَدِیقَةُ الحَیَوَانَاتِ: باغ وحش.
الشُّهُودُ العَیَان: شاهدان عینی.
اِصْطَحَبَهُ والِدَاهُ: پدر و مادرش او را همراهی کردند.
حَاوَلَ: تلاش کرد.
صَافَحَهُ: با او دست داد. **یُصَافِحُ:** دست می‌دهد.
الحَبِیس: زندانی، محبوس.
سَحَبَ ـَ سَحْباً هُ: او را کشید. **یَسْحَبُ الطِّفْلَ نَحْوَه:** کودک را به سمت خود

می‌کشد.
اِفْتَرَسَهُ: او را پاره پاره کرد. **یَفْتَرِسُهُ:** او را پاره پاره می‌کند.
عَلَی مَرْأَی وَالِدَیْهِ: در مقابل چشمان پدر و مادرش.
صَرَخَ ـُ صُرَاخاً وَصَرِیخاً: فریاد زد
أَخَذَا یَصْرُخَانِ: شروع به فریاد زدن کردند.
الهَلَع: ترس و وحشت.
الحَشْدُ مِنَ الزُّوَارِ: جمعی از بازدید کنندگان.
اِضْطَرَّهُ: او مجبور کرد. **اُضْطُرَّ:** مجبور شد.
السَّیْطَرَةُ عَلَی الوَضْعِ: کنترل اوضاع.
لامَ یَلُومُ لَوْماً هُ: او را ملامت کرد.
السَّمَاح: اجازه.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ کَمْ شَهْراً کانَ عُمْرُ الطِّفْلِ؟ ۲ـ أَیْنَ اَفْتَرَسَ الدُّبُ الطِّفْلَ؟ ۳ـ فِـي أَيِّ مَدِینَةٍ حَدَثَ الحَادِثُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ شاید خرس سیاه هیمالیایی کودک را پاره پاره کرده باشد. ۲ـ حیوانات زندانی، کودکان را به سمت خود می‌کشند. ۳ـ بازدید کنندگان تلاش می‌کنند با خرس دست بدهند.

۱۶ـ وِلادَةُ طِفْلٍ إِثْرَ اصْطِدَامِ سَیَّارَتَیْنِ.

وَضَعَتْ سُعُودِیَّةٌ طِفْلاً إِثْرَ حَادِثِ اَصْطِدَامِ بَیْنَ سَیَّارَةِ العَائِلَةِ الَّتِي کَانَتْ تُقِلُّهَا وَسَیَّارَةٍ تابِعَةٍ لِلْبَلَدِیَّةِ فِي مِنْطَقَةِ المَدِینَةِ المُنَوَّرَةِ، وَفْقَ مَا ذَکَرَتْ صَحِیفَةُ «البِلادِ» السُّعُودِیَّةُ. وَأَبْصَرَ الطِّفْلُ النُّورَ قَبْلَ المَوْعِدِ المُحَدَّدِ لِلْوِلادَةِ فِي السَیَّارَةِ الَّتِي کَانَ یَقُودُهَا الأَبُ. وَذَکَرَتِ الصَّحِیفَةُ أَنَّ الطِّفْلَ المَوْلُودَ

وَوالِدَتَهُ فِي حَالٍ جَيِّدَةٍ، مُوَضِّحَةً أَنَّ الْوِلادَةَ تَمَّتْ بِفِعْلِ قُوَّةِ الاِصْطِدَامِ وَحَالِ الذُّعْرِ الَّتِي آلَمَتْ بِالْوَالِدَةِ.

۱۶ـ تولد یک نوزاد پس از برخورد دو اتومبیل.

بر اساس گزارش روزنامه‌ی «البلاد» چاپ عربستان سعودی یک زن سعودی به دنبال برخورد اتومبیل شخصی (خانوادگی) که وی را منتقل می‌کرد وضع حمل کرد. این اتومبیل با اتومبیلی که متعلق به شهرداریِ منطقه‌ی مدینه‌ی منوره بود، برخورد کرد و نوزاد پیش از موعد مقرر در اتومبیلی که پدرش آن را می‌راند، دیده به جهان گشود. این روزنامه نقل کرد: نوزاد و مادرش در وضعیت خوبی قرار دارند و در توضیح افزود: زایمان در اثر شدت برخورد و حالت ترس و وحشتی بوده که مادر را دچار درد کرده است.

وَضَعَتْ تَضَعُ وَضْعاً الطِّفْلَ: کودک را بدنیا آورد.
السُّعُودِيَّة: یک زن سعودی.
حَادِثُ الاِصْطِدَامِ: حادثه‌ی برخورد، تصادم (تصادف).
أَقَلَّهُ: او را منتقل کرد. **كَانَتْ تُقِلُّهَا:** او را منتقل می‌کرد.
التَّابِعَةُ لِلْبَلَدِيَّةِ: متعلق (وابسته) به شهرداری.
أَبْصَرَ الطِّفْلُ النُّورَ: کودک نور را دید، چشم گشود.
مُوَضِّحَةً: با توضیح اینکه.
آلَمَ بِـ...: ... را به درد آورد. **آلَمَتْ بِالْوَالِدَةِ:** مادر را به درد آورد.
الذُّعْر: ترس، وحشت.

□ تمرین

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ أَيْنَ وَضَعَتِ السُّعُودِيَّةُ؟ ۲ـ هَلْ أَبْصَرَ الطِّفْلُ النُّورَ فِي المَوْعِدِ المُحَدَّدِ لِلْوِلادَةِ؟ ۳ـ

مَنْ كَانَ يَقُودُ سَيَّارَةَ العَائِلَةِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ اتومبیل شخصی با اتومبیل شهرداری برخورد کرد. ۲ـ نوزاد و مادر در وضعیت خوبی قرار دارند. ۳ـ حالت ترس و وحشت مادر را دچار دردکرده است.

۱۷ـ فَضَّلَتِ المَوْتَ عَلَى تَرْكِ هَوَايَتِهَا.

ذَكَرَتْ صَحِيفَةُ «لوس آنجلس ديلي» بِأَنَّ اِمْرَأَةً أَمرِيكِيَّةً مِنْ هُوَاةِ تَرْبِيَةِ الأَفْعَى أَصْبَحَتْ ضَحِيَّةَ هَوَايَتِهَا حِينَمَا لَدَغَتْهَا إِحْدَى أَفَاعِيهَا فَمَاتَتْ عَلَى أَثَرِهَا. وَأَضَافَتِ الصَّحِيفَةُ بِأَنَّ الشُّرْطَةَ المَحَلِّيَّةَ عَثَرَتْ عَلَى «انيتا» جُثَّةً هَامدةً فِي مَنْزِلِهَا وَعَلَيْهَا آثَارُ لَدْغِ الأَفَاعي. تَابَعَتِ الصَّحِيفَةُ قَوْلَهَا: إِنَّ «انيتا» سَبَقَ أَنْ لُدِغَتْ مِنْ قِبَلِ الأَفَاعي ۴ مَرّاتٍ كَانَتْ تَخْشَى هَذِهِ المَرَّةَ بِأَنْ تَقُومَ السُّلُطَاتُ المَحَلِّيَّةُ بِحَجْزِ أَفَاعِيهَا وَمَنْعِهَا مِنْ مُمَارَسَةِ هَوَايَتِهَا المُفَضَّلَةِ فِي حَالِ مُرَاجَعَتِهَا لِلْمُسْتَشْفَى لِذَلِكَ فَضَّلَتِ البَقَاءَ فِي مَنْزِلِهَا إِلَى أَنْ وَافَتْهَا المَنِيَّةُ.

۱۷ـ مرگ را بر ترک علاقه‌اش ترجیح داد.

روزنامه‌ی «لوس آنجلس دیلی» نقل کرد: یک زن آمریکایی از علاقه‌مندان تربیت افعی، هنگامی که یکی از افعی‌هایش او را گزید، قربانی سرگرمی خود شد و در اثر آن جان سپرد. این روزنامه افزود: پلیسِ محلی جسد بی جان خانم «انیتا» را در منزلش کشف کرد. در حالی که آثار گزش افعی‌ها بر بدن او مشاهده می‌شد. این روزنامه در ادامه نقل کرد: خانم «انیتا» قبلاً چهار بار توسط افعی‌ها گزیده شده بود. او می‌ترسید این بار مسؤولان محلی در صورت مراجعه‌ی او به بیمارستان، افعی‌هایش را ضبط کنند و او را از پرداختن به سرگرمی مورد علاقه‌اش باز دارند. به همین علت ماندن در منزل را ترجیح داد تا جان سپرد.

الهُوَاة: مف: الهَاوِي: علاقه‌مند.

الهَوَايَة: علاقه، سرگرمی.

تَرْبِيةُ الأَفَاعِي:پرورش مارهای بزرگ.

أَصْبَحَتْ ضَحِيَّةَ هَوَايتِهَا: قربانی علاقه‌ی خود شد.

لَدَغَ ـُ لَدْغاً هُ: او را نیش زد، گزید. **سَبَقَ أَنْ لُدِغَتْ**: قبلاً گزیده شده بود.

الأَفَاعِي: مف: الأَفْعَى: مار بزرگ، افعی.

مَاتَتْ عَلَى أَثَرِهَا: بر اثر آن مُرد.

الجُثَّةُ الهَامِدَة: جسد بی جان.

آثَارُ لَدْغِ الأَفَاعِي: آثار گزش مارهای بزرگ.

خَشِيَ ـَ خَشيَةً: ترسید. **كَانَتْ تَخْشَى**: می‌ترسید.

الحَجْز: منع کردن، ضبط کردن.

فَضَّلَهُ: آن را ترجیح داد. **فَضَّلَتِ البَقَاءَ**: ماندن را ترجیح داد.

وَافَاهُ:او را رساند، تدارک دید، اجابت کرد.

وافَتْهَا المَنِيَّةُ: جان سپرد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَاذَا أَصْبَحَتِ المَرأَةُ ألأمرِيكِيَّةُ؟ ۲ـ لِمَاذَا تُوُفِّيَتِ المَرْأَةُ؟ ۳ـ مَنْ عَثَرَ عَلَى جُثَّةِ «انيتَا»؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ هنگامی که افعی او را گزید، قربانی سرگرمی خود شد. ۲ـ آثار گزش افعی بر بدن او مشاهده می‌شد. ۳ـ او می‌ترسید افعی‌هایش را ضبط کنند.

۱۸ـ لا نَستَغْنِي عَنِ الْكَرَفْس فِي مَوَائِدِ الطَّعَام.

يَعْتَبِرُ خُبَرَاءُ التَّغْذِيَةِ بِأَنَّ نَبَاتَ الكَرَفْسِ يُعْتَبَرُ منَ الخَضْرَواتِ المُفِيدَةِ جِدّاً خَاصَّةً لِلْمَرْضَى الَّذِينَ يَقْضُونَ فَتْرَةَ النَّقَاهَةِ وَذَلِكَ لِمَا يَمْتَلِكُ مِنْ فِيتَامِينَاتٍ وَخوَاصَّ عَدِيدَةٍ. يَقُولُ الأَطِبَّاءُ: إِنَّ الْكَرَفْسَ يَحْتَوِي عَلَى

كَمِّيَّاتٍ مُهِمَّةٍ مِنَ المَعَادِنِ الَّتِي تَقُومُ بِتَنْشِيطِ عَمَلِ الخَلايَا خَاصَّةً بَعْدَ مُمَارَسَةِ جُهُودٍ عَضَلِيَّةٍ مُضْنِيَةٍ تَفْقِدُ الخَلايَا خِلالَهَا كَمِّيَّاتٍ مِنَ المَعَادِنِ المُهِمَّةِ فِي الجِسْمِ. وَيُؤَكِّدُ الأَطِبَّاءُ عَلَى أَنَّ لِلْكَرَفْسِ تَأْثِيراً كَبِيراً عَلَى المُصَابِينَ بِدَاءِ السُّكَّرِ وَهُوَ يَعْمَلُ فِيهِمْ عَمَلَ بَعْضِ الأَدْوِيَةِ بِمَا يَمْتَلِكُ مِنَ المَوَادِّ الَّتِي تُؤَثِّرُ عَلَى عَمَلِيَّةِ احْتِرَاقِ السُّكَّرِ فِي الجِسْمِ. وَيَنْظُرُ خُبَرَاءُ التَّغْذِيَةِ إِلَى نَبَاتِ الكَرَفْسِ بِأَنَّهُ يُؤَثِّرُ عَلَى نُمُوِّ الأَطْفَالِ أَيْضاً بِسَبَبِ احْتِوَائِهِ عَلَى مَادَّتَيْ الكَالْسِيوم وَالفُسْفُورِ، وَنَظَراً لاِحْتِوَائِهِ فِيتَامِينَ (A) فَإِنَّهُ يُعْتَبَرُ دَوَاءً فَعَّالاً لِبَعْضِ القُرُوحِ الجِلْدِيَّةِ وَيَمْنَحُ الجِلْدَ نَضَارَةً وَطَرَاوةً. وَنَظَراً لِمَا مَرَّ فَمِنَ الضَّرُورِيِّ أَنْ لا تَخْلُوَ مَوَائِدُ الطَّعَامِ مِنَ الكَرَفْسِ.

۱۸ـ در سفره‌های غذا از کرفس بی نیاز نیستیم.

کارشناسان تغذیه عقیده دارند گیاه کرفس از سبزیجات بسیار سودمند محسوب می‌شود، مخصوصاً برای بیمارانی که دوران نقاهت را سپری می‌کنند. زیرا کرفس دارای ویتامین‌ها و خواص بیشماری است. پزشکان می‌گویند: کرفس دارای مقادیر مهمی از فلزات است که سلولها را فعال می‌کند خصوصاً زمانی که سلولها پس از انجام فعالیتی عضلانی و سخت مقدار زیادی از فلزات مهم را در بدن از دست می‌دهند. پزشکان تأکید می‌کنند کرفس بواسطه‌ی داشتن موادی که بر فرایند سوخت و سازِ قند در بدن مؤثر است، تأثیر فراوانی در مبتلایان به بیماری قند دارد و همانند برخی از داروها عمل می‌کند. کارشناسان تغذیه عقیده دارند گیاه کرفس به دلیل داشتن دو ماده کلسیم و فسفر بر رشد کودکان تأثیر می‌گذارد. و با توجه به داشتن ویتامین (A) داروی مؤثری برای برخی از زخمهای پوستی به شمار می‌رود و به پوست شادابی و طراوت می‌بخشد. با توجه به آنچه گذشت، ضرورت دارد سفره‌های غذا از کرفس خالی نباشد.

خُبَرَاءُ التَّغْذِيَةِ: کارشناسان تغذیه.
الخَضْرَوات: سبزیجات.
قَضَى ـِ قَضَاءً: سپری کرد. **يَـقْضُونَ:** سپری می‌کنند.
فَتْرَةُ النَّقَاهَةِ: دوران نقاهت.
اِمْتَلَكَهُ: آن را در اختیار داشت. **يَمْتَلِكُ:** در تملک دارد، در اختیار دارد.
مَنَح ـَ مَنْحاً: بخشید، داد.
المَعَادِن: مف: المَعْدِن: فلز.
التَّنْشِيط: فعال کردن.
الخَلايَا: مف: الخَلِيَّة: سلول.
المُمَارَسَة: انجام، اقدام، تمرین.
الجُهُودُ العَـضَلِيَّةُ المُـضْنِيَةُ: فعالیتهای عضلانی سخت.
فَقَدَ ـِ فَقْداً وَفِقْداناً وَفُـقْداناً ةُ: او را از دست داد. **تَفْقِدُ:** از دست می‌دهد.
دَاءُ السُكَّرِ: بیماری قند، دیابت.
القُرُوحُ الجِلْدِيَّة: مف: القُرْحُ الجِلْدِيّ: زخم پوستی.
النَّضَارة وَالطَّرَاوة: شادابی و طراوات.
مَـوَائِـدُ الطَّـعَامِ: مـف: مَـائِدَةُ الطَّـعَامِ: سفره‌ی غذا.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا يُعْتَبَرُ الكَرَفْسُ منَ الخَضَارِ المُفِيدَةِ؟ ۲ـ هَلْ لِلْكَرَفْسِ تَأْثِيرٌ عَلَى المُصَابِينَ بِدَاءِ السُكَّرِ؟ ۳ـ هَلِ الكَرَفْسُ يُؤَثِّرُ عَلَى نُمُوِّ الأَطْفَالِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ کرفس برای بیماران در دوران نقاهت، سودمند است. ۲ـ سلولها مقداری از فلزات را در بدن از دست می‌دهند. ۳ـ کرفس همانند برخی از داروها عمل می‌کند.

۱۹ـ أَسبابُ تَأَخُّرِ إِنْبَاتِ الأَسْنَانِ فِي الأَطْفَالِ.

يُوصِي الأَطِبَّاءُ النِّسَاءَ الحوَامِلَ بِتَنَاوُلِ مقَاديرَ كَافِيَةٍ مِنَ الفُسْـفُورِ مَـعَ فِيتَامِينَي (A) وَ(E) خِلالَ فَتْرَةِ الحَمْلِ لِضَمَانِ سَلامَةِ الجَنِينِ وَعَدَمِ تَعَرُّضِ الأَطْفَالِ بَعْدَ الْوِلادَةِ لأَمْرَاضِ العِظَامِ. وَيؤَكِّدُ الأَطِبَّاءُ عَلَى أَنَّ ٱفْتِقَارَ الجَنِينِ

خِلالَ فَتْرَةِ الحَمْلِ إِلَى هَذِهِ المَوَادِّ سَيُؤَدِّي بَعْدَ الْوِلادَةِ إِلَى أَعْرَاضٍ عَدِيدَةٍ خَاصَّةً فِي العِظَامِ بِالإِضَافَةِ إِلَى صِغَرِ حَجْمِ الطِّفْلِ وَخِفَّةِ وَزْنِهِ وَفِيمَا إِذَا رَافَقَتْ هَذِهِ الحَالَةَ بَعْدَ الْوِلادَةِ نَقَائِصُ أُخْرَى فِي الرَّضَاعَةِ وَافْتِقَارِ حَلِيبِ الأُمِّ إِلَى بَعْضِ المُرَكَّبَاتِ المُهِمَّةِ فَإِنَّ الطِّفْلَ سَيُعَانِي بَعْدَ أَشْهُرٍ مِنْ ضَعْفِ العِظَامِ وَتَأَخُّرِ إِنْبَاتِ الأَسْنَانِ وَسُرْعَةِ تَعَرُّضِهَا لِلتَّسَوُّسِ وَالتَّآكُلِ. وَإِذَا افْتَقَرَ جِسْمُ الطِّفْلِ إِلَى الفُسْفُورِ فَسَيُصَابُ بِأَمْرَاضِ العِظَامِ فِي سِنِينَ مُبَكِّرَةٍ مِنْ عُمْرِهِ، وَمِنَ الآثَارِ الاِبْتِدَائِيَّةِ لِهَذِهِ الأَمْرَاضِ آلامُ العِظَامِ وَتَأَخُّرُ أَوْ بُطْءُ النُّمُوِّ وَعَدَمُ إِنْبَاتِ الأَسْنَانِ وَالحَالاتُ المُتَقَدِّمَةُ لِهَذِهِ الأَمْرَاضِ هِيَ ضَعْفُ الشَّهِيَّةِ لِلطَّعَامِ وَالنُّحُولُ العَامُّ فِي الجِسْمِ.

۱۹ـ دلایل تأخیر رشد دندانها در کودکان.

پزشکان به زنان باردار توصیه می‌کنند در دوران بارداری به منظور تضمین سلامت جنین و عدم ابتلای نوزادان پس از تولد به بیماریهای استخوان، به اندازه کافی فسفر همراه با ویتامینهای (A) و (E) مصرف کنند. پزشکان تأکید می‌کنند نیاز جنین در دوران بارداری به این مواد، منجر به عوارض بی‌شماری پس از تولد خصوصاً در استخوانها خواهد شد. علاوه بر آن موجب کوچکی و سبکی وزن نوزاد می‌شود. اگر این حالت پس از تولد همراه کمبودهای دیگر در شیرخواری و فقدان برخی از ترکیبات مهم در شیر مادر شود، کودک پس از چند ماه از ضعف استخوانها و تأخیر در رویش دندانها و سرعت پوسیدگی و خوردگی آنها رنج خواهد برد. و اگر بدن کودک کمبود فسفر داشته باشد در سالهای اولیه‌ی عمر، دچار بیماریهای استخوان خواهد شد. از جمله آثار ابتدایی این بیماریها دردهای استخوانها، تأخیر یا کندی رشد و عدم رویش دندانها، و حالتهای پیشرفته‌ی این بیماریها، ضعفِ تمایل به غذا و لاغری عمومی در بدن است.

تَأَخُّرُ إِنْبَاتِ الأَسْنَانِ: تأخیر رشد دندانها.

الأَعْرَاض: مف: العَرَض: عارضه.

النِّسَاءُ الحوَامِل: مف: المَرْأَةُ الحَامِلُ: زن باردار.

فَتْرَةُ الحَمْلِ: دوران بارداری.

ضَمَانُ سَلامَةِ الجَنِينِ: تضمین سلامت جنین.

الإِفْتِقَارُ إِلَى...: نیاز به...

أَدَّى إِلَى...: منجر به ... شد. **يُؤَدِّي إِلَى...**: منجر به ... می‌شود.

الخِفَّة: سبکی.

رَافَقَهُ: با او همراه بود.

الرَّضَاعَة: شیردهی.

التَّسَوُّس: پوسیدگی.

التَّآكُل: خوردگی.

الأَمْرَاضُ المُبَكِّرَة: مف: المَرَضُ المُبَكِّرُ: بیماری زودرس.

آلامُ العِظَامِ: مف: أَلَمُ العَظْمِ: درد استخوان.

بُطْءُ النُّمُوِّ: کندی رشد.

الحَالاتُ المُتَقَدِّمَةُ: حالتهای پیشرفته.

ضَعْفُ الشَّهِيَّةِ لِلطَّعَامِ: ضعفِ اشتها به غذا.

النُّحُول: لاغری.

عَانَى مِنْ...: از ... رنج برد. **سيعَانِي مِنْ...**: از ... رنج خواهد برد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ بِمَاذَا يُوصِي الأَطِبَّاءُ النِّسَاءَ الحوَامِلَ؟ ۲ـ بِمَاذَا سَيُؤَدِّي ٱفْتِقَارُ الجَنِينِ إِلَى فِيتَامِينَي (A) وَ(E)؟ ۳ـ بِمَاذَا سَيُصَابُ جِسْمُ الطِّفْلِ إِذَا ٱفْتَقَرَ إِلَى الفُسْفُورِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ نیاز جنین به این مواد، منجر به عوارض فراوانی می‌شود. ۲ـ مریض چند ماه از ضعف استخوانها رنج برد. ۳ـ دردهای استخوانی، تأخیر یا کندی رشد از آثار این بیماری است.

۲۰ـ طِفْلٌ عَاش مَعَ أُمِّهِ المُتوفَّاةِ.

عَاشَ طِفْلٌ فِي التَّاسِعَةِ مِنْ عُمْرِهِ مَعَ أُمِّهِ المُتَوَفَّاةِ نَحْوَ خَمْسَةِ أَسَابِيعَ خَوْفاً مِنْ تَسْلِيمِهِ لِدَارِ لِرِعَايَةِ الأَيتَامِ إِذَا أَبْلَغَ الشُّرْطَةَ بِوَفَاتِهَا. وَقَالَتِ الشُّرْطَةُ الأَمْرِيكِيَّةُ: إِنَّ «بتْلِر» عَاشَ عَلَى البِيتْسَا المُثَلَّجَةِ وَالحِسَاءِ وَٱعْتَادَ أَنْ يَرْتَدِيَ مَلابِسَهُ بِنَفْسِهِ وَيَذْهَبَ إِلَى المَدْرَسَةِ كُلَّ يَوْمٍ وَيَبْتَاعَ الضَّرُورِيَّاتِ مِنَ البِقَالَةِ بَعْدَ أَنْ تُوُفِّيَتْ وَالِدَتُهُ فُجْأَةً وَهِيَ تَجْلِسُ مَعَهُ فِي غُرْفَةِ المَعِيشَةِ بِمَنْزِلِهَا. قَالَتِ المُتَحَدِّثَةُ بِاسْمِ الشُّرْطَةِ: إِنَّ أَحَدَ أَصْدِقَاءِ الأُسْرَةِ هُوَ الَّذِي ٱكْتَشَفَ الأَمْرَ. وَسَلَّمَ الصَّبِيَّ لِجَدِّهِ وَجَدَّتِهِ اللَّذَيْنِ يَعِيشَانِ فِي «مِسيسبي» وَذَكَرَتْ: أَنَّ الأُمَّ المُتَوَفَّاةَ كَانَتْ تُعَانِي مِنْ مَشَاكِلَ صِحِيَّةٍ وَأَنَّ وَالِدَ الطِّفْلِ مَكَانُهُ غَيْرُ مَعْرُوفٍ.

۲۰ـ کودکی با مادر متوفای خود زندگی کرد.

یک کودک نه ساله مدت پنج هفته در کنار مادر متوفایش زندگی کرد. علت این امر، ترس از تحویل دادنش به یتیم‌خانه در صورتی که پلیس را از مرگ مادرش باخبر می‌کرد ـ بود. پلیس آمریکا اظهار داشت: «بتلر» در طی این مدت با پیتزای منجمد و سوپ زندگی را بسر برده است. او پس از مرگ ناگهانی مادرش عادت داشت خودش لباسهایش را بپوشد و هر روز به مدرسه برود و مایحتاج ضروری را از بقالی بخرد. این در حالی بود که مادر (متوفایش) در اتاق نشیمن در کنار او نشسته بود. سخنگوی پلیس گفت: یکی از دوستان این خانواده، به قضیه پی برد و کودک را به پدر بزرگ و مادر بزرگش که در «میسی‌سی‌پی» زندگی می‌کردند، سپرد. این سخنگو یادآوری کرد که مادر متوفی از مشکلات بهداشتی رنج می‌برد. و پدر کودک مکان مشخصی نداشت.

الدَّارُ لِرِعَايَةِ الأَيتَامِ: یتیم خانه.
البِيتْسَا المُثَلَّجَة: پیتزای منجمد.
الحِسَاء: سوپ.
اِعْتَادَ أَنْ: عادت داشت که.
اِرْتَدَاهُ: آن را پوشید. **يَرْتَدِي**: می‌پوشد.
البِقَالَة: بقالی، سوپر مارکت.
فُجْأَةً: ناگهان.
غُرْفَةُ المَعِيشَةِ: اتاق نشیمن.
المُتَحَدِّثَة: سخنگو (مؤنث).
سَلَّمَهُ لِـ...: او را به... تسلیم کرد. **سَلَّمَ الصَّبِيَّ لِجَدِّهِ**: کودک را به پدر بزرگش سپرد.
عَانَى مِنْ ...: از... رنج برد. **كَانَتْ تُعَانِي مِنْ...**: از... رنج می‌برد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ كَمْ كَانَ عُمْرُ الطِّفْلِ؟ ۲ـ لِمَاذَا لَمْ يُبْلِغِ الشُّرْطَةَ بِوَفَاةِ أُمِّهِ؟ ۳ـ مَنِ اكْتَشَفَ الأَمْرَ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ او در طی این مدت با پیتزای منجمد و سوپ زندگی را بسر می‌برد. ۲ـ مایحتاج ضروری را از بقالی می‌خرید. ۳ـ او کودک را به پدر بزرگ و مادر بزرگش سپرد.

۲۱ـ تَحْذِيرٌ لِلآبَاءِ مِنَ القَسْوَةِ عَلَى الأَطْفَالِ.

جَاءَ فِي دِرَاسَةٍ كَنَدِيَّةٍ أَنَّ الأَطْفَالَ الَّذِينَ تَعَرَّضُوا لِلصَّفْعِ وَالضَّرْبِ فِي الصِّغَرِ هُمْ أَكْثَرُ عُرْضَةً لِلتَّوَرُّطِ فِي المُخَدِّرَاتِ وَالخُمُورِ فِي الكِبَرِ وَأَظْهَرَتِ الدِّرَاسَةُ أَنَّ مُعَدَّلاتِ الإِصَابَةِ بِالاِضْطِرَابَاتِ النَّفْسِيَّةِ وَالاِكْتِئَابِ مُرْتَفِعَةٌ عِنْدَ الَّذِينَ تَعَرَّضُوا لِلْقَسْوَةِ مِنْ آبَائِهِمْ فِي الصِّغَرِ. وَشَمَلَتِ الدِّرَاسَةُ ۴۸۸۸ شَخْصاً. وَكَانَتْ بِرِعَايَةِ «مكميلان» بِالتَّعَاوُنِ مَعَ خَمْسَةِ بَاحِثِينَ فِي جَامِعَةِ «مكماستر» فِي «أونتاريو». وَنُشِرَتِ الدِّرَاسَةُ في مَجَلَّةِ «الأَطِبَّاءِ الكَنَدِيَّةِ».

۲۱ـ هشداری به پدران در ارتباط با خشونت با کودکان.

در یک تحقیق کانادایی آمده است: کودکانی که در سنین کودکی در معرض سیلی و کتک خوردن قرار گرفته‌اند در بزرگسالی بیشتر از دیگران در معرض آلودگی به مواد مخدر و شرابخواری و میگساری قرار می‌گیرند. این تحقیق نشان داد میانگین ابتلا به اضطرابهای روانی و افسردگی در میان کسانی که در کودکی از طرف پدرانشان در معرض خشونت قرار گرفته‌اند، بیشتر است. این تحقیق شامل ۴۸۸۸ نفر است و آن را «مک‌میلان» با همکاری پنج نفر از محققان در دانشگاه «مک ماستر» در «انتاریو» سرپرستی کرده است و در مجله‌ی «پزشکان کانادایی» منتشر شده است.

الصَّفْع: سیلی.
الرِّعَايَة: سرپرستی.
الضَّرْب: زدن.
الاِكْتِئَاب: افسردگی.
التَّوَرُّط: فرورفتن.
الْقَسْوَة: خشونت.
الاِضْطِرَابَاتُ النَّفْسِيَّة: اضطرابهای روانی، آشفتگی‌های روانی.
شَمِلَ ـَ شَمَلاً وَشَمَلَ ـُ شَمْلاً وَشُمُولاً هُ: آن را در بر داشت، در بر گرفت.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ عِنْدَ مَنِ ٱرْتَفَعَتْ مُعَدِّلاتُ الإِصَابَةِ بِالاِضْطِرَابَاتِ النَّفْسِيَّةِ وَالاِكْتِئَابِ؟ ۲ـ مَنْ هُم الَّذِينَ تَعَرَّضُوا لِلصَّفْعِ وَالضَّرْبِ؟ ۳ـ كَمْ شَخْصاً شَمَلَتِ الدِّرَاسَةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ آنها در بزرگسالی بیشتر از دیگران در معرض آلودگی به مواد مخدر قرار می‌گیرند.
۲ـ میانگین ابتلا به اضطرابهای روانی و افسردگی، فراوان است. ۳ـ ده نفر از محققان، این تحقیق را تأیید کرده‌اند.

۲۲ـ الشَّايُ الأَخْضَرُ مُفِيدٌ لِمُكافَحَةِ العَدِيدِ مِنَ الأَمْرَاضِ.

أَفَادَتْ دِرَاسَتَانِ نَشَرَتْهُمَا الجَمْعِيَّةُ الأَمِرِيكِيَّةُ لِلْعُلُومِ الغِذَائِيَّةِ أَنَّ الشَّايَ الأَخْضَرَ مُفِيدٌ لِلصِّحَّةِ لاسِيَّمَا لِمُكَافَحَةِ أَمْرَاضِ القَلْبِ وَالسَّرَطَانِ وَالْبِدَانَة. وَأَشَارَتْ دِرَاسَةٌ نُشِرَتْ فِي مَجَلَّةِ «أَمِيرْكَان جُورنَال أُوف كلينيكَال»: أَنَّ الشَّايَ الأَخْضَرَ يَحْتَوِي عَلَى الكَثِيرِ مِنَ المَوَادِّ المُضَادَّةِ لِلتَّأَكْسُدِ وَالكَافِيينِ الَّتِي تُحَرِّكُ الآلِيَاتِ الكِيمِيَائِيَّةَ مِمَّا يَزِيدُ مِنِ آسْتِهْلاكِ الطَّاقَةِ وَتَأَكْسُدِ الدُّهُونِ فِي جِسْمِ الإِنْسَانِ. وَأَظْهَرَ تَحْقِيقٌ آخَرُ نُشِرَ فِي مَجَلَّةِ «جُورنَال أُوف نُوتريشن»: أَنَّ الشَّايَ الأَخْضَرَ يَحْمِي الخَلايَا مِنْ آثَارِ التَّأَكْسُدِ النَّاجِمَةِ عَنْ بَعْضِ الأَمْرَاضِ مِثْلِ السَّرَطَانِ. وَعَلَّقَ الدُّكتُورُ «زايد» مُمَثِّلُ الجَمْعِيَّةِ الأَمِرِيكِيَّةِ لِلْعُلُومِ الغِذَائِيَّةِ «أَنَّهُ أَمْرٌ سَارٌّ بِالنِّسْبَةِ إِلَى الأَشْخَاصِ المُهْتَمِّينَ بِأُمُورِ الصِّحَةِ وَالتَّغْذِيَةِ» وَأَضَافَ: أَنَّهُ عِنْدَمَا «يُحَدِّدُ العُلَمَاءُ مُكَوِّنَاتٍ تُؤَثِّرُ عَلَى فِيزِيُولُوجِيَاتِ الإِنْسَانِ فِي الأَطْعِمَةِ وَالْمَشْرُوبَاتِ فَإِنَّ إِدْرَاكَنَا لِدَوْرِ الأَطْعِمَةِ يَتَعَدَّى الفَائِدَةَ الغِذَائِيَّةِ وَكَوْنَهَا مَصْدَرَ الطَّاقَةِ.»

۲۲ـ چای سبز برای مبارزه با بسیاری از بیماریها سودمند است.

دو تحقیق که انجمن آمریکایی علوم غذایی منتشر کرده، نشان داد چای سبز برای سلامتی و بویژه برای مبارزه با بیماریهای قلب، سرطان و چاقی سودمند است. یک تحقیق که در مجله‌ی «أمیرکان ژورنال اوف کلینیکال» منتشر شده اشاره کرده چای سبز در بردارنده‌ی بسیاری از موادِ ضد اکسیداسیون و کافئین است که مکانیزمهای شیمیایی را تحریک می‌کند، که موجب افزایش مصرف انرژی و اکسیداسیون چربی‌ها در بدن انسان می‌شود. یک تحقیق دیگر که در مجله‌ی «ژورنال اوف نوتریشن» منتشر شده نشان داد که چای سبز، سلولها را از آثار اکسیداسیون ناشی از برخی بیماریها مانند سرطان حمایت می‌کند. دکتر «زاید» نماینده‌ی انجمن

آمریکایی علوم غذایی اظهار داشت: (این مطلب) در ارتباط با افرادی که بـه امـور بهداشت و تغذیه اهتمام می‌ورزند امری مسرت‌بخش است. وی افزود: وقتی کـه دانشمندان، ترکیباتی را در غذاها و نوشیدنی‌ها ـ که بر حالات فیزیولوژی انسان تأثیر می‌گذارد ـ مشخص می‌کنند، فهم ما نسبت به نقش غذاها، از فواید غذایی و منبع انرژی بودن آنها فراتر می‌رود.

الجَمْعِيَّةُ الأَمِرِيكِيَّةُ لِلْعُلُومِ الغِذَائِيَّةِ: انجمن آمریکایی علوم غذایی.
مُكَافَحَةُ أَمْرَاضِ القَلْبِ: مبارزه با بیماریهای قلب.
البِدَانَة: چاقی.
المَوَادُّ المُضَادَّةُ لِلتَّأَكْسُدِ: مواد ضد اکسیداسیون.
الآلِيَاتُ الكِيمِيَائِيَّة: مف: الآلِيَةُ الكِيمِيَائِيَّةُ: مکانیزم شیمیایی.
اسْتِهْلاكُ الطَّاقَةِ: مصرف انرژی.
تَأَكْسُدُ الدُّهُونِ: اکسیداسیون چربی‌ها.
عَلَّقَهُ: آن را تفسیر (تعبیر، بیان) کرد.
مُمَثِّلُ الجَمْعِيَّةِ: نماینده‌ی انجمن.
السَارّ: خوشحال کننده.
تَعَدَّاهُ: از آن گذشت، فراتر رفت. **يَتَعَدَّى الفَائِدَةَ:** از فایده فراتر می‌رود.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَا هِيَ فَائِدَةُ الشَّايِ الأَخْضَرِ؟ ۲ـ مَا هِيَ فَائِدَةُ الكَافِيينِ؟ ۳ـ مَاذَا قَالَ الدُّكتُورُ «زاید»؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ تحقیق دیگری نشان داد که چای سبز، سلولها را از سرطان حمایت می‌کند. ۲ـ این مطلب، امری مسرت‌بخش است. ۳ـ دانشمندان، ترکیباتی را در غذا و نوشیدنی‌ها مشخص کرده‌اند.

۲۳ـ الأَخْطَاءُ الطِّبِّيَّةُ تُؤَدِّي إِلَى وَفَاةِ عَشَرَاتِ الآلافِ.

أَفَادَ تَقْرِيرٌ صُدِرَ عَنِ المَعْهَدِ الطِّبِّيّ التَابع لِلأكَادِيمِيَاتِ الوَطَنِيَّةِ فِي وَاشِنْطُنَ أَنَّ الأَخْطَاءَ الطِّبِّيَّةَ تُؤَدِّي إِلَى وَفَاةِ بَيْنَ ۴۴ وَ۹۸ أَلْفَ شَخْصٍ سَنوِيّاً فِي الوِلايَاتِ المُتَّحِدَةِ. وَأَشَارَ التَّقْرِيرُ إِلَى أَنَّ هَذِهِ الوَفَيَاتِ تَفُوقُ بعَدِدِهَا تِلْكَ النَّاجِمَةَ عَنْ حَوَادِثِ السَّيْرِ أو سَرَطَانِ الثَّدْي أَوِ الأَيْدز. وَتُسَجَّلُ هَذِهِ الأَخْطَاءُ خِلالَ تَقْدِيم العِنَايَةِ الطِّبِّيَّةِ فِي المَنَازِلِ وَالصَّيْدَلِيَّاتِ وَدُورِ العَجَزَةِ وَالعِيَادَاتِ وَالمُسْتَشْفَيَاتِ. وَتَابَعَ: أَنَّ عَدَدَ حَالاتِ الوَفَاةِ النَّاجِمَةِ عَنْ خَطَأ الوَصْفَةِ الطِّبِّيَّةِ يَبْلُغُ سَبْعَةَ آلافِ حَالَةٍ سَنَوِيّاً. وَأَعْلَنَ «رِيتشَاردسُون» رَئِيسُ اللَّجْنَةِ المُكَلَّفَةِ بِإِعْدَادِ التَّقْرِيرِ: أَنَّ المُعَدَّلاتِ المُرْتَفِعَةَ مِنَ الأَخْطَاءِ الطِّبِّيَّةِ الَّتِي تُؤَدِّي إِلَى الوَفَاةِ أَوِ الإِعَاقَةِ الدَّائِمَةِ أَوِ الأَلَمِ غَيْرِ الضَّرُورِيِّ، غَيْرُ مَقْبُولَةٍ فِي نِظَامٍ طِبِّيٍّ يَتَعَهَّدُ بِـ (عَدَمِ التَّسَبُّبِ بِالأَلَمِ).

۲۳ـ اشتباهات پزشکی منجر به مرگ دهها هزار نفر می‌شود.

یک گزارش که از طرف انستیتوی پزشکی وابسته به آکادمی‌های ملی واشنگتن منتشر شده، اظهار می‌دارد که خطاهای پزشکی سالیانه در ایالات متحده‌ی آمریکا منجر به مرگ بین ۴۴ تا ۹۸ هزار نفر می‌شود. این گزارش اشاره کرده که تعداد فوت شدگان بیشتر از مرگ و میر ناشی از حوادث رانندگی یا سرطان سینه و یا ایدز است. این اشتباهات در خلال خدمات پزشکی در منازل، داروخانه‌ها، آسایشگاههای سالمندان، مطب‌ها و بیمارستانها ثبت می‌شود. او در ادامه آورده است: تعداد مرگ و میر ناشی از اشتباه در نسخه‌ی پزشکی سالیانه به هفت هزار مورد می‌رسد. ریچاردسون رئیس کمیته‌ی مکلف به تهیه‌ی گزارش اعلام کرد این میانگین(های) بالا از اشتباهات پزشکی که منجر به مرگ یا معلولیت دائم یا درد غیر ضروری می‌شود،

در نظام پزشکی که متعهد به وارد نکردن درد به بیماران است ـ غیر قابل پـذیرش است.

المَعْهَدُ الطِّبِّيّ: انستیتوی پزشکی.
التَّابِعُ لِـ...: وابسته به...
الأَخْطَاءُ الطِّبِّيَّة: مف: الخَطَأُ الطِّبِيّ: اشتباه پزشکی.
فَاقَ ـُـ فَوْقاً هُ: بر آن برتری داشت. **تَفُوقُ:** برتری دارد.
النَّاجِمَةُ عَنْ...: ناشی از...
حَوَادِثُ السَّيْرِ: حوادث رانندگی.
سَرَطَانُ الثَّدْي: سرطان پستان.
سَجَّلَهُ: آن را ثبت کرد. **تُسَجَّلُ:** ثبت می‌شود.
تَقْدِيمُ العِنَايَةِ الطِّبِّيَّةِ: اعطای خدمات پزشکی.
الصَّيْدَلِيَّات: مف: الصَّيْدَلِيَّة: داروخانه.
دُورُ العَجَزَةِ: مف: دارُ العَجَزَةِ: آسایشگاه سالمندان.
العِيادَات: مف: العِيَادَة: مطب.
الوَصْفَةُ الطِّبِّيَّة: .نسخه‌ی پزشکی.
اللَّجْنَةُ المُكَلَّفَةُ بِإِعْدَادِ التَّقْرِيرِ: کمیته‌ی مکلف به تهیه‌ی گزارش.
المُعَدِّلاتُ المُرْتَفِعَة: مف: المُعَدَّلُ المُرْتَفِعُ: میانگین بالا.
الإِعَاقَةُ الدَّائِمَة: معلولیت دائم.
النِّظَامُ الطِّبِّيّ: نظام پزشکی.
تَعَهَّدَ بِـ...: متعهد به ... شد. **يَتَعَهَّدُ بِـ...:** متعهد به ... می‌شود.
التَّسَبُّبُ بِالأَلَمِ: .موجب درد شدن.

☐ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ كَمْ عَدَدُ وَفَيَاتِ الأَخْطَاءِ الطِّبِّيَّةِ سَنَوِيّاً؟ ۲ـ أَيْنَ تُسَجَّلُ هَذِهِ الأَخْطَاءُ؟ ۳ـ هَلْ هَذِهِ المُعَدِّلاتُ المُرْتَفِعَةُ مِنَ الأَخْطَاءِ الطِّبِّيَّةِ مَقْبُولَةٌ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ این خبر را انستیتوی پزشکی وابسته به آکادمی ملی اعلام کرد. ۲ـ فوت شدگان

اشتباهات پزشکی بیشتر از حوادث رانندگی است. ۳- رئیس کمیته اعلام کرد این میانگینِ بالا غیر قابل پذیرش است.

۲۴-اِخْتَبَأَ ۵۷ عَاماً فِي القَبْوِ هَرَباً مِنَ النَّازِيِينَ.

ذَكَرَتْ صَحِيفَةُ «دِيَان» أَنَّ مُوَاطِناً أُوكْرَانِيّاً خَرَجَ الأُسْبُوعَ المَاضِي مِنْ قَبْوٍ كَانَ قَدِ الْتَجَأَ إِلَيْهِ قَبْلَ ۵۷ عَاماً لِكَي يَنْجُوَ مِنَ النَّازِيِينَ ثُمَّ مِنَ السُّوفِيَاتِ فِيمَا بَعْدُ. وَقَالَتِ الصَّحِيفَةُ: إِنَّ «اسـتيبَان» الَّـذِي يَـبْلُغُ الآنَ الخَـامِسَةَ وَالسَّبْعِينَ اِخْتَبَأَ فِي القَبْوِ عَامَ ۱۹۴۲م بَعْدَ الغَزْوِ النَّـازِيِّ لأُوكْـرَانِـيَا لِكَـي لايُضْطَرَّ إِلَى عَمَلِ السُّخْرَةِ فِي أَلْمَانِيَا. وَبَعْدَ الدُّخُولِ القُوَّاتِ السُّـوفِيَاتِيَّةِ أُوكْرَانِيَا، ظَلَّ «استيبان» مُخْتَفِياً لِكَـي لا يُـجَنِّدَهُ السُّـوفِيَاتُ فِـي الجَـيْشِ الأَحْمَرِ. وَقَدْ فُوجِىءَ، سُكَّانُ قَرْيَةِ «مونتشـتي» بـ«اسـتيبَان» الَّـذِي كَـانَ الجَمِيعُ يَظُنُّونَ أَنَّهُ قُتِلَ وَقَدْ ظَهَرَ فِي شَوَارِعِ القَرْيَةِ فِي ۱۸ (أَيْلُول/ سِبْتَمْبِر) بَعْدَ عَشْرَةِ أَيَّامٍ عَلَى وَفَاةِ شَقِيقَتِهِ. وَكَانَ «اَستيبَان» وَفْقَ الشُّهُودِ فِي صِحَّةٍ جَيِّدَةٍ. يُذْكَرُ أَنَّ أُوكْرَانِيَا كَانَتْ تَابِعَةً لِبُولَنْدَا حَتَّى ۱۹۳۹ عِـنْدَمَا أُلْـحِقَتْ بِالاِتِّحَادِ السُّوفِيَتِيِّ بِمَوْجِبِ مُعَاهَدَةِ «مُولُوتُوف» الَّتِي قَسَّمَتْ بُولَنْدَا بَيْنَ هِتْلِرَ وَاسْتَالِينَ.

۲۴- ۵۷ سال برای فرار از دست نازیها در یک زیر زمین پنهان شد.

روزنامه‌ی «دیان» اظهار داشت یک شهروند اوکراینی هفته پیش از یک زیرزمین که ۵۷ سال پیش بدان پناه برده بود تا از دست نازیها و پس از آن از دست شوروی‌ها در امان بماند، بیرون آمد. این روزنامه اظهار داشت: «استیبان» که اکنون ۷۵ ساله است، در سال ۱۹۴۲ بعد از اشغال اوکراین توسط نازیها در زیرزمین مخفی شد تا مجبور به‌کار اجباری در آلمان نشود. پس از ورود نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به

اوکراین، «استیبان» همچنان مخفی بود تا مبادا نیروهای شوروی او را به عنوان سرباز در ارتش سرخ به خدمت گیرند. ساکنان روستای «مونچستی» با دیدن «استیبان» که همگی فکر می‌کردند کشته شده است، غافلگیر شدند. او در ۱۸ سپتامبر، ده روز بعد از مرگ خواهرش، در خیابانهای روستا ظاهر شد. بر اساس گواهی شاهدان «استیبان» در سلامت کامل بسر می‌بَرَد. گفته می‌شود اوکراین تا سال ۱۹۳۹، یعنی زمانی که به موجب عهدنامه‌ی «مولوتوف» به اتحاد جماهیر شوروی ملحق شد، وابسته به لهستان بود. این عهدنامه لهستان را بین هیتلر و استالین تقسیم کرد.

اِخْتَبَأَ فِي...: در ... پنهان شد.
القَبْو: زیرزمین.
الهَرَب: فرار کردن.
مُوَاطِن: شهروند.
الأُوكْرَانِيّ: اوکراینی.
كَانَ قَدِ ٱلْتَجَأَ إِلَيْهِ: بدان پناه برده بود.
نَجَى ـُ نَجَاةً مِنْ ...: از ... نجات یافت.
لِكَي يَنْجُوَ مِنْ...: تا از ... نجات یابد.
الغَزْوُ النَّازِيّ: اشغال نازی.
أُوكْرَانِيَا: اوکراین.
اِضْطَرَّهُ: او مجبور کرد. **لِكَي لايُضْطَرَّ إِلَى...**: تا مجبور به ... نشود.
عَمَلُ السُّخْرَةِ: کار اجباری، بیگاری.
ظَلَّ مُخْتَفِياً: پیوسته مخفی بود.
جَنَّدَهُ: او را به سربازی برد. **لِكَي لا يُجَنِّدَهُ السُّوفِيَاتُ**: تا نیروهای شوروی او را به سربازی نبرند.
الجَيْشُ الأَحْمَر: ارتش سرخ.
فَاجَأَهُ: او را غافلگیر کرد. **فُوجِيءَ**: غافلگیر شد.
سُكَّانُ القَرْيَةِ: ساکنان روستا.
ظَنَّ ـُ ظَنّاً: پنداشت. **يَظُنُّونَ**: می‌پندارند.
الشَّقِيقَة: خواهر تنی.
بُولَنْدَا: لهستان.
أُلْحِقَتْ بِـ...: به ... ملحق شد.
الاتِّحَادُ السُّوفِيَتِيّ: اتحاد جماهیر شوروی.
قَسَّمَهُ إِلى...: آن را به ... تقسیم کرد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ أَيْنَ ٱخْتَبَأَ المُوَاطِنُ الأُوكْرَانِيُّ؟ ۲ـ كَمْ عُمْرُ «استيبان» الآنَ؟ ۳ـ لِـمَاذَا ٱخْـتَفَى «استيبانُ»؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به اوکراین وارد شدند. ۲ـ ساکنان شهر با دیدن او غافلگیر شدند. ۳ـ وی یکسال بعد از مرگ برادرش، در شهر ظاهر شد.

۲۵ـ مِلْيُونَا طِفْلٍ قَضَوْا فِي الحُرُوبِ خِلالَ ۱۰ سَنَوَاتٍ.

لَقِيَ مِلْيُونَا طِفْلٍ حَتْفَهُمْ فِي النِّزَاعَاتِ المُسَلَّحَةِ فِـي السَّـنوَاتِ الـ ۱۰ الأَخِيرَةِ حَسَبَ مَا أَفَادَ فِي مَدْرِيدَ المُمَثِّلُ الخَاصُّ لأَمَانَةِ الأُمَمِ المُـتَّحِدَةِ لِلطُّفُولَةِ وَالنِّزَاعَـاتِ المُسَـلَّحَةِ. وَقَـالَ خِـلالَ مُـحَاضَرَتِهِ ضِـدَّ ٱسْـتِخْدَام القَاصِرِينَ فِي الحُرُوبِ: إنَّ أَكْثَرَ مِنْ مِلْيُونِ طِـفْلٍ أَصْـبَحُوا يَـتَامَى وَسِـتَّةَ مَلايِينَ أُصِيبُوا بِجُرُوحٍ فِي النِّزَاعَاتِ فِي التِّسْعِينِيَّاتِ. وَذَكَرَ بِأَنَّ نَحْوَ ۳۰۰ أَلْفِ طِفْلٍ مُجَنَّدُونَ حَالِياً كَعَسْكَرِيينَ فِي النِّزَاعَاتِ المُسَلَّحَةِ. وَٱقْتَرَحَ بِأَنْ لا تَسْـتَهْدِفَ الجُـيُوشُ وَالمِـيلِيشِيَاتُ المَـدَنِيينَ وَلا تُـعَرْقِلَ تَـوْزِيعَ المُسَاعَدَاتِ الإِنْسَانِيَّةِ وَلاتَزْرَعَ الأَلْغَامَ وَلاتُجَنِّدَ القَاصِرِينَ لِلْمُشَارَكَةِ فِـي المَعَارِكِ. وَطَلَبَ فِي مَقَالٍ تَحْتَ عِنْوَانِ «الحَرْبُ لَـيْسَتْ لُـعْبَةً لِـلأَطْفَالِ» تَنْظِيمَ طَاوِلاتٍ مُسْتَدِيرَةٍ فِي الجَامِعَاتِ حَوْلَ هَذَا المَوْضُوعِ.

۲۵ـ دو میلیون کودک در طی ده سال در جنگها کشته شده‌اند.

بر اساس اظهارات نماینده‌ی مخصوص دبیرکل سازمان ملل متحد در مادرید در «امور کودکان و درگیریهای مسلحانه»، دو میلیون کودک در ۱۰ سال اخیر در جنگها

جان باخته‌اند. او در خلال سخنرانیش علیه «استفاده از خردسالان در جنگها» اظهار داشت: در درگیریهای دهه‌ی نود بیش از یک میلیون کودک، یتیم، و شش میلیون نفر زخمی شده‌اند. او اظهار داشت: در حال حاضر حدود ۳۰۰ هزار کودک به عنوان سرباز نظامی در درگیری‌های مسلحانه شرکت دارند. وی پیشنهاد کرد: «ارتشها و گروههای چریکی نامنظم، شهروندان را هدف قرار ندهند؛ توزیع کمکهای انسانی (بشر دوستانه) را دچار مشکل نکنند؛ مین نکارند و خردسالان را برای شرکت در جنگها بسیج نکنند». و در مقاله‌ای با عنوان «جنگ بازی کودکان نیست» درخواست کرد در دانشگاهها میزگردهایی در ارتباط با این موضوع ترتیب داده شود.

لَقِيَ ـَ لِقاءً هُ: او را ملاقات کرد. **لَقِيَ**

حَتْفَهُ: جان باخت.

النِّزَاعَاتُ المُسَلَّحَة: درگیریهای مسلحانه.

المُمَثِّل الخَاصُّ: نماینده‌ی مخصوص.

إسْتِخْدَامُ القَاصِرِينَ: بکارگیری خردسالان.

التِّسْعِينِيَّات: دهه‌ی نود.

المُجَنَّدُونَ: مف: المُجَنَّد: سرباز وظیفه.

إقْتَرَحَهُ: آن را پیشنهاد کرد. **تَقْتَرِحُ:** پیشنهاد می‌کند.

إسْتَهْدَفَهُ: او را هدف گرفت. **تَسْتَهْدِفُ:** هدف می‌گیرد.

المِيلِيشِيَات: گروههای چریکی نامنظم.

المَدَنِيِينَ: مف: المَدَنِيّ: شهروند.

عَرْقَلَهُ: آن را دشوار کرد. **تُعَرْقِل:** دشوار می‌کند.

المُسَاعَدَاتُ الإنْسَانِيَّة: کمک‌های انسانی.

الأَلْغَام: مف: اللُّغْم: مین.

جَنَّدَهُ: او را به سربازی گرفت. **أَنْ لاتُجَنِّدَ القَاصِرِين:** که خردسالان را به سربازی نگیرد.

القَاصِرِينَ: خردسالان.

المَعَارِك: مف: المَعْرَكَة: جنگ.

الطَاوِلاتُ المُسْتَدِيرَة: مف: الطَّاوِلَةُ المُسْتَدِيرةُ: میزگرد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ کَمْ طِفْلاً لَقِيَ حَتْفَهُ فِي النِّزَاعَاتِ المُسَلَّحَةِ؟ ۲ـ کَمْ طِفْلاً أَصْبَحَ يَتيماً؟ ۳ـ مـا هِيَ الاقْتِرَاحَاتُ لِلْجُيُوشِ وَلِلمِيلِيشِيَاتِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ ده هزار کودک در درگیری‌های مسلحانه شرکت خواهند کرد. ۲ـ گروههای چریکی نامنظم، نباید شهروندان را هدف قرار دهند. ۳ـ ما در ارتباط با این موضوع میزگردهایی ترتیب خواهیم داد.

۲۶ـ عَنْکَبُوتٌ فِي أُذُنِ مَرِيضَةٍ.

تَفَاجَأَتْ سيِّدَةٌ بِرِيطَانِيَّةٌ بِشِدَّةٍ عِنْدَمَا عَرَفَتْ مِنَ الطَّبِيبِ سَبَبَ صُدَاعٍ يُلازِمُهَا وَضَوْضَاءٍ تَسْمَعُهَا. لأَنَّهُ كَانَ هُنَاکَ عَنْکَبُوتٌ ضَخْمٌ يَعِيشُ فِي أُذُنِهَا. نَقَلَتْ صَحِيفَةُ «دَيْلِي مَيْل» عَنِ الطَّبِيبِ قَوْلَهُ: «لَمْ يَكُنْ هُنَاکَ سَبَبٌ ظَاهِرٌ. وَحَرَصَتِ المَرِيضَةُ عَلَى فَحْصِهَا لأَنَّ الأَعرَاضَ كَانَتْ تَحْرِمُهَا مِنَ النَّوْمِ لَيْلاً وَعِنْدَمَا آسْتَخْدَمْتُ المِنْظَارَ رَوَّعَنِي رُؤْيَةُ عَنْکَبُوتٍ ضَخْمٍ بِجِوارِ طَبْلَةِ الأُذُنِ». وَأَزَالَ الطَّبِيبُ العَنْکَبُوتَ الَّذِي كَانَتْ تُوشِکُ عَلَى وَضْعِ البَيْضِ.

۲۶ـ عنکبوتی درگوش یک زن بیمار.

یک خانم انگلیسی ـ هنگامی که از طریق پزشک خود، علت سردرد مزمن و سروصدایی را که می‌شنید مطلع شد ـ به شدت غافلگیر شد. زیرا یک عنکبوت بزرگ در گوش او زندگی می‌کرد. روزنامه «دیلی میل» به نقل از این پزشک اظهار داشت: دلیل روشنی برای بیماری این خانم وجود نداشت. و بیمار اصرار به معاینه داشت زیرا عوارض ناشی از آن، وی را از خواب شبانه محروم می‌کرد. وقتی که از

دوربین مخصوص استفاده کردم دیدن یک عنکبوت بزرگ در کنار پرده‌ی گوش، مرا وحشت‌زده کرد. پزشک، عنکبوت را که در شرف تخم‌گذاری بود، از گوش بیمار بیرون آورد.

تَفَاجَأَ: غافلگیر شد.
الصُّدَاع: سردرد.
لازَمَهُ: او را همراهی کرد. **يُلازِمُهَا**: همراه او است.
الضَّوْضَاء: سروصدا.
حَرَصَ ـُ حِرْصاً عَلَى...: بر ... اصرار کرد (حرص ورزید).
الفَحْص: معاینه، ج: فُحُوص.
الأَعْرَاض: مف: العَرَض: عارضه.
حَـرَمَ ـِ حِـرْماناً هُ مِـنْ...: او را از ... محروم کرد. **كَانَتْ تَحْرِمُهَا**: او را محروم می‌کرد.
المِنْظَار: دوربین، عینک.
رَوَّعَهُ: او را ترساند. **رَوَّعَنِي**: مرا ترساند.
طَبْلَةُ الأُذُنِ: پرده‌ی گوش.
أَزَالَهُ: آن را از بین برد، کنار زد.
وَضْعُ البَيْضِ: تخم گذاشتن.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا تَفَاجَأَتِ السَّيِّدَةُ البِرِيطَانِيَّةُ؟ ۲ـ مَا هُوَ سَبَبُ صُدَاعِهَا؟ ۳ـ عَلَى أَيِّ شَيْءٍ حَرَصَتِ المَرِيضَةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ من علت سردردم را از پزشک معالج پرسیدم. ۲ـ دلیل خاصی برای بیماری او وجود ندارد. ۳ـ وجود یک عنکبوت در گوشم، مرا وحشت‌زده کرد.

۲۷ـ زِيَادَةُ إِصَابَةِ الطَّيَّارِينَ بِالسَّرَطَان.

ذَكَرَ بَاحِثُونَ دِنِمَارْكِيُّونَ: أَنَّ الطَّيَّارِينَ وَأَفْرَادَ أَطْقُمِ الطَّائِرَاتِ قَدْ تَكُونُ

إِصَابَتُهُمْ بِاللُّوكِيمِيَا وَأنوَاعٍ أُخْرَى مِنَ السَّرَطَانِ مُرْتَفِعَةٌ نَتِيجَةَ تَعَرُّضِهِمْ لِلإِشْعَاعَاتِ الكَوْنِيَّةِ. وَفِي تَقْرِيرٍ نُشِرَ فِي مَجَلَّةِ «لانست» الطِّبِّيَّةِ قَالَ عُلَمَاءُ مِنْ مَعْهَدِ عُلُومِ السَّرَطَانِ فِي «كُوبِنْهَاغِنَ»: إِنَّهُمْ عَثَرُوا عَلَى نِسَبٍ مُرْتَفِعَةٍ مِنْ لُوكِيمِيَا النُّخَاعِ الشَّوْكِيِّ وَأَنْوَاعٍ أُخْرَى مِنَ السَّرَطَانِ بَيْنَ نَحْوِ ۳۷۰۰ طَيَّارٍ وَأَطْقُمِ ضِيَافَةٍ سَافَرُوا لأَكْثَرَ مِنْ خَمْسَةِ آلافِ سَاعَةٍ. وَلُوكِيمِيَا النُّخَاعِ الشَّوكِيِّ هِيَ نَوْعٌ قَاتِلٌ مِنَ السَّرَطَانِ الَّتِي عَادةً مَا تُصِيبُ الرِّجَالَ فِي الثَّلاثِينيَّاتِ وَالأَرْبَعِينِيَّاتِ مِنْ عُمْرِهِمْ. وَيَتَرَاوَحُ مُتَوَسِّطُ البَقَاءِ عَلَى قَيْدِ الحَيَاةِ بَعْدَ التَّشْخِيصِ المَبْدَئِيِّ بَيْنَ ثَلاثَةِ أَوْأَرْبَعَةِ أَعْوَام. وَقَالَ البَاحِثَانِ «مَارِيَان» وَ«هانز» في دِرَاسَتِهِمَا: «هَذِهِ النَّتَائِجُ يُمْكِنُ أَنْ تَكُونَ لَهَا عَلاقَةٌ بَالإِشْعَاعَاتِ الكَوْنِيَّةِ لأَنَّ أَكْثَرَ المُتَعَرِّضِينَ لِمَخَاطِرِ (الإِصَابَةِ بِالسَّرَطَانِ) هُمُ الَّذِينَ يَطِيرُونَ عَلَى ٱرْتِفَاعَاتٍ عَالِيَةٍ وَلِسَاعَاتٍ طَوِيلَةٍ.» إِلَّا أَنَّهُمَا أَكَّدَا عَلَى أَنَّ العَلاقَةَ الَّتِي تَوَصَّلا إِلَيْهَا ضَعِيفَةٌ وَطُبِّقَتْ عَلَى أَطْقُمِ الرَّحَلاتِ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ مُنْذُ فَتَرَاتٍ طَوِيلَةٍ وَأَضَافَا: «رَغْمَ أَنَّ دِرَاسَتَنَا أَظْهَرَتْ زِيَادَةَ الإِصَابَةِ بِلُوكِيمِيَا النُّخَاعِ الشَّوكِيِّ بَيْنَ الطَّيَّارِينَ الدِّنِمَارْكِيينَ فَمِنَ المُهِمِّ أَنْ لا يَتِمَّ تَضْخِيمُ هَذِهِ النَّتَائِجِ.»

۲۷ـ افزایش ابتلای خلبانان به سرطان.

محققان دانمارکی اظهار داشتند: خلبانان و افراد کادرهای پرواز به دلیل اینکه در معرض تشعشعات کیهانی قرار دارند احتمال ابتلای آنها به لوکیمیا و انواع دیگری از سرطان، بالا است. دانشمندانِ انستیتوی علوم سرطانِ کوپنهاک در یک تحقیق که در مجله‌ی پزشکی «لانست» منتشر شده اظهار داشتند: آنها نسبت بالایی از لوکیمیای نخاع شوکی و انواع دیگری از سرطان را در میان ۳۷۰۰ خلبان و کادر مهمانداران که بیش از ۵ هزار ساعت سفر کرده‌اند ـ کشف کرده‌اند. لوکیمیای نخاع شوکی نوع

کشنده‌ای از سرطان است که معمولاً مردان سی تا چهل ساله را مبتلا می‌کند و میانگین زنده ماندن (در میان این عده)، پس از تشخیص اساسی، بین سه تا چهار سال متغیر است. محققان، «ماریان» و «هانز» در تحقیقاتشان اظهار داشته‌اند: «احتمالاً این نتایج مربوط به تشعشعات کیهانی است، زیرا بیشتر افرادی که در معرض این خطرات (ابتلا به سرطان) بوده‌اند کسانی هستند که در ارتفاعات بالا و برای ساعات طولانی پرواز می‌کنند. آنها تاکید می‌کنند که ارتباطی که بدان دست یافته‌اند ضعیف است. و با کادرهای پرواز که مدتهای طولانی کار می‌کنند منطبق شده است. آنها افزودند: با اینکه تحقیق ما، افزایش ابتلا به لوکیمیای نخاع شوکی را در میان خلبانان دانمارکی نشان می‌دهد، اما مهم این است که این نتایج بزرگنمایی نشود.

أَطْقُمُ الطَّائِرَاتِ: مف: الطَّقْم وَطَاقِمُ الطَّائِرَةِ؛ کادر پرواز (خدمه‌ی پرواز) هواپیما.

اللُّوكِيمِيَا: لوکیمیا.

الإِشْعَاعَاتُ الكَوْنِيَّة: تشعشعات کیهانی.

مَعْهَد عُلُومِ السَّرَطَانِ: انستیتوی علوم سرطان.

مُتَوَسِّطُ البَقَاءِ عَلَى قَيْدِ الحَيَاةِ: متوسط زنده ماندن.

التَّشْخِيصُ المَبْدَئِيُّ: تشخیص اساسی.

المُتَعَرِّضِينَ لِلمَخَاطِرِ: مف: المُتَعَرِّضُ لِلمَخَاطِرِ: فردِ در معرض خطرات.

الرَّحَلات: مف: الرِّحْلَة: پرواز.

التَّضْخِيم: بزرگنمایی کردن.

□ تمرین

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ هَلْ يُمْكِنُ لِهَذِهِ النَّتَائِجِ عَلاقَةٌ بَالإِشْعَاعَاتِ الكَوْنِيَّةِ؟ ۲ـ هَلِ العَلاقَةُ الَّتِي تَوَصَّلا إِلَيْهَا قَوِيَّةٌ؟ ۳ـ مَنْ هُمُ الَّذِينَ تَكُونُ إِصَابَتُهُمْ بِاللُّوكِيمِيَا مُرْتَفِعَةً؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ تشعشعات کیهانی احتمال ابتلا به لوکیمیا را زیاد می‌کند. ۲ـ نسبت بالایی از لوکیمیای نخاع شوکی در میان خلبانان دیده شده است. ۳ـ لوکیمیای نخاع شوکی معمولاً مردان سی تا چهل ساله را مبتلا می‌کند.

۲۸ـ السِّلاحُ الأَخِيرُ لِمُوَاجَهَةِ الثَّقَافَةِ الغَرْبِيَّةِ.

تَشْهَدُ الصِّينُ إِقْبَالاً عَلَى تَعَالِيمِ الفَيْلَسُوفِ الصِّينِيِّ الشَّهِيرِ «كُونْفُوشِيوس» الَّتِي هَاجَمَهَا الشُّيُوعِيُّونَ وَذَلِكَ لإِسْتِخْدَامِهَا فِي مُوَاجَهَةِ التَّأْثِيرِ الغَرْبِيِّ الَّذِي بَاتَ يُعْتَبَرُ حَامِلاً لِلْجَرَائِمِ وَالْفَسَادِ. وَنَقَلَتْ وِكَالَةُ الصِّينِ الجَدِيدَةِ عَنِ الخُبَرَاءِ: أَنَّ الفَيْلَسُوفَ الَّذِي تَسْتَعِدُّ الصِّينُ لِلاِحْتِفَالِ بِمُرُورِ ۲۵۵۰ عَاماً عَلَى وِلادَتِهِ بَاتَ يُعْتَبَرُ «ذُخْراً لِلْعَالَمِ الحَدِيثِ» لِمَا تَزْخَرُ بِهِ تَعَالِيمُهُ مِنَ القِيَمِ الوَطَنِيَّةِ فِي مُوَاجَهَةِ زَحْفِ الغَرْبِ. وَأَشَارَ نَائِبُ مُدِيرِ مُنَظَّمَةِ الكُونْفُوشِيَّةِ العَالَمِيَّةِ إِلَى ضَرُورَةِ «التَّأْكِيدِ عَلَى ٱسْتِقْلالِيَّةِ الثَقَافَةِ التَّقْلِيدِيَّةِ فِي مُوَاجَهَةِ القِوَى الغَرْبِيَّةِ الَّتِي تَسْعَى إِلَى نَشْرِ قِيَمِهَا فِي العَالَمِ أَجْمَعَ». كَمَا يُشَكِّلُ الإِقْبَالُ عَلَى الكُونْفُوشِيَّةِ فِي الصِّينِ مُحَاوَلَةً لإِعَادَةِ الاِعْتِبَارِ لِلْقِيَمِ الأَخْلاقِيَّةِ فِي مُجْتَمَعٍ يَتَشَبَّهُ بِالْمُجْتَمَعِ الأَمِرِيكِيِّ المَعْرُوفِ بِالجَرَائِمِ فِيهِ. أَشَارَ «كُونغ» الأُسْتَاذُ فِي جَامِعَةِ «شَانْدُونغ» إِلَى أَهَمِيَّةِ تَعْزِيزِ القِيَمِ الأَخْلاقِيَّةِ فِي مُجْتَمَعٍ يَطْغَى عَلَيْهِ الاِقْتِصَادُ. يُذْكَرُ أَنَّ تَعَالِيمَ الفَيْلَسُوفِ الْكَبِيرِ الَّتِي تَرَكَتْ آثَارَهَا عَلَى الحَضَارَةِ الصِّينِيَّةِ حَتَّى القَرْنِ العِشْرِينَ شَهِدَتْ حَمَلاتٍ مِنَ الاِنْتِقَادَاتِ مُنْذُ تَوَلِّي الحِزْبِ الشُّيُوعِيِّ الحُكْمَ فِي العَامِ ۱۹۴۹م.

۲۸ـ آخرین سلاح در برابر فرهنگ غربی.

چین، شاهد استقبال از تعالیم فیلسوف مشهور چینی «کنفسیوس» است که کمونیستها آن را مورد هجوم قرار داده‌اند. این استقبال به دلیل بهره‌گیری از تعالیم وی در رویارویی با تاثیرات فرهنگ غربی است که دربردارنده‌ی جنایات و فساد است. خبرگزاریِ چینِ نو به نقل از کارشناسان اظهار داشت: فیلسوفی که چین به مناسبت دوهزار و پانصد و پنجاهمین سال تولد او آماده‌ی برگزاری جشن می‌شود «ذخیره‌ای برای جهان معاصر محسوب می‌شود» زیرا آموزه‌های او سرشار از ارزشهای ملی در برابر تهاجم غرب است. جانشین مدیر سازمان جهانی «کنفوسیزم» بر ضرورت «تأکید بر استقلال فرهنگ سنتی در رویارویی با قدرت‌های غربی که سعی در انتشار ارزشهایشان در سراسر جهان دارند» اشاره کرد. استقبال از «کنفوسیزم» در چین تلاشی برای بازگرداندن اعتبار به ارزشهای اخلاقی در جامعه‌ای است که از جامعه‌ی آمریکاییِ مشهور به جنایات، الگو برداری می‌کند. «کونگ» استاد دانشگاه «شاندونگ» به اهمیت تحکیم ارزشهای اخلاقی در جامعه‌ای که اقتصاد بر آن مسلط است، اشاره کرد. قابل ذکر است که آموزه‌های این فیلسوف بزرگ که آثارش را بر تمدن چین تا قرن بیستم باقی گذاشت، شاهد موجی از انتقادات از زمان به قدرت رسیدن حزب کمونیست در سال ۱۹۴۹ است.

طَغَى ـَ طُغْيَاناً عَلَى...: بر ... مسلط شد.

يَطْغَى عَلَيْهِ الاِقْتِصَادُ: اقتصاد بر آن مسلط می‌شود.

الشُّيُوعِيُّونَ: مف: الشُّيُوعِيّ: کمونیست.

اِسْتَعَدَّ لِـ ...: برای ... آماده شد. **تَسْتَعِدُّ:** آماده می‌شود.

الاِحْتِفَال: جشن.

الْعَالَمُ الحَدِيث: جهان معاصر.

زَخَرَ ـَ زَخْراً البَحْرُ: دریا لبریز شد.

تَزْخَرُ بِهِ: از آن لبریز می‌شود.

القِيَمُ الوَطَنِيَّةُ: مف: القِيمَةُ الوَطَنِيَّةُ: ارزش ملی.

زَحْفُ الغَرْبِ: یورش غرب.
الثَّقَافَةُ التَّقْلِيدِيَّةُ: فرهنگ سنتی.
القِوَى الغَرْبِيَّة: مف: القُوَّةُ الغَرْبِيَّةُ: قدرت غربی.
شَكَّلَهُ: آن را تشکیل داد.
الإِقْبَالُ عَلَى ...: روی آوردن به ...
الصِّين: چین.
المُحَاوَلَة: کوشش، تلاش.
إِعَادَةُ الاِعْتِبَارِ: بازگرداندن اعتبار.
تَشَبَّهَ: تقلید کرد، الگو برداری کرد.**يَتَشَبَّهُ**: تقلید می‌کند، الگو برداری می‌کند.
الجَرَائِم: مف: الجَرِيمَة: جنایت.
تَعْزِيزُ القِيَمِ الأَخْلاقِيَّةِ: تحکیم ارزشهای اخلاقی.
تَوَلِّي الحُكْمِ: به قدرت رسیدن، عهده‌دار شدن حکومت.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا تَشْهَدُ الصِّينُ إِقْبَالاً عَلَى تَعَالِيمِ «كُونْفُوشِيوس»؟ ۲ـ لِمَاذَا هَاجَمَ الشُّيُوعِيُّونَ عَلَى تَعَالِيمِهَا؟ ۳ـ مَتَى وُلِدَ هَذَا الفَيْلَسُوفُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ این فیلسوف ذخیره‌ای برای جهان معاصر محسوب می‌شود. ۲ـ آموزه‌های او سرشار از ارزشهای ملی در برابر تهاجم غرب است. ۳ـ آموزه‌های این فیلسوفِ بزرگ شاهد موجی از انتقادات است.

۲۹ـ الجَنِينُ الأُنْثَى يُسَبِّبُ الغَثَيَانَ.

كَتَبَ الفَيْلَسُوفُ الإِغْرِيقِيُّ أَبُقْرَاطُ قَبْلَ أَلْفَي عَام: أَنَّ وَجْهَ الأُمِّ الحَامِلِ يَكُونُ شَاحِباً إِذَاكَانَ الجَنِينُ أُنْثَى وَمُشْرِقاً إِذَاكَانَ ذَكَراً. وَقَدْ أَظْهَرَتْ دِرَاسَةٌ سُوِيدِيَّةٌ أُجْرِيَتْ مُؤَخَّراً وَالَّتِي نُشِرَتْ فِي مَجَلَّةِ «لانست» الطِّبِّيَّةِ البِرِيطَانِيَّةِ:

أَنَّ المَرْأَةَ أَكْثَرُ عُرْضَةً لِلإِصَابَةِ بِالْغَثَيَانِ خِلالَ الحَمْلِ إِذَا كَانَ الجَنِينُ أُنْثَى مِمَّا هِيَ عَلَيهِ إِذَا كَانَ ذَكَراً. وَٱسْتَعْرَضَ البَاحِثُونَ فِي مَعْهَدِ «كَارولينسكَا» فِي أُسْتُوكْهُولْمَ جَمِيعَ الْوِلادَاتِ فِي السُّوِيدِ بَيْنَ عَامَي ١٩٨٧ وَ ١٩٩٥ وَالَّتِي بَلَغَتْ مِلْيُوناً وَ ٢٧ أَلْفَ طِفْلٍ بِمُعَدِّلِ ٥١/٧٪ مِنَ الصِّبْيَانِ وَ ۴۸/۶٪ مِنَ الفَتَيَاتِ. إِلَّا أَنَّ مُعَدِّلَ النِّسَاءِ اللَّوَاتِي دَخَلْنَ المُسْتَشْفَى لإِصَابَتِهِنَّ بِغَثَيَانٍ شَدِيدٍ خِلالَ الأَشْهُرِ الثَّلاثَةِ الأُولَى مِنَ الحَمْلِ بَلَغَ ۴۴/۳٪ لِمَنْ يَحْمِلْنَ ذُكُوراً وَ ۵۵/۷٪ لِمَنْ يَحْمِلْنَ أُنَاثاً.

۲۹ـ جنین دختر موجب تهوع می‌شود.

فیلسوف یونانی بقراط دو هزار سال قبل نوشت: چهره‌ی مادر باردار در صورت دختر بودنِ جنین، رنگ پریده، و در صورت پسر بودن، برافروخته است. یک تحقیق سوئدی که اخیراً انجام شده و در مجله‌ی پزشکی بریتانیایی «لانست» منتشر شده است نشان داده که زن باردار در صورت دختر بودن جنین، بیشتر از وقتی که جنین پسر است، در معرض تهوع قرار دارد. محققان انستیتوی «کَارولینسکا» در استکهلم همه‌ی زایمانها را در سوئد، طی سالهای ۱۹۸۷ و ۱۹۹۵ که مشتمل بر یک میلیون و ۲۷ هزار کودک، و با میانگین ۵۱/۷٪ پسر وَ ۴۸/۶٪ دختر است، بررسی کرده‌اند. میانگین زنانی که به علت ابتلا به تهوع شدید در طی سه ماه اولیه‌ی بارداری به بیمارستان مراجعه کرده‌اند، عبارت است از: ۴۴/۳٪ زنانی که پسر به دنیا می‌آورند و ۵۵/۷٪ زنانی که دختر به دنیا می‌آورند.

الغَثَيَان: تهوع، استفراغ.
الإِغْرِيقِيّ: یونانی.
أَبُقْرَاط: بقراط.
الحَامِل: باردار، آبستن؛ ج: حَوامِل.
الشَّاحِب: رنگ پریده؛ ج: شَواحِب.
المُشْرِق: برافروخته، درخشان.

اِسْتَعْرَضَهُ: آن را بررسی کرد.
أُسْتُوكْهُولْم: استکهلم.
السُّوِيد: سوئد.
الصِّبْيَان: مف: الصَّبِيّ: پسربچه.
الفَتَيَات: مف: الفَتَاة: دختر.
المُعَدِّل: میانگین، معدل.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَاذَا كَتَبَ الفَيْلَسُوفُ الإِغْرِيقِيُّ؟ ۲ـ مَتَى يَكُونُ وَجْهُ الأُمِّ الحَامِلِ شَاحِباً؟ ۳ـ مَتَى تَكُونُ المَرْأَةُ أَكْثَرَ عُرْضَةً لِلإِصَابَةِ بِالْغَثَيَانِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ محققان انستیتویی در استکهلم همه‌ی زایمانها را بررسی کرده‌اند. ۲ـ آن زنان به تهوع شدید مبتلا شده‌اند. ۳ـ یک تحقیق علمی در مجله‌ی پزشکی منتشر شده است.

۳۰ـ أُمٌّ أَنْقَذَتْ اِبْنَتَهَا بِتَحْذِيرِهَا مِنْ رُكُوبِ الطَّائِرَةِ.

أَنْقَذَتْ أُمٌّ حَيَاةَ اِبْنَتِهَا عِنْدَمَا حَذَّرَتْهَا مِنْ رُكُوبِ الرِّحْلَةِ المَشْؤُومَةِ رَقَم ۷۶۷ لِطَائِرَةِ مِصْرَ لِلطَّيَرَانِ بَعْدَ أَنْ حَدَّثَتْ اِبْنَتَهَا بِوُقُوعِ كَارِثَةٍ لِلطَّائِرَةِ. وَأَلْغَتْ «سُونِيَا بَالادِي» (۳۵ عَاماً) تَذْكِرَةَ سَفَرِهَا بَعْدَ ظُهْرِ يَوْمِ السَّبْتِ المَاضِي بَعْدَ أَنْ أَبْلَغَتْهَا أُمُّهَا «لَيلَى بَالادِي» أَنَّهَا شَعَرَتْ أَثْنَاءَ الصَّلاةِ بِأَنَّ مَأْسَاةً سَتَقَعُ لِهَذِهِ الرِّحْلَةِ. وَقَالَ «جُوزِيف بَالادِي» شَقِيقُ «سُونيَا» بِالنِّيَابَةِ عَنْ أُمِّهِ وَأُخْتِهِ فِي مَنْزِلِ العَائِلَةِ السُّورِيَّةِ بِـ«كليفتون» فِي «نِيُوجِرْسِيّ»: ظَنَّتْ أُمِّي أَنَّ شَيْئاً سَيِّئاً سَيَحْدُثُ. بِالطَّبْعِ نَحْنُ سُعَدَاءُ إِنَّهَا لَمْ تَذْهَبْ وَإِلَّا لَكَانَتْ فِي عِدَادِ الأَمْوَاتِ الآنَ. «و تَحَطَّمَتْ طَائِرَةُ مِصْرَ لِلطَّيَرَانِ فِي المُحِيطِ الأَطْلَسِيِّ قُبَالَةَ سَاحِلِ «مَاسَاتشُوسِيتس» صَبَاحَ يَوْمِ الأَحَدِ المَاضِي مِمَّا أَدَّى إِلَى مَقْتَلِ الرُّكَّابِ وَأَفْرَادِ الطَّاقِمِ البَالِغِ عَدَدُهُمْ ۲۱۷ شَخْصاً عَقِبَ

إِقْلاعِهَا مِنْ مَطَارِ «جُون كِنِدي» الدُّوَلِيِّ فِي نِيُويُورک فِي رِحْلَةٍ مُتَّجِهَةٍ إِلَى القَاهِرةِ. وَقالَ «جُوزِيف بَالادِي»: إِنَّ أُمَّهُ تُصَلِّي طَلَباً لِحِمَايَةِ أَبْنَائِهَا. وَأَضَافَ حِينَمَا تَقُولُ لا تَذْهَبْ إِلَى مَكَانٍ فَإِنِّي لا أَذْهَبُ وَكَانَتْ «سُونِيَا» فِي زِيَارَةٍ لِمُدَّةِ شَهْرٍ وَقَدِمَتْ مِنْ حَلَبَ حَيْثُ تَعِيشُ مَعَ زَوْجِهَا وَطِفْلَيْهَا. وَلا تَعْرِفُ العَائِلَةُ بِالضَّبْطِ مَتَى سَتُغَادِرُ «سُونِيَا» عَائِدَةً إِلَى سُورِيَّا.

۳۰ـ مادری با ممانعت دخترش از سوار شدن به هواپیما، جان او را نجات داد.

مادری پس از آنکه از وقوع فاجعه‌ای در هواپیما با دخترش سخن گفت، با برحذر داشتن وی از سوار شدن به پرواز شُوم شماره‌ی ۷۶۷ هواپیمایی مصر، زندگی او را نجات داد. «سُونِيَا بَالادِي» (۳۵ ساله) بعد از ظهر روز شنبه‌ی گذشته پس از آنکه مادرش «لَيلَى بَالادِي» به او خبر داد که وی در اثنای نماز احساس کرده برای این پرواز، یک حادثه‌ی غم‌انگیز رخ خواهد داد، بلیط هواپیما را لغو کرد. «ژوزف بَالادِي» برادر «سُونيَا» از طرف مادر و خواهرش ـ که در یک خانواده‌ی سوری در «کلیفتون» واقع در «نِيُوجِرْسِيّ» زندگی می‌کنند ـ اظهار داشت: مادرم احساس کرد چیز بدی اتفاق خواهد افتاد. البته ما از اینکه او نرفته خرسندیم و گرنه اکنون در شمار مردگان بود. هواپیمای خطوط هوایی مصر صبح روز یکشنبه‌ی گذشته در اقیانوس اطلس، مقابل ساحل «ماساچوست» پس از بلند شدنْ از فرودگاه بین‌المللی «جان کندی» در نیویورک در پروازی به سمت قاهره، متلاشی، و منجر به کشته شدن سرنشینان و کادر پرواز که تعداد آنها ۲۱۷ بود، گردید. «جوزف بالادی» گفت: مادرش برای محافظت فرزندانش نماز می‌خواند. وی افزود: وقتی (مادر) می‌گوید: به مکانی نرو، من قطعاً نمی‌روم. «سونیا» به منظور دیداری یک ماهه، از حلب آمده بود. او در حلب با همسر و دو فرزندش زندگی می‌کند. خانواده به طور دقیق نمی‌داند «سونیا» چه وقت آنجا را به قصد سوریه ترک خواهد کرد.

أَنْقَذَهُ: او را نجات داد.
حَذَّرَهُ: او را برحذر داشت، او را هشیار کرد.
المَشْؤُومَة: شوم، پلید.
حَدَّثَهُ: با او سخن گفت.
الكَارِثَة: فاجعه.
أَلْغَاهُ: آن را لغو کرد.
تَذْكِرَةُ السَفَرِ: بلیط سفر.
أَبْلَغَهُ: به او خبر داد، ابلاغ کرد.
شَعَرَ ـُ شُعُوراً بِـ...: احساس .... کرد.
المَأْسَاة: حادثه‌ی غم‌انگیز، تراژدی.
وَقَعَ يَقَعُ وُقُوعاً: واقع شد. **سَتَقَعُ:** واقع خواهد شد.
حَدَثَ ـُ حُدُوثاً: اتفاق افتاد. **سَيَحْدُثُ:** اتفاق خواهد افتاد.
بِالطَّبْعِ: طبیعتاً، البته.
السُّعَدَاء: مف: السَّعِيد: سعادتمند، خرسند.
عِدَادُ الأَموَاتِ: (در) شمار اموات.
تَحَطَّمَ: درهم شکست، متلاشی شد.
المُحِيط الأَطْلَسِيّ: اقیانوس اطلس.
قُبَالَةَ: مقابل.
أَدَّى إِلَى ....: منجر به ... شد.
المَقْتَل: کشته شدن.
عَقِبَ: به دنبال.
الإِقْلاع: برخاستن.
قَدِمَ ـَ قُدُوماً: آمد.
بِالضَّبْطِ: دقیقاً.
غَادَرَ المَكَانَ: آنجا را ترک کرد. **سَتُغَادِرُ:** ترک خواهد کرد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ كيف أَنْقَذَتِ الأُمُّ حَيَاةَ ٱبْنَتِهَا؟ ۲ـ لِمَاذَا حَذَّرَتْهَا مِنْ رُكُوبِ الطَّائِرَةِ؟ ۳ـ أَيْنَ تَحَطَّمَتِ الطَّائِرَةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ بلیط هواپیما را لغو کردم. ۲ـ مادر احساس کرد حادثه اتفاق خواهد افتاد.
۳ـ ما از اینکه او نرفته، خرسندیم.

۳۱ـ الأَشْخَاصُ الَّذينَ يَعْمَلُونَ لِسَاعَاتٍ مُتَأَخِّرَةٍ أَكْثَرُ نَجَاحاً.

أَكَّدَ بَعْضُ بَاحِثِي عِلْمِ النَّفْسِ: بِأَنَّ الدِّرَاسَاتِ الَّتِي أُجْرِيَتْ عَلَى جَمْعٍ غَفِيرٍ مِنَ النَّاسِ أَظْهَرَتْ بِأَنَّ الأَشْخَاصَ الَّذينَ يُبَاشِرُونَ أَعْمَالَهُمْ عِنْدَ الصَّبَاحِ فِي سَاعَاتٍ مُتَأَخِّرَةٍ مِنَ اليَوْمِ وَيَسْتَمِرُّونَ فِي الْعَمَلِ لِسَاعَاتٍ مُتَأَخِّرَةٍ مِنَ اللَّيْلِ أَكْثَرُ نَجَاحاً مِنْ حَيْثُ القُدْرَةِ البَدَنِيَّةِ وَالذَّكَاءِ مِنْ غَيْرِهِمْ. ذَكَرَتْ ذَلِکَ صَحِيفَةُ «صَانْدَي تِلِغْرَاف» وَأَضَافَتْ: أَنَّ نَتَائِجَ هَذِهِ الدِّرَاسَةِ تُنَاقِضُ تَمَاماً النَّظَرِيَّةَ السَّائِدَةَ لَدَى مُعْظَمِ العُلَمَاءِ وَالقَائِلَةَ بِأَنَّ الأَفرَادَ الَّذِينَ يُبَكِّرُونَ فِي الْعَمَلِ خَاصَّةً مِمَّنْ يَخْلُدُ مِنْهُمْ إِلَى النَّومِ عِنْدَ السَّاعَاتِ الأُولَى مِنَ اللَّيْلِ أَكْثَرُ نَجَاحاً مِنْ غَيْرِهِمْ مِمَّنْ يُبَاشِرُونَ الْعَمَلَ فِي سَاعَاتٍ مُتَأَخِّرَةٍ مِنَ الصَّبَاحِ وَيَسْهَرُونَ إِلى سَاعَاتٍ مُتَأَخِّرَةٍ لَيْلاً.

۳۱ـ افرادی که تا دیر وقت کار می‌کنند موفقیت بیشتری دارند.

یکی از محققان روانشناسی تأکید کرد: تحقیقاتی که بر روی جمع زیادی از مردم صورت گرفته نشان داده افرادی که هنگام صبح با تأخیر کار خود را آغاز می‌کنند و تا آخر شب به کار ادامه می‌دهند از نظر قدرت بدنی و هوش نسبت به دیگران موفقیت بیشتری دارند. این مطلب را روزنامه‌ی «ساندی تلگراف» بیان کرد و افزود: نتایج این تحقیق با نظریه‌ی حاکم در میان بیشتر دانشمندان مبنی بر اینکه افرادی که صبح زود کار را آغاز می‌کنند و شب هنگام در ساعات اولیه شب به خواب می‌روند نسبت به کسانی که صبح کار را دیر شروع می‌کنند و شبها تا دیر وقت بیدارند موفقیت بیشتری دارند ـ کاملاً تناقض دارد.

خَلَدَ ـُ خَلْداً وَخُلُوداً إِلَى النَّوْمِ: به خواب رفت.

عِلْمُ النَّفْسِ: روانشناسی.

الجَمْعُ الغَفِير: جمع زیاد.

بَاشَرَهُ: بدان مباشرت کرد. **يُبَاشِرُونَ:** اقدام (مباشرت) می‌کنند.
السَّاعَاتُ الْمُتَأَخِّرة: دیر وقت.
اِسْتَمَرَّ: ادامه داد. **يَسْتَمِرُّونَ:** ادامه می‌دهند.
الْقُدْرَةُ الْبَدَنِيَّة: توانایی جسمی.
نَاقَضَهُ: با آن تناقض داشت.
النَّظَرِيَّةُ السَّائِدَة: نظریه‌ی حاکم.
مُعْظَمُ الْعُلَمَاءِ: بیشتر دانشمندان.
بَكَّرَ فِي الْعَمَلِ: صبح زود کار را آغاز کرد.
يُبَكِّرُونَ فِي الْعَمَلِ: صبح زود کار را آغاز می‌کنند.
سَهِرَ ـَ سَهَراً: شب‌نشینی (شب زنده داری) کرد. **يَسْهَرُونَ:** شب‌نشینی (شب زنده داری) می‌کنند.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَنْ هُمْ أَكْثَرُ نَجاحاً مِنْ حَيْثُ الْقُدْرَةِ البَدَنِيَّةِ وَالذَّكَاءِ؟ ۲ـ هَلْ نَتَائِجُ الدِّرَاسَةِ تُنَاقِضُ النَّظَرِيَّةَ السَّائِدَةَ؟ ۳ـ ما هِيَ النَّظَرِيَّةُ السَّائِدَةُ لَدَى مُعْظَمِ العُلَمَاءِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ تحقیقات بر روی جمع زیادی از مردم صورت گرفته است. ۲ـ نتایج این تحقیقات با نظریه‌ی جدید تناقض دارد. ۳ـ کسانی که شبها تا دیر وقت بیدارند موفقیت بیشتری دارند.

۳۲ـ سَرَقُوا الْبَصَلَ وَتَرَكُوا الْمُجَوْهَرَاتِ.

فِي حَادِثَةِ سَرِقَةٍ فَرِيدَةٍ مِنْ نَوْعِهَا قَامَ ثَلاثَةٌ مِنَ الْهُنُودِ بِسَرِقَةِ خَمْسَةِ كِيلُوغِرَامَاتٍ مِنَ الْبَصَلِ مِنْ إِحْدَى المَنَازِلِ فِي العَاصِمَةِ الهِنْدِيَّةِ «نِيُودِلْهِي». وَقَالَ أَحَدُ اللُّصُوصِ الثَّلاثَةِ أَمَامَ قَاضِي التَّحْقِيقِ: إِنَّ زَوْجَتِي أَوْصَتْنِي يَوْمَ وُقُوعِ الحَادِثِ بِشِرَاءِ كَمِّيَّةٍ مِنَ الْبَصَلِ إِلَّا أَنَّنِي وَبِسَبَبِ اِرْتِفَاعِ

سِعْرِ الْبَصَلِ لَمْ أَسْتَطِعْ شِرَاءَهُ فرَأَيْتُ فِي هَذِهِ الأَثْنَاءِ رَجُلاً يَحْمِلُ خَمْسَةَ كِيلُوغِرَامَاتٍ مِنَ الْبَصَلِ فَاقْتَفَيْتُ أَثَرَهُ حَتَّى وُصُولِهِ إِلَى مَنْزِلِهِ، وَعِنْدَ مُنْتَصَفِ اللَّيْلِ قُمْتُ بِالتَّعَاوُنِ مَعَ اثْنَيْنِ مِنْ أَصْدِقَائِي بِمُدَاهَمَةِ المَنْزِلِ وَسَرِقَةِ الْبَصَلِ. تَقُولُ مَصَادِرُ الشُّرْطَةِ المَحَلِّيَّةِ فِي تَعْلِيقِهَا عَلَى الحَادِثِ بِأَنَّ هَؤُلاءِ الثَّلاثَةَ قَامُوا بِتَهْدِيدِ حَارِسِ المَنْزِلِ بِالسَّكَاكِينِ وَطَلَبُوا مِنْهُ أَنْ يَدُلَّهُمْ على مَكَانِ الْبَصَلِ! وَبَعْدَ الوُصُولِ إِلَى ضَالَّتِهِمْ سَرَقُوا كَمِّيَّةً مِنَ الْبَصَلِ وَمَعَ وُجُودِ المُجَوْهَرَاتِ وَمَبَالِغَ نَقْدِيَّةٍ فِي الْبَيْتِ إِلَّا أَنَّهُمْ اِكْتَفَوْا بِالْبَصَلِ وَتَرَكُوا الأَشْيَاءَ الثَّمِينَةَ الأُخْرَى وَلاذُوا بِالْفِرَارِ. وَالجَدِيرُ بِالذِّكْرِ أَنَّ الهِنْدَ تَعِيشُ هَذِهِ الأَيَّامَ أَزْمَةَ بَصَلٍ حَقِيقِيَّةً فَقَدْ وَصَلَ سِعْرُ كِيلُوغِرَامٍ وَاحِدٍ مِنْهُ إِلَى مِأَةِ رُوبِيَّةٍ هِنْدِيَّةٍ.

۳۲ـ پیاز را دزدیدند و جواهرات را به جا گذاشتند.

در یک حادثه‌ی دزدی بی‌نظیر در نوع خود، سه هندی اقدام به سرقت ۵ کیلوگرم پیاز از یکی از منازل در پایتخت هند «دهلی‌نو» نمودند. یکی از این سه دزد در برابر بازپرس گفت: روز وقوع حادثه همسرم به من سفارش کرد مقداری پیاز بخرم ولی به دلیل گرانی قیمت پیاز نتوانستم آن را خریداری کنم. در این میان مردی را دیدم که ۵ کیلو پیاز با خود حمل می‌کرد. سپس او را تا رسیدن به منزلش تعقیب کردم و نیمه شب با همکاری دو نفر از دوستانم برای سرقت پیاز، سرزده وارد منزل شدیم. منابع پلیس محلی در توضیح حادثه می‌گویند: این سه نفر با چاقو نگهبان منزل را تهدید کردند و از وی خواستند آنها را به محل پیاز(ها) هدایت کند. آنها پس از رسیدن به گمشده‌ی خود مقداری پیاز دزدیدند و با وجود جواهرات و مبالغی پول نقد در منزل، فقط به پیاز اکتفا کردند و اشیای گرانبهای دیگر را رها کردند و پا به فرار گذاشتند. شایان ذکر است که این روزها هندوستان در بحران واقعی (گرانی) پیاز بسر می‌برد به طوری که قیمت هر کیلوگرم پیاز به ۱۰۰ روپیه هندی می‌رسد.

الفَرِيدَة: منحصر به فرد.
الهُنُود: مف: الهِنْدِيّ: اهل هند، هندی.
الْبَصَل: مف: البَصَلَة: پیاز.
أَوْصَتْهُ: به او سفارش کرد.
الشِّرَاء: خریدن.
اِرْتِفَاعُ السِّعْرِ: بالا رفتن قیمت.
اِقْتَفَى أَثَرَهُ: او را تعقیب کرد.
مُنْتَصَف اللَّيْلِ: نیمه شب.
المُدَاهَمَة: سرزده (ناگهانی، بدون اجازه) وارد شدن.
مَصَادِرُ الشُّرْطَةِ المَحَلِّيَّةِ: منابع پلیس محلی.
التَّعْلِيق: تفسیر، توضیح.
السَّكَاكِين: مف: السِّكِّين: چاقو.
الضَّالَّة: گمشده.
المُجَوْهَرَات: جواهرات.
الثَّمِينَة: گرانبها.
لاذَ ـُ لَوْذاً و لَوَاذاً بِالْفِرَارِ: پا به فرار گذاشت. **لاذُوا بِالْفِرَارِ:** پا به فرار گذاشتند.
الجَدِيرُ بِالذِّكْرِ: شایان ذکر است.
الأَزْمَة: بحران.

□ **تمرين**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَاذَا سَرَقَ الهُنُودُ؟ ۲ـ مَاذَا قَالَ أَحَدُ اللُّصُوصِ أَمَامَ قَاضِي التَّحْقِيقِ؟ ۳ـ هَلْ سَرَقُوا المُجَوْهَرَاتِ وَالمَبَالِغَ النَّقْدِيَّةَ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ روز وقوع حادثه، و خرید مقداری پیاز را هرگز فراموش نمی‌کند. ۲ـ سارقان، مرا را تا منزلم تعقیب کردند. ۳ـ نیمه شب برای سرقت، سرزده وارد منزلم شدند.

۳۳ـ البَحْثُ عَنْ جَيْشٍ مَطْمُورٍ فِي الصَّحرَاءِ.

أَفَادَتِ المَصَادِرُ فِي المَجْلِسِ الأَعْلَى لِلآثَارِ فِي مِصْرَ أَنَّ فَرِيقاً مِنْ عُلَمَاءِ الآثَارِ سَيَتَوَجَّهُ إِلَى الصَّحرَاءِ الغَرْبِيَّةِ بَحْثاً عَنْ جَيْشِ الفَاتِحِ الفَارِسِيِّ «قَمْبِيز»

الَّذِي دُفِنَ فِي الصَّحرَاءِ مَعَ جَيْشِهِ نَتِيجَةَ عَاصِفَةٍ رَمْلِيَّةٍ قَبْلَ ۲۵۰۰ عَـامٍ. وَأَوْضَحَ الْمَصْدَرُ نَفْسُهُ: أَنَّ الأَبْحَاثَ سَتَبْدَأُ بِالْقُربِ مِنْ وَاحَةِ «سيوه» (۷۵۲ كَم، جَنُوبَ غَرْبِ القَاهِرَةِ) بَعْدَ اكْتِشَافِ قِطَعٍ مَعْدِنِيَّةٍ وَرُؤُوسِ حِرَابٍ وَخنَاجِرَ وَعِظَامٍ بَشَرِيَّةٍ فِي المِنْطَقَةِ. وَكَانَ «قَمْبِيزُ» الَّذِي حَكَمَ مِصْرَ فِـي العَامِ ۵۲۴ قَبْلَ الْمِيلادِ دَخَلَ الصَّحْرَاءَ الغَرْبِيَّةَ بِـرِفْقَةِ خَمْسِينَ أَلْفاً مِـنْ جُنُودِهِ لِهَدْمِ مَعْبَدِ «آمُون» بَعْدَ أَنْ تَنَبَّأَ كَهَنَتُهُ بِنِهَايَةِ حُكْمِهِ. وَقَدْ طُمِرَ الْمَلِكُ وَجَيْشُهُ بِأَكْمَلِهِ فِي الرِّمَالِ بَعْدَ هُبُوبِ عَاصِفَةٍ رَمْلِيَّةٍ بِـالْقُرْبِ مِـنْ وَاحَـةِ «سيوه» لَكِنْ لا يُوجَدُ أَيُّ دَلِيلٍ مَلْمُوسٍ يُؤَيِّدُ هَذِهِ الرِّوَايَةَ. وَفَشِلَتْ مُهِمَّةٌ سَابِقَةٌ فِي أَبْحَاثِهَا بِسَبَبِ نَقْصٍ فِي مُعَدَّاتِ التَّنْقِيبِ.

۳۳ـ جستجو به دنبال ارتشی دفن شده در صحرا.

منابع مجلس اعلای باستان‌شناسی مصر اظهار داشتند: یک تیم از دانشـمندان باستان‌شناس به منظور تحقیق در مورد ارتش فاتح فارسی «کامبیز» که ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد با سپاه خود در طوفان شن مدفون شد ـ به سمت صـحرای بـاختری رهسپار خواهد شد. همان منبع توضیح داد: پس از آنکه قطعات فلزی، سر نیزه‌ها، خنجرها و استخوانهای انسانی در منطقه کشف شد، تحقیقات در نزدیکی واحه‌ی «سیوه» (۷۵۲ کیلومتری جنوب غرب قاهره) آغاز خواهد شد. کامبیز که در سال ۵۲۴ قبل از میلاد بر مصر حکمرانی داشت، پس از آنکه پیشگویانش پایان حکومت او را به وی خبر دادند، همراه با ۵۰ هزار نفر از سپاهیانش برای ویران کردن معبد «آمون» وارد صحرای باختری شد. پس از طوفان شن در نزدیکی واحه‌ی «سیوه» پادشاه و سپاهیانش به طور کامل در شنها مدفون شدند. البته دلیل روشنی که این روایت را تأیید کند، وجود ندارد. پیش از این یک مأموریت در تحقیقاتش بـه دلیـل کـمبود تجهیزات کاوشگری با شکست روبرو شد.

طَمَرَ ـِ طَمْراً وَطُمُوراً الشَّيءَ: آن چیز را دفن کرد. **طُمِرَ:** مدفون شد.
المَطْمُور: دفن شده.
المَصَادِر: مف: المَصْدَر: منبع.
المَجْلِسُ الأَعْلَى لِلآثَارِ: مجلس اعلای باستان‌شناسی.
الفَرِيق: گروه، تیم.
عُلَمَاءُ الآثَارِ: مف: عَالِمُ الآثَارِ: دانشمند باستان‌شناس.
تَوَجَّهَ إِلَى ...: به سوی ... رهسپار شد.
يَتَوَجَّهُ إِلَى...: رهسپار می‌شود.
العَاصِفَةُ الرَّمْلِيَّة: طوفان شن.
الوَاحَة: زمین آباد در بیابان خشک.
القِطَعُ المَعْدِنِيَّة: مف: القِطَعَةُ المَعْدِنِيَّة: قطعه‌ی فلزی.
رُؤُوسُ الحِرَاب: مف: رَأْسُ الحَرْبَةِ: سرنیزه.
الخَنَاجِر: مف: الخَنْجَر: خنجر.
العِظَامُ البَشَرِيَّة: مف: العَظْمُ البَشَرِيُّ: استخوان انسانی.
تَنَبَّأَ بِهِ: از آن خبر داد.
الْكَهَنَه: مف: الكَاهِن: پیشگو، کاهن.
الهُبُوب: وزش (باد).
فَشِلَ ـَ فَشَلاً: شکست خورد.
المُهِمَّة: مأموریت.
مُعَدَّاتُ التَّنْقِيبِ: مف: مُعَدَّةُ التَّنْقِيبِ: ابزار حفاری (کاوشگری).

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ أَيْنَ سَيَتَوَجَّهُ فَرِيقٌ مِنْ عُلَمَاءِ الآثَارِ؟ ۲ـ عَمَّا يَبْحَثُ الفَرِيقُ؟ ۳ـ أَيْنَ دُفِنَ جَيْشُ «قَمْبِيز»؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ قطعات فلزی، سر نیزه‌ها، خنجرها و استخوانهای انسانی در منطقه کشف شد.
۲ـ پیشگویان، پایان حکومت را به وی خبر دادند. ۳ـ دلیلی که روایت را تأیید کند، وجود ندارد.

۳۴ـ تَآكُلُ طَبَقَةِ الأُوزُونِ فَوْقَ أُورُوبَّا.

أَعْلَنَتْ وكَالَةُ الفَضَاءِ الأُورُوبِّيَّةُ أَنَّ طَبَقَةَ الأُوزُونِ فَوْقَ بِرِيطَانِيَا وَبَلْجِيكَا وَهُولَنْدَا والدُّوَلِ الأَسْكَنْدِنَافِيَّةِ بَدَأَتْ تَتَآكَلُ إِلَى مُسْتَوَيَاتٍ تُسَبِّبُ الْقَلَقَ وتَقْتَرِبُ إِلَى حَدٍّ كَبِيرٍ مِنَ المُسْتَوَيَاتِ المَوْجُودَةِ عِنْدَ المِنْطَقَةِ القُطْبِيَّةِ الجَنُوبِيَّةِ. وَقَالَ بَيَانٌ لِلْوكَالَةِ: إِنَّ القِيَاسَاتِ المَأْخُوذَةَ فِي هُولَنْدَا أَشَارَتْ إِلَى أَنَّ سَمْكَ طَبَقَةِ الأُوزُونِ يَصِلُ الآنَ إِلَى نَحْوِ ثُلْثَي المُسْتَوى العَادِي خِلالَ هَذَا الوَقْتِ مِنَ العَامِ. وَتَحْمِي طَبَقَةُ غَازِ الأُوزُونِ المَوْجُودَةُ فِي طَبَقَاتِ الغَلافِ الجَوِّيِّ العُلْيَا المُحِيطَةِ بالأَرْضِ الكَائِنَاتِ عَلَى الْكَوْكَبِ مِنَ الأَشِعَّةِ فَوْقَ البَنَفْسَجِيَّةِ الضَّارَّةِ. وَقَدْ أَدَّتِ انْبِعَاثَاتٌ غَازِيَةٌ مِنْ مَوَادِّ الكُولُورُوفُلُورُو كَرْبُونِ النَّاتِجَةِ مِنَ الأَنْشِطَةِ الصِّنَاعِيَّةِ وَمَوَادِّ التَّبْرِيدِ وَمُبِيدَاتِ الآفَاتِ إِلَى تَآكُلِ هَذِهِ الطَّبَقَةِ مِمَّا يَزِيدُ مِنْ مَخَاطِرِ الإِصَابَةِ بِسَرَطَانِ الْجِلْدِ وَأَمْرَاضٍ أُخْرَى نَتِيجَةً لِلتَّعَرُّضِ لِلأَشِعَّةِ الضَّارَّةِ. وَالمِنْطَقَةُ القُطْبِيَّةُ الجَنُوبِيَّةُ أَشَدُّ مَنَاطِقِ طَبَقَةِ الأُوزُونِ تَآكُلاً حَيْثُ وَصَلَ اِتِّسَاعُ ثَقْبِ الأُوزُونِ هُنَاكَ إِلَى نَحْوِ ثُلْثَي مَسَاحَةِ الصِّينِ. اِنْخِفَاضُ دَرَجةِ الحَرَارَةِ فِي طَبَقَةِ الإِسْتِرَاتُوسْفِيرِ وَوُجُودُ نَوْعٍ مِنَ الغُيُومِ الَّتِي تَحْتَوِي عَلَى عوَامِلَ خَاصَّةٍ تَسْهَمُ فِي تَسْرِيعِ التَّفَاعُلاتِ الكِيمِيَاوِيَّةِ تُؤَدِّي إِلَى تَآكُلِ الأُوزُونِ. وَتَوَجَّهَتْ المُنَظَّمَاتُ غَيْرُ الحُكُومِيَّةِ بِانْتِقَادَاتٍ لاذِعَةٍ لِلأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ لِعَدَمِ مُبَادَرَتِهَا بِحِمَايَةِ طَبَقَةِ الأُوزُونِ.

۳۴ـ خوردگی لایه‌ی ازون بر روی اروپا.

خبرگزاری ماهواره‌ای اروپا اعلام کرد: لایه‌ی ازون بر فراز بریتانیا، بلژیک، هلند و کشورهای اسکاندیناوی شروع به خوردگی کرده به حدی که موجب نگرانی شده است و تا حد زیادی به خوردگی موجود در قطب جنوب نزدیک می‌شود. در بیانیه‌ی

این خبرگزاری آمده است: اندازه‌های گرفته شده (لایه‌ی ازون) در هلند بیانگر آن است که در این برهه از **سال** ضخامت لایه‌ی ازون به دو سوم حالت عادی می‌رسد. لایه‌ی گاز ازون موجود در لایه‌های پوسته‌ی بالایی جو که احاطه کننده‌ی زمین است، موجودات این سیاره را از اشعه‌ی زیانبار ماورای بنفش، حفظ می‌کند. رها شدن گازهایِ حاصل از مواد کلروفلروکربن در نتیجه‌ی فعالیت‌های صنعتی، مواد خنک کننده و سموم دفع آفات منجر به خوردگی این لایه شده است. به صورتی که خطر ابتلا به سرطان پوست و دیگر بیماریها را در نتیجه‌ی تماس با اشعه‌های مضر افزایش می‌دهد. لایه‌ی ازون در منطقه‌ی قطب جنوب، خوردگی بیشتری نسبت به دیگر مناطق دارد. به طوری که در آنجا وسعت سوراخ لایه‌ی ازون به حدود دو سوم مساحت کشور چین می‌رسد. پایین آمدن درجه‌ی حرارت در لایه‌ی استراتوسفر، و وجود نوعی از ابرها که دربردارنده‌ی عوامل خاصی است که موجب تسریع فعل و انفعالات شیمیایی می‌گردند، منجر به خوردگی لایه‌ی ازون می‌شوند. سازمانهای غیر دولتی، **سازمان** ملل را به دلیل عدم اقدام در حمایت از لایه‌ی ازون مورد انتقاد شدید قرار دادند.

التَّآكُل: خوردگی.

وِكَالَةُ الفَضَاءِ الأُورُوبِّيَّةُ: خبرگزاری ماهواره‌ای اروپا.

طَبَقَةُ الأُوزُونِ: لایه‌ی ازون.

بَلْجِيكَا: بلژیک.

هُولَنْدَا: هلند.

الأَسْكَنْدِنَافِيَّة: اسکاندیناوی.

بَدَأَتْ تَتَآكَلُ: شروع به خوردگی کرد.

المُسْتَوَيَات: مف: المُسْتَوَى: سطح.

القِيَاسَاتُ المَأْخُوذَة: مف: القِيَاسُ المَأْخُوذُ: اندازه‌ی گرفته شده.

السَّمْك: ضخامت، کلفتی.

ثُلُثَي: دو سوم.

المُسْتَوى العَادِي: سطح عادی.

حَمَى ـِ حِمَايَةً هُ مِنْ...: او را از ... حمایت می‌کند. **تَحْمِي**: حمایت

می‌کند.

الغَلافُ الجَوِّيُّ: پوسته‌ی جو.

المُحِيطَةُ بِالأَرْضِ: احاطه کننده‌ی زمین.

الْكَوْكَب: سیاره؛ ج: كَوَاكِب.

فَوْقَ البَنَفْسَجِيَّةِ: ماورای بنفش.

الضَّارَّة: مضر، زیانبار.

الانْبِعَاثُ الغَازِيّ: گسیل شدن گازی، تحریک شدن گازی.

النَّاتِجَةُ مِنْ ....: حاصل از ...

الأَنْشِطَةُ الصِّنَاعِيَّةُ: مف: النَّشَاطُ الصِّنَاعِيّ: فعالیت صنعتی.

التَّبْرِيد: خنک کردن.

مُبِيدَاتُ الآفَاتِ: مف: مُبِيدُ الآفَاتِ: آفت‌کش.

الإِصَابَةُ بِـ...: ابتلا به ...

سَرَطَانُ الْجِلْدِ: سرطان پوست.

المَخَاطِرُ: خطرات (این واژه مفردی از لفظ خود ندارد).

الاِتِّسَاع: وسعت، پارگی.

الثَّقْب: سوراخ.

الصِّين: چین.

اِنْخِفَاض: پایین آمدن.

طَبَقَةُ الإِسْتِرَاتُوسْفِير: لایه‌ی استراتوسفر.

عوَامِلُ المُلامَسَةِ: عوامل تماس.

سَهَمَ ـَ سُهُوماً وَسُهُومَةً فِي...: در ... سهم داشت. **تَسْهَمُ:** سهم دارد.

تَسْرِيعُ التَّفَاعُلاتِ الكِيمِيَاوِيَّةِ: سرعت بخشیدن فعل و انفعالات شیمیایی.

الانْتِقَادُ اللَّاذِعُ: انتقاد تند و گزنده.

المُبَادَرَة: اقدام، شتافتن.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ أَيْنَ بَدَأَتْ تَآكُلُ طَبَقَةُ الأُوزُونِ إِلَى مُسْتَوَيَاتٍ تُسَبِّبُ الْقَلَقَ؟ ۲ـ ما هُوَ القِيَاسُ المَأْخُوذُ فِي هُولَنْدَا لِسَمْكِ طَبَقَةِ الأُوزُونِ؟ ۳ـ ما هِيَ فَائِدَةُ طَبَقَةِ الأُوزُونِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ لایه‌ی ازون شروع به خوردگی کرده به حدی که موجب نگرانی شده است.

۲ـ ضخامت لایه‌ی ازون به دو سوم حالت عادی می‌رسد. ۳ـ رها شدن گازهایِ حاصل از مواد کلروفلروکربن منجر به خوردگی این لایه شده است.

۳۵ـ هَرَبَ مِنَ الحَرِیقِ وَمَاتَ مُتَجَمِّداً.

فَرَّ سُویدِیٌّ مِنْ حَرِیقٍ اِنْدَلَعَ فِي کُوخِ الصَّیْدِ الَّذِي کَانَ یُقِیمُ بِهِ بِوَسَطِ السُّوِیدِ وَلَکِنَّهُ مَاتَ مُتَجَمِّداً لأَنَّهُ غَادَرَ الْکُوخَ عَارِیاً. قَالَتْ صَحِیفَةُ «دَیْت» السُّویدیَّةُ الْیَوْمِیَّةُ: إِنَّ الرَّجُلَ فَرَّ لِیَنْجُوَ بِحَیَاتِهِ بِدُونِ أَنْ یَرْتَدِيَ مَلابِسَهُ بَعْدَ آنْدِلاعِ الحَرِیقِ فِي الکُوخِ، وَلَکِنْ عُثِرَ عَلَیْهِ مُتَجَمِّداً. وَأَضَافَتِ الصَّحِیفَةُ: أَنَّهُ مَاتَ فِي مَرْکَبَةٍ مُخَصَّصَةٍ لِلسَّیْرِ عَلَی الثُّلُوجِ لَهَا جرَّارَاتٌ وَزَلَّاجَاتٌ أَمَامِیَّةٌ عَلَی بُعْدِ نَحْوِ أَرْبَعَةِ کِیلُومِتْرَاتٍ مِنَ الکُوخِ المُحْتَرِقِ دُونَ أَنْ تَلْحَقَ بِهِ أَيُّ إِصَابَاتٍ مِنَ الحَرِیقِ.

۳۵ـ از آتش سوزی گریخت و بر اثر یخ‌زدگی جان داد.

یک سوئدی بر اثر آتش سوزی در کلبه‌ی صیادی که در آن اقامت می‌کرد و در مرکز سوئد قرار داشت ـ گریخت. ولی بر اثر یخ‌زدگی جان سپرد. زیرا کلبه را برهنه ترک کرده بود. روزنامه‌ی سوئدی «دیت» نقل کرد: این مرد گریخت تا زندگی خود را نجات دهد بدون اینکه پس از آتش سوزیِ کلبه، لباسهایش را بپوشد. سرانجام جسد یخ‌زده‌ی وی بدست آمد. این روزنامه افزود: او در یک وسیله‌ی نقلیه‌ی مخصوص حرکت بر روی برف که دارای یدک‌کش‌ها و چوبهای اسکی در قسمت جلو بود، در فاصله‌ی حدود چهار کیلومتری از کلبه‌ی آتش‌گرفته، جان سپرد. بدون اینکه در اثر آتش سوزی دچار آسیبی شود.

فَرَّ ـِ فِرَاراً مِنْ ...: از ... گریخت، فرار کرد.

السُّويدِيّ: سوئدی.
إِنْدَلَعَ: شعله‌ور شد، آتش گرفت.
كُوخُ الصَّيْدِ: کلبه‌ی صیادی.
أَقَامَ بِهِ و فِيهِ: در آن اقامت گزید. **كَانَ يُقِيمُ بِهِ:** در آن اقامت می‌گزید.
السُّوِيد: سوئد.
مَاتَ مُتَجَمِّداً: بر اثر یخ‌زدگی مرد.
غَادَرَ الْمَكَانَ: مکان را ترک کرد.
العَارِي: برهنه.
إِرْتَدَاهُ: آن را پوشید. **يَرْتَدِي:** می‌پوشد، بر تن می‌کند.
المَلابِس: مف: المَلْبَس: جامه، رخت، لباس.
المَرْكَبَة: وسیله‌ی نقلیه.
المُخَصَّصَة: مخصوص.
السَّيْرُ عَلَى الثُّلُوجِ: حرکت بر روی برفها.
الجَرَّار: یدک‌کش، تراکتور.
الزَّلَّاجَة: چوب اسکی.
عَلَى بُعْدِ: به فاصله‌ی.
المُحْتَرِق: آتش گرفته.
لَحِقَ ـ لَحَاقاً بِهِ: به او رسید.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا فَرَّ السُوِيدِيُّ؟ ۲ـ أَيْنَ كَانَ يُقِيمُ هَذَا السُوِيدِيُّ؟ ۳ـ لِمَاذَا مَاتَ مُتَجَمِّداً؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ او گریخت تا زندگی خود را نجات دهد ولی جسد یخ‌زده‌ی وی به دست آمد.
۲ـ او در یک وسیله‌ی نقلیه‌ی مخصوصِ حرکت بر روی برف جان سپرد. ۳ـ او کلبه‌اش را برهنه ترک کرده بود.

۳۶ـ مُعْظَمُ الأَغْذِيَةِ المُعَلَّبَةِ مُلَوَّثَةٌ.

ذَكَرَتْ مَجَلَّةٌ بَلْجِيكِيَّةٌ مَعْنِيَّةٌ بِحُقُوقِ المُسْتَهْلِكِينَ أَنَّ أَبْحَاثاً فِي خَمْسِ دُوَلٍ أُوْرُوبِيَّةٍ أَظْهَرَتْ أَنَّ مُعْظَمَ الأَغْذِيَةِ المُعَلَّبَةِ مُلَوَّثَةٌ بِآثَارِ المَوَادِّ

الْمُسْتَخْدَمَةِ فِي طِلاءِ العَبَوَاتِ المَعْدِنِيَّةِ. وَقَالَتْ مَجَلَّةُ «اکَاتس»: إِنَّهُ مِنْ بَيْنِ ۴۰۰ نَوْعٍ مُخْتَلِفٍ مِنَ الْمُنْتَجَاتِ الغِذَائِيَّةِ المُعَلَّبَةِ الَّتِي اُخْتُبِرَتْ فِي بَلْجِيكَا وَفَرَنْسَا وَإِيطَالِيَا وَإِسْبَانِيَا وَالبُرْتُغَالِ تَبَيَّنَ أَنَّ ۷۰٪ مُلَوَّثَةٌ بِآثَارِ مَادَّتَيْنِ كِيمِيَاوِيَّتَيْنِ مُسْتَخْدِمَتَيْنِ فِي طِلاءِ المُعَلَّبَاتِ وَيُفْتَرَضُ أَنَّهُما مِنَ المَوَادِّ المُسَبِّبَةِ لِلسَّرَطَانِ. وَأَضَافَتْ: أَنَّ آثَارَ هَاتَيْنِ كَانَتْ أَعْلَى فِي مُعَلَّبَاتِ الأَسْمَاكِ وَالأَغْذِيَةِ الأَكْثَرِ حَمْضِيَّةً الَّتِي تَحْوِي اللَّيْمُونَ أَوِ الخَلَّ أَوِ الطَّمَاطِمَ. وَقَالَتِ المَجَلَّةُ: إِنَّهُ لايُوجَدُ تَشْرِيعٌ فِي بَلْجِيكَا أَوْ عَلَى مُسْتَوَى الاِتِّحَادِ الأُورُوبِّيِّ يَحْكُمُ اسْتِخْدَامَ مِثْلِ هَذِهِ المَوَادِّ. وَدَعَتْ فِي مَقَالٍ عُنْوَانُهُ: «المُسْتَهْلِكُونَ لَيْسُوا حَيَوَانَاتِ تَجَارِبَ» إِلَى وَضْعِ مَزِيدٍ مِنَ اللَّوَائِحِ بِشَأْنِ طِلاءِ عَبَوَاتِ المُنْتَجَاتِ الغِذَائِيَّةِ لِلتَّأَكُّدِ مِنْ خُلُوِّهَا مِنْ أَيِّ مَوَادَّ كِيمِيَاوِيَّةٍ ضَارَّةٍ. وَأَوْصَتِ المُسْتَهْلِكِينَ بِالْحَدِّ مِنْ تَنَاوُلِ الأَغْذِيَةِ المُعَلَّبَةِ وَاسْتِخْدَامِ بَدَائِلَ أَكْثَرَ أَمْناً مِثْلِ الأَغْذِيَةِ المُجَمَّدَةِ كُلَّمَا أَمْكَنَ ذَلِکَ كَمَا أَوْصَتْ بِتَصْفِيَةِ السَّوَائِلِ مِنْ عَبَوَاتِ الأَغْذِيَةِ المَعْدِنِيَّةِ.

۳۶ـ بیشتر غذاهای کنسرو شده آلوده هستند.

یک مجله‌ی بلژیکی علاقه‌مند به حقوق مصرف کنندگان اظهار داشت: تحقیقات ۵ کشور اروپایی نشان داده که بیشتر غذاهای کنسرو شده با آثار مواد استفاده شده در آبکاری قوطی‌های فلزی، آلوده شده‌اند. مجله‌ی «اکاتس» اظهار داشت: از میان ۴۰۰ نوع مختلف از محصولات غذایی کنسرو شده در بلژیک، فرانسه، ایتالیا، اسپانیا و پرتغال که مورد آزمایش قرار گرفتند، مشخص گردید ۷۰ درصد آنها آلوده به اثرات دو ماده‌ی شیمیایی استفاده شده در جلای قوطی‌ها هستند. و احتمال می‌رود هر دو از مواد سرطان‌زا باشند. و افزود: آثار این دو ماده در قوطی‌های کنسرو ماهی، و غذاهایی که ترشی بیشتری دارند مانند لیمو (ترش)، سرکه، و گوجه فرنگی بیشتر

است. همین مجله نقل کرد: در بلژیک و یا در سطح اتحادیه‌ی اروپایی، قانونی در این زمینه وجود ندارد که در مورد استفاده از این مواد داوری کند. و در مقاله‌ای با عنوان «مصرف کنندگان حیوانات آزمایشگاهی نیستند» درخواست کرده قوانین بیشتری در ارتباط با آبکاری (جلای) قوطی‌های محصولات غذایی، برای اطمینان از خالی بودن از هر ماده‌ی شیمایی مضر وضع شود. همچنین مصرف کنندگان را به خودداری از مصرف غذاهای کنسرو شده، و نیز استفاده از جانشین‌های ایمن‌تری مانند غذاهای منجمد، توصیه کرد. همچنین توصیه کرد تا آنجا که امکان دارد مایعات درون قوطی‌های فلزی (محصولات) غذایی تصفیه شوند.

مُعْظَمُ الأَغْذِيَةِ المُعَلَّبَةِ: بیشتر غذاهای کنسرو شده.
المُلَوَّثَة: آلوده شده.
البَلْجِيكِيَّة: بلژیکی.
المَعْنِيَّة بِحُقُوقِ المُسْتَهْلِكِينَ: علاقه‌مند (مربوط) به حقوق مصرف کنندگان.
المُسْتَخْدَمَة: به کار گرفته شده.
طِلاءُ العَبَوَاتِ المَعْدِنِيَّةِ: روکش (آبکاری) قوطی‌های فلزی.
المُنْتَجَاتُ الغِذَائِيَّة: محصولات غذایی.
المُعَلَّبَة: کنسرو شده.
اِخْتَبَرَهُ: آن را آزمایش کرد. **اُخْتُبِرَ**: آزمایش شد.
تَبَيَّنَ: معلوم شد، مشخص شد.
اِفْتَرَضَهُ: آن را فرض کرد، احتمال داد. **يُفْتَرَضُ**: فرض می‌شود، احتمال می‌رود.
المُسَبِّبَةُ لِلسَّرَطَانِ: سرطان‌زا.
حَوَى ـ حَوَايَةً هُ: آن را فراگرفت، در بر داشت. **تَحْوِي**: در بر دارد.
اللَّيْمُونَ: مف: اللَّيْمُونَة: لیمو.
الخَلّ: سرکه.
الطَّمَاطِم: مف: الطُّمَاطَة: گوجه فرنگی.
التَشْرِيع: قانون گذاری.
المُسْتَهْلِك: مصرف کننده.
اللَّوَائِح: مف: اللائِحَة: لایحه.
عَبَوَاتُ المُنْتَجَاتِ الغِذَائِيَّةِ: مف: عَبْوَةُ المُنْتَجِ الغِذَائِيّ: قوطی محصول غذایی.

لِلتَّأَكُّدِ مِنْ ...: برای اطمینان از ... جانشین‌ها.

الخُلُوّ: خالی بودن.

أَوْصَى بِـ...: به... توصیه کرد. **أَوْصَتِ المُسْتَهْلِكِينَ بِـ...**: مصرف کنندگان را به ... توصیه کرد.

الْحَدُّ مِنْ ...: خودداری از، ممانعت از...

اسْتِخْدَامُ البَدَائِلِ: به کار گرفتن

المُجَمَّدَة: منجمد شده.

دَعَا يَدْعُو دُعَاءً إِلَى...: دعوت به ... کرد.

كُلَّمَا أَمْكَنَ ذَلِكَ: تا آنجا که امکان دارد.

السَّوَائِل: مف: السَّائل: مایع.

عَبَوَاتُ الأَغْذِيَةِ المَعْدِنِيَّةُ: قوطی‌های فلزی (محصولات) غذایی.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا مُعْظَمُ الأَغْذِيَةِ المُعَلَّبَةِ مُلَوَّثَةٌ؟ ۲ـ ما هُوَ نَوْعُ التَّلَوُّثِ؟ ۳ـ كَمْ نَوْعاً مِنَ المُنْتَجَاتِ الغِذَائِيَّةِ المُعَلَّبَةِ مُلَوَّثَةٌ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ آثار این دو ماده در غذاهایی که ترشی بیشتری دارند بیشتر است. ۲ـ در سطح اتحادیه‌ی اروپایی، قانونی در این زمینه وجود ندارد. ۳ـ من خواستار بازرسی به منظور اطمینان از خالی بودن از هر ماده‌ی شیمایی مضر هستم.

۳۷ـ طِفْلَةٌ نَجَتْ مِنَ المَوْتِ بَعْدَ سُقُوطِهَا مِنْ الجِسْرِ.

نَجَتْ طِفْلَةٌ عُمْرُهَا ۱۷ شَهْراً مِنَ المَوْتِ بِأُعْجُوبَةٍ إِثْرَ سُقُوطِهَا مِنْ جِسْرٍ مُعَلَّقٍ اِرْتِفَاعُهُ ۷۵ مِتْراً أَيْ مَا يُعَادِلُ مَبْنىً مُؤَلَّفاً مِنْ ۲۰ طَابِقاً. وَقَالَ شُهُودٌ: إِنَّ الطِّفْلَةَ كَانَتْ تَحْمِلُهَا أُمُّهَا فَوْقَ جِسْرِ «كَابِيلانُو» المُعَلَّقِ فِي «فَانْكُوفِر» وَهُوَ جِسْرٌ مُتَأَرْجِحٌ يَرْتَادُهُ السُّيَّاحُ. وَذَكَرَتْ السُّلُطَاتُ: أَنَّهُ لَمْ يَتَّضِحْ بَعْدُ سَبَبُ سُقُوطِ الطِّفْلَةِ إِلَّا أَنَّهَا قَالَتْ إِنَّهَا تَلَقَّتْ مُكَالَمَةً هَاتِفِيَّةً بِأَنَّ الطِّفْلَةَ سَقَطَ

فِي النَّهْرِ أَسْفَلَ الجِسْرِ دُونَ حِرَاكٍ. وَعِنْدَمَا تَوَجَّهَ رِجَالُ الإِنْقَاذِ إِلَى مَوْقِعِ الحَادِثِ فُوجِئُوا بِأَنَّ الطِّفْلَةَ جَالِسَةٌ عَلَى نُتُوءٍ صَخْرِيٍّ عَلَى حَافَّةِ النَّهْرِ وَأَنَّهَا خَالِيَةٌ تَمَاماً مِنْ أَيِّ كُسُورٍ أَوْإِصَابَاتٍ تُهَدِّدُ حَيَاتَهَا وَنَقَلُوهَا عَلَى مَحَفَّةٍ إِلَى مُسْتَشْفىً مَحَلِّيٍّ لِعِلاجِهَا مِنْ سَحَجَاتٍ بَسِيطَةٍ. وَوَصَفَ رِجَالُ الإِنْقَاذِ بَقَاءَ الطِّفْلَةِ عَلَى قَيْدِ الحَيَاةِ بِأَنَّهُ مُعْجِزَةٌ.

۳۷ـ دختربچه‌ای پس از سقوط از پل از مرگ نجات یافت.

دختربچه‌ی هفده ماهه‌ای به دنبال سقوط از یک پل معلق به ارتفاع ۷۵ متر، یعنی برابر با یک ساختمانِ ۲۰ طبقه، به طرز معجزه آسایی از مرگ نجات یافت. شاهدان گفتند: این دختربچه را مادرش با خود بر روی پل معلق «کَابِیلانُو» در «وانکوور» حمل می‌کرد. این پل، متحرک است و جهانگردان در آن رفت و آمد می‌کنند. مقامات مربوط اظهار داشتند: هنوز علت سقوط کودک مشخص نشده است و تنها اظهار داشتند: یک تماس تلفنی مبنی بر اینکه دختربچه در پایین پل در رودخانه، سقوط کرده و بی حرکت مانده است، دریافت کرده‌اند. هنگامی که امدادگران به محل حادثه رفتند با دیدن کودک که بر روی یک بلندی صخره‌ای بر لبه‌ی رودخانه نشسته بود، غافلگیر شدند. بدن وی عاری از هر گونه شکستگی یا ضربه‌ای بود که زندگیش را تهدید کند. سپس به منظور درمان خراشیدگی‌های مختصر، او را با برانکارد به یک بیمارستان محلی منتقل کردند. امدادگران، زنده ماندن این دختربچه را معجزه توصیف کردند.

نَجَی ـُـ نَجَاةً مِنْ ...: از ... نجات یافت. **إِثْرَ:** به دنبال. **الأُعْجُوبَة:** خارق العاده، معجزه آسا، شگفت آور؛ ج: أَعَاجِيب. **الجِسْرُ المُعَلَّقُ:** پل معلق. **عَادَلَهُ:** با آن برابری کرد. **يُعَادِلُ:** برابری

می‌کند.

المَبْنَى المُؤَلَّفُ مِنْ ...: ساختمانِ تشکیل شده از ...

الطَّابِق: طبقه؛ ج: طَوَابِق.

حَمَلَ ــ حَمْلاً هُ: او را حمل کرد. **كَانَتْ تَحْمِلُهَا**: او را حمل می‌کرد.

الجِسْرُ المُتَأَرْجِحُ: پل متحرک (تاب‌دار، جنبان).

اِرْتَادَهُ: به آنجا رفت و آمد کرد. **يَرْتَادُهُ السُّيَّاحُ**: جهانگردان در آنجا رفت و آمد می‌کنند.

السُّيَّاحُ: مف: السَّائِح: جهانگرد.

اِتَّضَحَ: معلوم شد، مشخص شد. **لَمْ يَتَّضِحْ**: مشخص نشد.

تَلَقَّاهُ: آن را دریافت کرد. **تَلَقَّتْ**: دریافت کرد.

المُكَالَمَةُ الهَاتِفِيَّةُ: مکالمه‌ی تلفنی.

أَسْفَل الجِسْرِ: پایین پل.

دُونَ الحِرَاكِ: بدون حرکت.

تَوَجَّهَ إِلَى ...: به... رهسپار شد.

مَوْقِعُ الحَادِثِ: محل حادثه.

فَاجَأَهُ: او را غافلگیر کرد. **فُوجِئُوا**: غافلگیر شدند.

النُّتُوء: برآمدگی.

الكُسُور: مف: الكَسْر: شکستگی.

هَدَّدَهُ: او را تهدید کرد. **تُهَدِّدُ حَيَاتَهَا**: زندگیش را تهدید می‌کند.

المِحَفَّة: برانکارد، تخت قابل حمل و نقل.

السَّحَجَاتُ البَسِيطَةُ: مف: السَّحْجَةُ البَسِيطَةُ: خراشیدگی مختصر.

رَجُلُ الإِنْقَاذِ: امدادگر.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ كَمْ عُمْرُ الطِّفْلَةِ الَّتِي نَجَتْ مِنَ المَوْتِ؟ ۲ـ مِنْ أَيْنَ سَقَطَتِ الطِّفْلَةُ؟ ۳ـ هَلِ اتَّضَحَ سَبَبُ سُقُوطِ الطِّفْلَةِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ ارتفاع این پل معلق ۷۵ متر، یعنی برابر با یک ساختمانِ ۲۰ طبقه بود. ۲ـ این دختربچه را مادرش با خود بر روی پل معلق حمل کرده است. ۳ـ دختربچه

بی‌حرکت بر روی یک بلندی صخره‌ای بر لبه‌ی رودخانه خوابیده بود.

۳۸ـ ضَرْبُ الكُرَةِ بِالرَّأْسِ يُسَبِّبُ تَلَفَ المُخِّ.

ذَكَرَتْ مَجَلَّةُ «نيو سَاينتست»: أَنَّ لاعِبِي كُرَةِ القَدَمِ الَّذِينَ يَضْرِبُونَ الْكُرَةَ بِرُؤُوسِهِمْ كَثِيراً يُمْكِنُ أَنْ يُصَابُوا بِتَلَفٍ فِي المُخِّ. وَأَضَافَتْ: أَنَّ اللَّاعِبِينَ قَدْ يُعَانُون مِنْ أَعْرَاضٍ فِي المُخِّ بِالإِضَافَةِ إِلَى أَعْرَاضٍ يُعَانِي مِنْهَا المُلاكِمُونَ نَتِيجَةَ تَكْرَارِ الضَّرَبَاتِ المُوَجَّهَةِ لِرُؤُوسِهِمْ كَضَعْفِ الذَّاكِرَةِ وَاضْطِرَابِ الكَلامِ وَضَعْفِ التَّرْكِيزِ. وَقَالَتِ المَجَلَّةُ الأُسْبُوعِيَّةُ: وَجَدَ أَخِصَّائِيُّونَ فِي الرِّيَاضَةِ أَنَّ لاعِبِي كُرَةِ القَدَمِ حَقَّقُوا نَتَائِجَ أَسْوَأَ مِنَ السَّبَّاحِينَ فِي مَجْمُوعَةٍ مِن اخْتِبَارَاتِ القُدْرَةِ العَقْلِيَّةِ. وَالأَكْثَرُ مِنْ هَذَا أَنَّ أَعْمَالَهُمْ يَتَدَهْوَرُ عَلَى مَا يَبْدُو كُلَّمَا زَادَتْ ضَرَبَاتُ الرَّأْسِ أَثْنَاءَ اللَّعِبِ. وَقَارَنَتْ «سِيمُونْز» وَ«ابويندر» مِنْ جَامِعَةِ «فُلُورِيدَا» بَيْنَ القُدْرَةِ الإِدْرَاكِيَّةِ لِمَجْمُوعَةٍ مِنْ ۳۲ لاعِبَ كُرَةِ القَدَمِ وَمَجْمُوعَةٍ مِنَ السَّبَّاحِينَ فَأَدَّتِ النَّتِيجَةُ إِلَى أَنَّ لاعِبِي كُرَةِ القَدَمِ أَحْرَزُوا دَرَجَاتٍ أَقَلَّ فِي اخْتِبَارَاتِ «رُدُودِ الفِعْلِ وَالتَّفْكِيرِ السَّرِيعِ».

۳۸ـ زدن توپ با سر موجب ضایع شدن مغز می‌شود.

مجله‌ی «نیو سَاینتست» نقل کرد: بازیکنان فوتبال که زیاد با سر به توپ می‌زنند، ممکن است مبتلا به ضایعه‌ی مغزی شوند. و افزود: بازیکنان (فوتبال) گاهی از عوارضی در مغز رنج می‌برند که بوکس بازان بر اثر تکرار ضربات پی‌درپی وارد شده بر سرشان مانند ضعف حافظه، اختلال گفتاری و ضعف تمرکز رنج می‌برند. این مجله‌ی هفتگی نقل کرد: متخصصان ورزش دریافته‌اند که فوتبالیست‌ها نتایجی بدتر از شناگران را در مجموعه‌ی آزمایشاتِ توانایی عقلی کسب کرده‌اند. و فراتر از آن این است که به نظر می‌رسد هنگامی که ضربات سر به توپ افزایش می‌یابد، عملکرد

فوتبالیست‌ها مختل می‌شود. «سیمونز» و «ابویندر» از دانشگاه «فلوریدا» توانایی ادراکی گروهی مرکب از ۳۲ بازیکن فوتبال و جمعی از شناگران را مقایسه کردند که نتیجه منجر بدان شد که بازیکنان فوتبال نمرات کمتری را در آزمایشاتِ عکس‌العمل و تفکر سریع کسب کردند.

كُرَةُ القَدَمِ: فوتبال.
أَصَابَ بِـ ...: مبتلا به ... شد. **يُمْكِن أَنْ يُصَابُوا بِـ ...:** ممکن است مبتلا به ... شوند.
المُخّ: مغز، مخ.
اللَّاعِب: بازیکن.
عَانَى مِنْ ...: از ... رنج برد. **يُعَانِي مِنْها:** از آنها رنج می‌برد. **قَدْ يُعَانُون مِنْ:** گاهی از ... رنج می‌برند.
أَخِصَّائِيُّونَ: مف: الأَخِصَّائِيّ: متخصص.
المُلاكِمُونَ: مف: المُلاكِم: بوکس بازان.
الضَّرَبَاتُ المُوَجَّهَةُ لِرُؤُوسِهِمْ: ضربات وارد شده بر سرشان.
الذَّاكِرَة: حافظه.
اِضْطِرَابُ الكَلامِ اختلال گفتاری.
ضَعْفُ التَّرْكِيزِ: ضعف تمرکز.
الرِّيَاضَة: ورزش.
حَقَّقُوا نَتَائِجَ: نتایجی را بدست آوردند.
أَسْوَأُ مِن ...: بدتر از ...
السَّبَّاحِينَ: شناگران.
اِخْتِبَارَات: آزمایشات.
القُدْرَةُ العَقْلِيَّةُ: توانایی عقلی.
تَدَهْوَرَ: فرو پاشید، به هم ریخت، مختل شد. **يَتَدَهْوَرُ:** فرو می‌پاشد، مختل می‌شود.
عَلَى مَا يَبْدُو: آن طور که به نظر می‌رسد.
زَادَ ـ زِيَادةً: افزایش یافت. **زَادَتْ ضَرَبَاتُ الرَّأْسِ:** ضربه‌های سر افزایش یافت.
أَثْنَاءَ اللَّعِبِ: هنگام بازی.
قَارَنَهُ: مقایسه‌اش کرد.
القُدْرَةُ الإِدْرَاكِيَّة: توانایی ادراکی.
أَحْرَزُوا دَرَجَاتٍ: درجات (امتیازات) را کسب کردند.
رُدُودُ الفِعْلِ: مف: ردُّ الفِعْلِ: عکس

العمل. **التَّفْكِيرُ السَّرِيعُ:** تفكر سريع.

□ تمرين

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ هَلْ يُمْكِنُ لِلَّذِينَ يَضْرِبُونَ الْكُرَةَ بِرُؤُوسِهِمْ أَنْ يُصَابُوا بِتَلَفٍ فِي المُخِّ؟ ۲ـ ما هِيَ الأَعْرَاضُ الَّتِي يُعَانِي مِنْهَا المُلاكِمُونَ؟ ۳ـ ما هِيَ النَّتَائِجُ الَّتِي حَقَّقَها لاعِبُوا كُرَةِ القَدَمِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ بازیکنان فوتبال از عوارضی در مغز رنج می‌برند. ۲ـ شناگران نتایجی بهتر از فوتبالیست‌ها در مجموعه‌ی آزمایشاتِ توانایی عقلی کسب کرده‌اند. ۳ـ هنگامی که ضربات سر به توپ افزایش می‌یابد، عملکرد فوتبالیست‌ها مختل می‌شود.

۳۹ـ البَقَرَةُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ وَمُتَبَصِّرٌ.

كَتَبَ بَاحِثُونَ دَنِمَارْكِيُّونَ فِي مَجَلَّةٍ مُتَخَصِّصَةٍ بِسُلُوكِ الحَيَوَانَاتِ: أَنَّ البَقَرَةَ هِيَ حَيَوَانٌ مُتَعَقِّلٌ وَمُتَبَصِّرٌ وَرُبَّمَا أَذْكَى مِنَ الكَلْبِ. وَقَالَتِ البَاحِثَةُ «مُونْكس» الَّتِي شَارَكَتْ فِي التَّجَارِبِ السُّلُوكِيَّةِ الَّتِي شَمَلَتْ ۶۶ بَقَرَةً دَنِمَارْكِيَّةً: إِنَّ الأَمْرَ لَيْسَ مُزَاحَةً وَإِنَّهَا دِرَاسَةٌ بَالِغَةُ الجِدِّيَّةِ. أَجْرَيْنَا أَرْبَعَ تَجَارِبَ حَوْلَ سُلُوكِ هَذَا الحَيَوَانِ. وَأَضَافَتْ: أَنَّ البَقَرَةَ تَثِقُ بِمَنْ يُعَامِلُهَا جَيِّداً. كَمَا أَنَّهَا قَادِرَةٌ وَبِسُرْعَةٍ عَلَى تَجَنُّبِ شَخْصٍ يُسِيءُ مُعَامَلَتَهَا. وَأَضَافَتْ: يَكْفِي أَنْ نَتَلَطَّفَ عَلَيْهَا حَتَّى تَعْتَادَ عَلَيْنَا. مُضِيفَةً أَنَّ الأَبْقَارَ تُدِرُّ حَلِيباً أَقَلَّ عِنْدَمَا تَخَافُ مِمَّنْ يَقُومُ بِحَلْبِهَا إِذَا لَمْ يَكُنْ لَطِيفاً مَعَهَا. وَأَكَّدَ البَاحِثُونَ فِي المَقَالِ الَّذِي نَشَرَتْهُ مَجَلَّةُ «اِبْلايد أَنِيمَال بيهَافيور سَاينس» (العُلُومُ التَّطْبِيقِيَّةُ لِسُلُوكِ الحَيَوَانِ) الدُّوَلِيَّةُ عَلَى ۱۳ صَفْحَةً، إِنَّ الأَبْقَارَ

تَتَعَرَّفُ أَيْضاً عَلَى الأَلْوَانِ وَتَرْتَاحُ لِلَوْنِ الأَزْرَقِ الَّذِي يَرْتَدِيهِ الرُّعَاةُ وَالعُمَّالُ الَّذينَ يَهْتَمُّونَ بِهَا. وَاقْتَرَحَ البَاحِثُونَ عَلَى المُزَارِعِينَ تَغْيِيرَ لَوْنِ مَلابِسِهِمْ عِنْدَمَا تَفْقِدُ ثِقَتَهَا بِهِمْ. وَقَالَتْ «مُونكس»: إِنَّهُ يَكْفِي بَعْدَ ذَلِکَ اِرْتِدَاءُ الزِّيِّ التَّقْلِيدِيِّ الأَزْرَقِ حَتَّى تَسْتَعِيدَ البَقَرَةُ ثِقَتَهَا بِالْعُمَّالِ عِنْدَ حَلْبِهَا.

۳۹ـ گاو حیوان باهوش و زیرکی است.

محققان دانمارکی در یک مجله‌ی مختص رفتار حیوانات نوشتند: گاو حیوانی عاقل، هوشمند و شاید باهوش‌تر از سگ است. خانم محقق «مونکس» که در آزمایشات رفتاری ۶۶ گاو دانمارکی شرکت کرده، اظهار داشت: این قضیه یک شوخی نیست بلکه تحقیقی بسیار جدی است. ما چهار آزمایش در ارتباط با رفتار این حیوان انجام داده‌ایم و افزود: گاو به کسی که رفتار خوبی با او دارد، اعتماد می‌کند. همچنین گاو قادر است از کسی که با او بد رفتاری می‌کند به سرعت دور شود. وی اضافه کرد: کافی است با گاو مهربانی کنیم تا به ما عادت کند. وی افزود: گاو(ها) اگر از کسی که شیرشان را می‌دوشد، بترسند و یا با آنها با نرمی رفتار نکنند شیر کمتری می‌دهند. محققان در مقاله‌ای که مجله‌ی بین المللی «ابلاید أنیمال بیهاویور ساینس» (علوم تطبیقی رفتار حیوان) در ۱۳ صفحه منتشر کرده‌اند، تأکید کردند: گاو(ها) همچنین رنگها را می‌شناسند و از رنگ آبی که چوپانان و کارگران پوشیده، و به امورشان می‌پردازند ـ خوششان می‌آید. محققان به کشاورزان پیشنهاد کردند وقتی که گاوها اعتمادشان را به آنها از دست می‌دهند، رنگ لباسهایشان را تغییر دهند. «مُونکس» گفت: کافی است لباس سنتی آبی رنگ برتن کرد تا گاو اعتمادش را به کارگران هنگام دوشیدن بدست آورد.

سُلُوکُ الحَیَوَانَاتِ: رفتار حیوانات. **المُتَعَقِّل**: عاقل.

الْمُتَبَصِّر: بینا، بصیر، هوشمند.
أَذْكَى: باهوش‌تر.
التَّجَارِبُ السُّلُوكِيَّةُ: آزمایشات (تجربه‌های) رفتاری.
شَمِلَ ـَ شَمَلاً وَشَمَلَ ـُ شَمْلاً وَشُمُولاً هُ: آن را در بر داشت، در بر گرفت.
الْمُزَاح: شوخی.
بَالِغَةُ الْجِدِّيَّةِ: بسیار جدی.
أَجْرَاهُ: آن را انجام داد. أَجْرَيْنَا: انجام دادیم.
وَثِقَ يَثِقُ ثِقَةً بِـ...: به ... اعتماد کرد. تَثِقُ بِـ...: به .... اعتماد می‌کند.
عَامَلَهُ: با او رفتارکرد. يُعَامِلُهَا: با او رفتار می‌کند.
تَلَطَّفَ عَلَيْهِ: به او مهرورزید، مهربانی کرد. أَنْ نَتَلَطَّفَ عَلَيْهَا: که به او مهر بورزیم، مهربانی کنیم.
أَدَرَّه: آن را روان ساخت، جاری کرد. تُدِرُّ حَلِيباً: شیر می‌دهد.
التَّجَنُّب: دور شدن.
أَسَاءَ مُعَامَلَتَهُ: با او بد رفتاری کرد. يُسِيءُ مُعَامَلَتَهَا: با او بد رفتاری می‌کند.
إِعْتَادَ عَلَى: عادت به ... داشت. تَعْتَادُ عَلَيْنَا: به ما عادت می‌کند.
الأَبْقَار: مف: الْبَقَر: گاو.
يَقُومُ بِحَلْبِهَا: اقدام به دوشیدنش می‌کند.
تَعَرَّفَ عَلَى: آن را شناخت. تَتَعَرَّفُ عَلَى الأَلْوَانِ: رنگها را می‌شناسد.
إِرْتَاحَ لِلَوْنِ الأَزْرَقِ: از رنگ آبی خوشش آمد.
ارْتَدَاهُ: آن را پوشید. يَرْتَدِيهِ الرُّعَاةُ: چوپانان می‌پوشند.
الرُّعَاة: مف: الرَّاعِي: چوپان.
العُمَّالُ: مف: العَامِل: کارگر.
إِهْتَمَّ بِهِ: بدان توجه کرد. يَهْتَمُّونَ بِهَا: بدان توجه می‌کنند.
الْمُزَارِعِينَ: مف: الْمُزَارِع: کشاورز.
اقْتَرَحَهُ: آن را پیشنهاد کرد.
فَقَدَ ـِ فَقْداً وَفِقْدَاناً وَفُقْدَاناً هُ: او را از دست داد. سَتَفْقِدُ ثِقَتَهَا: اعتمادش را از دست خواهد داد.
الارْتِدَاء: پوشیدن، برتن کردن.
الزِّيُّ التَّقْلِيدِيُّ: لباس سنتی.
إِسْتَعَادَهُ: آن را بازگرداند. تَسْتَعِيدَ ثِقَتَهَا: اعتماد او را بازمی‌گرداند.

الحَلْب: دوشیدن.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ هَلِ البَقَرَةُ تَثِقُ بِمَنْ يُعامِلُها جَيِّداً؟ ۲ـ كَيْفَ تَعْتَادَ البَقَرَةُ عَلَيْنَا؟ ۳ـ هَلِ الأَبْقَارُ تُدِرُّ الحَلِيبَ كَثِيراً عِنْدَ خَوْفِهَا مِمَّنْ يَقُومُ بِحَلْبِهَا؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ این تحقیق بسیار جدی است و یک شوخی نیست. ۲ـ گاو رنگها را می‌شناسد و از رنگ آبی خوشش می‌آید. ۳ـ لباس سنتی آبی رنگ را برتن کنید تا گاو به شما اعتماد کند.

۴۰ـ العَدَدُ المَشْؤُومُ لايَكادُ يُفارِقُهُ.

ذَكَرَتِ الصُّحفُ البِريطَانيَّةُ بِأَنَّ «تِرَانْت» البَالغَ مِنَ العُمْرِ ۶۵ عَاماً وَالَّذِي يُقِيمُ فِي مَدِينَة «بِيرْمِنْغهَام» عَلَى وَشَكِ أَنْ يَجُنَّ مِنَ الرَّقَمِ ۷۴۲ المَشْؤُوم وَالَّذِي لايُفَارِقُهُ أَبَداً فِي حَيَاتِهِ. وَأَضَافَتْ هَذِهِ الصُّحُفُ فِي مَعْرَضِ سَرْدِهَا لِحَدِيثِ «تَرَانت» وَرَقَمِهِ المَنْحُوسِ بِالْقَوْلِ: أَنَّ رَقَمَ بِطَاقَةِ الأَحْوَالِ المَدَنِيَّةِ لِـ«تِرَانْت» هُوَ ۷۴۲ وَعَقْدِ زِوَاجِهِ ۷۴۲ وَصُنْدُوقِ بَرِيدِهِ وَحِسَابِهِ المَصْرَفِيِّ وَلَوْحَةِ سَيَّارَتِهِ وَالأَرْقَام الثَّلاثَةِ الأَخِيرَةِ لِهَاتِفِهِ، بَلْ وَحَتَّى بِطَاقَةِ ٱئْتِمَانِهِ هُوَ ۷۴۲ أَيْضاً. وَحِينَمَا رَاجَعَ إِلَى صُنْدُوقِ الضَّمَانِ قَبْلَ أَشْهُرٍ اِطَّلَعَ عَلَى أَنَّ رَقَمَ تَقَاعُدِهِ أَيْضاً ۷۴۲. وَلِلتَّأَكُّدِ مِنْ صِحَّةِ هَذِهِ المَعْلُومَاتِ أَجْرَتْ بَعْضُ الصُّحُفِ المَحَلِيَّةِ مَعَهُ لِقَاءً هُنَاكَ تَبَيَّنَ رَقَمُ قَبْرِ اِبْنِهِ فِي مَقْبَرَةِ المَدِينَةِ هُوَ ۷۴۲ أَيْضاً. وَقَالَ «تِرَانْت» لِلصُّحُفِيينَ: لَمْ أَكُنْ أَهْتَمُّ كَثِيراً لِهَذِهِ المُصَادَفَاتِ لَوْلا أَنِ ٱصْطَدَمَتْ بِي دَرَّاجَةٌ نَارِيَّةٌ كَادَتْ أَنْ تَقْتُلَنِي حَيْثُ كَانَ رَقَمُهَا ۷۴۲

أَيْضاً، وَأَخْشَى بِأَنْ يَلْحَقَنِي هَذَا الرَّقَمُ لِلْقَبْرِ أَيْضاً.

۴۰ـ عدد شوم از او دست بر نمی‌دارد.

روزنامه‌های بریتانیایی نقل کردند: «ترانت» ۶۵ ساله، ساکن «بیرمنگام»، از شماره‌ی شوم ۷۴۲ که هیچگاه در زندگیش از او دست بردار نیست، در آستانه‌ی دیوانگی است. این روزنامه‌ها در ادامه‌ی ماجرای «ترَانت» و شماره‌ی نحسش افزودند: شماره‌ی شناسنامه، عقدنامه، صندوقِ پستی، حساب بانکی، پلاک اتومبیل، سه رقم آخر تلفن، و حتی کارت اعتباری او ۷۴۲ است. وی چند ماه پیش هنگامی که به صندوق بیمه مراجعه کرد، مطلع شد شماره‌ی بازنشستگی‌اش نیز ۷۴۲ است. برای اطمینان از صحت این مطالب، برخی از روزنامه‌ها دیداری با او ترتیب دادند، در آنجا معلوم شد شماره‌ی قبر پسرش در قبرستانِ شهر نیز ۷۴۲ است. «ترانت» به روزنامه‌نگاران گفت: اگر یک موتورسیکلت که نزدیک بود مرا به قتل برساند ـ به من نمی‌زد و شماره‌ی آن نیز ۷۴۲ بود، به این امور تصادفی خیلی توجه نمی‌کردم. من می‌ترسم این شماره تا قبر هم دنبال من باشد.

المَشْؤُوم: شوم.
لایُفَارِقُهُ: از او جدا نمی‌شود.
عَلَی وَشَکٍ: در آستانه‌ی.
جَنَّ ـُ جُنُوناً: دیوانه شد. **أَنْ یَجُنَّ**: که دیوانه شود.
السَّرْد: دنبال کردن، پیگیری.
الحسَابُ المَصْرَفِيّ: حساب بانکی.
لَوْحَةُ السَّیَّارَةِ: پلاک اتومبیل.
الهَاتِف: تلفن؛ ج: هَوَاتِف.
بِطَاقَةُ الائْتِمَانِ: کارت اعتباری.
صُنْدُوقُ الضَّمَانِ: صندوق بیمه.
التَّقَاعُد: بازنشستگی.
التَّأَکُّد: اطمینان.
المَعْلُومَات: اطلاعات.
لَمْ أَکُنْ أَهْتَمُّ لِـ...: به ... توجهی نمی‌کردم.

المُصَادَفَات: مف: المُصَادَفَة: اتفاقی، تصادفی.
اصْطَدَمَ بِـ...: با... تصادف کرد.
اصْطَدَمَتْ بِي: با من تصادف کرد، به من زد.
الدَّرَّاجَةُ النَّارِيَّةُ: موتورسیکلت.
كَادَتْ أَنْ تَقْتُلَنِي: نزدیک بود مرا به قتل برساند.
خَشِيَ ـَ خَشْيَةً: ترسید. **أَخْشَى**: می‌ترسم.
لَحِقَ ـَ لَحَاقاً هُ: به او رسید، به او ملحق شد. **يَلْحَقُنِي**: به من می‌رسد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا كانَتْ «ترانت» عَلَى وَشَكِ الجُنُونِ؟ ۲ـ مَا هُوَ الرَّقَمُ المَشْؤُومُ؟ ۳ـ مَاذَا حَدَثَ عِنْدَمَا رَاجَعَ إِلَى صُنْدُوقِ الضَّمَانِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ شماره‌ی صندوقِ پستی، کارت اعتباری و حساب بانکی‌ام ۵۵۵ است. ۲ـ برای اطمینان از این مطالب، دیداری با او ترتیب دهید. ۳ـ یک موتورسیکلت نزدیک بود عابر را به قتل برساند.

۴۱ـ سِيَاحَةُ الفَضَاءِ سَتَبْدَأُ قَرِيباً.

إِذَا كُنْتَ قَدْ مَلِلْتَ العَيْشَ عَلَى كَوْكَبِ الأَرْضِ وَتُرِيدُ مُغَادَرَتَهُ فَابْدَأْ فِي الاِدِّخَارِ مِنَ الآنَ. فَقَدْ تَلَقَّتْ شَرِكَاتُ السِّيَاحَةِ البِرِيطَانِيَّةِ تَقَارِيرَ بِأَنَّ سِيَاحَةَ الفَضَاءِ سَتَتَحَقَّقُ بِأَسْرَعَ مِمَّا كَانَ مُتَوَقَّعاً. فَالرِّحَلاتُ الفَضَائِيَّةُ القَصِيرَةُ قَدْ تَبْدَأُ بِحُلُولِ عَامِ ۲۰۰۴م وَالإِقَامَةُ فِي فَنَادِقِ خَارِجِ نِطَاقِ الجَاذِبِيَّةِ الأَرْضِيَّةِ قَدْ تُصْبِحُ مُتَاحَةً بِحُلُولِ عَامِ ۲۰۱۷م. وَقَالَ «وولف» الَّذِي تُصَمِّمُ شَرِكَتُهُ الأَمِرِيكِيَّةُ مُنْتَجَعاً يَضُمُّ ۱۰۰ حُجْرَةٍ فِي الفَضَاءِ: إِنَّ بَعْضَ الشَّرِكَاتِ بَدَأَتْ

بِالْفِعْلِ فِي حَجْزِ أَمَاكِنَ لِعُمَلائِهَا لِلْقِيَامِ بِرَحَلاتٍ قَصِيرَةٍ.

۴۱ـ گشت و گذار در فضابزودی آغاز می‌شود.

اگر از زندگی بر روی سیاره‌ی زمین دلتنگ شده‌ای و می‌خواهی آن را ترک کنی از حالا به بعد به فکر پس‌انداز باش. شرکتهای جهانگردی بریتانیایی گزارشهایی دریافت کرده‌اند مبنی بر اینکه گشت و گذار در فضا سریعتر از آنچه که انتظار می‌رود، محقق خواهد شد. بنابراین سفرهای کوتاه مدت ممکن است با آغاز سال ۲۰۰۴ شروع شود. و اقامت در هتلهای خارج از چهارچوب جاذبه‌ی زمین ممکن است با آغاز سال ۲۰۱۷ میسر گردد. «وولف» ـ که شرکت آمریکایی‌اش یک مرکز تفریحی با یکصد اطاق در فضا طراحی می‌کند ـ گفت: برخی از شرکتها عملاً رزرو جا را برای مشتریان به منظور انجام سفرهای کوتاه مدت آغاز کرده‌اند.

سِيَاحَةُ الفَضَاءِ: فضانوردی، گشت و گذار در فضا.
مَلَّ ــَ مَلالَةً وَمَلالاً: خسته شد، دلتنگ شد. **مَلِلْتَ العَيْشَ**: از زندگی دلتنگ شدی.
كَوْكَبُ الأَرْضِ: سیاره‌ی زمین.
المُغَادَرَة: ترک کردن.
الادِّخَار: ذخیره کردن.
تَلَقَّاهُ: آن را دریافت کرد.
شَرِكَاتُ السِّيَاحَةِ: شرکتهای جهانگردی.
التَّقَارِير: مف: التَّقْرِير: گزارش.
تَحَقَّقَ: محقق شد. **سَتَتَحَقَّقُ**: محقق خواهد شد.
أَسْرَع: سریعتر.
مُتَوَقَّعاً: مورد انتظار.
الرَّحَلاتُ الفَضَائِيَّةُ: سفرهای فضایی.
الفَنَادِق: مف: الفُنْدُق: هتل.
النِّطَاق: چهارچوب.
الجَاذِبِيَّةُ الأَرْضِيَّةُ: جاذبه‌ی زمین.
تُصْبِحُ مُتَاحَةً: میسر (مهیا) می‌شود.
صَمَّمَهُ: طراحی کرد. **تُصَمِّمُ**: طراحی می‌کند.

المُنْتَجَع: تفریحگاه، مرکز تفریحی. **حَجْزُ الأمَاكِن**: رزرو جاها.
ضَمَّ ـُ ضَمّاً: دربرداشت. **يَضُمُّ**: دربردارد. **العُمَلاء**: مف: العَمِيل: کارگزار، مشتری، خریدار.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَا هُو السَّبِيلُ لِلَّذِي مَلَّ العَيْشَ؟ ۲ـ مَاذَا تَلَقَّتْ شَرِكَاتُ السِّيَاحَةِ البرِيطَانِيَّةِ؟
۳ـ مَاذَا قَالَ «وولف»؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ گشت و گذار در فضا سریعتر از آنچه که انتظار می‌رود، محقق خواهد شد.
۲ـ اقامت در هتلهای خارج از جاذبه‌ی زمین میسر خواهد شد. ۳ـ او یک مرکز تفریحی با یکصد اطاق در فضا طراحی می‌کند.

۴۲ـ بِسْكُويتٌ مَصْنُوعٌ مِنَ الشُّوكُولا وَبُودْرَةِ لَحْمِ الضَّفَادِعِ!

أَطْلَقَ ثَلاثَةُ تَلامِذَةَ جَمِيعُهُمْ دُونَ الحَادِيَةَ عَشْرَةَ فِي جَنُوبِ البِيرُو بِسْكُويتاً جَدِيداً فِي الأَسْوَاقِ لَقِيَ إِقْبَالاً كَبِيراً لأَنَّهُمْ آسْتَفَادُوا مِنَ الشُّوكُولا وَبُودْرَةِ لَحْمِ الضَّفَادِعِ. وَقَالَتِ الصُّحُفُ: إِنَّ التَّلامِذَةَ الثَّلاثَةَ وَهُمْ شَقِيقَانِ وَزَمِيلٌ لهمَا بَاشَرُوا المَشْرُوعَ بِتَشْجِيعٍ مِنْ أُسْتَاذِهِمْ الَّذِي أَرَادَ آخْتِبَارَ قُدْرَةِ التَّلامِذَةِ عَلَى إِدَارَةِ مَشَارِيعَ إِنْتَاجِيَّةٍ. وَقَدْ بَدَأُوا التَّسْوِيقَ دَاخِلَ المَدْرَسَةِ بَيْنَ الزُّمَلاءِ قَبْلَ الانْتِقَالِ إِلَى سُوقِ المَدِينَةِ. وَيُعْزَى نَجَاحُ المُنْتَجِ الجَدِيدِ إِلَى كَوْنِ المُواطِنِينَ يَعْشَقُونَ لُحُومَ الضَّفَادِعِ الَّتِي يَنْسِبُونَ إِلَيْهَا كَثِيراً مِنَ «الفَضَائِلِ» خُصُوصاً مُعَالَجَةَ العُقْمِ وَفَقْرِ الدَّمِ وَقَدْ زَادَتْهَا الشُّوكُولا نَكْهَةً. وَيَسْتَخْدِمُ التَّلامِذَةُ ضَفَادِعَ لا يَزِيدُ طُولُهَا عَلَى ۱۵ (سَم) وَيُقَطِّعُونَهَا

وَيُجَفِّفُونَهَا قَبْلَ أَنْ يَطْحَنُوهَا وَيَمْزُجُوا الدَّقِيقَ بِالشُّوكُولا. وَيَخْشَى التَّلامِذَةُ أَنْ لا يَتَمَكَّنُوا اعْتِبَاراً مِنْ بِدَايَةِ السَّنَةِ المُقْبِلَةِ سَدَّ حَاجَةِ السُّوقِ لأَنَّ الحُكُومَةَ أَصْدَرَتْ قَانُوناً بِمَنْعِ صَيْدِ الضَّفَادِعِ بَيْنَ أَوَّلِ (كَانُونِ الثَّانِي / يَنَايِر) وَ ۱۹ (أَيَّار/ مَايُو) حَتَّى تَتَكَاثَرَ.

۴۲ـ بیسکویت ساخته شده از کاکائو و پودر گوشت قورباغه!

سه دانش‌آموز در جنوب «پرو» که همگی زیر یازده سال هستند، نوعی بیسکویت جدید روانه‌ی بازار کردند که به علت استفاده از شکلات و پودر گوشت قورباغه با استقبال زیادی روبرو شد. روزنامه‌ها نقل کردند: این دانش‌آموزان که دو نفرشان با هم برادر، و دیگری همکلاسی آنها است، با تشویق معلمشان که خواست توانایی آنها را در اداره‌ی طرحهای تولیدی آزمایش کند، اقدام به این کار کردند. آنها پیش از آنکه (محصولشان) به بازار شهر منتقل شود، بازاریابی را از داخل مدرسه و در میان همکلاسی‌های خود آغاز کردند. موفقیت این تولید جدید به علاقه‌ی شهروندان به گوشت قورباغه برمی‌گردد که به آن «فضائلی» از جمله درمان نازایی و کم خونی را نسبت می‌دهند. شکلات نیز بدان رایحه‌ی خوبی داده است. این دانش‌آموزان از قورباغه‌هایی استفاده می‌کنند که طولشان بیشتر از ۱۵ سانتی‌متر نباشد. آنها پیش از آسیاب کردن قورباغه و مخلوط کردن آرد با شکلات، آن را قطعه قطعه و خشک می‌کنند. دانش‌آموزان می‌ترسند از ابتدای سال آینده نتوانند نیاز بازار را برطرف کنند. زیرا دولت، قانونِ منع صید قورباغه را از اوایل ژانویه تا ۱۹ ماهِ مه به منظور زاد و ولدشان، صادر کرده است.

أَطْلَقَهُ: آن را روانه کرد. **أَطْلَقَ فِي الأَسْوَاقِ:** روانه‌ی بازار کرد.
المَصْنُوع: ساخته شده. **الشُّوكُولا:** شکلات.

البُودْرَة: پودر.
الضَّفَادِع: مف: الضِّفْدِع والضِّفْدَع: قورباغه.
دُونَ الحَادِيَةَ عَشْرَةَ: زیر یازده سال.
البِيرُو: پرو.
الأَسْوَاق: مف: السُّوق: بازار.
لَقِيَ ـَ لِقَاءً هُ: او (آن) را دید.
الإِقْبَال: روی آوردن، استقبال کردن.
اِسْتَفَادَ مِنْ ... : از ... استفاده کرد.
اِسْتَفَادُوا مِن...: از ... استفاده کردند.
الشَّقِيق: برادرِ تنی.
الزَّمِيل: همکلاسی، همکار؛ ج: زُمَلاء.
بَاشَرَهُ: بدان اقدام کرد. **بَاشَرُوا المَشْرُوعَ**: اقدام به انجام طرح کردند.
التَّشْجِيع: تشویق کردن.
الاخْتِبَار: آزمایش.
المَشَارِيع: مف: المَشْرُوع: طرح.
الإِنْتَاجِيَّة: تولیدی.
التَّسْوِيق: بازاریابی.
اِنْتَقَلَ إِلَى ...: به ... منتقل شد.
عَزَا ـُ عَزْواً وَعَزَى ـِ عَزْياً هُ إِلَى...: آن را به .... نسبت داد. **يُعْزَى**: نسبت داده می‌شود.

النَّجَاح: موفقیت.
المُنْتَجُ الجَدِيد: تولید جدید.
عَشِقَ ـَ عِشْقاً هُ: به او عشق ورزید.
يَعْشِقُونَ لُحُومَ الضَّفَادِعِ: گوشت قورباغه‌ها را دوست دارند.
نَسَبَ ـُ نِسْبَةً هُ إِلَى ...: آن را به ... نسبت داد. **يَنْسِبُونَ إِلَيْهَا**: به آن نسبت می‌دهند.
العُقْم: نازایی.
فَقْرُ الدَّمِ: کم خونی.
النَّكْهَة: بوی خوش.
سَم: مخففِ سانتی‌متر.
قَطَّعَهُ: آن را قطعه قطعه کرد. **يُقَطِّعُونَهَا**: آن را قطعه قطعه می‌کنند.
جَفَّفَهُ: آن را خشک کرد. **يُجَفِّفُونَهَا**: آن را خشک می‌کنند.
طَحَنَ ـَ طَحْناً هُ: آن را آرد (آسیاب) کرد.
أَنْ يَطْحَنُوهَا: که آن را آرد کنند.
مَزَجَ ـُ مَزْجاً هُ: آن را به هم آمیخت، مخلوط کرد. **أَنْ يَمْزُجُوا**: که با هم مخلوط کنند.
الدَّقِيق: آرد؛ ج: دِقَاق وَأَدِقَّة.
خَشِيَ ـَ خَشْيَةً: ترسید. **يَخْشَى**: می‌ترسد.

تَمَكَّنَ مِنْ: توانست. **أَنْ لا يَتَمَكَّنُوا مِنْ**: که نتوانند.

المُقْبِلَة: آینده.

سَدُّ الحَاجَةِ: رفع نیاز.

أَصْدَرَهُ: آن را صادر کرد. **أَصْدَرَتْ قَانُوناً**: قانونی را صادر کرد.

كَانُون الثَّانِي / يَنَايِر: ژانویه اولین ماه میلادی است. تعداد روزهایش ۳۱ و معادل تقریبی بهمن است.

أَيَّار / مَايُو: مِه پنجمین ماه میلادی است. تعداد روزهایش ۳۱ و معادل تقریبی خرداد است.

تَكَاثَرَ: زیاد شد. **تَتَكَاثَرُ**: زیاد می‌شود.

☐ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ كَمْ كانَتْ أَعْمَارُ هَؤُلاءِ الشَّبَابِ؟ ۲ـ بِتَشْجِيعِ مَنْ بَاشَرُوا المَشْرُوعَ؟ ۳ـ أَيْنَ بَدَأُوا التَّسْوِيقَ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ نوعی بیسکویت روانه‌ی بازار کرده‌اند که از پودر گوشت درست شده است.

۲ـ این دانش‌آموز با تشویق معلمش اقدام به این کار کرد. ۳ـ آنها بازاریابی را از درون مدرسه آغاز کردند.

۴۳ـ دُودَةٌ مُجَنْزَرَةٌ لِلْكَشْفِ عَنِ الضَّحَايَا.

صَمَّمَ بَاحِثُونَ أَمْرِيكِيُّونَ رُوبُوتاً شَبِيهاً بِالدُّودَةِ يَسِيرُ عَلَى جَنَازِيرَ وَيَسْتَطِيعُ عُبُورَ المَسَالِكِ الضَّيِّقَةِ لِلْكَشْفِ عَنْ ضَحَايَا الزَّلازِلِ المُحْتَجَزِينَ تَحْتَ الأَنْقَاضِ. يَبْلُغُ طُولُ الرُّوبُوتِ الَّذِي أُطْلِقَ عَلَيهِ اسْمُ «مُوكَاسَان» مِتْراً وَاحِداً وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى الانْتِقَالِ دَاخِلَ أَنَابِيبَ لا يَزِيدُ قُطْرُهَا عَلَى ۱۵ (سَم) وَالانْحِرَافِ بِزَاوِيَةٍ تَصِلُ إِلَى ۹۰ دَرَجَةً. وَذَكَرَتْ مَجَلَّةُ «نِيوسَاينتست» البِرِيطَانِيَّةُ فِي عَدَدِهَا الصَّادِرِ حَدِيثاً: أَنَّ «مُوكَاسَان» المُزَوَّدَ بِمَيْكرُوفُون

قَادِرٌ عَلَى تَسْجِيلِ الأَصْوَاتِ الصَّادِرَةِ عَنِ الأَحيَاءِ حَتَّى وَإِنْ كَانُوا مُحْتَجَزِينَ دَاخِلَ جَيْبٍ هَوَائِيٍّ تَحْتَ أَطْنَانٍ مِنَ الأَنْقَاضِ. وَقَدْ صُمِّمَ هَذَا الرُّوبُوتُ فِي جَامِعَةِ «كَارُولاينَا» الشَّمَالِيَّةِ الحُكُومِيَّةِ وَهُوَ مُوَجَّهٌ عَنْ بُعْدٍ وَمُزَوَّدٌ بِمِصْبَاحٍ ضَوْئِيٍّ وَكَامِيرَا فِيدِيُو.

۴۳ـ یک کرم زنجیردار برای یافتن قربانیان.

محققان آمریکایی روباتی شبیه به کِرم طراحی کردند که بر روی زنجیر حرکت می‌کند و می‌تواند از راههای باریک و تنگ، برای یافتن قربانیان زلزله که در زیر آوارها محبوس شده‌اند ـ عبور کند. طول این روبات که «موکاسان» نامیده شده یک متر است. و قادر به عبور از لوله‌هایی است که قطرشان بیشتر از ۱۵ سانتی‌متر نیست. و می‌تواند تا زاویه‌ی ۹۰ درجه انعطاف‌پذیر باشد. مجله‌ی انگلیسی «نیوساینتس» در شماره‌ی جدید خود اظهار داشت: «موکاسان» مجهز به میکروفن، و قادر به ضبط صدای افراد زنده حتی درون یک گودال در زیر چندین تن از خرابه‌ها است. این روبات در دانشگاه دولتی کارولینای شمالی طراحی شده، و مجهز به کنترل از راه دور، چراغ نوری و دوربین ویدئویی است.

الدُودَة: کِرم.
المُجَنْزَرَة: زنجیردار.
الضَّحَايَا: مف: الضَّحِيَّة: قربانی.
صَمَّمَهُ: آن را ... طراحی کرد. **صُمِّمَ**: طراحی شد.
الرُّوبُوت: روبات.
الجَنَازِير: مف: الجَنْزِير: این واژه مُعرّب «زنجیر» است.
المَسَالِكُ الضَّيِّقَةُ: مف: المَسْلَكُ الضَّيِّقُ: راه باریک و تنگ.
الزَّلازِل: مف: زِلْزَال: زمین لرزه، زلزله.
المُحْتَجَزِينَ: مف: المُحْتَجَز: محبوس، بازداشت شده.
الأَنْقَاض: مف: النُّقْض: ویرانه، خرابه.

الأَنَابِيب: مف: الأُنْبُوب: لوله.
المُزَوَّد: مجهز.
تَسْجِيلُ الأَصْوَاتِ: ضبط صداها.
الأَحيَاء: مف: الحَيّ: زنده.
الجَـيْبُ الهَـوَائِـيّ: گـودال (حـفره‌ی) هوایی.
الأَطْنَان: مف: الطُّنّ: تُن، هزار کیلو.
المُوَجَّهُ عَنْ بُعْدٍ: کنترل از راه دور.
المِصْبَاحُ الضَوْئِيّ: چراغ نوری.
كَامِيرَا فِيدِيُو: دوربین ویدئویی.

□ **تمرين**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَاذَا صَمَّمَ البَاحِثُونَ الأَمْرِيكِيُّونَ؟ ۲ـ مَا هِيَ فائدةُ هَذَا الرُّوبُوتِ؟ ۳ـ كَمْ يَبْلُغُ طُولُ الرُّوبُوتِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ روبات می‌تواند از راههای باریک و تنگ، عبور کند. ۲ـ روبات قادر به عبور از لوله‌هایی با قطر ۱۵ سانتی‌متر است. ۳ـ «موکاسان» قادر به ضبط صدای افراد حتی درون یک گودال است.

۴۴ـ سَرِقَةُ أَعْضَاءٍ مِنْ جُثَثِ الأَطْفَالِ فِي أَحَدِ المُسْتَشْفَيَات.

أَعْلَنَتِ الحُكُومَةُ البِرِيطَانِيَّةُ: أَنَّهَا بَاشَرَتِ التَّحْقِيقَ فِي قَضِيَّةِ سَرِقَةِ أَعْضَاءٍ مِنْ جُثَثِ ۸۵۰ طِفلاً مِنْ دُونِ مُوَافَقَةِ الأَهْلِ فِي أَحَدِ مُسْتَشْفَيَاتِ لَنْدنَ. وَقَدِ ٱعْتَرَفَتْ إِدَارَةُ مُسْتَشْفَى «آلدرهَاي» لِلأَطْفَالِ فِي «لِيفِرْبُول» (شَمَالَ شَرْقِ بِرِيطَانِيَا) بِحُصُولِ سَرِقَاتٍ لأَعْضَاءٍ شَمِلَتِ الرِّئَتَيْنِ وَالقَلْبَ وَالدِّمَاغَ وَالكَبِدَ وَالكِلْيَتَيْنِ خِلالَ عَمَلِيَّاتِ تَشْرِيح قَامَ بِهَا أَحَدُ الأَطِبَّاءِ بَيْنَ عَامَيْ ۱۹۸۸ وَ۱۹۹۵. وَقَالَ وَزِيرُ الصِّحَّةِ «مِيلبورن» لَدَى إِعْلانِهِ مُبَاشَرَةَ التَّحْقِيقِ فِي القَضِيَّةِ الَّتِي أَثَارَتِ ٱسْتِنْكَاراً فِي بِرِيطَانِيَا: إِنَّ مِنَ الضَّرُورِيِّ

الآنَ إِعَادَةَ ثِقَةِ النَّاسِ بِمُسْتَشْفَى «آلدرهَاي». وَأَشَارَ «مِيلبُورنُ» إِلَى أَنَّ مَا حَصَلَ فِي المُسْتَشْفَى مُؤْسِفٌ حَقّاً لِلْعَائِلاتِ المَعْنِيَّةِ، وَأَضَافَ: أَنَّهُ سَيَكُونُ بِوُسْعِ أَقْرِبَاءِ الأَطْفَالِ أَنْ يُعَبِّرُوا عَنْ آرَائِهِمْ مُبَاشَرَةً أَوْ خَطِّيّاً لِلْمُحَقِّقِينَ. وَيَقُومُ المُحَامِي «كُوهِين» بِتَمْثِيلِ نَحْوِ سَبْعِينَ عَائِلَةً وَهُوَ يَعْتَزِمُ عَلَى تَقْدِيم شَكْوىً ضِدَّ المُسْتَشْفَى. وَقَالَ «كُوهِينُ»: لَقَدْ دُفِنَ بَعْضُ الأَطْفَالِ مِنْ دُونِ أَيِّ أَعْضَاءٍ (دَاخِلِيَّةٍ) فِي بَعْضِ الأَحْيَانِ وَلا يَعْلَمُ هَؤُلاءِ الأَهْلُ كَيْفِيَّةَ التَّعَامُلِ مَعَ الأَمْرِ.

۴۴ـ سرقت اعضایی از جسد کودکان در یکی از بیمارستانها.

دولت بریتانیا اعلام کرد در ارتباط با سرقت اعضایی از اجساد ۸۵۰کودک بدون موافقت خانواده‌ی (آنها) در یکی از بیمارستانهای لندن، اقدام به تحقیق کرده است. مسؤولان بیمارستان کودکان «آلدرهای» واقع در «لیورپول» (شمال شرق انگلیس) به وقوع سرقت‌هایی از اعضاء مشتمل بر ریه‌ها، قلب، مغز، کبد، و کلیه‌ها در خلال عملیات تشریح که یکی از پزشکان بین سالهای ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۵ انجام داده است ـ اعتراف کردند. وزیر بهداشت «ملبورن» هنگام اعلام تحقیق در ارتباط با مسأله‌ای که در بریتانیا خشم و نفرت را بر انگیخته ـ اظهار داشت: اکنون ضرورت دارد اعتماد مردم به بیمارستان «آلدرهای» جلب شود. «ملبورن» اشاره کرد: آنچه در بیمارستان اتفاق افتاده حقیقتاً برای خانواده‌های ذیربط تأسف‌آور است وی افزود: نزدیکان این کودکان می‌توانند نظرات خود را مستقیم و یا به صورت دست‌نوشته به بازپرسان ارائه دهند. «کوهن» که وکالت حدود هفتاد خانواده را برعهده دارد، تصمیم دارد شکوائیه‌ای علیه بیمارستان تقدیم کند. «کوهن» گفت: در برخی موارد کودکان بدون داشتن عضوی از اعضای داخلی دفن شده‌اند. و این خانواده‌ها از چگونگی برخورد با این قضیه اطلاعی ندارند.

الجُثَث: مف: الجُثَّة: جسد.

اعْتَرَفَ بِـ ...: به ... اعتراف کرد.

الدِّمَاغ: مغز؛ ج: أَدْمِغَة.

أَثَارَتِ آسْتِنْكَاراً: خشم و نفرت را بر انگیخت.

الاسْتِنْكَار: تقبیح کردن، ناپسند شمردن.

إِعَادَةُ الثِّقَةِ: بازگرداندن اعتماد.

العَائِلاتُ المَعْنِيَّة: خانواده‌های مرتبط.

عَبَّرَ عَنْ...: تعبیر کرد. **أَنْ يُعَبِّرُوا عَنْ...**: که تعبیر کنند.

الآرَاء: مف: الرَّأْي: نظر، اندیشه.

مُبَاشَرَةً: به طور مستقیم.

المُحَامِي: وکیل.

التَمْثِيل: نمایندگی.

اِعْتَزَمَ عَلَى ...: تصمیم به ... گرفت.

يَعْتَزِمُ عَلَى ...: تصمیم به ... می‌گیرد.

الشَّكْوَى: شکایت.

دَفَنَ ـِ دَفْناً هُ: آن (او) را دفن کرد. **دُفِنَ**: دفن شد.

التَّعَامُل: رفتار.

وَثِقَ يَثِقُ ثِقَةً بِـ...: به ... اعتماد کرد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَاذَا أَعْلَنَتِ الحُكُومَةُ البِرِيطَانِيَّةُ؟ ۲ـ مَاذَا آعْتَرَفَتْ إِدَارَةُ مُسْتَشْفَى «آلدرهَاي» لِلأَطْفَالِ؟ ۳ـ ما هِيَ الأَعْضَاءُ المَسْرُوقَةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ مسؤولان به سرقت قلب، مغز، و کبد اعتراف کردند. ۲ـ آنچه در آن بیمارستان اتفاق افتاده، تأسف‌آور است. ۳ـ خانواده‌ها باید نظرات خود را به بازپرسان اعلام کنند.

۴۵ـ اِمْرَأَةٌ مِصْرِيَّةٌ فَضَّلَتِ الاِنْتِحَارَ عَلَى الزَّوَاجِ مِنْ جِنِّيٍّ.

أَلْقَتْ اِمْرَأَةٌ مِصْرِيَّةٌ بِنَفْسِهَا مِنَ الطَّابِقِ الثَّامِنِ لإِحْدَى البِنَايَاتِ فِي

القَاهِرَةِ بَعْدَ أَنْ أَوْهَمَهَا أَحَدُ الدَّجَّالِينَ بِأَنَّ جنيّاً يَتَلَبَّسُ بِجَسَدِهَا وَأَنَّهُ مُصِرٌّ عَلَى الزَّوَاجِ مِنْهَا وَأَنَّ زِوَاجَهُ مِنْهَا لا مَفَرَّ مِنْهُ. وَقَالَتْ صَحِيفَةُ «البَعْثِ» السُّورِيَّةُ: إنَّ السَّيِّدَةَ «س.ا» وَهِيَ أُمٌّ لِطِفْلٍ وَاحِدٍ، ذَهَبَتْ إِلَى دَجَّالٍ شَهِيرٍ فِي إِحْدَى المَنَاطِقِ السَّكَنِيَّةِ فِي القَاهِرَةِ إِثْرَ شُعُورِهَا بِحَالَةِ اكْتِئَابٍ شَدِيدٍ. وَأَضَافَتِ «البَعْثُ»: أَنَّ الدَّجَّالَ أَخْبَرَ السَّيِّدَةَ وَهِيَ حَاصِلَةٌ عَلَى إجَازَةِ الآدَابِ، بِأَنَّ جِنِّيّاً يُحِبُّهَا وَقَرَّرَ الزَّوَاجَ مِنْهَا وَأَنَّ عَلَيهَا أَنْ تَتْرُكَ مَنْزِلَ زَوْجِهَا لأَنَّ الجِنِّيَّ لا يُرِيدُ شَرِيكاً مَعَهُ، وَلِخَوْفِهَا الشَّدِيدِ مِنْ ذَلِکَ، قَرَّرَتِ الانْتِحَارَ.

۴۵ـ یک زن مصری خودکشی را بر ازدواج با یک جن ترجیح داد.

یک بانوی مصری پس از آنکه یکی از حقه‌بازان او را دچار توهم کرد که یک جن گرفتارش شده و برای ازدواج با او پافشاری می‌کند و چاره‌ای جز ازدواج با او ندارد ـ خود را از طبقه‌ی هشتم یکی از ساختمانهای قاهره پرتاب کرد. روزنامه‌ی سوری «البعث» نقل کرد: خانم «س.ا» که مادر یک کودک است، به دنبال احساس حالت افسردگی شدید نزد یکی از حقه‌بازان مشهور در یکی از مناطق مسکونی قاهره رفت. روزنامه‌ی «البعث» افزود: این حقه‌باز، به وی که دارنده‌ی مدرک لیسانس در رشته ادبیات است، اطلاع داد یک جن او را دوست دارد و تصمیم به ازدواج با او گرفته است. و او باید منزل شوهرش را ترک کند زیرا این جن نمی‌خواهد شریکی در کنار خود داشته باشد. از این رو به خاطر ترس شدید از آن، تصمیم به خودکشی گرفت.

تَلَبَّسَ بِـ...: گرفتار (اسیر، پایبند) ... شد. **یَتَلَبَّسُ بِـ...**: گرفتار (اسیر، پایبند) ... می‌شود.
فَضَّلهُ: آن را ترجیح داد. **تُفَضِّلُ**: ترجیح می‌دهد.
الإنْتِحَار: خودکشی.
أَلْقَی بِـ...: ... را پرت کرد. **أَلْقَتْ بِنَفْسِهَا**: خودش را پرت کرد.

البِنَايَات: مف: البِنَايَة: ساختمان.
أَوْهَمَهُ: در او توهم ایجاد کرد، او را دچار توهم کرد.
المَفَرّ: گریزگاه.
الدَّجَّال: دروغگو.
الحَاصِلَةُ عَلَى ...: دارنده‌ی، حائزِ ...
إِجَازَةُ الآدَابِ: لیسانس ادبیات.
قَرَّرَ: تصمیم گرفت.

□ تمرین

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا أَلْقَتِ المَرْأَةُ المِصْرِيَّةُ بِنَفْسِهَا؟ ۲ـ مَنْ أَوْهَمَهَا بِأَنَّ جِنِّيّاً يَتَلَبَّسُ بِجَسَدِهَا؟ ۳ـ هَلْ كَانَ الجِنِّيُّ يُرِيدُ شَرِيكاً مَعَهُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ یک جن گرفتارش شده و برای ازدواج با او پافشاری می‌کند. ۲ـ چرا نزد این حقه‌باز می‌روی؟ ۳ـ من دارای لیسانس در رشته زبان و ادبیات عرب هستم.

۴۶ـ الإِضْطِرَابَاتُ النَّفْسِيَّةُ وَتَسَوُّسُ الأَسْنَانِ.

أَثْبَتَتِ الدِّرَاسَاتُ الأَخِيرَةُ الَّتِي أُجْرِيَتْ مِنْ قِبَلِ أَطِبَّاءِ الأَسْنَانِ بِأَنَّ الضُّغُوطَ النَّفْسِيَّةَ وَالاضْطِرَابَاتِ تُؤَثِّرُ عَلَى الأَسْنَانِ وَتُسَبِّبُ فِي تَسَوُّسِهَا وَبِالتَّالِي تَلَفِهَا. ذَكَرَتْ ذَلِكَ الصُّحُفُ الأُسْتُرَالِيَّةُ وَأَضَافَتْ: أَنَّ الدِّرَاسَاتِ الَّتِي أَجْرَاهَا طَبِيبُ الأَسْنَانِ الأُسْتُرَالِيُّ «سَاترن» خِلالَ ثَلاثِ سَنَوَاتٍ وَشَمِلَتْ ۶۶۱ شَخْصاً أَظْهَرَتْ بِأَنَّ ۱۶۵ مِنْهُمْ مَا بَيْنَ رَجُلٍ وَامْرَأَةٍ يَشْكُونَ مِنْ تَسَوُّسِ الأَسْنَانِ الشَّدِيدِ وَكَانُوا يُعَانُونَ مِنِ اضْطِرَابَاتٍ نَفْسِيَّةٍ وَحَالاتٍ عَصَبِيَّةٍ، فِيمَا تَبَيَّنَ أَنَّ اثْنَيْنِ فَقَطْ مِنْ مَجْمُوعِ ۴۹۶ شَخْصاً مِنْ ذَوِي الأَسْنَانِ السَّلِيمَةِ كَانَا يَشْكُوانِ مِنْ هَذِهِ الحَالاتِ النَّفْسِيَّةِ. وَتَابَعَتِ الصُّحُفُ نَقْلاً عَنِ الطَّبِيبِ المَذْكُورِ قَوْلَهُ: أَنَّ الأَبْحَاثَ مَازَالَتْ مُسْتَمِرَّةً لِمَعْرِفَةِ المَزِيدِ، بَيْدَ أَنَّ

المُسَلَّمَ بِهِ هُوَ أَنَّ الحَالاتِ النَّفسِيَّةَ وَالاضْطِرَابَاتِ وَصُعُوبَاتِ الحَيَاةِ الجَدِيدَةِ وَإِفْرَازَاتِهَا قَدْ أَثَّرَتْ سَلْباً عَلَى الإِنْسَانِ مِنْ نَوَاحٍ عَدِيدَةٍ، وَلَعَلَّ تَلَفَ الأَسْنَانِ وَتَسَوُّسَهَا أَحَدُ هَذِهِ الآثَارِ السَّلْبِيَّةِ.

۴۶ـ اضطرابهای روانی و پوسیدگی دندانها

تحقیقات اخیر که از سوی دندانپزشکان صورت گرفته ثابت کرده، فشارهای روانی و اضطرابها بر دندانها تأثیر گذاشته و موجب پوسیدگی و در نتیجه از بین رفتن آنها می‌شود. این خبر را روزنامه‌های استرالیایی اظهار داشتند و افزودند: تحقیقاتی که دندانپزشک استرالیایی «ساترن» در طی سه سال انجام داده و مشتمل بر ۶۶۱ نفر بوده نشان داد ۱۶۵ نفر از آنان از میان زن و مرد، از پوسیدگی شدید دندان شکایت دارند. آنان از اضطرابهای روحی و حالات عصبی رنج می‌برند و فقط ۲ نفر از مجموع ۴۹۶ نفر دندانهای سالم داشتند و از حالات عصبی رنج می‌بردند. این روزنامه‌ها در ادامه به نقل از این پزشک افزودند: تحقیقات برای شناخت بیشتر ادامه دارد. (جز اینکه) آنچه مسلم است آن است که حالات روانی و اضطرابها و سختی‌های زندگی جدید و بازتابهای آن از جهات فراوان بر انسان تأثیر منفی گذاشته و چه بسا از بین رفتن دندانها و پوسیدگی آنها یکی از این آثار منفی باشد.

الاِضْطِرَابَاتُ النَّفْسِيَّةُ: مف: الاِضْطِرَابُ النَّفْسِي: اضطراب روحی، آشفتگی روانی.

تَسَوُّسُ الأَسْنَانِ: پوسیدگی دندانها.

أَطِبَّاءُ الأَسْنَانِ: مف: طبيبُ الأَسْنَانِ: دندانپزشک.

الضُّغُوطُ النَّفْسِيَّة: مف: الضَّغْطُ النَّفْسِي: فشار روانی.

أَثَّرَ عَلَى ...: بر ... تأثیر گذاشت. **تُؤَثِّرُ عَلَى ...**: بر ... تأثیر می‌گذارد.

سَبَّبَ: موجب شد. **تُسَبِّبُ**: موجب می‌شود.

بِالتَّالِي: به دنبال آن.
أَجْرَاهُ: آن را انجام داد.
شَكَا ــُ شكاً مِنْ ....: از... شكايت كرد.
يَشْكُونَ مِنْ....: از... شكايت كرد.
بَيْدَ أَنَّ: جز اينكه.
أَثَّرَتْ سَلْباً عَلَى الإِنْسَانِ: تأثير منفى بر انسان گذاشت.
الآثَارُ السَّلْبِيَّة: مف: الأَثَرُ السَّلْبِيّ: تأثير منفى.
الإِفْرَازَات: مف: الإِفْراز: ترشّح، در اينجا به معنى «بازتاب» است.

□ تمرين

الف) به سؤالات زير پاسخ دهيد:

۱ـ هَلِ الضُّغُوطُ النَّفْسِيَّةُ وَالاضْطِرَابَاتُ تُؤَثِّرُ عَلَى الأَسْنَانِ؟ ۲ـ مَنْ أَجْرَى الدِّرَاسَاتُ؟ ۳ـ هَلْ تَلَفُ الأَسْنَانِ أَحَدُ الآثَارِ السَّلْبِيَّةِ؟

ب) ترجمه كنيد:

۱ـ دندانپزشک ايرانى در چهار سال اخير تحقيقاتى وسيع انجام داده است. ۲ـ آنان از آشفتگى‌هاى روانى و حالات عصبى رنج مى‌برند. ۳ـ فقط ۵ نفر از مجموع ۳۸۵ نفر از اين حالات عصبى رنج مى‌برند.

۴۷ـ العَنَاكِبُ السَّامَّةُ قتلت ۳ أَبْقَارٍ

بَدَأَ العُلَمَاءُ الأَنْدُونِيسِيُّونَ أَبْحَاثَهُمْ لِلْعُثُورِ عَلَى نَوْعٍ مِنَ العَنَاكِبِ السَّامَّةِ يُقَالُ بِأَنَّهَا قَتَلَتْ ۳ أَبْقَارٍ فِي إِحْدَى المَنَاطِقِ بِأَنْدُونِيسيَا. ذَكَرَتْ ذَلِكَ الصُّحُفُ الأَنْدُونِيسِيَّةُ وَأَضَافَتْ نَقْلاً عَنْ أَحَدِ البَاحِثِينَ قَوْلَهُ: أَنَّ العَنَاكِبَ السَّامَّةَ سَبَّبَتْ لِحَدِّ الآنَ ۶ حَالاتِ وَفَاةٍ دُونَ أَنْ يَتِمَّ الكَشْفُ عَنْ نَوْعِ العَنْكَبُوتِ السَّامِّ. وَأَضَافَ هَذَا البَاحِثُ بِالْقَوْلِ: أَنَّ شَخْصاً آخَرَ كَادَ أَنْ يَمُوتَ عَلَى أَثَرِ لَدْغَةِ أَحَدِ هَذِهِ العَنَاكِبِ لَوْلا إِسْعَافُهُ بِالسُّرْعَةِ وَالعِنَايَةِ

المُرَكَّزَةِ الَّتِي لَقِيَهَا. وَتَابَعَ القَوْلَ: أَنَّ الخُبَرَاءَ بِحَاجَةٍ إِلَى أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ كَحَدٍّ أَدْنَى لِاكْتِشَافِ نَوْعِ العَنْكَبُوتِ وَإِجرَاءِ الاخْتِبَارَاتِ اللَّازِمَةِ لِمَعْرِفَةِ تَرْكِيبَةِ سَمِّهِ.

۴۷ـ عنکبوت‌های سمی سه گاو را کشتند.

دانشمندان اندونزی تحقیقات خود را به منظور شناسایی نوعی از عنکبوتهای سمی که گفته می‌شود ۳ گاو را در یکی از مناطق اندونزی کشته‌اند، آغاز کردند. این خبر را روزنامه‌های اندونزی اظهار داشتند و به نقل از یکی از محققان افزودند: عنکبوتهای سمی تاکنون موجب مرگ ۶ نفر شده‌اند، بدون اینکه نوع عنکبوت سمی مشخص شود. این محقق افزود: شخص دیگری که توسط یکی از این عنکبوتهای سمی گزیده شده بود اگر با امداد سریع و توجه متمرکز (سازمان یافته) روبرو نمی‌شد، در آستانه مرگ بود. او ادامه داد: کارشناسان برای شناسایی نوع عنکبوت و انجام آزمایشات لازم برای شناخت ترکیبات سمی آن، حداقل به چهار ماه وقت نیاز دارند.

العَنَاكِبُ السَّامَّةُ: مف: العَنكبوتُ السَّامُّ: عنکبوت سمی.
الأَبْقَار: مف: البَقَر: گاو.
الأَبحَاث: مف: البَحْث: تحقیق.
سَبَّبَ: موجب شد.
تَمَّ ـِ تماماً: تمام شد، پایان پذیرفت.
يَتِمُّ الكَشْفُ عَنْ...: کشف پایان می‌پذیرد، کشف می‌شود.
كَادَ أَنْ يَمُوتَ: نزدیک بود بمیرد.
اللَّدْغَة: گزش.
الإِسْعَاف: امداد.
العِنَايَةُ المُرَكَّزَة: توجه متمرکز و سازمان یافته.
الخُبَرَاء: مف: الخَبِير: کارشناس.
الحَدُّ الأَدْنَى: حداقل.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ هَلْ عَثَرَ العُلَمَاءُ الأَنْدُونِيسِيُّونَ عَلَى نَوْعِ العَنَاكِبِ السَّامَّةِ؟ ۲ـ هَلْ مَاتَ الشَّخْصُ الآخَرُ عَلَى أَثَرِ اللَّدْغَةِ؟ ۳ـ كَمْ بَقَرَةً قَتَلَتِ العَنَاكِبُ السَّامَّةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ این خبر را روزنامه‌های اندونزی نقل کردند. ۲ـ اگر با امداد سریع روبرو نمی‌شدم در آستانه مرگ بودم. ۳ـ کارشناسان برای شناسایی عنکبوت به چهار ماه وقت نیاز دارند.

۴۸ـ قَتْلُ فَتَاتَيْنِ تَقَرُّباً لِلْإِلَهِ الهِنْدُوسِيِّ «دروجا»!!

عَثَرَتِ الشُّرْطَةُ فِي وِلايَةِ «بيهَار» بِشَرْقِ الْهِنْدِ عَلَى رُفَاتِ فَتَاتَيْنِ يَتَرَدَّدُ أَنَّ وَالِدَهُمَا قَتَلَهُمَا لِيَتَقَرَّبَ لِلْآلِهَةِ خِلالَ مَهْرَجَانٍ لِلْهِنْدُوسِ أَوَائِلَ هَذَا الْأُسْبُوعِ. وَقَالَ «كِيشور» الْمَسْؤُولُ بِالشُّرْطَةِ فِي «رونِيسِيدبور» فِي مِنْطَقَةِ «سِيتَامرهي» الَّتِي تَبْعُدُ ١٦٠ كم شَمَالِيَّ الْعَاصِمَةِ الإِقْلِيمِيَّةِ «بَاتْنَا»: إِنَّ الْفَتَاتَيْنِ «رِينو» (١٨عَاماً) وَأُخْتَهَا «أنور» (١٣ عَاماً) قُتِلَتَا بِالسَّيْفِ قَبْلَ تَقْطِيعِ أَوْصَالِهِمَا أَرْباً أَرْباً. وَقَالَتِ الشُّرْطَةُ: إِنَّ وَالِدَ الْفَتَاتَيْنِ هَرَبَ مُنْذُ وُقُوعِ الْحَادِثِ فِي قَرْيَةِ «فَاسوديبور». وَيَقُولُ الْقَرَوِيُّونَ والشُّرْطَةُ: إِنَّ طُقُوسَ التَّضْحِيَةِ بِالبَشَرِ كَانَتْ جُزْءاً مِنَ الْمَهْرَجَانِ الْأَخِيرِ لِلْهِنْدُوسِ اسْتَمَرَّ عَشْرَةَ أَيَّام يَتَقَرَّبُ فِيهِ النَّاسُ لِلإِلهِ «دروجا» الَّذِي يُمَثِّلُ القُوَّةَ وَالسُّلْطَةَ. وَقَالَتِ الشُّرْطَةُ: إِنَّ قَرَوِيّاً عُمْرُهُ ٤٠ عَاماً قُتِلَ هُوَ الْآخَرُ فِي قَرْيَةِ «مَاهولى» فِي مِنْطَقَةِ «مظفربور» الَّتِي تَبْعُدُ ٨٥كم شَمَالِيَّ «بَاتنَا» فِي حَادِثٍ يَتَعَلَّقُ بِهَذِهِ الطُّقُوسِ. وَقَالَ نَائِبُ مُدِيرِ الشُّرْطَةِ: «أَقْبَلَ رَجُلٌ مُهَرْوِلاً وَهُوَ يَحْمِلُ رُمْحاً وَيَصْرُخُ قَائِلاً «جَاي مَا دروجَا» (أَي يَحْيَا الإِلهُ دروجا) ثُمَّ أَصَابَ رَأْسَ

شَخْصٍ کَانَ قَدْ جَلَسَ عَلَی الْمَقْعَدِ». وَتَابَعَ: أَنَّ الْقَرَوِيِّينَ الَّـذِينَ أَصَـابَهُمُ الحَنَقُ طَارَدُوا ذَلِکَ الرَّجُلَ وَانْهَالُوا عَلَيْهِ ضَرْباً بالعُصِيِّ وَالْقُضْبَانِ الْمَعْدِنِيَّةِ حَتَّی مَاتَ. وَاعْـتَرَفَ الرَّجُـلُ قَـبْلَ أَنْ يَـلْفَظَ أَنْـفَاسَهُ الأَخِـيرَةَ بِأَنَّـهُ تَـعَهَّدَ بِالتَّضْحِيَةِ بِشَخْصٍ لإِرْضَاءِ الإِلَهِ «دروجَا».

۴۸ـ کشتن دو دختر جوان برای تقرب به خدای هندوها «دروجا».

پلیس ایالت «بیهار» در شرق هند، اجساد دو دختر جوان را کشف کرد که احتمال دارد، پدرشان آنها را در اوایل این هفته، در جشنواره‌ی هندوها برای اینکه به خدایان نزدیک شود، کشته باشد. «کیشور» رئیس پلیس «رونیسیدبور» در منطقه‌ی «سیتامرهی» که ۱۶۰ کیلومتر با شمال مرکز ایالت فاصله دارد، به (خبرگزاری) «باتنا» گفت: دو دختر جوان، «رینو» ۱۸ ساله و خواهرش «انور» ۱۳ ساله، قبل از تکه‌تکه شدن اعضای بدنشان، با شمشیر کشته شدند. و پلیس گفت: پدر این دو دختر از زمان وقوع حادثه در روستای «فاسودیبور» متواری شد. روستاییان و پلیس می‌گویند: مراسم قربانی کردن انسان بخشی از جشنواره‌ی اخیر هندوها بود که ده روز به طول انجامید، مردم در این مراسم به خدای «دروجا» که مظهر قدرت و سلطه است نزدیک می‌شوند. پلیس اظهار داشت: یک روستایی ۴۰ ساله نیز در روستای «ماهولی» در منطقه‌ی «مظفرپور» که ۸۵ کیلومتر با شمال «باتنا» فاصله دارد، در حادثه‌ایی که مربوط به همین مراسم است، کشته شد. معاون رئیس پلیس گفت: مردی که نیزه‌ایی به دست داشت در حالی که فریاد می‌زد «زنده باد خدای دروجا» با شتاب جلو آمد، و سر شخصی را که روی صندلی نشسته بود مورد اصابت قرار داد. او در ادامه گفت: روستائیان که خشمگین شده بودند، مرد را تعقیب کردند و ضربه‌های پی در پیِ چوبدستی‌ها (عصا) و میله‌های آهنی را نثار او کردند تا جان داد. مرد مذکور قبل از اینکه آخرین نفسهای خود را بکشد، اعتراف کرد که برای راضی کردن خدای

«دروجا»، عهد بسته، یک نفر را قربانی کند.

عَثَرَ ـِ عُثُوراً عَلَی...: او یا آن را پیدا، یا کشف کرد.
الرُّفَات: جنازه.
تَرَدَّدَ فی: شک کرد در...
المَهْرَجَان: جشنواره.
بَعُدَ ـُ بُعْداً عَنْ...: فاصله داشت از...
الأَوْصَال: مف: الوُصْل: اندام.
أرْباً أرْباً: تکه تکه.
السَّیْف: شمشیر، ج: سیوف.
التَّضْحِیَة: قربانی کردن.
هَرَبَ ـُ هُرُوباً: فرار کرد.
القَرَوِیُّون: مف: قرویّ: روستایی.
الطُّقُوس: مف: الطَّقس: آداب و رسوم.
اِستَمَرّ: طول کشید.
مَثَّلَهُ: آن را نشان داد، نماینده‌ی چیزی بود.
هُوَ الآخَرُ: او هم.
تَعَلَّقَ بِـ...: مربوط بود به...
أَقْبَلَ: جلو آمد.
مُهَرْوِلاً: شتابان، در حال نیمه دو. (بین رفتن و دویدن).
الرُّمْح: نیزه، ج: الرّماح.
صَرَخَ ـُ صَرْخَةً: فریاد زد.
حَیَّ یَحْیا حیّاً: زندگی کرد، **یحیا فلان**: زنده باد فلانی.
أَصَابَهُ: به او برخورد کرد، **أصابه الحنق**: عصبانی شد.
الحَنَق: خشم.
طارَدَهُ: او را تعقیب کرد.
اِنْهَالَ: توده شد، **انهال علیه ضرباً**: او را به باد کتک گرفت.
العُصِیّ: مف: العصا: چوبدستی.
القُضْبَان: مف: القضیب: چوبدستی، میله‌ی فلزی.
المَعْدِنِیَّة: فلزی.
لَفَظَ أنْفَاسَهُ الأَخیرَة: نفسهای آخرش را کشید.
تَعَهَّدَ بِـ...: عهد بست که ...
الإرضَاء: راضی کردن.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا قَتَلَ الرَّجُلُ ٱبْنَتَيْهِ؟ ۲ـ بِمَاذَا ٱعْتَرَفَ الرَّجُلُ؟ ۳ـ كَيْفَ قَتَلَ الرَّجُلُ ٱبْنَتَيْهِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ او دشمنانش را با شمشیر کشت و سپس آنها را قطعه قطعه کرد. ۲ـ بعضی از مردم هند خدای «دروجا» را مظهر قدرت می‌دانند. ۳ـ او برای راضی کردن خدای «دروجا» عهد بسته بود که یک نفر را بکشد.

۴۹ـ العَسَل

العَسَلُ أَوْكَمَا يُطْلَقُ عَلَيْهِ «إِكْسِيرُ الْحَيَاةِ» هُوَ مِنَ الأَغْذِيَةِ الْمُهِمَّةِ وَالْأَكْثَرِ فَائِدَةً لِجِسْمِ الإِنْسَانِ. يَحْتَوِي الْعَسَلُ عَلَى نِسْبَةٍ عَالِيَةٍ مِنْ الفِيتَامِينَاتِ وَالمَعَادِنِ اللَّازِمَةِ لِلْجِسْمِ. فَهُوَ يَحْتَوِي عَلَى ۹۵ ٪ مِنَ المَوَادِّ السُّكَّرِيَّةِ وَ۲ ٪ مَوَادَّ دُهْنِيَّةٍ وَمَوَادَّ أُخْرَى تَجْعَلُهُ مَصْدَراً لِلطَّاقَةِ الْغِذَائِيَّةِ. كَمَا يَحْتَوِي الْعَسَلُ عَلَى ۱۳ ملغم مِنَ الْفُسْفُورِ وَ۴ ملغم مِنَ الْكَالْسِيُوم وَ۷ ملغم مِنَ الْحَدِيدِ وَالْقَلِيلِ مِنَ النُّحَاسِ وَهُوَ يَدْخُلُ بِشَكْلٍ مُبَاشِرٍ إِلَى دَمِ الإِنْسَانِ عِنْدَ تَنَاوُلِ كَمِيَّةٍ مِنْهُ وَيُسَاعِدُ فِي شِفَاءِ بَعْضِ حَالاتِ الْمَرْضَى الَّذِينَ يُعَانُونَ مِنْ فَقْرِ الدَّمِ وَقِلَّةِ الْفُسْفُورِ وَتَرَقُّقِ الْعَظْمِ. وَتُوجَدُ فِي الْعَسَلِ عِدَّةُ فِيتَامِينَاتٍ أَهَمُّهَا (B2، B، C، K، A) وَهُوَ خَيْرُ الْعِلاجِ لِلْمَرْضَى الْمُصَابِينَ بِقُرْحَةِ المَعِدَةِ. والمَوَادُّ السُّكَّرِيَّةُ الْمَوجُودَةُ فِي الْعَسَلِ تُقَوِّي القَلْبَ وَتُسَاعِدُ فِي تَنْظِيمِ ضَغْطِ الدَّمِ الْمُتَقَلِّبِ وَتَنْقِيَةِ الكُلَى وَالْكَبِدِ وَالشِّفَاءِ مِنْ مَرَضِ الْيَرَقَانِ.

۴۹ـ عسل

عسل همان طور که به آن «اکسیرحیات» گفته می‌شود، از مهمترین و مفیدترین

مواد غذایی برای بدن انسان است. عسل دارای میزان بالایی از ویتامین‌ها و مواد معدنی لازم برای بدن انسان است. این ماده ۹۵ ٪ مواد قندی و ۲ ٪ چربی و مواد دیگر دارد به طوری که، آن را یکی از منابع انرژی غذایی قرار می‌دهد. همچنین عسل ۱۳ میلیگرم فسفر، ۴ میلیگرم کلسیم، ۷ میلیگرم آهن و مقدار کمی مس دارد که با خوردن مقداری از آن به شکل مستقیم وارد خون انسان می‌شود و در معالجه‌ی بعضی از حالات بیمارانی که مبتلا به کم خونی، کمبود فسفر و نرمی استخوان هستند مفید است. در عسل ویتامین‌های بسیاری وجود دارد که مهمترین آنها (B2، B، C، K، A) است و آن بهترین درمان برای بیماران مبتلا به زخم معده است. مواد قندی موجود در عسل قلب را تقویت می‌کند و به تنظیم فشارخون‌های ناپایدار، پاکسازی کلیه‌ها و کبد و نیز معالجه‌ی یرقان کمک می‌کند.

أطْلَقَهُ: آزادش کرد، **أطلق علیه فلاناً**: فلان نام را بر او گذاشت.
إحْتَوَى عَلَى...: چیزی را دربرداشت.
النِّسْبَةُ العَالِيَةُ: میزان بالا.
المَوَادُّ السُّكَّرِيَّةُ: مواد قندی.
الموادُّ الدُّهْنِيَّةُ: مواد چربی دار.
الطَّاقَةُ الغِذَائِيَّةُ: انرژی غذایی.
النُّحَاس: مس.
بِشَكْلٍ مُبَاشِرٍ: به طور مستقیم.
المَرْضَى: مف: المریض: بیمار.
عَانَى من...: رنج کشید از...، **يُعانُونَ مِنْ فقرِ الدَّم**: از کم خونی رنج می‌برند.
تَرَقُّقُ العَظْمِ: نرمی استخوان.
قُرْحَةُ المَعِدَة: زخم معده، ج: قِرَح و قُرُوح.
قَوَّاهُ: آن یا او را تقویت کرد..
ضَغْطُ الدَّمِ: فشار خون.
المُتَقَلِّب: دارای نوسان، ناپایدار.
التَّنْقِيَة: پاکسازی، تصفیه.
الكُلَى: مف: كُلْيَة و كُلْوَة: کلیه.
الكَبِد: جگر، ج: أكْبَاد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ عَلامَ يَحْتَوِي العَسَلُ؟ ۲ـ عَلَى كَمْ ميلغم مِنَ الفُسْفُرِ وَ الْكَلْسِيُومِ وَ الْحَدِيدِ يَحْتَوِي العَسَلُ؟ ۳ـ فِيمَ تُسَاعِدُ المَوَادُّ السُّكَّرِيَّةُ المُوجُودَةُ فِي العَسَلِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ خوردن مقداری از عسل، مس را به شکل مستقیم وارد خون انسان می‌کند.

۲ـ بعضی از غذاها مستقیماً وارد خون انسان می‌شود. ۳ـ عسل دارای مواد قندی است که قلب را تقویت می‌کند.

۵۰ـ شُرْبُ الشَّاي يُقَلِّلُ مِنَ الأَزَمَاتِ القَلْبِيَّة.

ذَكَرَ بَاحِثُونَ بريطَانِيُّونَ أَنَّ تَنَاوُلَ فِنْجَانٍ أَوْ أَكْثَرَ مِنَ الشَّاي يَوْمِيّاً يُمْكِنُ أَنْ يُقَلِّلَ مِنْ خَطَرِ الإِصَابَةِ بِأَزْمَةٍ قَلْبِيَّةٍ. وَيَحْتَوِي الشَّايُ عَلَى مُكَوِّنَاتٍ طَبِيعِيَّةٍ يُمْكِنُ أَنْ تُحَيِّدَ الْمَوَادَّ الْكِيمِيَاوِيَّةَ الضَّارَّةَ الَّتِي تُتْلِفُ الْخَلايَا وَالَّتِي يُمْكِنُ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى الإِصَابَةِ بِأَزَمَاتٍ قَلْبِيَّةٍ. وَقَالَ بَاحِثُونَ خِلالَ مُؤْتَمَرٍ اسْتَمَرَّ يَوْماً وَاحِداً: إِنَّ دِرَاسَةً أَمرِيكِيَّةً تُقَارِنُ بَيْنَ اسْتِهْلاكِ الشَّاي وَالقَهْوَةِ الْخَالِيَةِ مِنَ الْكَافِيين أَظْهَرَتْ أَنَّ الْأَشْخَاصَ الَّذِينَ يَشْرَبُونَ فِنْجَاناً أَوْ أَكْثَرَ مِنَ الشَّاي يَوْمِيّاً قَلَّ لَدَيْهِمْ خَطَرُ الإِصَابَةِ بِأَزْمَةٍ قَلْبِيَّةٍ بِنِسْبَةِ ۴۴ ٪ بِالمُقَارَنَةِ مَعَ الأَشْخَاصِ الَّذِينَ لا يَشْرَبُونَ الشَّايَ.

۵۰ـ نوشیدن چای حمله‌های قلبی را کاهش می‌دهد.

محققان «بریتانیایی» گزارش دادند که خوردن یک یا بیشتر از یک فنجان چای در روز می‌تواند خطر ابتلا به حمله‌های قلبی را کاهش دهد. چای ترکیباتی طبیعی دارد که می‌تواند مواد شیمیایی مضر را خنثی کند این مواد شیمیایی سلول‌ها را از بین

می‌برند و ممکن است به حمله‌های قلبی منجر شود. محققان در طی نشستی که یک روز به طول انجامید، گفتند: یک تحقیق در «آمریکا» که بین مصرف چای و قهوه‌ی بدون کافئین مقایسه‌ای انجام داده، نشان داده است، اشخاصی که روزانه یک یا بیشتر از یک فنجان چای می‌نوشند، خطر ابتلا به حمله‌ی قلبی ۴۴ ٪ برایشان در مقایسه با کسانی که چای نمی‌نوشند، کمتر است.

قَلَّلَهُ أوْ قَلَّلَ مِنْهُ...: آن را کم کرد.
الأَزْمَة: بحران. **الأَزمةُ القَلْبيَّة**: حمله‌ی قلبی.
أتْلَفَهُ: آن را از بین برد.
بِالمُقَارَنَة: در مقایسه.
حَيَّدَهُ: آن را خنثی کرد.
المُكَوِّنَات: ترکیبات.
الضَّارَّة: مضر.
الخَلايَا: مف: الخَلِيَّة: سلول.
أَدَّى إلَى...: منجر به...شد

۵۱ـ المَجَاعَةُ تَتْرُكُ أَثَراً لا يُمْحَى عَلَى الأَطْفَالِ.

أَعْلَنَ «دلاور خَان» مُمَثِّلُ صُنْدُوقِ الأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ لِرِعَايَةِ الطُّفُولَةِ فِي «اليونيسف» فِي «بيونغ يَانغ»، أَنَّ أَطْفَالَ «كُورِيَا الشَّمَالِيَّةِ» سَيُعَانُونَ مَدَى الْعُمْرِ مِنْ آثَارِ المَجَاعَةِ وَسُوءِ التَّغْذِيَةِ الَّتِي تَضْرِبُ هَذَا البَلَدَ مُنْذُ مُنْتَصَفِ الْعَقْدِ الْحَالِي. وَقَالَ «دلاور خَان» فِي مُؤْتَمَرٍ صَحَافِيٍّ عَقَدَهُ فِي «بِكِينَ»: «قُمْنَا بِزِيَارَةِ الْعَدِيدِ مِنَ الْمُؤَسَّسَاتِ الْمَدْرَسِيَّةِ وَرَأَيْنَا فِتْيَاناً وَفَتَيَاتٍ فِي الْأَرْبَعَةَ عَشْرَةَ والسَّادِسَةَ عَشْرَةَ يَبْدُونَ فِي السَّابِعَةِ أَوِ الثَّامِنَةِ. أَعْتَقِدُ أَنَّ إِصَابَتَهُمْ سَتُرَافِقُهُمْ مَدَى الْعُمْرِ وَلَنْ تُمْكِنَنَا مُعَالَجَةُ الْأَمْرِ». وَتُشِيرُ إِحْصَاءَاتُ «اليُونيسف»: أَنَّ ۶۲ ٪ مِنْ أَطْفَالِ «كُورِيَا الشَّمَالِيَّة» مِمَّنْ هُمْ فِي سِنِّ الدِّرَاسَةِ يُعَانُونَ مِنْ نَقْصٍ فِي الْوَزْنِ الطَّبِيعِيِّ لِأَعْمَارِهِمْ بِمُعَدَّلِ ۱۵ ٪. وَأَضَافَ «خَان»: أَنَّ أَطْفَالَ «كُورِيَا الشَّمَالِيَّةِ» سَيُعَانُونَ مِنْ هَذِهِ الْإِعَاقَةِ

إِضَافَةً إِلَى مَا يُعَانُونَ مِنْهُ مِنْ نَقْصِ الْيُودِ، الأَمْرِ الَّذي سَيَنْعَكِسُ سَلْباً عَلَى ذَكَائِهِمْ. قَالَ: إِنَّ غِذَاءَهُمْ غَيْرُ مُتَنَوِّعٍ وَالْبُرُوتِينَاتُ فِيهِ قَلِيلَةٌ جِدّاً وَهُمْ لا يَأْكُلُونَ سِوَى بَعْضِ الْحُبُوبِ وَتَقُولُ مَصَادِرُ الْمُنَظَّمَاتِ الإِنْسَانِيَّةِ: إِنَّ الْمَجَاعَةَ الَّتِي تَضْرِبُ «كُورِيَا الشَّمَالِيَّةَ» مُنْذُ ۱۹۹۵ حَصَدَتْ بَيْنَ ۱/۵ إِلَى ۳/۵ مَلْيُونَ ضَحِيَّةٍ مِنْ أَصْلِ مَجْمُوعِ السُّكَّانِ الْبَالِغِ ۲۳ مَلْيُونَ نَسَمَةٍ. تَعَرَّضَتِ الْبِلادُ مُنْذُ مُنْتَصَفِ الْعَقْدِ لِسِلْسِلَةِ كَوَارِثَ طَبِيعِيَّةٍ زَادَتْ حِدَّةَ الْأَزْمَةِ خُصُوصاً بَعْدَ تَوَقُّفِ الْمُسَاعَدَاتِ الَّتِي كَانَتْ تَأْتِيهَا مِنَ الْكُتْلَةِ السُّوفِيَاتِيَّةِ السَّابِقَةِ.

۵۱ـ گرسنگی بر کودکان اثری می‌گذارد که هرگز از بین نمی‌رود.

«دلاورخان» نماینده‌ی صندوق حمایت از اطفال سازمان ملل متحد «یونیسف»، در «پیونگ یانگ» اعلام کرد: کودکان «کره‌ی شمالی» در تمام مدت عمر از آثار گرسنگی و سوءتغذیه‌ای، که این کشور را از نیمه‌ی دهه‌ی جاری در برگرفته است، رنج خواهند برد. «دلاور خان» در یک کنفرانس مطبوعاتی که در «پکن» برگزار کرد گفت: از تعداد زیادی مؤسسه‌ی آموزشی دیدن کردیم، دختران و پسران جوانی را در سنین چهارده و شانزده سالگی دیدیم که هفت یا هشت ساله به نظر می‌رسیدند. من معتقدم این بیماری در همه‌ی عمر گریبانگیر آنها خواهد بود و ما هرگز قادر به درمان آنها نخواهیم بود. آمارهای «یونیسف» نشان می‌دهد که ۶۲٪ کودکان «کره‌ی شمالی» که در سن تحصیل می‌باشند، مبتلا به کم وزنی طبیعی، به میزان ۱۵٪ نسبت به سن خود هستند. «دلاور خان» اضافه کرد: کودکان «کره‌ی شمالی» علاوه بر اینکه به کمبود ید مبتلا هستند، از این عقب ماندگی نیز رنج خواهند برد که تأثیر منفی بر هوش آنها خواهد گذاشت. او گفت: غذای آنها تنوع ندارد و پروتئین آن بسیار کم است و جز مقداری حبوبات چیزی نمی‌خورند. منابع سازمانهای انسانی می‌گویند: گرسنگی‌ای

که از سال ۱۹۹۵ «کره‌ی شمالی» را در بر گرفته، بین ۱/۵ تا ۳/۵ میلیون قربانی از جمعیت ۲۳ میلیون نفری «کره‌ی شمالی» گرفته است. این کشور از نیمه‌ی دوم دهه‌ی جاری در معرض یک سلسله حوادث طبیعی قرار گرفت که شدت بحران را افزایش داد، بویژه پس از توقف کمکهایی که از طرف بلوک شرق (شوروی سابق) به این کشور صورت می‌گرفت.

نَقْصُ الیُود: کمبود ید.
اِنْعَکَسَ علیه: بر او اثر گذاشت
سَلْباً: منفی.
الذَّکَاء: هوش.
الحُبُوب: مفرد: حبّ، حبوبات.
المُنَظَّمَاتُ الإِنْسَانِیَّةُ: سازمانهای بشر دوستانه.
ضَرَبَ ـِ ضَرْباً: زد، **ضَرَبَتِ الکَارِثَةُ البِلادَ:** بلا کشور را در گرفت.
حَصَدَ ـِ حِصَاداً: درو کرد، **حَصَدَ ضَحِیَّة:** قربانی گرفت.
الضَّحِیَّة: قربانی.
النَّسَمَة: فرد، شخص.
تَعَرَّضَ لِـ...: در معرض... قرار گرفت.
الکَوَارِث: مف: الکارثة: بلا، مصیبت.
الحِدَّة: شدت.
الأَزْمَة: بحران.
المُسَاعَدَات: مف: المُسَاعَدَة: کمک.
زَادَ یَزِیدُ زِیَادَةً: افزایش یافت.
أَتَی یَأْتِي اِتْیَاناً: آمد.
الکُتْلَة: بلوک، **الکُتْلَة السُّوفیاتیَّة:** بلوک شرق، شوروی سابق.
السُّوفِیَات: شوروی، **السُّوفیاتيّ:** مربوط به شوروی.
المَجَاعَة: گرسنگی.
مَحَا یَمْحُو مَحْواً: پاک کرد، **لا یُمْحَی:** پاک نمی‌شود.
تَرَکَ ـُ تَرْکاً: ترک کرد، به جا گذاشت، **تَرَکَ أثَراً:** اثر گذاشت.
أَعْلَنَ: اعلام کرد، گزارش داد.
المُمَثِّل: نماینده.
صُنْدُوقُ رِعَایَةِ الطُّفُولَة: صندوق حمایت از اطفال.
مَدَی العُمْر: در طول زندگی.

المُنْتَصَف: نیمه.
العَقْدُ الحَالِي: دهه جاری.
المُؤتَمَر: کنفرانس. **المؤتمر الصّحافيّ**: کنفرانس مطبوعاتی
عَقَدَ ـِ عَقْداً: برگزار کرد. **عَقَدَ مُؤتَمَراً**: یک کنفرانس برگزار کرد
قَام يَقُومُ قِيَاماً: برخاست. **قَامَ بِزيارة**: دیدار کرد، اقدام به دیدن کرد.
المُؤسَّسَاتُ المَدْرَسِيَّة: موسسات آموزشی.
الفِتْيَان: مف: الفَتَى: پسر جوان.
بَدَا يَبْدُو بُدُوّاً: به نظر رسید، **يبدو أنَّ...**: به نظر می‌رسد که...
الإصَابَة بِالْمَرَض: ابتلا به بیماری.
رَافَقَهُ: به او پیوست و از او جدا نشد.
اَشَارَ اِلَى...: اشاره کرد به...
الإحصَاءَات: مف: الاحصاء: آمار.
النّقْصُ فِي الوَزْن: کاهش وزن.
بِمُعَدَّلِ: به میزان.
الإعَاقَة: عقب ماندگی.

☐ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مِمَّ يُعَانِي أَطْفَالُ كُورِيَا الشَّمَالِيَّةِ؟ ۲ـ مَنْ هُوَ «دلاور خَان» وَ بِمَاذَا يَعْتَقِدُ؟
۳ـ إِلامَ تُشيرُ اِحْصَاءَاتُ «یونیسف»؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ بچه‌های کره‌ی جنوبی مبتلا به سوء تغذیه هستند. ۲ـ دختران و پسران ۱۵ ساله‌ی کره‌ی شمالی، ۸ ساله به نظر می‌رسند. ۳ـ پزشکان قادر به معالجه‌ی کودکان کره‌ی جنوبی نیستند.

۵۲ـ تُوُفِّيَ بَعْدَ غَيْبُوبَةٍ اسْتَمَرَّتْ ۱۶ عَاماً.

ذَكَرَتْ صَحِيفَةُ «الثّورة» السُّورِيَّةُ: أَنَّ شَابّاً سُعُودِيّاً تُوُفِّيَ فِي أَحَدِ الْمُسْتَشْفَيَاتِ السُّعُودِيَّةِ بَعْدَ أَنْ قَضَى سِتَّةَ عَشَرَ عَاماً فِي غَيْبُوبَةٍ إِثْرَ تَعَرُّضِهِ

لِحَادِثٍ فِي مَدِينَةِ مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ. وَقَالَتِ الصَّحِيفَةُ: إِنَّ الشَّابَّ الْبَالِغَ مِنَ الْعُمْرِ ۲۸ عَاماً أُدخِلَ الْمُسْتَشْفَى وَعُمْرُهُ ۱۲ عَاماً بَعْدَ أَنْ أُصِيبَ بِحَادِثٍ وَكَانَ طِوَالَ تِلْكَ الْفَتْرَةِ نَائماً لا يَسْتَطِيعُ التَّحَرُّكَ أَوِ التَّحَدُّثَ وَلا يَسْتَطِيعُ التَّعَرُّفَ عَلَى أَحَدٍ، بِاسْتِثْنَاءِ وَالِدَتِهِ الَّتِي كَانَتْ تَدْخُلُ إِلَيْهِ فَيَظَلُّ مُبْتَسِماً حَتَّى تَخْرُجَ.

۵۲ـ بعد از ۱۶ سال بیهوشی از دنیا رفت.

روزنامه‌ی «الثوره» (چاپ) سوریه نقل کرد: یک جوان سعودی در اثر حادثه‌ای در مکه‌ی مکرمه پس از ۱۶ سال بیهوشی در یکی از بیمارستانهای این کشور (سعودی) از دنیا رفت. این روزنامه اظهار داشت: این جوان ۲۸ ساله در سن ۱۲ سالگی پس از یک حادثه، وارد بیمارستان شد و در طی این مدّت خواب بود و قدرت حرکت و حرف زدن نداشت، و نمی‌توانست کسی را جز مادرش بشناسد و از وقتی که نزد او می‌آمد تا وقتی که می‌رفت، لبخند بر لبان این جوان نقش می‌بست.

تَوَفَّاه: او را از دنیا برد، **تُوُفِّيَ**: از دنیا رفت.

الغَيْبُوبَة: بیهوشی.

الشَّابّ: جوان، ج: الشَّبَاب.

المُسْتَشْفَى: بیمارستان.

قَضَى ـِ قَضَاءً: گذراند. **قضى زماناً**: روزگاری را گذراند.

إثْرَ: به دنبال، در اثر.

التَّعَرُّض لِـ...: در معرض...قرار گرفتن.

الحَادِث: حادثه.

بَلَغَ ـُ بُلُوغاً: رسیدن، **البالغ مِنَ العمر ... عاما**: دارای ... سال عمر.

أدْخَلَهُ: او را داخل کرد، **أُدْخِلَ**: برده شد به ...

أَصَابَ يُصيبُ إِصَابَةً: به او برخورد کرد، **أُصيب بـ...**: مبتلا به...شد.

طِوَالَ: در طی.

الفَتْرَة: دوره، زمان.

التَّحَدُّث: حرف زدن. **ظَلَّ يَظَلُّ ظَلالَةً**: باقی ماند. **ظَلَّ مُبْتَسِماً**: متبسم باقی ماند.
تَعَرَّفَ عَلَى...: ... را شناخت.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا أُدْخِلَ الشَّابُ الْمُسْتَشْفَى؟ ۲ـ مَتَى تُوُفِّيَ الشَّابُّ؟ ۳ـ لِمَاذَا كَانَ الشَّابُّ يَبْتَسِمُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ برادرم در اثر حادثه‌ای که در تهران برایش رخ داد، وارد بیمارستان شد. ۲ـ تو قادر به حرف زدن نیستی و نمی‌توانی کسی را بشناسی. ۳ـ من با دیدن مادرم لبخند می‌زنم.

۵۳ـ لِصٌّ غَالَبَهُ النَّوْمُ فِي شُرْفَةِ مَنْزِلٍ اعْتَزَمَ سَرِقَتَهُ.

تَسَلَّلَ لِصٌّ إِلَى نَافِذَةِ مَنْزِلٍ فِي الْقَاهِرَةِ وَانْتَظَرَ فِي الشُّرْفَةِ حَتَّى يَنَامَ سُكَّانُ الشُّقَّةِ فَغَالَبَهُ النُّعَاسُ. وَقَدْ ذَكَرَتْ صَحِيفَةُ «الْأَهْرَام» الْمِصْرِيَّةُ: أَنَّ مَالِكَ الشُّقَّةِ الوَاقِعَةِ بِمِنْطَقَةِ «السَّيِّدة زينب» خَرَجَ إِلَى شُرْفَةِ مَنْزِلِهِ فِي الطَّابِقِ الثَّالِثِ لِكَيْ يُدَخِّنَ سِيجَارَةً لِيُفَاجِأَ بِاللِّصِّ نَائماً. وَأَضَافَتْ: أَنَّ مَالِكَ الشُّقَّةِ ضَبَطَ اللِّصَّ وَسَلَّمَهُ لِلشُّرْطَةِ.

۵۳ـ سارقی در بالکن منزلی که قصد سرقت از آن را داشت، خواب بر او غلبه کرد.

یک دزد از پنجره‌ی خانه‌ای در قاهره وارد و در بالکن منتظر شد، تا ساکنان آپارتمان بخوابند. پس (از مدتی) خواب بر او غلبه کرد. روزنامه‌ی «الاهرام» مصر گزارش داده است: صاحب آپارتمان که واقع در منطقه‌ی «سیده زینب» است، برای

سیگار کشیدن به بالکن منزلش در طبقه‌ی سوم رفت که ناگهان با یک دزد خوابیده روبرو شد، این روزنامه در ادامه افزود: مالک آپارتمان دزد را دستگیر کرد و او را به پلیس تحویل داد.

اللِّصّ: دزد، ج: لُصُوص.
غَالَبَهُ: بر او غلبه کرد.
الشُّرْفَة: بالکن.
اِعْتَزَمَ عَلَی...: قصد... کرد
نَامَ ـَ نَوْماً: خوابید.
الشُّقَّة: آپارتمان، ج: شُقَق.
الطَّابِق: طبقه، الطّابق الثّالث: طبقه سوم.
دَخَّنَ السِّیجَارَة: سیگار کشید.
فُوجِیء: غافلگیر شد. **فاجأه و فاجأ به**: غافلگیرش کرد..
نَائِماً: در حال خواب.
أَضَافَهُ: آن را اضافه کرد.
ضَبَطَ ـُ ضَبْطاً: دستگیر کرد. **ضبطه**: او را دستگیر کرد.
سَلَّمَهُ لِـ...: آن یا او را به ... تحویل داد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا تَسَلَّلَ السَّارِقُ إِلَی نَافِذَةِ البَیْتِ؟ ۲ـ لِمَاذَا خَرَجَ مَالِکُ البَیْتِ إِلَی شُرْفَةِ بَیْتِهِ؟ ۳ـ کَیْفَ وَاجَهَ صَاحِبُ البَیْتِ اللِّصَ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ دزدی از بالکن خانه‌ی ما وارد اطاق شد و همانجا خوابید. ۲ـ سیگار نکش زیرا برای بدن انسان ضرر دارد. ۳ـ من دزد را دستگیر کردم و او را به پلیس تحویل دادم.

۵۴ـ إِحْرَاقُ رَجُلٍ مُتَهَّمٍ بِالسِّحْرِ حَیّاً.

ذَکَرَتْ صُحُفُ جُمْهُورِیَّةِ «الکُونْغُو الدِّیمُقْرَاطِیَّة»: أَنَّ رَجُلاً مُتَهَّماً

بِمُمَارَسَةِ السِّحْرِ أُحْرِقَ حَيّاً فِي أَحَدِ أَحْيَاءِ «كينشَاسَا» بِحُضُورِ حَشْدٍ كَبِيرٍ مِنَ النَّاسِ. وَقَالَتْ صَحِيفَةُ «بِالمَارِيس»: إِنَّ الضَّحِيَّةَ وَعُمْرُهُ حَوَالَي خَمْسِينَ عَاماً تَعَرَّضَ بِدَايَةً لِلضَّرْبِ مِنْ قِبَلِ مَجْمُوعَةٍ مِنَ الشَّبَابِ اتَّهَمُوهُ بِمُمَارَسَةِ السِّحْرِ عَلَى قَرِيبٍ لَهُمْ. وَأَضَافَتْ: أَنَّ حَشْداً كَبِيراً مِنَ النَّاسِ شَهِدَ إِحْرَاقَ الرَّجُلِ غَيْرَ آبِهِينَ بِتَوَسُّلاتِهِ.

۵۴ـ زنده سوزاندن مردی به اتهام جادوگری.

روزنامه‌های جمهوری دموکراتیک «کنگو» نقل کردند: یک مرد که متهم به جادوگری بود، زنده زنده، در یکی از محله‌های «کینشاسا» با حضور جمع بسیاری از مردم سوزانده شد. روزنامه‌ی «پالماریس» گزارش داد: قربانی که حدود ۵۰ سال داشت، ابتدا در معرض ضرب و شتم تعدادی از جوانان قرار گرفت که او را متهم به جادوگری در مورد یکی از نزدیکان خود کردند. این روزنامه در ادامه اعلام کرد: جمع بسیاری از مردم بدون توجه به التماسهای این مرد، شاهد سوزاندن او بودند.

أَحْرَقَهُ: آن را آتش زد.

الصُّحُف: مف: الصّحیفة: روزنامه.

المُمَارَسَة: پرداختن، اشتغال داشتن.

أَحْيَاء: مف: الحيّ: محلّه.

الحَشْد: اجتماع مردم، ج: الحُشُود.

الضَّحِيَّة: قربانی، ج: ضحایا.

تَعَرَّضَ لِـ...: در معرض... قرار گرفت.

البِدَايَة: ابتدا.

اِتَّهَمَهُ بِـ...: او را متهم به ... کرد.

القریب: نزدیک، فامیل، ج: أقرباء.

شَهِدَ ـَـ شُهُوداً هُ: شاهد آن بود.

الآبِه: توجه کننده، اهمیت دهنده.

التَّوَسُّل: التماس.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا أُحْرِقَ الرَّجُلُ حَيّاً؟ ۲ـ لِمَاذَا تَعَرَّضَ الرَّجُلُ لِلضَّرْبِ؟ ۳ـ كَيْفَ شَهِدَ النَّاسُ

إِحْرَاقَ الرَّجُلِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ پلیس گفت: من تو را به اتهام جادوگری بازداشت می‌کنم. ۲ـ بعضی از دولتها در گذشته دشمنان خود را زنده در آتش می‌سوزاندند. ۳ـ شما بدون توجه به التماسهای برادرتان شاهد سوختن او بودید.

۵۵ـ مَقْتَلُ خَمْسَةٍ فِي حَادِثِ انْتِحَارٍ عَائِلِيٍّ.

ذَكَرَتِ الشُّرْطَةُ الْيَابَانِيَّةُ: أَنَّ يَابَانِيّاً مُتَعَطِّلاً عَنِ الْعَمَلِ قَفَزَ بِسَيَّارَتِهِ فِي الْبَحْرِ لِيَلْقَى حَتْفَهُ هُوَ وَ زَوْجَتُهُ وَأَطْفَالُهُ الثَّلاثَةُ. وَقَالَتِ الشُّرْطَةُ: «لا تُوجَدُ آثَارٌ لِلْمَكَابِحِ (الفَرَامِلِ) عَلَى الرَّصِيفِ وَنَحْنُ نَشُكُّ فِي الْوَقْتِ الحَالِي أَنَّهُ حَادِثُ انْتِحَارٍ عَائِلِيٍّ». وَسَمِعَ شَاهِدٌ صَوْتَ اصْطِدَامِ السَّيَّارَةِ بِحَاجِزٍ وَاقٍ وَشَاهَدَ أَنَّهَا تَسْقُطُ فِي الْبَحْرِ وَأَفَادَتِ الشُّرْطَةُ: أَنَّ عَامِلَ إِنْقَاذٍ تَمَكَّنَ مِنْ تَحْدِيدِ مَكَانِ السَّيَّارَةِ بَعْدَ عِدَّةِ سَاعَاتٍ عَلَى عُمْقِ ۱۵ مِتْراً تَحْتَ سَطْحِ الْمِيَاهِ. وَأَضَافَتِ الشُّرْطَةُ: أَنَّهَا لَنْ تُقَدِّمَ تَكَهُّنَاتٍ بِشَأْنِ أَسْبَابِ مَا يَبْدُو أَنَّهُ انْتِحَارٌ، إِلَّا أَنَّهَا أَضَافَتْ: أَنَّ مَنْزِلَ الأُسْرَةِ احْتَرَقَ قَبْلَ الْحَادِثِ. وَرُغْمَ نُدْرَةِ هَذِهِ الْحَوَادِثِ فَإِنَّ أَوْلِيَاءَ الأُمُورِ الْيَابَانِيِّينَ اعْتَادُوا اصْطِحَابَ أَطْفَالِهِمْ عِنْدَ عَزْمِهِمْ عَلَى الْإِنْتِحَارِ وَهِيَ الْحَوَادِثُ الَّتِي يُطْلَقُ عَلَيْهَا فِي اليَابَانِ اسْمُ «موري شينغو» أَيْ «الإِنْتِحَارُ الإِجْبَارِيُّ.» .

۵۵ـ مرگ ۵ نفر در یک خودکشی خانوادگی.

پلیس «ژاپن» اعلام کرد: یک ژاپنی که کار خود را از دست داده بود، ماشینش را به دریا انداخت، تا با همسر و سه فرزندش بمیرد. پلیس گفت: آثار ترمز بر پیاده رو دیده نمی‌شود و ما در حال حاضر، احتمال می‌دهیم که این حادثه، یک خودکشی

خانوادگی است. یک شاهد عینی صدای برخورد ماشین را با نرده‌ی حفاظتی شنید و شاهد سقوط ماشین در دریا بود. پلیس گفت: یک امدادگر پس از چند ساعت توانست مکان اتومبیل را در عمق ۱۵ متری زیر آب تعیین کند. پلیس در ادامه افزود: در مورد انگیزه‌هایی که نشان دهد، حادثه یک خودکشی است، پیشگویی نمی‌کند ولی اظهار داشت که منزل این خانواده قبل از حادثه آتش گرفته بود. با وجود استثنایی بودن این گونه حوادث، اولیاء امور ژاپن، عادت دارند که در زمان تصمیم به خودکشی، همراه فرزندان خود باشند. این حادثه‌ای است که در ژاپن به آن «موری شینگو» یعنی خودکشی اجباری می‌گویند.

المَقْتَل: کشته شدن.
الإِنْتِحَار: خودکشی.
العَائِلِيّ: خانوادگی.
المُتَعطِّل: بیکار شده.
قَفَزَ ـِ قَفْزاً: پرید.
لَقِيَ يَلْقَى لِقَاءً و لُقْيَاناً هُ: با او دیدار کرد،
لَقِيَ حَتْفَهُ: وفات کرد
المَكَابِح: مف: المِكْبَح: ترمز.
الرَّصِيْف: پیاده‌رو، ج: أرصفة.
الفَرَامِل: مف: الفَرْمَلة: ترمز.
الاصْطِدَام: برخورد.
الحَاجِز: مانع، ج: حواجز.
الوَاقِي: نگهدارنده، محافظ.
سَقَطَ ـُ سُقُوطاً: افتاد.
أَفَادَ أَنَّ...: اعلام کرد که ...
عامِلُ الإنقَاذ: امدادگر.
تَمَكَّنَ مِنْ...: توانست که...
التَّحْدِيد: معلوم کردن.
المِيَاه: مف: الماء: آب.
قَدَّمَهُ: آن یا او را داد، تقدیم کرد. **لا تُقَدِّم**
تكهُّنات: پیشگویی نمی‌کند.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَلْقَى حَتْفَهُ؟ ۲ـ مَاذَا سَمِعَ الشَّاهِدُ وَ مَاذَا شَاهَدَ؟ ۳ـ مَــــاذَا

يَعْتَادُ أَوْلِيَاءُ الْأُمُورِ الْيَابَانِيينَ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ تو صدای برخورد ماشین را با ماشین دیگر شنیدی؟ ۲ـ خانه‌ی آنها قبل از خودکشی آتش گرفت. ۳ـ ما عادت داریم همیشه همراه با خانواده‌ی خود به سفر تفریحی برویم.

۵۶ـ رَنُّ الهَاتِفِ مِنْ عَالَمِ الأَمْوَاتِ.

فَرَّ الْمُشَيِّعُونَ بِرَنِينِ الْهَاتِفِ الْمَحْمُولِ مِنْ عُمْقِ الْقَبْرِ فِي أَحَدِ مَدَافِنِ غَرْبِ «بُولَنْدَا» كَمَا ذَكَرَ التِّلْفِيزِيُونُ الْبُولنديُّ. وَيَبْدُو أَنَّ الْهَاتِفَ دُفِنَ مَعَ صَاحِبِهِ وَكَانَ الْمُشَيِّعُونَ فِي إِحْدَى الْجَنَازَاتِ يُؤَدُّونَ الصَّلاةَ الْأَخِيرَةَ عَلَى جُثْمَانِ فَقِيدِهِمْ عِنْدَمَا رَنَّ الْهَاتِفُ. وَأُغْمِيَ عَلَى امْرَأَةٍ فِي الْحَالِ. وَتَوَقَّفَ الْهَاتِفُ عَنِ الرَّنِينِ بَعْدَ فَتْرَةٍ وَلكِنْ بَعْدَ فِرَارِ عَدَدٍ كَبِيرٍ مِنَ الْمُشَيِّعِينَ وَسَطَ الذُّعْرِ وَالْهَلَعِ. وَتَحَقَّقَتْ عَمَلِيَاتُ بَيْعِ الْهَاتِفِ المَحْمُولِ فِي «بُولَنْدَا» مَزِيداً مِنَ النَّجَاحِ إِذْ يَبْلُغُ عَدَدُ المُشْتَرِكِينَ حَوَالَي ثَلاثَةِ مَلايِينَ مِنْ أَصْلِ ۳۹ مَلْيُونَ نَسَمَةٍ.

۵۶ـ زنگ تلفن از دنیای مردگان.

بر اساس گزارش تلویزیون «لهستان»، در یکی از گورستانهای غرب این کشور (لهستان)، تشییع کنندگان، با صدای تلفن همراه از عمق قبر، پا به فرار گذاشتند. به نظر می‌رسد، تلفن همراه با صاحب آن دفن شده بود و تشییع کنندگان، در یک مراسم تدفین در حال انجام نماز میّت بر جنازه‌ی خود بودند که تلفن زنگ زد. (در این ماجرا) یک زن فوراً غش کرد و پس از چند لحظه، بعد از فرار تعداد زیادی از تشییع کنندگان، در میان ترس و وحشت، زنگ تلفن قطع شد. فروش تلفن همراه در

«لهستان» با موفقیت بسیاری روبرو شده، زیرا تعداد مشترکین آن، در بین جمعیت سی و نه میلیون نفری این کشور به سه میلیون نفر رسیده است.

رَنُّ الهَاتِف: زنگ تلفن.
عَالَمُ الأَموَات: دنیای مردگان.
فَرَّ يَفِرُّ فِراراً: فرار کرد.
المُشَيِّع: تشییع کننده.
المَدَافِن: مف: المدفن: گورستان.
بَدَا يَبْدُو بُدُوّاً: به نظر رسید، **يبدو انّ ...**: به نظر می‌رسد که.
دَفَنَ ـَ دَفْناً هُ: او را دفن کرد.
الجَنَازَات: مف: الجنازة: جنازه، جسد مرده.
أَدَّاهُ: آن را انجام داد، **أدّى الصّلاة**: نماز خواند.
الصَّلاةُ الأَخيرةُ: نماز آخر، نماز میت.
الجُثْمَان: جنازه، بدن.
الفَقْيد: از دست رفته، مرحوم.
رَنَّ يَرِنُّ رَنيناً: زنگ زد.
أُغْمِي عَلَيْهَا: بیهوش شد.
تَوَقَّفَ: متوقف شد. **تَوَقَّفَ عَنِ الرَنين**: صدای آن خاموش شد
الذُّعْر: ترس.
الهَلَع: وحشت.
تَحَقَّقَ: تحقق یافت. **تحقَّق مزيداً مِنَ النَجاح**: با موفقیت بسیار روبرو شد.
بَلَغَ ـُ بُلُوغاً هُ: به آن یا او رسید.
حَوَالَي: حدود.
النَّسَمَة: نفر، شخص.

☐ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا اجْتَمَعَ النَّاسُ؟ ۲ـ لِمَاذَا فَرُّوا؟ ۳ـ مَتَى رَنَّ الهَاتِفُ وَمَتَى تَوَقَّفَ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ زنگ خانه‌ی ما به صدا در آمد. ۲ـ بعد از اینکه فرار کردی صدای زنگ تلفن قطع شد. ۳ـ تعداد دانشجویان ایرانی در سالهای آینده به ده ملیون می‌رسد.

۵۷ـ وَفَاةُ فَتَاةٍ بِسَبَبِ تَنَاوُلِ الوَجَبَاتِ الدَّسِمَةِ.

أَدَانَتْ إِحْدَى الْمَحَاكِمِ الْجَزَائِيَّةِ فِي مَدِينَةِ «سَانفرَانسيسكو» الْأَمرِيكِيَّةِ إِحْدَى الْأُمَّهَاتِ الأَمرِيكِيّاتِ بِأَنَّهَا تَسَبَّبَتْ فِي قَتْلِ ابْنَتِهَا. ذَكَرَتْ ذَلِكَ الصُّحُفُ الْأَمرِيكِيَّةُ وَأَضَافَتْ: أَنَّ الْفَتَاةَ «مولِي» الْبَالِغَةَ مِنَ الْعُمْرِ ١٣ عَاماً فَقَطْ وَصَلَ وَزْنُهَا إِلَى ٣١٠ كِيلُوغِرَامَاتٍ قَبْلَ أَنْ تَنْتَابَهَا نَوْبَةٌ قَلْبِيَّةٌ تُؤَدِّي بِحَيَاتِهَا كَانَتْ هَذِهِ السِّمْنَةُ بِسَبَبِ النِّظَامِ الْغِذَايِيِّ غَيْرِ الصَّحِيحِ وَتَقدِيمِ الْوَجَبَاتِ الدَّسِمَةِ وَالْمُشَهِّيَّةِ لَهَا مِمَّا أَوْصَلَتْهَا إِلَى هذِهِ الْحَالَةِ وَتَسَبَّبَتْ وَفَاتَهَا فِي النِّهَايَةِ. وَتَابَعَتِ الصُّحُفُ بِالقَوْلِ: أَنَّ الشُّرْطَةَ عَثَرَتْ عَلَى جُثَّةِ الفَتَاةِ فِي غُرْفَةٍ غَيْرِ صِحِّيَّةٍ مَلِيئَةٍ بِالقَاذُورَاتِ وَنَفَايَا الطَّعَامِ وَالْمَشْرُوبَاتِ الضَّارَّةِ الَّتِي تُؤَدِّي إِلَى السِّمْنَةِ، مِمَّا حَدَا بِالشُّرْطَةِ إِلَى إِدَانَةِ الْأُمِّ بِتُهْمَةِ الْقَتْلِ عَنْ غَيْرِ عَمْدٍ. وَقَالَتِ الصُّحُفُ: إِنَّ الْأُمَّ تُوَاجِهُ عُقُوبَةَ السِّجْنِ لِمُدَّةِ سِتِ سَنَوَاتٍ فِيمَا إِذَا أَدَانَتْهَا الْمَحْكَمَةُ بِصُورَةٍ نِهَائِيَّةٍ.

۵۷ـ مرگ یک دخترجوان در اثر خوردن وعده‌های غذایی چرب.

یکی از دادگاه‌های شهر «سانفرانسیسکو» در آمریکا، یک مادر آمریکایی را که موجب قتل دخترش شده بود، محکوم کرد. این موضوع را روزنامه‌های آمریکا گزارش دادند و افزودند: «مولی» دختر جوانی، که فقط سیزده سال داشت، قبل از اینکه دچار سکته‌ی قلبی منجر به مرگ شود، وزنش به ۳۱۰ کیلوگرم رسیده بود. این چاقی به علت رژیم غذایی نادرست و دادن غذاهای چرب و اشتهاآوری بود که او را به این مرحله رساند و در نهایت موجب مرگ او شد. در ادامه‌ی گزارش‌های روزنامه‌ها آمده است: پلیس جسد این دختر را در یک اطاق غیر بهداشتی پیدا کرد که پر از آشغال و ته مانده‌ی غذا و نوشابه‌های مضری بود که باعث چاقی می‌شوند. و همین امر موجب شد که پلیس، این مادر را متهم به قتل غیر عمد کند. روزنامه‌ها

همچنین خبر دادند: در صورتی که دادگاه، به شکل قطعی این مادر را محکوم کند، با شش سال زندان مواجه خواهد شد.

الفَتَاة: دختر جوان، ج: فتیات.
الوَجْبَة: وعده غذایی.
الدَّسِمَة: چرب. **الوجبات الدّسمة**: وعده‌های غذایی چرب.
أَدَانَه: او را محکوم کرد.
المَحَاكِم: مف: المَحْكَمة: دادگاه.
الجَزَائِيَّة: کیفری. **المحاكم الجزائيّة**: دادگاههای کیفری.
تَسَبَّب: موجب شد. **تسبّب فی أمرٍ او بأمرٍ**: موجب کاری شد
أَضَافَهُ: آن را اضافه کرد.
اِنْتَابَهُ: گریبان او را گرفت، دچار کرد.
اِنْتَابَهُ المرضُ: بیماری گریبان او را گرفت.
النَّوْبَةُ القَلْبِيَّة: سکته‌ی قلبی.
اَدَّى بِحَيَاتِها: منجر به مرگ او شد.
جَرَّاءَ: به علت، به سبب.
النِّظَامُ الغِذَائي: رژیم غذایی.
المُشتَهِي: اشتها آور.
أَوْصَلَهُ: او را رساند. **أوصلتها اِلَى ...**: او را به...رساند
عَثُرَ ـُ عُثُوراً: دست یافت. **عَثَرَ عَلَيْه**: او را پیدا کرد.
الصِّحِّيّ: بهداشتی، غیر الصّحّیّ: غیر بهداشتی.
المَلِيئَة: پر، آکنده.
القَاذُورَة: اشغال.
النُّفَايَة: آشغال، دورریختنی، ج: النّفایا و النّفایات.
الضَّارَّة: مُضر، اسم فاعل از ضرَّ ـُ ضرراً.
حَدَا ـُ حَدْواً بِـ...، اِلَى ...: او را وادار کرد به ...
وَاجَهَهُ: با آن یا او روبرو شد.
بِصُورَةٍ نِهَائِيَّة: به شکل قطعی و نهایی.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا أَدَانَتِ المَحَاكِمُ الجَزَائِيَّةُ المَرأَةَ؟ ۲ـ مَاذَا سَبَّبَ مَوْتَ الفَتَاةِ؟ ۳ـ أَيْنَ عَثَرَتِ

الشُّرْطَةُ عَلَى جُثَّةِ الفَتَاةِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ قاضی او را به اتهام دزدی محکوم کرد. ۲ـ وزن برادرم در اثر خوردن غـذاهـای چرب به ۱۰۰ کیلو رسید. ۳ـ اتاق تو را پر از آشغال، ته مانه‌ی غذا و نوشابه‌های مضر می‌بینم.

۵۸ـ بَنْکُ دَمٍ لِلْکِلابِ یَبْحَثُ عَنْ مُتَبَرِّعِینَ.

وَجَّهَ بَنْکُ دَمٍ لِلْکِلابِ تَابِعٌ لِلْمُسْتَشْفَى الْبَیْطَرِیِّ فِی مَدِینَةِ «هلسنبورغ» جَنُوبَ «السُّوِیدِ» نِدَاءً إِلَى مَالِکِی الکِلابِ لإِحْضَارِهَا لِلتَّبَرُّعِ بِدِمَائِهَا لإِنْقَاذِ حَیَاةِ حَیَوَانَاتٍ مُصَابَةٍ بِسَرَطَانِ الدَّمِ أَوْ فِی حَوَادِثِ سَیْرٍ أَوْ بِعَضَّاتِ الْأَفَاعِی. وَقَالَ «برت جَان» مُدِیرُ أَوَّلِ بَنْکٍ مِنْ نَوْعِهِ فِی أُورُوبَا: «نَحْنُ نَبْحَثُ عَنْ کِلابٍ فِی صِحَّةٍ جَیِّدَةٍ یَتَرَاوَحُ عُمْرُهَا بَیْنَ سَنَةٍ وَثَمَانِی سَنَوَاتٍ وَتَزِنُ أَکْثَرَ مِنْ ۲۹ کِیلُوغِرَاماً». وَأَضَافَ: «لَدَیْنَا ۵۰ مُتَبَرِّعاً دَائِماً دِمَاؤُهُمْ مُوَزَّعَةٌ عَلَى زُمَرِ الدَّمِ الْخَمْسَ عَشْرَةَ الْمُخْتَلِفَةِ لَدَى الْکِلابِ، لَکِنَّنَا نُعَانِی نَقْصاً فِی الْاِحْتِیاطِیِّ». وَقَالَ: إِنَّ «کُرَیَاتِ الدَّمِ الْحَمْرَاءَ تَفْسُدُ خِلالَ ۴۰ یَوْماً لَکِنْ ذَلِکَ لا یُشَکِّلُ مُشْکِلَةً بِالنِّسْبَةِ لَنَا لِأَنَّ الْکَمیّاتِ لَدَینا تَسْتَهْلِکُ قَبْلَ شَهْرٍ». وَیُمْکِنُ لِلْکَلْبِ أَنْ یَتَبَرَّعَ بِـ ۴۵ سَنْتِلِتْراً مِنَ الدَّمِ مَرَّةً کُلَّ ثَلاثَةِ أَشْهُرٍ، وَهِیَ الْکَمِیَّةُ نَفْسُهَا الَّتِی یُمْکِنُ أَخْذُهَا مِنَ البَشَرِ، بِشَرْطِ أَنْ تَکُونَ نِسْبَةُ الْخِضَابِ الْأَحْمَرِ فِی الدَّمِ ۴۰٪ وَیَکُونَ الْکَلْبُ فِی صِحَّةٍ جَیِّدَةٍ وَیَبْقَى هَادِئاً خِلالَ الْخَمْسِ دَقَائِقَ الَّتِی یَسْتَغْرِقُهَا سَحْبُ الدَّمِ. وَقَالَ الطَّبِیبُ الْبَیْطَرِیُّ: إِنَّ مُتَلَقِّی الدَّمِ یَدْفَعُ حَوَالَی ۱۲۰ یُورُو مُقَابِلَ الْحُصُولِ عَلَى الدَّمِ، أَمَّا الْکَلْبُ الْوَاهِبُ فَیَحْصُلُ عَلَى مُتَابَعَةٍ طِبِّیَّةٍ مُنْتَظِمَةٍ مُؤَکِّداً: أَنَّ أَصْحَابَ الْکِلابِ یُقَدِّمُونَ الْمُسَاعَدَةَ طَوْعاً، وَبَعْضُهُمْ یَلْتَقُونَ مَعَ أَصْحَابِ

الْكِلابِ الْمَرِيضَةِ وَيُتِيحُونَ كَذَلِکَ لِقَاءَ الكَلْبِ الْمُتَلَقِّي بِالوَاهِبِ حَتَّى يَشْكُرَهُ.

۵۸ـ یک بانک خون سگ‌ها در جستجوی اهداء کننده‌ی (خون) است.

یک بانک خون سگها، وابسته به بیمارستان دامپزشکی شهر «هلسینگ بورگ» واقع در جنوب «سوئد»، به صاحبان سگ‌ها اعلام کرد که برای نجات زندگی حیوانات مبتلا به سرطان خون یا تصادفات رانندگی و گزش مارهای بزرگ، سگ‌های خود را برای اهدای خون (به بیمارستان مذکور) بیاورند. «برت جان» رئیس اولین بانک خون سگ‌ها در «اروپا» گفت: ما به دنبال سگ‌های کاملاً سالم هستیم که سن آنها بین ۱ تا ۸ سال و وزن آنها بیش از ۲۹ کیلوگرم باشد. او در ادامه گفت: ما ۵۰ اهدا کننده‌ی دائمی داریم که خون آنها بین گروه‌های خونی ۱۵ گانه‌ی سگ‌ها تقسیم می‌شود، ولی از جهت ذخیره‌ی (خون) در مضیقه هستیم. او گفت: گلبول‌های قرمز خون درطی ۴۰ روز از بین می‌روند ولی برای ما مشکلی ایجاد نمی‌کند زیرا این مقدار موجود، تا فرا رسیدن یک ماه، مصرف می‌شوند. سگ می‌تواند هر سه ماه یک بار ۴۵۰ cc خون بدهد و این همان اندازه‌ای است که می‌توان از انسان خون گرفت، به شرط اینکه میزان هموگلوبین (رنگدانه‌های قرمز خون) آن ۴۰ ٪ و سگ در سلامتی کامل باشد و در طی پنج دقیقه‌ای که خونگیری طول می‌کشد، آرام باشد. این دامپزشک گفت: گیرنده‌ی خون حدود ۱۲۰ «یورو» در مقابل دریافت خون می‌پردازد اما سگ خون‌دهنده از مراقبت‌های پزشکی ثابت و منظم برخوردار می‌شود. او همچنین تأکید کرد: صاحبان سگ‌ها، کمک خود را به صورت داوطلبانه انجام می‌دهند و بعضی از آنها با صاحبان سگ‌های بیمار ملاقات می‌کنند و همچنین فرصتی برای دیدار سگ خون‌گیرنده با خون‌دهنده قرار می‌دهند تا از او تشکر کند.

المُتَبَرِّع: اهداكننده.
التَّابِع: وابسته.
المُسْتَشْفَى: بیمارستان.
البَيْطَرِيّ: دامپزشکی.
الإِحضَار: آوردن.
التَّبَرُّع: اهدا.
الإِنْقَاذ: نجات دادن.
المُصَابَة: مبتلا، اسم مفعول از أصاب.
حَوَادِثُ السَّيْر: حوادث رانندگی.
بَحَثَ ـَ بحثاً عنه : به دنبال آن بود.
الصِّحَّة: سلامتی. **الصّحّة الجيِّدة**: سلامتی کامل.
تَرَاوَح: در نوسان بود. **يَتَرَاوَحُ عمرُها بَيْنَ ..**: عمرشان در فاصله‌ی سالهای .. در نوسان است.
وَزَنَ يَزِنُ وَزْناً هُ: آن را وزن کرد. **تَزِنُ أكْثَرَ ..**: بیشتر از ... وزن داشته باشند.
الدَّم: خون، ج: دماء.
المُوَزَّعَة: توزیع شده، اسم مفعول از توزیع.
الزُّمَر: گروه، زمر الدّم: گروههای خونی.
عَانَى يُعَانِي مُعَانَاة هُ: از آن رنج کشید، در مضیقه بود.

الاِحتِيَاطِيّ: ذخیره.
كُرَيَاتُ الدَّمِ الحَمْرَاء: گلبول‌های قرمز خون.
فَسَدَ ـُ فِسَاداً: از بین رفت، فاسد شد.
شَكَّلَهُ: آن را تشکیل داد. **لا يُشَكِّلُ مشكلةً لنا**: مشکلی برای ما ایجاد نمی‌کند.
الكَمِّيَّات: مف: الكمّيَّة: میزان، موجودی،.
الخِضَابُ الأحْمَر: هموگلوبین، رنگدانه قرمز خون.
بَقِي يَبْقَى بَقَاءً: باقی ماند، **بَقِيَ هادئاً**: آرام ماند.
اِسْتَغْرَقَ: طول کشید.
سَحْبُ الدَّم: خونگیری.
المُتَلَقِّي: دریافت کننده، اسم فاعل مِنْ تلقّی.
دَفَعَ ـَ دَفْعاً هُ: آن را پرداخت.
حَصَلَ ـُ حُصُولاً على...: آن را به دست آورد.
الوَاهِب: دهنده، اهداء کننده.
المُتَابَعَةُ الطِّبِّيَّة: مراقبت پزشکی.
المُنْتَظِمَة: مرتب.

مُؤَكِّداً: در حال تأکید، در حالی که تأکید کرد، اسم فاعل از أَكَّدَ
قَدَّمَهُ: آن را اهدا کرد.
طَوْعاً: داوطلبانه، بااختیار خود.
اِلْتَقَى مَعَهُ: با او دیدار کرد.
أَتَاحَهُ: آن را میسر ساخت. **يُتيحُونَ**
لقاءه بِـ... لِـ...: ملاقات او را با ... میسر می‌سازند.
اللِّقَاء: ملاقات.
شَكَرَ ـُ شُكْراً هُ: از او سپاسگزاری کرد.
الدِّرَاسَة: تحقیق.

☐ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَاذَا طَلَبَ الْمُسْتَشْفَى البَيْطَرِيُّ مِنْ مَالِكِي الكِلابِ؟ ۲ـ عَنْ أَيِّ كِلابٍ يَبْحَثُ الْمُسْتَشْفَى البَيْطَرِيُّ؟ ۳ـ كَمْ مِنَ الدَّمِ يُمْكِنُ لِكُلِّ كَلْبٍ أَنْ يَتَبَرَّعَ فِي كُلِّ ثَلاثَةِ أَشْهُرٍ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ انسانهای سالم با دادن خون، می‌توانند جان بیماران را نجات دهند. ۲ـ هر کس می‌تواند در هر سه ماه یک بار خون اهدا کند. ۳ـ کشور ما از جهت ذخیره‌ی خون در مضیقه است.

۵۹ ـ مَدْرَسَةٌ لِتَعْلِيمِ الرِّجَالِ الْكَيَّ وَالغَسِيلَ.

أَخِيراً سَتَحْصُلُ النِّسَاءُ فِي «فِيينَا» عَلَى مُسَاعَدَةِ أَزْوَاجِهِنَّ الَّذِينَ كَانَتْ تنقُصُهُم المَهَارَاتُ الأَسَاسِيَّةُ لِلْأَعْمَالِ الْمَنْزِلِيَّةِ. تُنَظِّمُ كُلِّيَّةٌ لِتَعْلِيمِ الْبَالِغِينَ فِي الْعَاصِمَةِ النَّمْسَاوِيَّةِ دَوْرَاتٍ لِلرِّجَالِ فَقَطْ يَتَعَلَّمُونَ خِلالَهَا كَيَّ الْمَلابِسِ والغَسِيلَ وَالتَّدرِيبَ عَلَى أَعْمَالِ الْمَطْبَخِ. وَمُقَابِلَ ۲۰۰۰ شِلِنٍ فَقَطْ (۱۵/۹۲ دُولاراً) يَتَعَلَّمُ الْمُبْتَدِئُونَ كَيْفِيَّةَ كَيِّ مَلابِسِهِم فِي دَوْرَةٍ تَسْتَغْرِقُ سَاعَتَينِ يَحْصُلُونَ بَعْدَهَا عَلَى الشَّهَادَةِ. كَمَا يَقُومُ الْمُدَرِّسُونَ بِتَنْظِيمِ دَوْرَةٍ

لِلرِّجَالِ تَسْتَغْرِقُ ٩٠ دَقِيقَةً لِتَعْلِيمِ الْغَسِيلِ. وَمُقَابِلَ ١٩٠٠ شِلِنٍ تَحْصُلُ السَّيِّدَاتُ عَلَى إِيصَالٍ بِأَنَّ أَزْوَاجَهُنَّ مُؤَهَّلُونَ لِكَيِّ الْمَلَابِسِ وَالْغَسيلِ وَالطَّهْيِ وَأَسَالِيبِ ارْتِدَاءِ الْمَلَابِسِ.

۵۹ـ آموزشگاهی برای آموزش اتو کردن و شستن لباسها به آقایان.

در این روزها زنان در «وین»، از کمک شوهرانشان که مهارتهای اساسی را در کارهای منزل ندارند، برخوردار می‌شوند. یک دانشکده در پایتخت «اتریش»، برای آموزش بزرگسالان، دوره‌هایی مخصوص مردان ترتیب داده است که مردان در طی آن، اتو کردن، شستن لباس و پختن غذا را آموزش می‌بینند. مردان مبتدی فقط با پرداخت ۲۰۰۰ شلینگ (۱۵/۹۲ دلار) طرز اتو کردن لباسهایشان را در دوره‌ای که دو ساعت طول می‌کشد، آموزش می‌بینند و پس از آن گواهینامه دریافت می‌کنند. همچنین مدرسان، اقدام به تنظیم دوره‌ای برای مردان، جهت آموزش شستن لباس کرده‌اند که ۹۰ دقیقه طول می‌کشد. خانم‌ها نیز با پرداخت ۱۹۰۰ شلینگ، گواهی‌ای دریافت می‌کنند، مبنی بر اینکه شوهرانشان برای اتوی لباس، شستن، پختن غذا، و شیوه‌های پوشیدن لباس صلاحیت دارند.

الْكَيّ: اتو کردن.
الغَسيل: لباس شسته شده، ج: غَسْلَى و غُسْلاء.
حَصَلَ ـُ حُصُولاً عَلَى ...: ... را بدست آورد.
نَقَصَ ـُ نَقْصاً: کم شد، ضعیف بود.
نقصه المهارات: مهارت نداشت.
نَظَّمَه: آن را تنظیم کرد، ترتیب داد..
النَّمسَاوِيَّة: اتریشی.
دَوْرَات: مف: الدَّوْرَة: دوره.
التَّدريْبُ عَلَى ...: آموزش برای ...
أَعْمَالُ الطَّبْخ: آشپزی، پخت و پز.
شِلِن: شلینگ. (واحد پولِ اتریش).
المُبْتَدِي : تازه کار.

اسْتَغْرَقَ: طول کشید. **استغرق زمـاناً**: زمانی طول کشید.

الشَّهَادَة: گواهینامه.

قَامَ يَقُومُ قياماً بِـ...: اقدام به ... کرد.

الإِيْصَال: گواهی، رسید، برگه دریافت.

المُؤَهِّل: شایسته.

الطَّهْي: پخت و پز.

الأَسَاليب: مف: اسلوب: شیوه و روش.

الارْتِدَاء: پوشیدن.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ عَلامَ تَحْصُلُ النِّسَاءُ فِي «فينا»؟ ۲ـ مَاذَا يَتَعَلَّمُ الرِّجَالُ خِلالَ دَوْرَاتِ التَّعلِيمِ؟

۳ـ كَمْ دَقِيقَةً تَسْتَغْرِقُ هِذِهِ الدَّوْرَاتُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ زنان باید برای آشپزی، شستن لباس و اتو کردن آموزش ببینند. ۲ـ دانشکده‌ی ما یک دوره برای دانشجویان ترتیب داد که در طی آن عربی را یاد گرفتند.

۳ـ دوره‌های آموزشی سه ماه طول می‌کشد.

۵۰ـ العَلاقَةُ بَيْنَ التَّدْخِينِ وَالسَّيطَرَةِ عَلَى وَزْنِ المُرَاهِقِينَ.

ذَكَرَتْ دِرَاسَةٌ نَشَرَتْهَا مَجَلَّةُ «بيدياتريكس» أَنَّ الْأَطْفَالَ وَالْمُرَاهِقِينَ الَّذينَ يُدَخِّنُونَ أَوْ يَمِيلُونَ إِلَى التَّدخِينِ غَالِباًمَا تكُونُ لَدَيْهِمْ أَكْثَرَمِنْ غَيْرِهِمْ مَشَاكِلُ فِي الْوَزْنِ. وَاسْتَطْلَعَ الْبَاحِثُونَ فِي مُسْتَشْفَى «بريغهام» فِي مَاسَاتشوسِيتس ۱۶۸۰۰ شَخْصٍ تَتَرَاوَحُ أَعْمَارُهُمْ بَيْنَ تِسْعِ سَنَوَاتٍ وَ۱۴ سَنَةً، حَولَ رَأيِهِمْ بِمَظْهَرِهِمِ الْخَارِجِيِّ وَاسْتِهْلاكِ التَّبْغِ وَكَيْفِيَّةِ تَعامُلِهِمْ مَعَ الْوَزْنِ الزَّائِدِ وَالْوَسَائلِ الَّتِي يَسْتَخْدِمُونَهَا لِلْمُحَافَظَةِ عَلَى لِيَاقَتِهِمْ. وَأَظْهَرتِ الدِّرَاسَةُ: أَنَّ حَوَالَى ۹٪ مِنَ الْأَشْخَاصِ الَّذِينَ شَمِلَتْهُمُ الدِّرَاسَةُ سَبَقَ وَ

دَخَّنُوا وَ ۶٪ فَكَّرُوا فِي التَّدخِينِ. وَتَبَيَّنَ أَنَّ الَّذِينَ فَكَّرُوا بِالتَّدْخِينِ هُمُ الَّذِينَ يَعْتَبِرُونَ أَنَّهُمْ يُعَانُونَ مِنْ سِمْنَةٍ زَائِدَةٍ وَلَيْسُوا رَاضِينَ عَنْ شَكْلِهِمْ. أَمَّا الَّذِينَ دَخَّنُوا فَتَبَيَّنَ أَنَّهُمْ كَانُوا قَلِقِينَ مِنْ وَزْنِهِمِ الزَّائِدِ وَأَفَادَ الشَّبَابُ مِنْهُمْ: أَنَّهُمْ يُمَارِسُونَ التّمَارِينَ الرِّيَاضِيَّةَ لِلْحِفَاظِ عَلَى لِيَاقَتِهِمْ أَمَّا الْفَتَيَاتُ فَيَتَّبِعْنَ حِمْيَةً غِذَائِيَّةً. وَاسْتَنْتَجَ مُعِدُّوا الدِّرَاسَةِ أَنَّ الشَّبَابَ و الْفَتَيَاتِ يُمْكِنُ أَنْ يَرْبِطُوا بَيْنَ التَّدْخِينِ وَمَشَاكِلِ الْوَزْنِ و أَنْ يَسْتَخْدِمُوا التَّدْخِينَ تَالِياً للسَّيْطَرَةِ عَلَى الْوَزْنِ الزَّائِدِ.

۶۰. رابطه‌ی بین سیگار کشیدن نوجوانان و کنترل وزن.

در تحقیقی که مجله‌ی «بیدیاتریکس» منتشر کرده آمده است: بچه‌ها و نوجوانانی که سیگار می‌کشند یا میل به سیگار کشیدن دارند، غالبا، بیشتر از دیگران مشکلات وزن دارند. محققان در بیمارستان «بریگهام» در «ماساچوست» از ۱۶۸۰۰ نفر که سنشان بین ۹ تا ۱۴ سال است درباره‌ی دیدگاهشان نسبت به قیافه‌ی ظاهری و مصرف توتون (دخانیات) و چگونگی برخورد بااضافه وزن و نیز شیوه‌هایی که برای محافظت از زیبایی اندام خود به کار می‌گیرند، نظرسنجی کردند. این تحقیق نشان داد که ۹٪ از این افراد که مشمول تحقیق شده‌اند، قبلاً سیگار می‌کشیده‌اند و ۶٪ به سیگارکشیدن فکر کرده‌اند. (در این تحقیق) معلوم شد: افرادی که (قبلا) به دخانیات فکر می‌کرده‌اند، کسانی هستند که احساس می‌کنند، از اضافه وزن رنج می‌برند و از شکل ظاهری خود راضی نیستند، اما کسانی که قبلاً سیگار می‌کشیده‌اند، مشخص گردید که از اضافه وزن خود ناراحت هستند و پسران جوان این گروه اظهار داشتند: برای حفظ اندام، اقدام به ورزش می‌کنند و دختران از رژیم غذایی پیروی می‌کنند. دست‌اندرکاران این تحقیق، به این نتیجه رسیده‌اند: دختران وپسران جوان ممکن است که بین سیگار کشیدن و مشکلات وزن ارتباط برقرار کنند و در نتیجه از سیگار

کشیدن برای تسلط بر وزن (خود) استفاده کنند.

المُرَاهِق: نوجوان.
دَخَّنَ: سیگار کشید.
اسْتَطْلَعَ: نظر سنجی کرد.
البَاحِث: محقق.
تَرَاوَحَ: در نوسان بود.
الأعْمَار: مف: العمر: سن.
المَظْهَرُ الخَارِجِيّ: قیافه ظاهری، هیکل.
الاِسْتِهْلاک: مصرف.
التَّبْغ: توتون.
التَّعَامُل: رفتار.
الوَزْنُ الزَّائد: اضافه وزن.
اللِّيَاقَة: شایستگی، تناسب اندام.
شَمِلَ ـَ شمولاً هُ: آن را فرا گرفت.
فَكَّرَ فی...: به...فکر کرد
تَبَيَّن أنَّ...: روشن شدکه...
عَانَی مِنْ...: رنج کشید از...مبتلا بود به...
السِّمْنَة: چاقی.
القَلِق: نگران، ناراحت.
أفَادَ أَنَّ ...: اظهار کرد...
مَارَسَهُ: به آن پرداخت
الحِمْيَةُ الغِذَائِيَّة: رژیم غذائی.
اسْتَنْتَجَ: نتیجه گرفت. **اسْتَنْتَجَ اَنَّ...**: نتیجه گرفت که...
المُعِدّ: تهیه کننده.
الشُّبّان: مف: شابّ: جوان.
تَالِياً: در نتیجه.
السَّيْطَرَة: تسلط، کنترل.
رَبَطَ ـُ رَبْطاً، بين ... و ...: ... و ... را به هم ربط داد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا يَميلُ المُرَاهِقُونَ وَ الأَطْفَالُ إِلَى التَّدخِينِ؟ ۲ـ مَنْ يُفَكِّرُ بِالتَّدخِين؟ ۳ـ مَاذَا يَفْعَلُ الشَّبَابُ وَ الْفَتَيَاتِ لِلْحِفَاظِ عَلَى لِيَاقَتِهِم؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ هرکس سیگار بکشد و یا میل به آن داشته باشد، بیشتر از دیگران مشکل وزن

دارد. ۲ـ برادرم برای حفظ اندام خود ورزش می‌کند. ۳ـ دانشـــمندان مـی‌گویند: بین سیگار کشیدن و کنترل وزن ارتباط وجود دارد.

۶۱ـ أَحْرَقَ زَوْجَتَهُ لِأَنَّهَا رَفَضَتْ إِعْطَاءَهُ دُولاراً.

أَعْلَنَتِ الشُّرْطَةُ الْبَاكِسْتَانِيَّةُ: أَنَّ الْبَاكِسْتَانِيَّ «مُحَمَّد ظُفَار» أَحْرَقَ زَوْجَتَهُ حَيَّةً بَعْدَ شَهْرَيْنِ عَلَى زِوَاجِهِمَا لِأَنَّهَا رَفَضَتْ إِعْطَاءَهُ خَمْسِينَ رُوبِيَّةً أَي نَحْوَ دُولارٍ وَاحِدٍ. وَأَوْضَحَتِ الشُّرْطَةُ: أَنَّ الزَّوجَةَ التَّعِيسَةَ رَفَضَتْ إِعْطَاءَ زَوْجِهَا مَبْلَغاً مِنَ الْمَالِ تَلَقَّتْهُ مِنْ جِيرَانِهَا طِبْقاً لِتَقلِيدٍ مَحَلِّيٍّ بِسَبَبِ زِيَارَتِهَا الْأُولَى إِلَى «جهوكى فَانس» قُرْبَ «مُولْتَانَ» . وَلَمَّا رَفَضَتِ الزَّوْجَةُ إِعْطَاءَهُ الْمَبْلَغَ الَّذِي لَيْسَ سِوَى دُولارٍ وَاحِدٍ اسْتَشَاطَ غِضَاباً وَسَكَبَ عَلَيهَا الْبَنْزِينَ قَبْلَ أَنْ يُشعِلَ فِيهَا النَّارَ. وَتُوُفِّيَتْ مُتَأَثِّرَةً بِجِرَاحِهَا. وَوَجَّهَتِ الشُّرْطَةُ تُهْمَةَ الْقَتْلِ الْمُتَعَمِّدِ إِلَى الزَّوجِ الَّذِي لاذَ بِالْفِرَارِ.

۶۱ـ زنش را آتش زد، زیرا از دادن یک دلار به او خودداری کرد.

پلیس پاکستان اعلام کرد: یک پاکستانی به نام «محمد ظفار» همسرش را دو ماه پس از ازدواجشان، به علت اینکه از دادن ۵۰ روپیه، یعنی حـدود یک دلار بـه او امتناع کرد، زنده زنده در آتش سوزاند. پلیس گزارش داد که: این زن بدبخت از دادن پولی که از همسایه‌هایش به مناسبت اولین دیدارش از «جهوکی فانس»، در نزدیکی «مولتان»، طبق یک سنت محلی، دریافت کرده بود، خودداری کرد. هنگامی که زن از دادن پول به او که چیزی جز یک دلار نبود، خودداری کرد، شوهرش خشمگین شد و قبل از آتش زدن او بنزین بر او ریخت و در اثر جراحت ناشی از آن درگذشت. پلیس این شوهر را که متواری شده است، به قتل عمد متهم کرد.

أحْرَقَهُ: آن یا او را سوزاند.
الزَّوْجَة: همسر.
رَفَضَ ـُ رَفْضاً هُ: از آن امتناع کرد.
الإِعْطَاء: دادن.
أَعْلَنَ أنَّ ...: گزارش داد که ...
الحَيَّة: زنده.
التَّعِيس: بدبخت.
تَلَقَّاهُ: آن را دریافت کرد.
اسْتَشَاطَ غَضَباً: خشمگین شد.
سَكَبَ ـُ سَكْباً هُ: آن را ریخت.
أَشْعَلَهُ: آن را روشن کرد، أَشْعَلَ النّار: آتش را روشن کردد.
الجِرَاح: مف: الجُرح: زخم، جراحت.
وَجَّهَ التُّهْمَةَ إِلَيْهِ: او را متهم کرد.
القَتْلُ المُتَعَمَّد: قتل عمد.
لاذَ يَلُوذُ لَوذاً: پناه برد. **لاذَ بِالفِرَارِ:** متواری شد.

□ تمرین

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا أَحْرَقَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ؟ ۲ـ لِمَاذَا تَلَقَّتِ المَرْأَةُ المَالَ مِنْ جِيرَانِهَا؟ ۳ـ كَيْفَ قَتَلَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ پدرم از دادن پول به برادرم خودداری کرد، او هم کتابهایش را آتش زد. ۲ـ پسر جوان در اثر جراحت ناشی از سوختگی درگذشت. ۳ـ به من تهمت قتل نزن.

۶۲ـ تأْثِيرُ مُبِيدَاتِ الحَشَرَاتِ عَلَى الجَنِينِ.

يَعْتَقِدُ الْأَطِبَّاءُ بِوُجُودِ عَلاقَةٍ بَيْنَ اسْتِخْدَام مُبِيدَاتِ الحَشَرَاتِ وَمَوْتِ الْجَنِينِ خِلالَ الْأَسَابِيعِ الْأُولَى مِنَ الحَمْلِ. وَيَقُولُ الْأَطِبَّاءُ: إِنَّ الْمُشَاهَدَاتِ أَثْبَتَتْ بِأَنَّ النِّسَاءَ الْحَوَامِلَ اللَّواتِي تَقَعُ مَسَاكِنُهُنَّ بِالقُرْبِ مِنَ الحُقُولِ وَالْبَسَاتِينِ الَّتِي تُستَخْدَمُ فِيهَا السُّمُومُ لِمُكَافَحَةِ الْآفَاتِ الزِّرَاعِيَّةِ أَوْ فِي

مَنازِلَ تُسْتَخْدَمُ فِيهَا بِاسْتِمْرَارِ مُبِيدَاتُ الْحَشَرَاتِ، يَلِدْنَ أَطْفَالاً مَوْتَى. وَقَدْ أَظْهَرَتِ الدِّرَاسَاتُ الَّتِي أُجْرِيَتْ مُؤَخَّراً عَلَى ۶۰۰ امْرَأَةٍ وَلَدْنَ أطْفَالاً مَوْتَى بَعْدَ الْأُسْبُوعِ الْعِشْرِينَ مِنَ الحَمْلِ أَوْ أَنَّ أَطْفَالَهُنَّ مَاتُوا بَعْدَ ۲۴ سَاعَةً مِنَ الْوِلادَةِ بِأَنَّ احْتِمَالَ الْوِلادَةِ الْمَيْتَةِ لَدَى النِّسَاءِ اللَّواتِي تَعَرَّضْنَ خِلالَ الْأَشْهُرِ الثَّلاثَةِ الْأُولَى مِنْ فَتْرَةِ الْحَمْلِ لِمُبِيدَاتِ الحَشَرَاتِ يَكُونُ ثَلاثَةَ أَضْعَافِ غَيْرِهِنَّ مِمَّنْ لَمْ يَتَعَرَّضْنَ لِتِلْكَ السُّمُومِ وَالْمُبِيدَاتِ. وَأَمَّا اللَّواتِي تَعَرَّضْنَ خِلالَ الشَّهْرِ الْأَوَّلِ مِنَ الْحَمْلِ لِخَطَرِ الْمُبِيدَاتِ فَقَدْ ازْدَادَتْ نِسْبَةُ وِلادَتِهِنَّ لِأَطفَالٍ مَوْتَى ۴۰ ٪ عَنْ بَقِيَّةِ النِّسَاءِ.

۶۲ـ تأثیر حشره کشها بر جنین.

پزشکان معتقدند، رابطه‌ای بین استفاده از حشره‌کشها و مرگ جنین در فاصله‌ی هفته‌های اول بارداری وجود دارد. پزشکان می‌گویند: نمونه‌های عینی ثابت کرده است که زنان حامله‌ای که منزل آنها در نزدیکی مزارع و باغهایی است که در آنها سمهای دفع آفات نباتی استفاده می‌شود و یا در خانه‌هایی هستند که دائماً از حشره‌کش استفاده می‌شود، نوزادان مرده به دنیا می‌آورند. تحقیقاتی که اخیرا بر ۶۰۰ زن صورت گرفته، که پس از هفته‌ی بیستم حاملگی، بچه‌های مرده به دنیا آورده‌اند و یا بچه‌هایشان ۲۴ ساعت پس از تولد مرده‌اند، نشان می‌دهد که احتمال تولد بچه‌ی مرده، نزد زنانی که در سه ماه اول حاملگی در معرض حشره‌کشها قرار گرفته‌اند سه برابر کسانی است که در معرض این سموم و حشره‌کشها قرار نگرفته‌اند. اما زنانی که در ماه اول حاملگی در معرض خطر حشره‌کشها قرار گرفته‌اند، احتمال به دنیا آوردن بچه‌ی مرده، برای آنها نسبت به بقیه‌ی زنان، به میزان ۴۰ ٪ بیشتر است.

المُبِید: نابود کننده. **مُبِیدُ الحشرات:** حشره‌کش.

اعْتَقَدَهُ وَ بِهِ: به آن اعتقاد داشت.
الأَسَابِيع: مف: الاسبوع: هفته.
الحَمْل: بارداری.
أثْبَتَ: ثابت کرد. **أثْبَتَ أنَّ...**: ثابت کرد که...
الحَوَامِل: مف: الحَامِل: حامله.
وَقَعَ ـَ وُقُوعاً: قرار داشت، واقع بود.
الحُقُول: مف: الحَقْل: مزرعه.
البَسَاتِين: مف: البُسْتَان: باغ.
المُكَافَحَة: مبارزه.
الآفَاتُ الزِّرَاعِيَّة: آفات نباتی.
وَلَدَ يَلِدُ وِلادَةً ة: او را به دنیا آورد.
المَوْتَى: مف: الميّت: مرده.
تَعَرَّضَ لِـ...: در معرض ... قرار گرفت.
الأَشْهُر: مف: الشَهْر: ماه.
فَتْرَةُ الحَمْلِ: دوره‌ی بارداری.
أضْعَاف: چند برابر.
ثَلاثَةُ أضْعَاف: سه برابر.
اِزْدَاد عن...: از ... بیشتر شد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ بِمَاذَا يَعْتَقِدُ الأَطِبَّاءُ؟ ۲ـ مَاذَا أَثْبَتَتِ المُشَاهِدَاتُ؟ ۳ـ مَاذَا أَظْهَرَتِ الدِّرَاسَاتُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ زنان باردار اگر منازلشان در نزدیکی مزارعی باشد که سموم دفع آفات نباتی در آنجا به کار رود، بچه‌ی مرده به دنیا می‌آورند. ۲ـ حشره‌کشها و سموم موجب به دنیا آمدن نوزادان مرده می‌شوند. ۳ـ بین استفاده از حشره‌کشها و مرگ جنین رابطه‌ای وجود دارد.

۶۳ـ القَامُوسُ الطِّبِّيُّ يُنْقِذُ حَيَاةَ فَتَاةٍ.

أَشْرَفَتْ فَتَاةٌ بِرِيطَانِيَّةٌ تَبْلُغُ مِنَ الْعُمْرِ ۱۶ عَاماً عَلَى المَوْتِ بِسَبَبِ التَّشخِيصِ الطِّبِّيِّ الْخَاطِىءِ مِنْ قِبَلِ الطَّبِيبِ وَلَكِنَّهَا انْتَبَهَتْ خُطُورَةَ حَالَتِهَا

مِنْ خِلاَلِ مُرَاجَعَةِ الْقَامُوسِ الطِّبِّيِّ. ذَكَرَتْ ذَلِكَ صَحِيفَةُ «التَّايمز» وَأَضَافَتْ: أَنَّ «لِيزا» كَانَتْ بِرِفْقَةِ وَالِدَتِهَا مُنْشَغِلَةً بِالشِّرَاءِ فِي أَحَدِ أَسْوَاقِ «لندنَ» حِينَمَا انْتَبَهَتْ إِلَى ظُهُورِ بُقَعٍ زَرْقَاءَ وَبُثُورٍ عَلَى جِلْدِهَا شَعَرَتْ مَعَهَا بِصُدَاعٍ شَدِيدٍ وَالْآلاَمِ فِي الْمَفَاصِلِ مَعَ حُمّىً شَدِيدَةٍ. وَتَابَعَتِ الصَّحِيفَةُ بِالقَوْلِ: وَإِثْرَ ذَلِكَ رَاجَعَتْ «ليزا» الطَّبِيبَ الَّذي أَوْصَاهَا بِالرَّاحَةِ وَمُلازَمَةِ الفِرَاشِ بِسَبَبِ إِصَابَتِهَا «بِالانْفُولانْزَا» حَسَبَ تَشْخِيصِهِ وَلَكِنَّهَا شَاهَدَتْ فِي الْيَوْمِ التَّالِي بُقَعاً زَرْقَاءَ عَلَى يَدَيْهَا سُرْعَانَ مَا ازْدَادَتْ لِتَصِلَ إِلَى سَاعِدِهَا. فَعَمَدَتْ إِلَى مُرَاجَعَةِ القَامُوسِ الطِّبِّيِّ لِتَرَى بِأَنَّ هَذِهِ الْبُقَعَ هِيَ مِنْ آخَرَ وَأَخْطَرِ أَعْرَاضِ الإِصَابَةِ بِمَرَضِ «إِلْتِهَابِ السَّحَايَا». وَيُوصِي الْقَامُوسُ بِضَرُورَةِ مُرَاجَعَةِ أَقْرَبِ مَرْكَزٍ طِبِّيٍّ أَوْ مُسْتَشْفىً لِخُطُورَةِ الإِصَابَةِ. حِينَهَا لَمْ تَتَرَيَّثْ لَحْظَةً عَنْ مُرَاجَعَةِ الْمُسْتَشْفَى حَيْثُ خَضَعَتْ لِلْعِنَايَةِ الْمُرَكَّزَةِ لِمُدَّةِ أُسْبُوعٍ لِتَنْجُوَ مِنَ الْمَوْتِ الْمُحَقَّقِ. وَنقَلَتِ الصَّحِيفَةُ عَنِ الْأَطِبَّاءِ قَوْلَهُمْ: أَنَّ ظُهُوراً هَذِهِ الْبُقَعِ الزَّرْقَاءِ يُعَدُّ مِنَ الْمَرَاحِلِ الْمُتَقَدِّمَةِ مِنَ الْمَرَضِ وَالَّتِي تُؤَدِّي بِحَيَاةِ الْمُصَابِ بَعْدَ سَاعَاتٍ فَقَطْ.

۶۳ـ فرهنگ پزشکی جان یک دختر جوان را نجات می‌دهد.

یک دختر ۱۶ ساله‌ی «بریتانیایی» به علت تشخیص نادرست پزشکی، از طرف پزشک در آستانه‌ی مرگ افتاد ولی با مراجعه به فرهنگ پزشکی متوجه خطرناک بودن حالت خود شد. این مطلب را روزنامه‌ی «تایمز» گزارش داد و در ادامه آورده است: «لیزا» همراه مادرش مشغول خرید در یکی از بازارهای «لندن» بود که متوجه ظهور لکه‌های کبود و جوش‌هایی بر پوست خود شد و به همراه آن، احساس سردرد شدید و دردهای مفاصل، همراه با تب شدید کرد. این روزنامه در ادامه خبر داد: به دنبال این موضوع «لیزا» به پزشکی مراجعه کرد که بنا به تشخیص خود، او را به علت

ابتلا به «آنفولانزا»، توصیه به استراحت و خوابیدن در رختخواب کرد. ولی او در روز بعد لکه‌های کبودی بر روی دست‌های خود دید که به سرعت افزایش یافت و به ساعدش رسید. وی سپس به فرهنگ پزشکی مراجعه کرد و فهمید که این لکه‌ها چیز دیگری است و خطرناکترین عوارض ابتلا به بیماری «مننژیت» است. فرهنگ پزشکی بر ضرورت مراجعه به نزدیک‌ترین مرکز پزشکی یا بیمارستانی به علت خطرناک بودن بیماری توصیه می‌کند، در این وقت او حتی یک لحظه از مراجعه به بیمارستان درنگ نکرد و به مدت یک هفته تحت مراقبتهای ویژه قرار گرفت و از مرگ حتمی نجات پیدا کرد. این روزنامه از قول پزشکان نقل کرده: ظهور این لکه‌های کبودرنگ از مراحل پیشرفته‌ی بیماری محسوب می‌شود که فقط بعد از چند ساعت منجر به مرگ بیمار می‌شود.

القَامُوس: لغتنامه، فرهنگ، ج: القوامیس.

أشْرَفَ عَلَى المَوتِ: مشرف به مرگ شد.

التَّشخِيصُ الطِّبِي: تشخیص پزشکی.

الخَاطِيء: اشتباه، خطا.

اِنْتَبَهَ عَلَى...وَ لِـ...: متوجه...شد.

الخُطُورَة: وخیم بودن، خطرناک بودن.

بِرِفْقَةِ: همراه.

المُشْتَغِل بـ...: مشغول به....

الشِّرَاء: خرید.

البُقَع: مف: البُقعة: لکه، خال.

البُثُور: مف: البَثْر: جوش.

الصُدَاع: سردرد.

شَعَرَ ـُ شُعُوراً بِـ...: چیزی را احساس کرد

الآلام: مف: الألَم: درد.

الحُمَّى: تب، ج: حمیّات.

أوْصَى يُوصِي إيصَاءً بِـ...: او را به... سفارش کرد

مُلازَمَةُ الفِرَاشِ: بستری شدن.

الإِصَابَة: مبتلا شدن.

سُرعَانَ مَا: به سرعت.

وَصَلَ يَصِلُ وُصُولاً الى...: به...رسید

السَّاعِد: ساعد، بخشی از دست، ج:

السّواعد.

عَمَدَ ـ عَمْداً اِلَی...: اقدام به... کرد.

أعْرَاض: مف: العَرَض: عارضه، علامت بیماری.

التِهَابُ السَّهَایَا: مننژیت.

تَرَیَّثَ: صبر کرد، درنگ کرد.

أخَضَعَهُ لِلْعِنَایَة: او را مورد مراقبت قرار داد. **خُضِعَتْ لِـ..** مورد مراقبت قرار گرفت.

العِنَایَةُ المُرَکَّزَة: مراقبتهای ویژه.

عَدَّ یَعُدُّ عَدّاً: محسوب کرد. **یُعَدُّ**: محسوب می‌شود.

الزَّرْقَاء: آبی، مؤنث أزرق.

أدَّی اِلَی...: منجر به...شد

المُصَاب: مبتلا.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا أَشْرَفَتِ الفَتَاةُ عَلَی المَوْتِ؟ ۲ـ مَتَی آنْتَبَهَتْ إِلَی ظُهُورِ بُقَعٍ زَرْقَاءَ؟

۳ـ مَاذَا تُعَدُّ هِذِهِ البُقَعُ الزَّرْقَاءُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ پزشک به من توصیه کرد که در رختخواب استراحت کنم. ۲ـ وقتی متوجه لکه‌های کبود بر روی پوست خود شدم، همراه آن احساس سردرد و تب شدید کردم.

۳ـ وقتی به پزشک مراجعه کردم فهمیدم که این لکه‌ها از خطرناک‌ترین عوارض بیماری مننژیت است.

۶۴ـ مَقْتَلُ رَجُلٍ قَبْلَ قِیَامِهِ بِعَمَلِیَّةٍ انْتِحَارِیَّةٍ.

أَعْلَنَتْ أَجْهِزَةُ الْأَمْنِ التُّرْکِیَّةِ: أَنَّ الشُّرْطَةَ قَتَلَتْ رَجُلاً کَانَ یَسْتَعِدُّ لِلْقِیَامِ بِعَمَلِیَّةٍ انْتِحَارِیَّةٍ ضِدَّ مَرْکَزٍ لِلشُّرْطَةِ فِي بَاتمَان (جَنُوبَ شَرْقٍ). وَحَذَّرَ رِجَالُ الشُّرْطَةِ فِي مَرْکَزِ حَيِّ «اِیلِیسو» فِي «بَاتْمَان» الرَّجُلَ الَّذي کَانَ یَقُومُ بِتَصَرُّفٍ

مَشْبُوهٍ مِنَ الْاِقْتِرَابِ مِنَ الْمَرْكَزِ. وَقَالَ المَصْدَرُ: إنَّ الرَّجُلَ الَّذِي سَيْطَرَ الخَوْفُ عَلَيْهِ لاذَ بِالفِرَارِ وَلَكِنْ رِجَالُ الشُّرْطَةِ فَتَحُوا النَّارَ وَقَتَلُوهُ عَلَى الْفَوْرِ. وَكَشَفَتِ الشُّرْطَةُ وُجُودَ سَبْعِ عَبَوَاتٍ نَاسِفَةٍ مَعَهُ وَفَكَّكَتْهَا. وَقَامَتِ الشُّرْطَةُ بِحَمْلَةٍ فِي وَسَطِ مَدِينَةِ «بَاتَمَانَ» بَحْثاً عَنْ مُتَعَاوِنِينَ مُحْتَمَلِينَ مَعَ الرَّجُلِ الْقَتِيلِ. وَلَمْ تَتَبَنَّ أَيُّ جِهَةٍ عَلَى الْفَورِ الْحَادِثِ.

۶۴ـ کشته شدن یک مرد قبل از اقدام به عمل انتحاری.

سازمان امنیت «ترکیه» اعلام کرد: پلیس مردی را که آماده‌ی انجام عملیات انتحاری علیه مرکز پلیس در ایالت «باتمان» (جنوب شرق) می‌شد، کشته است. افراد پلیس مردی را که در مرکز محله‌ی «ایلیسو» در «باتمان» اقدام به کارهای مشکوک می‌کرد، از نزدیک شدن به مرکز پلیس هشدار دادند. این منبع گفت: این مرد که ترس بر او غالب شده بود، اقدام به فرار کرد ولی افراد پلیس به سوی او تیراندازی کردند و فوراً او را کشتند. پلیس ۷ بمب دستی از او کشف کرد و آنها را خنثی کرد. سپس اقدام به اعزام نیرو به مرکز شهر «باتمان» برای جستجوی همکاران احتمالی این مرد مقتول کرد. کسی مسئولیت این حادثه را (بلافاصله) برعهده نگرفته است.

أَعْلَنَهُ: آن را اعلام کرد.
أَلْأَجْهِزَة: مف: الجَهَاز: دستگاه.
أَلْأَجْهِزَة الأَمْنِيَّة: دستگاههای امنیتی.
إِسْتَعَدَّ لِـ...: برای....آماده شد
الإِنْتِحَارِيَّة: عمل انتحاری.
التَصَرُّف: کار، اقدام.
المَشْبُوه: مشکوک.
الاِقْتِرَاب: نزدیک شدن.
سَيْطَرَ عَلَيْهِ..: بر او غلبه کرد.
لاذَ ـُ لَوْذاً الی...: به...پناه برد.
فَتَحَ النَّارَ: تیراندازی کرد.
عَلَى الفَوْرِ: فوراً.
العُبُوَاتُ النَّاسِفَة: مف: العُبْوَةُ النَّاسِفَة: بمب دستی، بسته انفجاری.

فَكَّكَهُ: آن را باز كرد، خنثی كرد.
تَبَنَّاه: آن را به عهده گرفت.
بَحْثاً عَنْ...: در جستجوی...
الجِهَة: گروه، شخص.
المُتَعَاوِن: همكار و همدست.

□ **تمرين**

الف) به سؤالات زير پاسخ دهيد:

۱ـ لِمَاذَا حَذَّرَتِ الشُّرْطَةُ الرَّجُلَ؟ ۲ـ مَاذَا كَشَفَتِ الشُّرْطَةُ وَ مَاذَا فَعَلَتْ بِهِ؟
۳ـ بِمَاذَا قَامَتِ الشُّرْطَةُ؟

ب) ترجمه كنيد:

۱ـ وقتی پليس او را ديد به وی هشدار داد كه به مركز پليس نزديک نشود.
۲ـ پليس به سوی او تيراندازی كرد او هم از ترس اينكه كشته شود فرار كرد. ۳ـ من مسؤوليت حادثه را به عهده نگرفتم.

۶۵ـ ضَبْطُ ۲۵ سَاحِراً وَمُشَعْوِذاً.

أَفَادَتْ صَحِيفَةُ «عكَاظ: » أَنَّ السُّلُطَاتِ الْأَمْنِيَّةَ السُّعُودِيَّةَ اعْتَقَلَتْ ۲۵ سَاحِراً وَمُشَعْوِذاً يُوَاجِهُونَ الحُكْمَ بِالإِعدَامِ. وَقَالَتِ الصَّحِيفَةُ: «إِنَّ السُّلُطَاتِ الْأَمْنِيَّةَ وَهَيْئَةَ الْأَمْرِ بِالمَعْرُوفِ وَالنَّهيِ عَنِ الْمُنْكَرِ بِمِنْطَقَةِ «عَسِير» (جَنُوبَ الْـمَمْلَكَةِ) ضَبَطَتْ فِي إِطَارِ حَمَلاتِهَا لِمُلاحَقَةِ السَّحَرَةِ وَالْمُشَعْوِذِينَ ۲۵ سَاحِراً وَمُشَعْوِذاً». وَأَعْلَنَ «عَلي آل جَابر» الْمَسْؤُولُ فِي وِزَارَةِ الشُّؤُونِ الإِسْلامِيَّةِ لِلصَّحِيفَةِ: «أَنَّ الدَّولَةَ حَرِيصَةٌ عَلَى مُلاحَقَةِ هَؤُلاءِ السَّحَرَةِ وَ المُشَعْوِذِينَ الَّذِينَ يُؤَثِّرُونَ عَلَى اقْتِصَادِ الْمُجْتَمَع بِابْتِزَازِ الْمَرْضَى الْبَاحِثِينَ عَنِ الْعِلاجِ». وَقَالَ: إِنَّ السَّاحِرَ يَرْتَكِبُ أَكْبَرَ الْـمُحَرَّمَاتِ «مِمَّا يُخْرِجُهُ عَنِ الإِسْلامِ» وَيَجْعَلُهُ بِالتَّالِي عُرْضَةً لِحُكْمِ الإِعدَامِ. وَقَدْ أَشَارَتِ

الصُّحُفُ السُّعُودِيَّةُ فِي عِدَّةِ مُنَاسَبَاتٍ إِلَى وُجُودِ «السَّحَرَةِ وَالْمُشَعْوِذِينَ» الَّذينَ يَزْعَمُونَ أَنَّ فِي إِمْكَانِهِمْ مُعَالَجَةَ مُخْتَلِفِ الْأَمْرَاضِ وَالتَّكَهُّنَ بِجِنْسِ الجَنِينِ وَجَلْبَ الْأَموَالِ وَعَوْدَةَ الزَّوْجِ إِلَى عُشِّ الزَّوْجِيَّةِ وَغَيْرَ ذَلِكَ مِنَ الْمَطَالِبِ. وَتُعَاقِبُ الدَّوْلَةُ السُّعُودِيَّةُ بِالإِعْدَامِ كُلَّ مَنْ يُدَانُ بِالكُفْرِ وَالْقَتْلِ أَوِ الْاِغْتِصَابِ أَوِ السَّرِقَةِ بِاسْتِخْدَامِ الْقُوَّةِ.

۶۵ـ بازداشت ۲۵ جادوگر و شعبده‌باز.

روزنامه‌ی «عکاز» گزارش داد: نیروهای امنیتی «سعودی» ۲۵ جادوگر و شعبده باز را که با حکم اعدام روبرو هستند، بازداشت کرد. این روزنامه در گزارش خود اظهار داشت: نیروهای امنیتی و امر به معروف و نهی از منکر در منطقه‌ی «عسیر» (جنوب حجاز) با اعزام نیرو، برای دستگیری جادوگران و شعبده‌بازان، ۲۵ جادوگر و شعبده‌باز را دستگیر کردند. «علی آل جابر» رئیس وزارت امور اسلامی به این روزنامه اعلام کرد: دولت در پی دستگیری این جادوگران و شعبده‌بازان است که با سرکیسه کردن بیمارانی که در پی معالجه هستند، بر اقتصاد جامعه تأثیر می‌گذارند. او گفت: جادوگر بزرگترین گناه را مرتکب می‌شود که او را از اسلام خارج می‌کند و در نتیجه او را در معرض حکم اعدام قرار می‌دهد. روزنامه‌های «سعودی»، در چند مناسبت، به وجود جادوگران و شعبده‌بازانی اشاره کرده‌اند که ادعا می‌کنند: می‌توانند بیماریهای مختلف را مداوا کرده، جنس جنین را تعیین کنند، پول جذب کنند و یا شوهر را به کانون خانواده برگردانند و خواسته‌های دیگر. دولت «سعودی» هرکس را که محکوم به کفر، قتل، تجاوز به عنف، سرقت با زور شود، با اعدام مجازات می‌کند.

أَفَادَ أنَّ... : گزارش داد که...　　**السُّلُطَاتُ الأَمنِيَّةُ**: نیروهای امنیتی.

اِعْتَقَلَهُ: دستگیرش کرد. **اُعْتُقِلَ**: دستگیر شد.

السَّاحر: جادوگر، ج: السَّحَرَة.

المُشَعْوِذ: شعبده باز.

وَاجَهَهُ: با او روبرو شد. **وَاجَهَ الإعدامَ**: با حکم اعدام روبرو شد.

ضَبَطَ ـُـ ضَبْطاً هُ: او را دستگیر کرد.

الإِطَار: چهارچوب، ج: اطارات و أُطُر.

الحَمْلَة: بسیج، اعزام نیرو.

المُلاحَقَة: تعقیب، پیگرد.

الحَرِيص: خواستار.

أَثَّرَ عَلَى...: بر...اثر گذاشت

الإِبتزَاز: سرکیسه کردن.

المَرْضَى: مف: المريض: بیمار.

اِرْتَكَبَهُ: مرتکب آن شد.

عُرْضَةً لِـ...: در معرض...

زَعَمَ ـُـ زَعْماً: ادعا کرد، زَعَمَ أنَّ...

التَّكَهُّن: پیشگویی.

العُشّ: لانه، ج: أعشاش.

عَاقَبَهُ: او را مجازات کرد.

أدَانَهُ: او را محکوم کرد. **يُدَانُ**: محکوم می‌شود.

الاِغْتِصَاب: تجاوز به عنف، هتک حرمت به ناموس.

المُتَاجَرَة: خرید و فروش، معامله.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ كَمْ عَدَداً ضَبَطَتِ الشُّرْطَةُ فِي إِطَارِ حَمَلاتِهَا؟ ۲ـ لِمَاذَا حَرَصَتِ الحُكُومَةُ عَلَى مُلاحَقَةِ المُشَعْوِذِينَ وَ السَّحَرَةِ؟ ۳ـ مَاذَا يَزْعُمُ هَؤُلاءِ السَّحَرَةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ او بازداشت شد و با حکم اعدام روبرو شد. ۲ـ جادوگری که مردم را سرکیسه می‌کرد، در معرض حکم اعدام قرار گرفت. ۳ـ جادوگران ادعا می‌کنند که می‌توانند بیماریهای مختلف را معالجه کنند.

۶۶ـ مَولُودٌ بِثَلاثَةِ رُؤُوسٍ.

كَتَبَتْ صَحِيفَةُ «الثَّوْرة» السُّورِيَّةُ: أَنَّ سَيِّدَةً عِرَاقِيَّةً وَضَعَتْ فِي مِنْطَقَةٍ تَقَعُ جَنُوبَ الْعَاصِمَةِ الْعِرَاقِيَّةِ «بَغْدَادَ» مَولُوداً بِثَلاثَةِ رُؤُوسٍ. وَنَقَلَتِ الصَّحِيفَةُ عَنْ مَصَادِرَ طِبِّيَّة: أَنَّ الْوِلادَةَ تَمَّتْ بِشَكْلٍ طَبِيعيٍّ وَأَنَّ الْأُمَّ أَتَمَّتْ فَتْرَةَ حَمْلٍ طَبيعِيَّةً وَهِيَ أُمٌّ لِطِفْلَينِ سَلِيمَينِ رُزِقَتْ بِهِمَا سَابِقاً. وَأَشَارَتِ «الثَّوْرَةُ» نَقْلاً عَنْ صَحِيفَةٍ عِرَاقِيَّةٍ: أَنَّ الْعِرَاقَ يَشْهَدُ مِثْلَ هذِهِ الْحَالاتِ بِشَكْلٍ مُتَزَايِدٍ فِي الْآوِنَةِ الأَخِيرَةِ، حَيْثُ رَدَّتْ ذَلِکَ إِلَى تَعَرُّضِ الْعِرَاقِيَّاتِ إِلَى مَوَادَّ لَمْ تُحَدَّدْ طَبِيعَتُهَا وَقَدْ تَكُونُ إِشْعَاعِيَّةً أَوْكِيمِيَاوِيَّةً اسْتُخْدِمَتْ فِي الذَّخَائِرِ الَّتِي سَقَطَتْ عَلَى العِرَاقِ أَثْنَاءَ الغَارَاتِ الْأَمِريكِيَّةِ الْبِرِيطَانِيَّةِ.

۶۶ـ نوزادی با سه سر.

روزنامه‌ی «الثوره» چاپ سوریه نوشت: یک خانم عراقی در منطقه‌ای واقع در جنوب پایتخت عراق(بغداد) بچه‌ای با سه سر به دنیا آورد. این روزنامه به نقل از منابع پزشکی، خبر داد که زایمان به شکل طبیعی انجام شد و مادر دوران بارداری را به شکل طبیعی گذرانده است و او مادر دو فرزند سالم است که قبلا (خدا) به او داده است. روزنامه‌ی «الثوره» به نقل از یک روزنامه‌ی عراقی اشاره کرد: عراق در این اواخر، به شکل روز افزون، شاهد چنین وقایعی است و این موضوع را به در معرض قرارگرفتن زنان عراقی، به موادی که ماهیت آنها معلوم نیست، مربوط دانسته است و احتمالاً پرتوها یا مواد شیمیایی‌ای است که در مهماتی به کار رفته که در حمله‌های هوایی آمریکا و انگلیس، بر کشور عراق ریخته شده است.

المَولُود: نوزاد، ج: موالید. **مولوداً**: بچه به دنیا آورد.

وَضَعَ يَضَعُ وَضْعاً: قرار داد. **وَضَعَت** **الرَّأس**: سر، ج: رئوس.

تَمَّ يَتِمُّ تَمّاً و تَمَاماً: انجام شد.
أَتَمَّهُ: آن را تمام کرد، کامل کرد.
فَتْرَةُ الحَمْلِ: دوران بارداری.
السَّلِيْم: سالم، تندرست، ج: سُلَماء.
رَزَقَ ــُـ رِزْقاً هُ: به او روزی داد. **رُزِق:** روزی داده شد.
شَهِدَ ــَـ شهوداً هُ: او را دید.
المُتَزَايِد: رو به افزایش.
الآونة الأَخيرة: دوره‌ی اخیر.
رَدَّ يَرُدُّ رَدّاً هُ: او را باز گرداند. **رُدَّ:** باز گردانده شد.
حَدَّدَهُ: آن را معین کرد، تعیین کرد. **لم تُحَدَّد:** مشخص نشد
الإِشْعَاعِيَّة: دارای اشعه.
الكِيمِيَاوِيَّة: شیمیایی.
الذَّخَائِر: مهمات.
سَقَطَ ــُـ سُقُوطاً: افتاد، سقوط کرد.
الغَارَات: حمله‌های هوایی.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ كَيْفَ تَمَّتِ الْوِلادَةُ؟ ۲ـ كَيْفَ كَانَ الطِّفْلُ الَّذِي وَضَعَتِ الْمَرْأَةُ؟ ۳ـ مَاذَا شَهِدَ العِرَاقُ فِي الْآوِنَةِ الْأَخِيرَةِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ زایمان به شکل طبیعی انجام شد. ۲ـ زنان سالم بچه‌های سالم به دنیا می‌آورند. ۳ـ زنان عراقی در معرض مواد شیمیایی قرار گرفتند.

۶۷ـ طِفْلانِ مَاتَا عَطَشاً

أَعْلَنَتْ نِيَابَةُ مَدِينَةِ فِرَانْكْفُورْتَ: أَنَّ طِفْلَيْنِ الثَّانِيَةَ وَالثَّالِثَةَ مِنَ الْعُمْرِ تُوُفِّيَا مِنَ العَطَشِ بَعْدَ أَنْ تَرَكَتْهُمَا أُمُّهُمَا لِوَحْدِهِمَا فِي مَنْزِلٍ فِي هذِهِ الْمَدِينَةِ وَظَلَّا يَبْكِيَانِ طِيلَةَ أُسْبُوعَيْنِ. وَقَدِ اكْتُشِفَ الطِّفْلانِ نِهَايَةَ حَزِيرَانَ / يُونيُو الْمَاضِي. وَوُضِعَتِ الْأُمُّ قَبْلَ أَيَّامٍ فِي الْاِعْتِقَالِ الْمُوَقَّتِ بِتُهْمَةِ الْقَتْلِ. وَبَدَأَتِ

النِّيَابَةُ تَحْقِيقاً قَضَائِيّاً ضِدَّ الْجِيرَانِ لِعَدَمِ مُسَاعَدَتِهِمْ شَخْصاً فِي حَالَةِ الْخَطَرِ. وَقَالَتِ الْأُمُّ: إِنَّهَا كَانَتْ تَنْوِي الْعَوْدَةَ إِلَى الْمَنْزِلِ وَلَكِنَّهَا تَوَقَّعَتْ أَنْ يَهْتَمَّ بَعْضُ الْأَقَارِبِ بِالطِّفْلَيْنِ خِلالَ غِيَابِهَا.

۶۷ـ دو پسر بچه در اثر تشنگی مردند.

دادستانی شهر فرانکفورت اعلام کرد: دو کودک دو و سه ساله بعد از اینکه مادرشان آنها را در خانه‌ای در این شهر تنها گذاشت از تشنگی مردند، آنها در طول دو هفته پیوسته گریه می‌کردند. این دو بچه در پایان ماه ژوئن گذشته پیدا شدند و مادر چند روز قبل به اتهام قتل به صورت موقت بازداشت شد. دادستانی، تحقیق قضایی خود را علیه همسایه‌ها به علت کمک نکردن به فردی که در حال خطر است، شروع کرد. مادر گفت: او قصد بازگشت به منزل را داشت، ولی انتظار داشت که بعضی از اقوام، در غیاب او به بچه‌ها سرکشی کنند.

مَاتَ يَمُوتُ مَوْتاً: مُرد.
النِّيَابَة: دادستانی.
تَرَكَ ـُـ تَرْكَاً هُ: او یا آن را ترک کرد.
طِيْلَةَ: در طول.
اِكْتَشَفَهُ: آن را پیدا کرد. **اكتُشِفَ:** پیدا کرده شد.
وَضَعَ يَضَعُ وَضْعاً: قرار داد. **وُضِعَ فـی الإعتقال:** بازداشت شد
الاِعْتِقَالُ المُوَقَّت: بازداشت موقت.
التَّحْقِيقُ القَضَائِيّ: تحقیق قضایی.
الجِيرَان: مف: الجار: همسایه.
المُسَاعَدَة: کمک.
نَوَى يَنْوِي نِيَّةً هُ: آن را نیت کرد.
العَوْدَة: بازگشت.
تَوَقَّعَهُ: توقع آن را داشت.
اِهْتَمَّ بِـ...: به...توجه کرد.
الأَقَارِب: مف: القريب: فامیل.
الغِيَاب: نبودن، غیبت.

□ **تمرين**

الف) به سؤالات زير پاسخ دهيد:

۱ـ كَيْفَ وَمَتَى تُوَفِّيَ الطِّفْلانِ؟ ۲ـ لِمَاذَا بَدَأَتِ النِّيَابَةُ تَحْقِيقاً قَضَائِياً ضِدَ الجِيرَانِ؟
۳ـ مَاذَا تَوَقَّعَتِ الْأُمُّ مِنْ أَقَارِبِها؟

ب) ترجمه كنيد:

۱ـ بچه‌ها از تشنگى مردند. ۲ـ من تصميم داشتم به خانه برگردم. ۳ـ پدرم توقع دارد كه من به درسهايم اهتمام ورزم.

۶۸ـ أُمٌّ وضَعَتْ رَضِيعَهَا فِي فُرْنِ مَايكْرُووِيْف.

أُلْقِيَ الْقَبْضُ عَلَى أُمٍّ عُثِرَ عَلَى رَضِيعِهَا الَّذِي لا يَزِيدُ عُمْرُهُ عَنْ شَهْرٍ وَاحِدٍ مَيْتاً فِي فُرْنِ مَايْكْرُوويفٍ فِي مَنْزِلِ أَبَوَيْهَا بِولايَةِ «فِيرجِينيَا» وَوُجِّهَتْ إِلَيْهَا تُهْمَةُ الْقَتْلِ الْعَمْدِ. وَأَوْضَحَ مَسْؤُولُ الشُّرْطَةِ فِي مِنْطَقَةِ «نِيُوكِنْت»: أَنَّ الْأُمَّ الْقَاتِلَةَ «إِلِيزَابِيت رِينِى اُوتِى» الَّتِي تَبْلُغُ التَّاسِعَةَ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمْرِ أُدْخِلَتْ مُسْتَشْفَىً لِلْأَمْرَاضِ الْعَقْلِيَّةِ تَحْتَ رِقَابَةِ الشُّرْطَةِ مُنْذُ الْعُثُورِ عَلَى رَضِيعِهَا دَاخِلَ الْفُرْنِ بَعْدَ أَنْ بَلَّغَتْ أُسْرَتُهَا الشُّرْطَةَ بِاخْتِفَائِهِ. وَأَكَّدَتْ كَبِيرَةُ الْأَطِبَّاءِ الشَّرْعِيِّينَ لِولايَةِ «فِيرْجِينِيَا»: أَنَّ الطِّفْلَ «جُوزِف» يَحْمِلُ آثَارَ حُرُوقٍ تُشْبِهُ تِلْكَ الَّتِي يُمْكِنُ أَنْ تَنْجُمَ عَنِ التَّعَرُّضِ لِحَرَارَةِ الْمَوْجَاتِ الْقَصِيرَةِ. وَقَدْ رَفَضَتِ السُّلُطَاتُ التَّحَدُّثَ عَنِ السَّبَبِ الْمُحْتَمَلِ لِلْجَرِيمَةِ إِلَّا أَنَّ الْعَنَاصِرَ الْأُولَى لِلتَّحقِيقِ تُشِيرُ إِلَى أَنَّ أُمَّ الرَّضِيعِ تُعَالَجُ مِنْ مَرَضِ الصَّرْعِ الَّذِي يُسَبِّبُ خَلَلاً فِي أَنْشِطَةِ الدِّمَاغِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ. وَقَالَ عَدَدٌ مِنْ أَقَارِبِ الْأُسْرَةِ: إِنَّ الْأُمَّ الشَّابَّةَ اعْتَرَفَتْ بِأَنَّهَا اعْتَقَدَتْ تَحْتَ تَأَثُّرِ الإِصَابَةِ بِنَوْبَةِ صَرْعٍ أَنَّهَا وَضَعَتْ زُجَاجَةَ حَلِيبٍ فِي الْفُرْنِ.

۶۸ـ مادری که بچه‌ی شیرخوارش را در مایکروویو قرار داد.

مادری که بچه‌ی شیرخوار کمتر از یک ماهه‌اش را مرده در مایکروویو خانه‌ی پدر و مادرش در ایالت «ویرجینیا» پیدا کردند، دستگیر و متهم به قتل عمد گردید. رئیس پلیس منطقه‌ی «نیوکنت» اعلام کرد: این مادر قاتل که ۱۹ سال دارد، پس از اینکه بچه‌ی شیرخوارش داخل مایکروویو پیدا شد، تحت نظر پلیس روانه‌ی تیمارستان شد، بعد از اینکه خانواده‌اش، خبر گم شدن بچه را به پلیس اطلاع دادند. رئیس پزشکی قانونی ایالت «ویرجینیا» تأکید کرد: «ژوزف» شیرخوار، نشانه‌هایی از سوختگی دارد که شبیه همانهایی است که ممکن است در اثر مواجهه با حرارت امواج کوتاه (مربوط به ماکرویو) بوجود آید. مسؤولان از اظهار نظر درباره‌ی علت احتمالی این جنایت خودداری کردند ولی شواهد اولیه‌ی تحقیقات نشان می‌دهد که مادر این بچه‌ی شیرخوار، به واسطه‌ی بیماری صرع که موجب اختلال در فعالیتهای الکتریکی مغز می‌شود، تحت درمان است. عده‌ای از نزدیکان این خانواده گفتند: این مادر جوان اعتراف کرده است که او به علت ابتلا به صرع گمان کرده که شیشه‌ی شیر را در اجاق (ماکرویو) گذاشته است.

الرَّضِيع: شیرخوار.
الفُرن: فِر، اجاق، ج: افران.
أَلْقَى القَبْضَ عَلَيْهِ: او را دستگیر کرد.
عَثَرَ ـُ عُثُوراً على...: چیزی را پیدا کرد.
مِيتاً: مرده.
وَجَّهَ التُّهْمَةَ اِلَيْهِ: تهمت به او زد.
أَدْخَلَهُ: او را داخل کرد. **أُدْخِلَ**: داخل کرده شد.

الأَمرَاضُ العَقْلِيَّة: بیماری های روانی.
رِقَابَةُ الشُّرْطَة: نظارت و اشراف پلیس.
العُثُور على...: پیدا کردن...، دست یافتن به...
بَلَّغَهُ: آن را رساند. **بلغَّه خبراً**: خبری به او داد.
الاِخْتِفَاء: پنهان شدن.
الطَّبِيبُ الشَّرْعِيّ: پزشک قانونی.

الْحُرُوق: سوختگی.
أَشْبَهَهُ: به او شباهت داشت.
نَجَمَ ـُ نُجُوماً عن...: ناشی شد از...
التَّعَرُّض لِـ...: در معرض ... قرار گرفتن.
الْمَوْجَاتُ الصَّغِيرَة: امواج کوتاه.
رَفَضَ ـُ رَفْضاً: خودداری کرد.
التَّحَدُّث: حرف زدن.
الْمُحْتَمَل: احتمالی.
الجَرِيْمَة: جنایت، جرم.
عَنَاصِرُ التَّحْقِيق: موضوعات تحقیق.
أَشَارَ الی...: به...اشاره کرد.
عَالَجَهُ: او را معالجه کرد. يُعالَج: معالجه می‌شود.
الصَّرْع: بیماری صرع.
الخَلَل: نقص.
أَنْشِطَة: مف: النشاط: فعالیت.
الدِّمَاغ: مغز، ج: أدمغة.
الكَهْرَبَائِيّ: الکتریکی.
اِعْتَرَفَ بِـ...: به...اعتراف کرد.
اِعْتَقَدَ بِـ...: به...اعتقاد داشت
الزُّجَاجَة: شیشه.
الحَليب: شیر.

□ تمرین

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ كَيْفَ مَاتَ الطِّفْلُ؟ ۲ـ لِمَاذَا وَضَعَتِ الْمَرْأَةُ طِفْلَهَا فِي الْفُرْنِ؟ ۳ـ بِمَاذَا أُصِيبَتْ هَذِهِ الْمَرْأَةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ این زن را بازداشت کن و او را متهم به قتل کن. ۲ـ دیوانگان باید تحت نظر پزشک وارد تیمارستان شوند. ۳ـ گم شدن او به پلیس اطلاع داده شد.

۶۹ـ أَيُّ الْأَغْذِيَةِ غَنِيَّةٌ بِمَادَّةِ الْفُسفُورِ؟

يَقُولُ أَخِصَّائِيُّو الْأَغْذِيَةِ بِأَنَّ الْحَلِيبَ يَحْتَوِي عَلَى نِسْبَةٍ لا بَأْسَ بِهَا مِنْ مَادَّةِ الْفُسفُورِ الْحَيَوِيَّةِ لِلِانْسَانِ، وَيَحْتَوِي صَفَارُ الْبَيْضِ وَاللَّحْمُ وَالْجُبْنُ عَلَى

الْفُسْفُورِ أَیْضاً، إِلَّا أَنَّ الْمَصْدَرَ الرَّئِیسِیَّ لِهَذِهِ الْمَادَّةِ الْمُهِمَّةِ هُوَ لُحُومُ الْأَسْمَاکِ حَیْثُ یَحْتَوِي کَبِدُ السَّمَکِ عَلَی نِسْبَةٍ عَالِیَةٍ مِنَ الْفُسفُورِ لِذَلِکَ یُسْتَعْمَلُ زَیْتُ کَبِدِ الْأَسْمَاکِ کَدَوَاءٍ لِعِلاجِ بَعْضِ الْأَمْرَاضِ النَّاجِمَةِ عَنْ نَقْصِ الفُسفُورِ فِي الْجِسْمِ. وَیَحْتَوِي الزُّبَدُ وَالْقِشْطَةُ عَلَی نِسْبَةٍ عَالِیَةٍ مِنْ فِیتَامِینَيْ «E» وَ«D» وَهُنَاکَ مِنَ الثِّمَارِ الَّتِي تَحْتَوِي عَلَی نِسْبَةٍ جَیِّدَةٍ مِنْ هَذِهِ الْفِیتَامِینَاتِ کَالجَوْزِ وَالْفُسْتُقِ وَالْبُنْدُقِ، وَیُؤَکِّدُ خُبَرَاءُ الْأَغْذِیَةِ عَلَی تَنَاوُلِ الْأَغذِیَةِ النَّبَاتِیَّةِ أَکْثَرَ مِنَ الْمَنْتُوجَاتِ الْحَیَوَانِیَّةِ لِاحْتِوَاءِ النَّبَاتَاتِ عَلَی الدُّهُونِ غَیْرِ الْمُشْبَعَةِ وَالْخَالِیَةِ مِنْ مَادَّةِ الْکُلُسْتِرُولِ الضَّارَّةِ لِلْجِسْمِ فِي حَالَةِ ارْتِفَاعِ نِسْبَتِهَا.

۶۹ـ چه غذاهایی سرشار از فسفر هستند.

متخصصان علم تغذیه می‌گویند: شیر دارای مقدار قابل توجهی ماده‌ی حیاتی فسفر برای انسان است. همچنین، زرده‌ی تخم مرغ، گوشت و پنیر نیز فسفر دارد. ولی منبع اصلی این ماده‌ی مهم گوشت ماهی است به طوری که جگر ماهی مقدار بسیار زیادی فسفر دارد. به همین دلیل روغن جگر ماهی به عنوان دارو، برای بعضی از بیماریهای ناشی از کمبود فسفر در بدن، به کار می‌رود. کره و سرشیر مقدار بسیار زیادی ویتامین «E» و «D» دارند و میوه‌هایی نیز وجود دارد که میزان بالایی از این ویتامین‌ها را دارند مثل گردو، پسته و فندق. کارشناسان تغذیه بیشتر از محصولات حیوانی، به خوردن فرآورده‌های گیاهی تأکید می‌کنند، به علت اینکه گیاهان دارای روغن‌های اشباع نشده هستند و خالی از کلسترلی هستند که مقدار بالای آن برای بدن مضر است.

الغَنِي: سرشار. **الأَخِصَّائِيّ**: متخصص.

اِحْتَوَى عَلَى.....در بر داشت .

لَا بَأْسَ بِهَا: زیاد، قابل توجه .

الحَيَوِيَّة: حیاتی، ضروری برای زندگی.

صَفَارُ البَيْض: زرده تخم مرغ.

اللَّحْم: گوشت، ج: اللُّحُوم.

الجُبْن: پنیر.

المَصْدَرُ الرَّئِيسيّ: منبع اصلی.

الأَسْمَاك: مف: السّمک: ماهی.

الكَبِد: جگر، ج: أكباد.

العِلَاج: مداوا، درمان.

النَّاجِمَة عَنْ ...: ریشه گرفته از ...، حاصل از...

النَّقْص: کمبود.

الزُّبْدَة: کره، ج: زُبَد.

القِشْطَة: سرشیر.

نِسْبَةٌ عَالِيَةٌ: میزان فراوان.

الثِّمَار: مف: الثّمرة: میوه.

الجَوْز: گردو، ج: جوزات.

الفُسْتُق: پسته.

البُنْدُق: فندق.

الخُبَرَاء: مف: الخبير: کارشناس.

النَّبَاتِيَّة: گیاهی.

المَنْتُوجَات: تولیدات.

الاِحْتِوَاء: شامل بودن، دربرداشتن.

الدُّهُون: مف: الدهن: روغن.

الخَالِي: خالی.

الضَّارّ: مضر.

الاِرْتِفَاع: بالا بودن.

المُشْبَع: اشباع شده.

□ تمرین

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ عَلامَ يَحْتَوِي الحَلِيبُ؟ ۲ـ لِمَاذَا يُسْتَعْمَلُ زَيتُ كَبِدِ الْأَسْمَاكِ؟ ۳ـ لِمَاذَا يُؤَكِّدُ خُبَرَاءُ الْأَغْذِيَةِ عَلَى تَنَاوُلِ الْأَغْذِيَةِ النَّبَاتِيَّةِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ شیر، زرده‌ی تخم مرغ، گوشت و پنیر دارای فسفر هستند. ۲ـ پزشک به او تأکید کرد که بهتر است از غذاهای گیاهی مصرف کند. ۳ـ مقدار بالای کلسترول

برای بدن مضر است.

۷۰ـ جَدَّةٌ تَتَسَلَّقُ جِسْرَ سِدْنی فِي عِيدِ مِيلادِهَا المِائَةِ.

قَرَّرَتِ الْجَدَّةُ «كِرِيس مُولِر» أَنْ يَكُونَ عِيدُ مِيلادِهَا المِائَةِ يَوْماً لايُنْسَى لِمَنْ حَوْلَهَا عَلَى الْأَقَلِّ فَقَامَتْ بِتَسَلُّقِ جِسْرِ مِينَاءِ «سِدْنِي» فِي مُحَاوَلَةٍ تَجْعَلُ الشَّبَابَ مِنْ أَحْفَادِهَا يَلْهَثُونَ لِمُجَرَّدِ الْفِكْرَةِ. وَقَالَتْ «مولر»: إِنَّهَا كَانَتْ تَحْلُمُ دَائِماً بِتَسَلُّقِ الْجِسْرِ مُنْذُ أَنْ شَاهَدَتْ افْتِتَاحَهُ عَامَ ۱۹۳۲. وَاسْتَطَاعَتْ «مُولِر» بِصُحْبَةِ حَفِيدِهَا «دِيفِيدَ» أَنْ تُحَقِّقَ حُلْمَ حَيَاتِهَا أَخِيراً وَلَكِنَّهَا أَثْبَتَتْ أَيْضاً أَنَّ رُوحَ الْمُغَامَرَةِ لا عَلاقَةَ لَهَا بِالعُمْرِ.

۷۰ـ مادر بزرگی که در جشن صدمین سال تولدش از پل سیدنی بالا می‌رود.

مادر بزرگ «کریس مولر» تصمیم گرفت جشن یکصدمین سالگرد تولدش، روزی باشد که حداقل برای اطرافیانش فراموش نشود. به همین دلیل از پل بندر سیدنی بالا رفت، در اقدامی که نوه‌های جوانش را به محض فکر کردن به آن وادار می‌کرد که به نفس نفس بیفتند. «مولر» گفت: او همواره از سال ۱۹۳۲ که شاهد افتتاح این پل بوده، آرزوی بالا رفتن از آن را داشته است. «مولر» به همراهی نوه‌اش «دیوید» توانست رؤیای زندگیش را بالاخره محقق سازد ولی همچنین ثابت کرد که روحیه‌ی ماجراجویی ارتباطی به سن ندارد.

تَسَلَّقَهُ: از آن بالا رفت.
الجِسْر: پل، ج: جُسُور.
عِيْدُ المِيْلَاد: سالگرد تولد.
قَرَّرَ أنْ ...: تصمیم گرفت که...
نَسِيَ ـَ نِسْيَاناً: فراموش کرد. **لا يُنسَى:** فراموش نمی‌شود
قَامَ يَقُومُ قِيَاماً بِـ...: اقدام به...کرد.
المِيْنَاء: بندر، ج: المَوَانِيء.

المُحَاوَلَة: تلاش.
بِصُحْبَةِ: همراه با...، در کنار.
الأَحْفَاد: مف: الحفید: نوه‌ی پسری.
أَثْبَتَهُ: آن را اثبات کرد.
لَهِثَ ـَ لَهْثاً: نفس نفس زد.
المُغَامَرَة: ماجراجویی.
حَلُمَ ـُ حُلْمَا بِـ...: خواب چیزی را دید، آرزوی کاری را کرد
العَلاقَة: رابطه.
حَقَّقَهُ: آن را محقق ساخت.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ كَيْفَ أَرَادَتِ الْجَدَّةُ أَنْ يَكُونَ عِيدُ مِيلادِهَا؟ ۲ـ بِمَاذَا قَامَتِ الْجَدَّةُ لِعِيدِ مِيلادِهَا؟ ۳ـ مَاذَا أَثْبَتَتِ الْجَدَّةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ پدر بزرگم تصمیم گرفت از کوه بالا رود. ۲ـ توانستم این آرزوی خود را محقق سازم. ۳ـ من ثابت می‌کنم که روحیه‌ی ماجراجویی ربطی به سن ندارد.

۷۱ـ الكَآبَةُ تُؤَثِّرُ عَلَى الدِّمَاغ.

أَظْهَرَتِ الدِّرَاسَاتُ الْأَخِيرَةُ أَنَّ الْكَآبَةَ يُمْكِنُهَا أَنْ تُقَلِّلَ مِنْ حَجْمِ الدِّمَاغِ فِي الإِنسَانِ. ذَكَرَتْ ذَلِكَ مَجَلَّةُ «نُورُوسَايِنْس» وَأَضَافَتْ: أَنَّ البَاحِثِينَ فِي جَامِعَةِ «سَنْت لُوئِيس» أَجْرَوْا دِرَاسَاتٍ عَلَى أَدْمِغَةِ ۴۸ امْرَأَةً تَتَرَاوَحُ أَعْمَارُهُنَّ بَيْنَ ۲۳ إِلَى ۸۶ سَنَةً وَالْتَقَطُوا صُوَراً طِبِّيَّةً لِأَدْمِغَتِهِنَّ وَنِصْفُ هَؤُلاءِ النِّسْوَةِ كُنَّ يُعَانِينَ سَابِقاً مِنْ أَمْرَاضِ الْكَآبَةِ فَتَبَيَّنَ بِأَنَّ اللَّاتِي يُعَانِينَ مِنَ الْكَآبَةِ يَقِلُّ حَجْمُ قِسْمٍ خَاصٍّ فِي الدِّمَاغِ وَيُسَمَّى بِـ«هِيبُوكُمْبُوس» بِمُعَدِّلِ ۱۰ ٪ مُقَارَنَةً مَعَ بَاقِي النِّسَاءِ. كَمَا أَظْهَرَتِ الدِّرَاسَاتُ أَيْضاً أَنَّ هَؤُلاءِ النِّسْوَةِ انْخَفَضَ مُسْتَوَى الذَّكَاءِ عِنْدَهُنَّ عَنِ الْبَقِيَّةِ عِلْماً بِأَنَّ «هِيبُوكُمْبُوس» لَهُ

فَعَّالِيَّاتٌ تَرْتَبِطُ مُبَاشَرَةً بِقَضَايَا الذَّاكِرَةِ وَالذَّكَاءِ وَسُرْعَةِ التَّعَلُّم. وَنَقَلَتِ الْمَجَلَّةُ عَنِ الْبَاحِثِينَ قَوْلَهُمْ: أَنَّ النَّتَائِجَ أَثْبَتَتْ بِأَنَّ اسْتِمْرَارَ حَالَةِ الْكَآبَةِ وَالْقَلَقِ عِنْدَ الْأَفْرَادِ سَيُؤَدِّي إِلَى فِقْدَانِ حَجْمٍ أَكْبَرَ مِنَ الدِّمَاغِ وَهَذِهِ الْحَالَةُ مِنَ الْخُطُورَةِ بِمَكَانٍ بِحَيْثُ تَسْتَوْجِبُ الْعِلَاجَ السَّرِيعَ لِلْحَيْلُولَةِ دُونَ حُدُوثِ مُضَاعَفَاتٍ أُخْرَى.

۷۱ـ افسردگی بر مغز تأثیر می‌گذارد.

آخرین تحقیقات نشان داده است که افسردگی ممکن است حجم مغز را در انسان کاهش دهد. این (مطلب) را مجله‌ی «نوروساینس» گزارش داد و در ادامه افزود: محققین دانشگاه «سنت لوئیس» تحقیقاتی بر مغز ۴۸ زن که سنشان بین ۲۳ تا ۸۶ سال است انجام داده‌اند و از مغز آنها عکس‌برداری کرده‌اند. نیمی از این زنان در گذشته از افسردگی رنج می‌بردند. در نتیجه، مشخص گردید، زنانی که دچار افسردگی بوده‌اند، حجم بخش خاصی از مغز آنها که «هیپوتالاموس» نامیده می‌شود به میزان ۱۰٪ در مقایسه با بقیه‌ی زنان کاهش می‌یابد. این تحقیقات همچنین نشان داد، میزان هوش این زنان نسبت به بقیه‌ی زنان کاهش یافته است، با توجه به اینکه «هیپوتالاموس» فعالیتهایی دارد که رابطه‌ی مستقیم با حافظه و هوش و سرعت یادگیری دارد. این مجله به نقل از محققان، اعلام کرد: این نتایج اثبات کرده که ادامه‌ی افسردگی و نگرانی در بین مردم منجر به از بین رفتن حجم بیشتری از مغز می‌شود و این حالت بقدری خطرناک است که درمان سریع را برای جلوگیری از بروز پیامدهای دیگر اقتضا می‌کند.

الكَآبَة: افسردگی.
الدِّمَاغ: مغز، ج: ادمغة.
أَثَّرَ عَلَى...: بر... اثر گذاشت.
قَلَّلَهُ: آن را کم کرد.

أَجْرَاه: آن را انجام داد.
تَرَاوَحَ عمرُهُ بَيْنَ ...: عمرش بـين ... در نوسان بود.
اِلْتَقَطَ صُورَةً: یک عکس گرفت.
الصُّوَرُ الطِّبيَّة: تصاویر پزشکی.
عَانَاهُ: از آن رنج کشید.
قَلَّ: کم بود، کم شد.
بِمُعَدَّلِ: به میزان.
مُقَارَنَة: در مقایسه با...
النِّسْوَة: زنان.
انْخَفَضَ: کاهش یافت.
المُسْتَوَى: میزان.
الذَّكَاء: هوش.
ارْتَبَطَ بِهِ: با او مربوط بود یا شد.
الذَّاكِرَة: حافظه.
أثْبَتَهُ: آن را ثابت کرد..
أَدَّى اِلَى...: منجر به...شد.
الفِقْدَان: از دست دادن.
الخُطُورَة: خطرناک بودن.
اِسْتَوْجَبَهُ: آن را لازم و واجب کرد.
الحَيْلُولَة دون...: جلوگیری کردن از...
المُضَاعَفَات: تبعات، پیامدها.
الأُخْرَى: دیگر.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَاذَا تُسَبِّبُ الْكَآبَةُ؟ ۲ـ إلامَ يُؤَدِّي اسْتِمْرَارُ حَالَةِ الْكَآبَةِ؟ ۳ـ لِمَاذَا تَسْتَوْجِبُ حَالَةُ الْكَآبَةِ الْعِلاجَ السَّرِيعَ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ زنانی که دچار افسردگی می‌شوند میزان هوش آنها کاهش می‌یابد.
۲ـ هیپوتالاموس رابطه‌ی مستقیم با هوش و حافظه و سرعت یادگیری دارد.
۳ـ برای جلوگیری از پیامدهای خطرناک، لازم است وقتی مریض می‌شویم نزد پزشک برویم.

۷۲ـ قَفَزَتْ مِنَ الشُّرْفَةِ خَوْفاً مِنْ زِلْزَالٍ جَدِيدٍ.

لَقِيَتْ تُرْكِيَّةٌ حَتْفَهَا عِنْدَمَا قَفَزَتْ مِنْ شُرْفَةِ مَنْزِلِهَا فِي «إِسْطَنْبُولَ» خَوْفاً مِنْ زِلْزَالٍ هَزَّ الْمَدِينَةَ فِي سَاعَةٍ مُبَكِّرَةٍ مِنْ صَبَاحِ يَوْمِ الْأَرْبِعَاءِ الْمَاضِي. وَقَالَتْ وِكَالَةُ «الْأَنَاضُولِ» الرَّسْمِيَّةُ لِلْأَنْبَاءِ: إِنَّ الزِّلْزَالَ الَّذِي بَلَغَتْ شِدَّتُهُ ۴/۸ دَرَجَةً عَلَى مِقْيَاسِ رِيشتِر وَقَعَ قَبْلَ الثَّالِثَةِ فَجْراً وَكَانَ مَرْكَزُهُ بَلْدَةَ «يَالْوَا» السَّاحِلِيَّةَ. وَقَدْ شَاعَ الْخَوْفُ مِنَ الزِّلْزَالِ بَيْنَ الْأَتْرَاكِ مُنْذُ الزِّلْزَالِ العَنِيفِ الَّذِي وَقَعَ الشَّهْرَ المَاضِيَ وَدَمَّرَ غَالِبِيَّةَ الشَّمَالِ الغَرْبِيِّ لِلْبِلادِ وَأَسْفَرَ عَنْ مَقْتَلِ أَكْثَرَ مِنْ ۱۵۶۰۰ شَخْصٍ وَإِصَابَةِ عَشَرَاتِ آلَافٍ وَتَشرِيدِ آلافٍ غَيْرِهِمْ.

۷۲ـ یک زن از ترس زلزله‌ی مجدد، از بالکن پرید.

یک زن ترک، هنگامی که از ترس زلزله‌ای کـه در سـاعات اولیـه‌ی صـبح روز چهارشنبه‌ی گذشته، شهر را لرزاند، از بالکن منزلش، در «استانبول» پرید، جان خود را از دست داد. خبرگزاری رسمی «آناتول» گزارش داده است: زلزله‌ای که شدت آن به ۴/۸ درجه در مقیاس ریشتر رسید، ساعت سه بامداد اتفاق افتاد و مرکز آن شهرک ساحلی «یالوا» بود. ترس از زلزله بین ترکها، از زمان زلزله‌ی شدیدی که در ماه گذشته روی داد، شایع شده است. زلزله‌ای که بیشتر نواحی شمال غربی کشـور را در هـم کوبید و منجر به مرگ بیش از ۱۵۶۰۰ نفر و زخمی شدن دهها هزار نفر و آوارگی هزاران نفر دیگر شد.

قَفَزَ ـ قَفْزاً: پریدن.

الشُّرْفَة: بالکن.

لَقِيَ يَلْقَى لِقَاءً: دیدار کرد. **لَقِيَ حَتفَهُ:** فوت کرد.

الزِّلْزَال: زلزله.

هَزَّ ـُ هَزّاً هُ: آن را لرزاند.

المُبَكِّرَة: زود. السّاعة المبكّرة مِنَ الصّباح: صبح زود.
الوِكَالَةُ الرَّسْمِيَّة: خبرگزاری رسمی.
بَلَغَ ـُ بُلُوغاً هُ: به او رسید.
فَجْرَاً: صبح زود.
السَّاحِلِيَّة: ساحلی. البلدة السّاحليّة: شهرک ساحلی، کنار دریا
شَاعَ يَشِيعُ شُيُوعاً: پخش شد، گسترش یافت.
العَنِيف: شديد.
دَمَّرَهُ: آنرا در هم کوبید.
الغَالِبِيَّة: اکثریت، بیشترین.
أَسْفَرَ عَنْ ...: منجر به...شد.
المَقْتَل: مرگ، فوت.
الإِصَابَة: زخمی شدن.
التَّشْرِيد: آواره‌گی.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا قَفَزَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ شُرْفَةِ بَيْتِهَا؟ ۲ـ مَتَى شَاعَ الخَوْفُ بَيْنَ الْأَتْرَاكِ؟ ۳ـ كَمْ عَدَدَ قَتْلَى الزِّلْزَالِ في الشَّهرِ المَاضِي؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ زلزله ساعت چهار صبح، شهر را به شدت لرزاند. ۲ـ شدت این زلزله به پنج ریشتر می‌رسد. ۳ـ زلزله‌ی رودبار موجب کشته شدن و آوارگی بسیاری از مردم شد.

۷۳ـ الأَلمَاسُ يَتحَمَّلُ ضَغطاً عَالياً جِدّاً.

يَعْتَقِدُ الْبَاحِثُونَ بِأَنَّ أَعَلَى دَرَجَةٍ لِلضَّغْطِ فِي الْعَالَمِ لِحَدِّ الْآنَ هِيَ الَّتِي سَجَّلَتْهَا الْمُخْتَبَرَاتُ البِيُوفِيزِيَائِيَّةُ فِي مَرْكَزِ أَبْحَاثِ «كَارنكى» حَيْثُ أَخْضَعَ عُلَمَاءُ قِطْعَتَيْنِ مِنَ الْأَلمَاسِ لِدَرَجَةٍ عَالِيَةٍ مِنَ الضَّغْطِ وَصَلَتْ إِلَى ۲۵/۲ مَلْيُونَ بُونْدٍ لِلْبُوصَةِ الْمُرَبَّعَةِ الْوَاحِدَةِ وَهُوَ يَفُوقُ مِقْدَارَ الضَّغْطِ الْمَوجُودِ فِي مَرْكَزِ الْكُرَةِ الْأَرْضِيَّةِ. وَيَعْتَقِدُ الْعُلَمَاءُ بِأَنَّ هَذَا الْمِقْدَارَ مِنَ الضَّغْطِ أَكْبَرُ بِـ ۹۰۰

مَرَّةٍ مِنَ الضَّغْطِ الَّذي تُسَبِّبُهُ جِبَالُ «اِفِرِسْتَ» عَلَی سَطْحِ الكُرَةِ الْأَرْضِيَّةِ، وَيَأْمُلُ الْخُبَرَاءُ أَنْ يَتَوَصَّلُوا مِنْ خِلالِ تَجَارِبِهِمْ هذِهِ إِلَی صُنْعِ تَرکِيبَاتٍ جَدِيدَةٍ مِنَ الْمَعَادِنِ.

۷۳ـ الماس فشار بسیار زیاد را تحمل می‌کند.

محققان معتقدند بالاترین میزان فشار در جهان، تا بحال، چیزی است که آن را آزمایشگاههای بیوفیزیک در مرکز تحقیقات «کارنگی» ثبت کرده‌اند، به گونه‌ای که دانشمندان دو قطعه الماس را در معرض فشار زیادی که به ۲۵/۲ میلیون پوند بر اینچ مربع رسید، قرار دادند و این بیش از فشاری است که در مرکز کره‌ی زمین وجود دارد. دانشمندان معتقدند این فشار ۹۰۰ برابر فشاری است که کوه اورست به سطح کره‌ی زمین وارد می‌کند. کارشناسان امیدوارند در طی این تجربیات به ساختن ترکیبات جدیدی از فلزات دست یابند.

تَحَمَّلَهُ: آن را تحمل کرد.
الضَّغْط: فشار ج: ضغوط.
العَالِي: بالا.
جِدّاً: بسیار.
اِعْتَقَدَ بِـ...: معتقد شد به ...، اعتقاد داشت به...
البَاحِث: محقق، پژوهشگر.
أَعَلَی: بالاتر، بالاترین.
لِحَدِ الآن: تا به حال.
سَجَّلَهُ: آن را ثبت کرد.
المُخْتَبَر: آزمایشگاه.
مَرْكَزُ الأَبْحَاث: مرکز تحقیقات.
البِيُوفِيزِيَائيَّة: بیوفیزیکی.
أَخْضَعَهُ لِـ...: آن را در معرض ... قرار داد.
البُوصَةُ المُرَبَّعَة: اینچ مربع.
فَاقَ يَفُوقُ فَوْقاً هُ: بر او برتری داشت. از او بیشتر بود
الكُرَةُ الأَرضِيَّة: کره زمین.
سَبَّبَهُ: موجب آن شد.
أَمِلَ ـُ أَمَلاً: امیدوار شد یا بود...

تَوَصَّلَ إِلَى...: به...دست یافت. **المَعَادِن**: مف: المَعْدِن: فلز.
الصُّنْع: ساختن.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ أَيُّ دَرَجَةٍ أَعْلَى دَرَجَةِ الضَّغْطِ؟ ۲ـ عَلَى أَيِّ نَتِيجَةٍ حَصَلَ العُلَمَاءُ مَعَ حَرَارَةِ قِطْعَتَينِ مِنَ الْأَلْمَاسِ؟ ۳ـ مَاذَا يَأْمُلُ الخُبَرَاءُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ سال گذشته آزمایشگاهها بالاترین درجه‌ی فشار را ثبت کردند. ۲ـ کارشناسان به ساخت ترکیبات جدید دست یافتند. ۳ـ مقدار این فشار از آن فشار بیشتر است.

۷۴ـ الكَشْفُ عَنْ تَسَوُّسِ الأَسنَانِ قَبْلَ ظُهُورِهِ.

أَعْلَنَتْ بَاحِثَةٌ سُوَيْدِيَّةٌ عَنْ صُنْعِ جِهَازٍ يَعْمَلُ بِاللَّيْزِرِ سَيُمَكِّنُ أَطِبَّاءَ الْأَسنَانِ قَرِيباً مِنَ الْكَشْفِ عَنْ تَسَوُّسِ الأَسنَانِ قَبْلَ ظُهُورِهِ. وَقَالَتِ الْبرُوفِيسُور «بِرْجِيتْ مَانْسُون» خِلالَ مُؤْتَمَرِ أَطِبَّاءِ الْأَسنَانِ السُّويدِيِّينَ فِي «غُوتِنبُورْغ» (جَنُوبَ غَرْبِ البِلادِ): إِنَّ «اللَّيْزرَ يُمْكِنُ أَنْ يَكْشِفَ بَدْءَ تَشَكُّلِ التَّسَوُّسِ الَّذِي لاتَرَاهُ العَينُ المُجَرَّدَةُ». وَأَوْضَحَتِ الْبَاحِثَةُ فِي مَعْهَدِ «أُسْتُوكْهُلْمَ»: أَنَّهُ مَعَ «ضَبْطِ اللَّيْزِرِ لِلْعَمَلِ بِطُولِ مَوْجَةٍ مُعَيَّنَةٍ يُمْكِنُ إِضَاءَةَ سَطْحِ السِّنِّ وَالْكَشْفَ عَنْ بِدَايَةِ التَّسَوُّسِ الَّذِي يَظْهَرُ عَلَى شَكْلِ بُقَعٍ دَاكِنَةٍ تُشِيرُ إِلَى نَقْصِ الْأَمْلاحِ الْمَعْدِنِيَّةِ فِي مِينَاءِ السِّنِّ». وَأَضَافَتْ: أَنَّ هَذَا الْكَشْفَ الْمُبَكِّرَ يُسَاعِدُ عَلَى عَدَمِ تَطَوُّرِ التَّسَوُّسِ وَتَحَوُّلِهِ إِلَى حُفْرَةٍ فِي السِّنِّ. وَقَالَتْ: إِنَّهُ يُمْكِنُ تَفَادِي تَطَوُّرِ هذَا التَّسَوُّسِ عَبْرَ المُحَافَظَةِ عَلَى نَظَافَةِ الْفَمِ عَنْ طَرِيقِ الْأَكْلِ الصِّحِّيِّ وَتَنْشِيطِ إِفْرَازِ اللُّعَابِ وَتَنَاوُلِ الْعَلْكَةِ (لِبَان) بَعْدَ الْأَكْلِ وَاسْتِخْدَامِ الْفُلُورِ. وَقَالَتِ الْبَاحِثَةُ: «إِنَّ الاكْتِشَافَ لا يَعْنِي

أَنَّ أطِبَّاءَ الأَسْنَانِ سَيُصْبِحُونَ عَاطِلِينَ عَنِ الْعَمَلِ» لِأَنَّهُمْ عَلَى العَكْسِ مِنْ ذَلِکَ سَيَكُونُ عَلَيْهِمْ تَتَبُّعُ مَرْضَاهُمْ بِصُورَةٍ مُنْتَظِمَةٍ عَبْرَ إِجْرَاءِ تَحَالِيلَ مُبَكِّرَةٍ بِالتَّصوِيرِ وَبِالأَشِعَّةِ السِّينِيَّةِ (اکس) فِي حِينٍ يُمْكِنُ مُتَابَعَةَ تَطَوُّرِ التَّسَوُّسِ عَنْ طَرِيقِ الْكَمْبِيُوتِر.

۷۴ـ تشخیص پوسیدگی دندان قبل از بروز آن.

یک زن محقق سوئدی خبر از ساخت دستگاهی داد که با لیزر کار می‌کند و در آینده نزدیک دندانپزشکان را قادر خواهد ساخت که پوسیدگی دندان را قبل از بروز آن تشخیص دهند. پروفسور «برجیت مانسون» در کنفرانس دندانپزشکان سوئدی در «گوتنبرگ» واقع در جنوب غربی این کشور گفت: لیزر می‌تواند شروع تشکیل پوسیدگی را که با چشم غیر مسلح دیده نمی‌شود، کشف کند. این خانم محقق در انیستیتو «استکهلم» گفت: تنظیم لیزر برای انجام کار با طول موج خاصی می‌تواند سطح دندان را روشن کند و همچنین شروع پوسیدگی را که به شکل لکه‌های تیره آشکار می‌شود، کشف کند، این لکه‌های تیره کمبود املاح معدنی را در مینای دندان نشان می‌دهد. وی افزود: این تشخیص زود هنگام، در جلوگیری از پیشرفت پوسیدگی دندان و تبدیل آن به یک حفره کمک می‌کند. او گفت: با رعایت بهداشت دهان از طریق بهداشت در تغذیه و فعال کردن ترشح بزاق دهان و خوردن (جویدن) آدامس بعد از غذا و استفاده از فلوئور، می‌توان از پیشرفت این پوسیدگی در دندان جلوگیری کرد. محقق مذکور گفت: این کشف به این معنی نیست که دندانپزشکان از کار بیکار خواهند شد، بلکه برعکس، آنها باید (وضعیت) بیمارانشان را به شکل منظم، از طریق انجام آزمایشهای زود هنگام با عکس برداری و اشعه‌ی ایکس پیگیری کنند حال آنکه (این کشف) پی‌گیری پیشرفت پوسیدگی را با کامپیوتر میسر می‌گرداند.

التَّسَوُّس: پوسیدگی.
الأَسْنَان: مف: السِّنّ: دندان.
التَّصْنِيع: ساختن، صنعتی کردن.
الجِهَاز: دستگاه، ج: الأَجهزة.
مَكَّنَهُ مِنْ...: او را قادر به ... کرد.
المُؤْتَمَر: کنفرانس.
البَدْء: شروع.
التَّشَكُّل: شکل‌گیری، حدوث.
العَيْنُ المُجَرَّدَة: چشم غیر مسلح.
أَوْضَحَهُ: آن را توضیح داد.
المَعْهَد: انستیتو، مرکز علمی.
الضَّبْط: تنظیم. (برای دستگاه).
البُقَع: مف: البُقْعَة: لکه.
الدَّاكِن: تیره‌رنگ.
الأَمْلاح: مف: المِلْح: نمک.
النَّقْص: کمبود.
التَّطَوُّر: پیشرفت.
التَّفَادِي: جلوگیری.
التَّحَوُّل: تبدیل شدن، تغییر کردن.
عَبْرَ: از طریق، به وسیله.
الفَمْ: دهان.
الصِّحِّيّ: بهداشتی.
التَّنْشِيْط: فعال کردن.
الإِفرَاز: ترشح کردن.
اللُّعَاب: آب دهان، بزاق.
العِلْک: آدامس.
اللُّبَان: آدامس.
عَنَى يَعْنِي عِنَايَة: به این معنی بود که ...
العَاطِل: بیکار.
التَّتَبُّع: جستجو، کاوش، پیگیری.
المَرْضَى: مف: المریض: بیمار.
التَّحَالِيل: مف: التّحلیل: آزمایش.
الأَشِّعَةُ السِّينِيَّة: اشعه ایکس.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَاذَا يَكْتَشِفُ هَذَا الجِهَازُ؟ ۲ـ عَلامَ يُسَاعِدُ هَذَا الْكَشْفُ الْمُبَكِّرُ؟ ۳ـ هَلْ أَطِبَّاءُ الْأَسْنَانِ يُصْبِحُونَ عَاطِلِينَ عَنِ العَمَلِ بَعْدَ هَذَا الْكَشْفِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ با این دستگاه می‌توانی پوسیدگی دندان را تشخیص دهی. ۲ـ ما می‌توانیم با

رعایت بهداشت دهان از پیشرفت پوسیدگی دندان جلوگیری کنیم. ۳- شـــــروع پوسیدگی با ظهور لکه‌های تیره‌رنگ آشکار می‌شود.

۷۵- عُزُوفُ الأَمريكيّاتِ عَنِ الزَّوَاجِ.

تُشِيرُ الإِحْصَاءَاتُ الْأَخِيرَةُ الَّتِي قَامَتْ بِهَا دَائِرَةُ الإِحْصَاءِ الْأَمرِيكِيَّةُ بِأَنَّ مُعَدَّلاتِ الزَّوَاجِ فِي أَوْسَاطِ الأَمرِيكِيَّاتِ قَدِ انْخَفَضَتْ خِلالَ السَّنَواتِ الْمَاضِيَةِ بِشِدَّةٍ وَهِيَ فِي طَرِيقِهَا إِلَى الانْخِفَاضِ أَكْثَرَ فَأَكْثَرَ. ذَكَرَتْ ذَلِكَ وكَالَةُ أَنْبَاءِ «اَرِنَا» مِنْ «وَاشِنْطُنَ» وَأَضَافَتْ نَقْلاً عَنْ دَائِرَةِ الإِحْصَاءِ الْأَمرِيكِيَّةِ: أَنَّ التَّقَارِيرَ المَوجُودَةَ لَدَى هَذِهِ الدَّائِرَةِ تُشِيرُ إِلَى أَنَّ مَا يُقَارِبُ ۹۰ ٪ مِنَ الْأَمرِيكِيَّاتِ مِمَّنْ تَتَرَاوَحُ أَعْمَارُهُنَّ بَيْنَ ۲۵ إِلَى ۲۹ عَاماً كُنَّ مُتَزَوِّجَاتٍ فِي عَامِ ۱۹۶۵ فِي حِينِ انْخَفَضَ عَدَدُ الْمُتَزَوِّجَاتِ فِي هَذِهِ الْفِئَةِ الْعُمْرِيَّةِ عَامَ ۱۹۹۶ إِلَى ۵۶ ٪ فَقَطْ. وَذَكَرَتْ دَائِرَةُ الإِحْصَاءِ أَيْضاً بِأَنَّهُ كُلَّمَا ارْتَفَعَ مُسْتَوَى الشَّهَادَاتِ الدِّرَاسِيَّةِ وَالْعَمَلِ لَدَى الْفَتَيَاتِ الْأَمرِيكِيَّاتِ انْخَفَضَتْ عِنْدَهُنَّ الرَّغْبَةُ فِي الزَّوَاجِ قَبْلَ بُلُوغِهِنَّ الْخَامِسَةَ وَالثَّلاثِينَ مِنَ الْعُمْرِ.

۷۵- خودداری زنان آمریکایی از ازدواج.

آمارهایی که اخیراً اداره‌ی آمار آمریکا، انجام داده، نشان مـی‌دهد کـه مـیانگین ازدواج در محافل زنان آمریکا در طی سالهای گذشته به شدت کاهش یافته و بازهم رو به کاهش است. این مطلب را خبرگزاری «ارنا» از «واشنگتن» گزارش داد و به نقل از اداره‌ی آمار آمریکا افزود: گزارش‌های موجود در این اداره نشان می‌دهد که نزدیک به ۹۰ ٪ از زنان آمریکایی که سنشان بین ۲۵ تا ۲۹ سال بوده، در سال ۱۹۶۵ متأهل بوده‌اند در حالی که در سال ۱۹۹۶ تعداد زنان متأهل در این گروه سنی، بـه ۵۶ ٪ کاهش یافته است. اداره‌ی آمار همچنین اعلام کرد: هرچه میزان مدارک تحصیلی و

شغل در بین دختران آمریکایی بالا می‌رود، میل به ازدواج در بین آنها قبل از سن ۳۵ سالگی کاهش می‌یابد.

العُزُوف عن...: بی میلی به...، روگردانی از...
الإِحْصَاءَات: آمارها.
دَائِرَةُ الإِحْصَاء: اداره آمار.
الأَوْسَاط: مف: الوَسَط: محفل.
اِنْخَفَضَ: کاهش یافت.
أَكْثَرَ فَأَكْثَرَ: بیشتر و بیشتر.
أَضَافَهُ: آن را اضافه کرد.
التَّقَارِير: مف: التّقرير: گزارش.
الفِئَةُ العُمْرِيَّة: گروه سنی.
اِرْتَفَعَ: بالا رفت.
المُسْتَوَى: میزان، سطح.
الشَّهَادَاتُ الدِّرَاسِيَّة: مدارک تحصیلی.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ إِلامَ تُشِيرُ الإِحْصَاءَاتُ الْأَخِيرَةُ؟ ۲ـ فِي أَيِّ فِئَةٍ عُمْرِيَّةٍ اِنْخَفَضَ عَدَدُ المُتَزَوِّجَاتِ؟
۳ـ لِمَاذَا عَزَفَتِ الأَمرِيكيّاتُ عَنِ الزَّوَاجِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ نباید میانگین ازدواج در جامعه پایین بیاید. ۲ـ زنان شاغل امریکایی کمتر میل به ازدواج دارند. ۳ـ سن دانشجویان این دانشکده بین ۲۰ تا ۳۰ سال در نوسان است.

۷۶ـ اِكْتِشَافُ ۴۰۰۹ مُوَرِّثَاتٍ مَرَضِيَّةٍ.

أَعْلَنَتْ إِحْدَى الشَّرِكَاتِ الْعَامِلَةِ فِي حَقْلِ التِّقَنِيَّةِ الحَيَاتِيَّةِ (التّكنُولُوجيَا الْحَيَوِيَّة) بِأَنَّهَا تَمَكَّنَتْ مِنِ اكْتِشَافِ وَتَشْخِيصِ ۴۰۰۹ مُوَرِّثَاتٍ مُسَبِّبَةٍ لِلْأَمْرَاضِ لَدَى الإِنْسَانِ. وَأَضَافَتْ شَرِكَةُ «جِيْن لاجِيْک»: أَنَّ ۲۵۱۳ مُوَرِّثَةً

مِنْهَا مَسْؤُولَةٌ عَنِ الْعَجْزِ الْكِلْوِيِّ وَالْقَلْبِيِّ وَأَمْرَاضِ الْعُقْمِ لَدَى النِّسَاءِ. وَقَالَ الْمُتَحَدِّثُ بِاسْمِ الشَّرِكَةِ: إِنَّ ۱۴۹۴ مُوَرِّثَةً أُخْرَى مِنْ مَجْمُوعِ الْمُوَرِّثَاتِ الْمَرَضِيَّةِ تُسَبِّبُ أَمْرَاضاً أُخْرَى مُخْتَلِفَةً سَيَتِمُّ ذِكْرُهَا بِالتَّفْصِيلِ بَعْدَ اسْتِكْمَالِ الدِّرَاسَاتِ عَلَيْهَا.

۷۶ـ کشف ۴۰۰۹ ژن بیماری زا.

یکی از شرکتهایی که در زمینه‌ی تکنولوژی حیاتی فعالیت می‌کند؛ اعلام کرد که توانسته است ۴۰۰۹ ژن عامل بیماری را در انسان کشف کند. شرکت «ژن لژیک» در ادامه افزود: از این میان ۲۵۱۳ ژن، عامل نارسایی کلیه و قلب و بیماری نازایی در بین زنان است. سخنگوی این شرکت گفت: ۱۴۹۴ ژن دیگر از مجموع این ژنهای بیماری زا، موجب بیماری‌های دیگری هستند که پس از تکمیل تحقیقات مربوط به آنها به تفصیل ذکر خواهد شد.

الحَقْل: زمینه، ج: حقول.
التِّقَنِيَّة: تکنولوژی.
مَكَّنَهُ مِنْ...: او را قادر به... ساخت.
المُوَرِّثَة: ژن.
المُسَبِّبَة: عامل.
العَجْز: ناتوانی، نارسایی.
الكِلْوِيّ: مربوط به کلیه.
العُقْم: نازایی.
تَمَّ يَتِمُّ تَمَاماً: تمام شد. **تَمَّ ذِكْرُهُ**: نام برده شد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مِمَّ تَمَكَّنَتِ الشَّرِكَةُ العَامِلَةُ فِي حَقْلِ التِّقَنِيَّةِ الحَيَاتِيَّةِ؟ ۲ـ كَمْ مُوَرِّثَةً تُسَبِّبُ المَرَضَ فِي الْكِلَى وَ القَلْبِ وَ عُقْمِ النِّسَاءِ؟ ۳ـ مَتَى تُعْلَنُ تَفَاصِيلُ المُوَرِّثَاتِ الأُخْرَى؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ ۴۰۰۹ ژن عامل بیماری در انسان کشف شد. ۲ـ بعضی از این ژنها عامل

نارسایی کلیه، قلب و بیماری نازایی در بین زنان است. ۳ـ مـــن پس از تکـــمیل تحقیقاتم آنها را به تفصیل ذکر خواهم کرد.

۷۷ـ رَجُلٌ قَتَلَ زَوْجَتَهُ وَأَطْفَالَها ثُمَّ انْتَحَرَ.

ذَكَرَتِ الشُّرْطَةُ الأَمِيرِكِيَّةُ: أَنَّ أَمِرِيكِيّاً عُمْرُهُ ۴۹ عَاماً قَتَلَ بِالرَّصَاصِ زَوْجَتَهُ وَأَطْفَالَهَا الثَّلاثَةَ ثُمَّ اسْتَدْعَى النَّجْدَةَ بَعْدَ ذَلِكَ لِلاعْتِرَافِ بِجَرِيمَتِهِ قَبْلَ انْتِحَارِهِ. وَعَثَرَتِ الشُّرْطَةُ عَلَى جُثَّتَيْ «هِنْرِي» وَزَوْجَتِهِ «كِيمْبرِلِي» (۲۹ عَاماً) فِي مَطْبَخِ مَنْزِلِهِمَا الْمُتَوَاضِعِ خَارِجَ مَدِينَةِ «رِيدِنْغ» الصِّنَاعِيَّةِ فِي شَرْقِ «بِنْسِلفَانِيَا» عَلَى بُعْدِ نَحْوِ ۸۰کم شَمَالَ شَرْقِيِّ «فِلادِلْفِيَا». وَعُثِرَ عَلَى أَوْلادِهَا الثَّلاثَةِ مِنْ زِوَاجٍ سَابِقٍ وَأَعْمَارُهُمْ ۱۲ وَ۷ وَ۶ سَنَوَاتٍ مَقْتُولِينَ بِالرَّصَاصِ فِي حُجْرَةِ نَوْمِهِمْ. وَكَانَ الطِّفْلُ الْأَصْغَرُ مَازَالَ حَيّاً لَدَى وُصُولِ الشُّرْطَةِ وَلَكِنَّهُ تُوُفِّيَ فِي أَحَدِ الْمُسْتَشْفَيَاتِ فِي وَقْتٍ لاحِقٍ. وَقَالَتِ الشُّرْطَةُ: إِنَّ الْخَمْسَةَ قُتِلُوا بِإِطْلاقِ النَّارِ عَلَى رُؤُوسِهِمْ. وَأَضَافَتْ: أَنَّ «بيفِر» اِتَّصَلَ بِالْخَطِّ السَّاخِنِ وَقَالَ: إِنَّهُ قَتَلَ عَائِلَتَهُ لِأَنَّهُ لَمْ يَعُدْ يَسْتَطِيعُ تَحَمُّلَ ضُغُوطِ حَيَاتِهِ. وَبَعْدَ ذَلِكَ بِلَحَظَاتٍ قَتَلَ نَفْسَهُ بِالرَّصَاصِ. وَقَالَتِ الشُّرْطَةُ: إِنَّ «بِيفِرَ» كَانَ مُوَظَّفاً فِي مَتْجَرٍ لِبَيْعِ الْآلاتِ وَيَعْمَلُ بِهِ مُنْذُ ۲۰ عَاماً مِثْلَ وَالِدِهِ. وَتَزَوَّجَ «بِيفِر» مِنْ «كِيمْبرْلِي» مُنْذُ ۱۲ شَهْراً وَانْتَقَلا لِلإِقَامَةِ فِي ذَلِكَ الْحَيِّ فِي يُونِيُو / حُزَيرَانَ الْمَاضِي.

۷۷ـ مردی همسر و فرزندانش را کشت و سپس خودکشی کرد.

پلیس آمریکا گزارش داد: یک مرد آمریکایی ۴۹ ساله، همسر و سه فرزند او را با گلوله کشت و قبل از خودکشی برای اعتراف به جنایت خود، درخواست کمک کرد. پلیس جسد «هنری» و همسرش «کیمبرلی» ۲۹ ساله را در آشپزخانه‌ی منزل ساده و

کوچک آنها، واقع در خارج شهر صنعتی «ریدینگ» در شرق «پنسیلوانیا» در فاصله‌ی حدود ۸۰ کیلومتری شمال شرقی «فیلادلفیا» پیدا کرد. سه فرزند این خانم که از همسر سابق او بودند و سنشان به ترتیب، ۱۲، ۷ و ۶ سال بود، در اتاق خوابشان در حالیکه با گلوله کشته شده بودند، پیدا شدند. هنگام رسیدن پلیس بچه‌ی کوچک‌تر هنوز زنده بود ولی بعداً در یکی از بیمارستانها فوت کرد. پلیس گفت این پنج نفر با شلیک گلوله به سرشان کشته شده‌اند. پلیس در ادامه افزود: «بیفر» از طریق تلفن حوادث، تماس گرفت و گفت: خانواده‌اش را کشته است، زیرا دیگر تحمل فشارهای زندگیش را ندارد و چند لحظه بعد خودش را با گلوله کشت. پلیس گفت: بیفر کارمند یک مغازه‌ی ابزار فروشی بود و از ۲۰ سال قبل، مثل پدرش در آنجا کار می‌کرد. «بیفر» ۱۲ ماه پیش با «کمبرلی» ازدواج کرد و در ژوئن گذشته برای اقامت به آن محله نقل مکان کردند.

قَتَلَ ـُ قَتْلاً: او را کشت.
الرَّصَاص: گلوله.
اِسْتَدْعَاهُ: او یا آن را طلب کرد.
النَّجْدَة: کمک.
عَثَرَ ـُ عُثُوراً علی...: چیزی را پیدا کرد.
الشُّرطَة: پلیس.
المُتَوَاضِع: ساده و کوچک.
المَدینَةُ الصِّنَاعِیَّة: شهر صنعتی.
الوَقْتُ اللاَّحِق: بعداً.
إطْلَاقُ النَّار: تیراندازی.
اِتَّصَلَ بِـ...: با...تماس گرفت
الخَطُّ السَّاخِن: تلفن حوادث.
لَمْ یَعُدْ یَسْتَطیع: دیگر نمی‌تواند.
الضُّغُوط: مف: الضّغط: فشار.
المُوَظَّف: کارمند.
المَتْجَر: فروشگاه بزرگ.
الآلات: مف: الآلة: وسیله.
تَزَوَّجَ مِنْ...: با...ازدواج کرد.
إنْتَقَلَ اِلَی...: به...منتقل شد.

□ تمرین

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ کَیْفَ قَتَلَ الرَّجُلُ زَوْجَتَهُ؟ ۲ـ مَاذَا فَعَلَ الرَّجُلُ قَبْلَ انْتِحَارِهِ؟ ۳ـ لِـمَاذَا قَـتَلَ الرَّجُلُ عَائِلَتَهُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ قاتل، ابتدا آنها را کشت ولی بعد به جنایت خود اعتراف کرد. ۲ـ دوستش تحمل فشارهای زندگی را نداشت به همین دلیل خود را کشت. ۳ـ پدرم کارمند یک مغازه‌ی ابزار فروشی است.

۷۸ـ السِّمْنَةُ تُقَصِّرُ الْعُمْرَ.

أَكَّدَتْ دِرَاسَةٌ نَشَرَتْهَا مَجَلَّةُ «مِدِيسِين»: أَنَّ السِّمْنَةَ تُؤَدِّي إِلَى تَـقْصِيرِ الْعُمْرِ لاسِيَّمَا لَدَى ذَوِي الْبَشَرَةِ الْبَيضَاءِ. وَقَالَ بَاحِثُوا الْجَمْعِيَّةِ الْأَمِـرِيكِيَّةِ لِلسَّرَطَانِ فِي «اَطْلَنْطَا» (جُورْجِيَا): إِنَّ «مَخَاطِرَ الْوَفَاةِ النَّاجِمَةِ عَنْ مُخْتَلِفِ الْأَسْبَابِ ـ أَمْرَاضِ الْقَلْبِ وَالشَّرَايِينِ، السَّرَطَانِ وَأَمْرَاضٍ أُخْرَى ـ تَرْتَفِعُ فِي حَالِ زِيَادَةِ الْوَزْنِ بِصُورَةٍ كَبِيرَةٍ، سَوَاءً لَدَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ، وَفِـي جَـمِيعِ الأَعمَارِ». وَقَالَتْ كَبِيرَةُ الْبَاحِثِينَ «الْبُرُوفِيسُور يوجِينيَا كَال»: إِنَّ «الْمَـخَاطِرَ الْمُرْتَبِطَةَ بِالسِّمْنَةِ الزَّائِدَةِ أَكْبَرُ لَدَى الْبِيضِ مِنْهَا لَـدَى السُّـودِ». وَشَـمِلَتِ الدِّرَاسَةُ وَهِيَ الْأَوْسَعُ الَّتِي تُجْرَى حَتَّى الْآنَ مَلْيُونَ شَخْصٍ تَمَّتْ مُتَابَعَتُهُمْ خِلالَ ۱۴ سَنَةً وَتُوُفِّيَ مِنْهُمْ ۲۰۱ أَلْفِ شَخْصٍ. بَيَّنَتِ الدِّرَاسَةُ: أَنَّ مَخَاطِرَ الْوَفَاةِ تَزِيدُ مَرَّتَيْنِ وَنِصْفَ لَدَى الرِّجَالِ الْمُصَابِينَ بِالسِّمْنَةِ مِنْ غَيْرِهِمْ، فِي حِينِ تَزِيدُ الْمَخَاطِرُ مَرَّتَيْنِ لَدَى النِّسَاءِ السَّمِينَاتِ.

۷۸ـ چاقی عمر را کوتاه می‌کند.

تحقیقاتی که مجله‌ی «مدیسن» منتشر کرده، تأکید کرده است: چاقی بویژه در

میان سفید پوستان منجر به کوتاه شدن عمر می‌شود. محققان آکادمی سرطان «آمریکا» در «اتلانتا» واقع در ایالت «جورجیا» اعلام کردند: خطر مرگ ناشی از عوامل مختلف مانند بیماری‌های قلب و عروق، سرطان و بیماری‌های دیگر با بالا رفتن وزن، چه در بین زنان و چه در بین مردان و گروه‌های مختلف سنی به مقدار زیادی افزایش می‌یابد. رئیس محققان «پروفسور یوجیناکال» گفت: خطر مربوط به اضافه وزن و چاقی در میان سفید پوستان بیشتر از سیاه‌پوستان است. این تحقیق که گسترده‌ترین تحقیقی است که تاکنون انجام شده شامل یک میلیون نفر شده که در طی چهارده سال، پیگیری تحقیق آنان صورت گرفته و ۲۰۱ هزار نفر از آنها فوت کرده‌اند. این تحقیق نشان داد که خطر مرگ در بین مردان مبتلا به چاقی، دو برابر و نیم در مقایسه با دیگران بیشتر است. در حالی‌که این خطر برای زنان چاق دو برابر است.

السِّمْنَة: چاقی.
قَصَّرَهُ: کوتاهش کرد.
أَدَّى اِلَى...: منجر به...شد.
ذَوِي البَشَرَةِ البَيْضَاء: سفید پوستان.
النَّاجِمَة عن...: ناشی از...، به علت...
المَخَاطِر: خطرها.
الشَّرَائِين: مف: الشریان: سرخرگ.
اِرْتَفَع: بالا رفت.
الأَعمَار: مف: العمر: سن.
المُرْتَبِطَة بِـ...: مربوط به ...
البِيْض: مف: الأبيض: سفید پوست.
السُّود: مف: الأَسْوَد: سیاه پوست.
الأَوْسَع: وسیعتر، وسیعترین.
أَجْرَاهُ: اجرایش کرد. **تُجرَى**: اجرا کرده می‌شود.
المُتَابَعَة: پیگیری.
بَيَّنَ أَنَّ...: روشن کرد که ...
مَرَّتَينِ و نِصْف: دو و نیم بار.
زَادَ يَزِيدُ زِيَادَة: افزایش یافت.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ إِلامَ تُؤَدِّي السِّمْنَةُ؟ ۲ـ فِي أَيِّ شَخْصٍ تُوجَدُ مَخَاطِرُ السُّمْنَةِ أَكْثَرَ مِنَ الآخَرِينَ؟
۳ـ كَمْ شَخْصاً شَمِلَتْ هَذِهِ الدِّرَاسَةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ چاقی، بویژه در میان سفیدپوستان موجب کوتاهی عمر است. ۲ـ اگر وزن زیاد شود خطر مرگ افزایش می‌یابد. ۳ـ تحقیقات نشان می‌دهد، که خطر مرگ در افراد چاق بیشتر از دیگران است.

۷۹ـ بُرْجُ العَرَبِ أَعْلَى فُنْدُقٍ فِي العَالَمِ، مِنْ بَيْنِ الأَغْلَى أَيْضاً.

كَشَفَ مُدِيرُ فُنْدُقِ «بُرْجِ الْعَرَبِ» الَّذِي يُعْتَبَرُ الأَعْلَى فِي العَالَمِ وَالَّذِي سَيُفْتَتَحُ غَداً فِي «دبي»: أَنَّ الفُنْدُقَ يُعَدُّ أَيْضاً بَيْنَ الْأَغْلَى فِي الْعَالَمِ حَيْثُ يَصِلُ سِعْرُ الْمَبِيتِ فِيهِ إِلَى ۱۵ أَلْفَ دُولارٍ لِلَّيْلَةِ الْوَاحِدَةِ فِي بَعْضِ أَجْنِحَتِهِ. وَقَالَ «فِيلِيب شَارَاوِدُو»: إِنَّ تَعْرِفَةَ فُنْدُقِ «بُرْجِ الْعَرَبِ» تَتَرَاوَحُ بَيْنَ ۳۳۰۰ دِرْهَم (۸۹۰ دُولاراً) وَ۵۵ أَلْفَ دِرْهَم (۱۵ أَلْفَ دُولارٍ). وَيَضُمُّ الْفُنْدُقُ الْمَبْنِيُّ فَوْقَ جَزِيرَةٍ اصْطِنَاعِيَّةٍ ۲۰۲ جَنَاحٍ بَيْنَهَا ۲۰ مُؤَلَّفَةً مِنْ طَابِقَيْنِ وَتَتَرَاوَحُ مَسَاحَتُهَا مَا بَيْنَ ۱۹۰ وَ۹۸۰ مِتْراً مُرَبَّعاً كُلُّهَا مُجَهَّزَةٌ بِكَافَّةِ وَسَائِلِ الرَّاحَةِ وَالرَّفَاهِيَّةِ الْأَكْثَرِ حِدَاثَةً. وَمِنَ الْخَدَمَاتِ الَّتِي يَنْفَرِدُ بِهَا الفُنْدُقُ نَقْلُ الزُّوَّارِ دَاخِلَ غَوَّاصَةٍ مِنَ الطَّابِقِ السُّفْلَى إِلَى مَطْعَمٍ مُتَخَصِّصٍ فِي ثِمَارِ البَحْرِ تَحْتَ الْمِيَاهِ فِي رِحْلَةٍ تَسْتَغْرِقُ ثَلاثَ دَقَائِقَ. أَمَّا لِلزَّبَائِنِ الَّذِينَ يُفَضِّلُونَ الارْتِفَاعَاتِ فَالفُنْدُقُ مُجَهَّزٌ بِمَصَاعِدَ تَتَحَرَّكُ بِسُرْعَةِ ۷ أَمْتَارٍ فِي الثَّانِيَةِ لِنَقْلِهِمْ إِلَى مَطْعَمٍ مُعَلَّقٍ عَلَى ارْتِفَاعِ ۲۰۰ مِتْرٍ فَوْقَ سَطْحِ الْمَاءِ. وَلإِضْفَاءِ مَزِيدٍ مِنَ الرَّوْنَقِ وَالرَّفَاهِيَّةِ عَلَى الْفُنْدُقِ الَّذِي صُمِّمَ عَلَى شَكْلِ

شِرَاع وَيَبْلُغُ ارْتِفَاعُهُ ۳۲۱ مِتْراً حَرِصَ المُصَمِّمُونَ عَلَى اسْتِيرَادِ الْغِرَانِيتِ مِنَ «اًلبِرَازِيلِ» وَالكِرِيستَالِ مِنَ «النَّمْسَا» وَالرُّخَام مِنَ «اِيطَالِيَا» وَالْكَتَّانِ مِنْ «اِيرْلَنْدَ» بِالإِضَافَةِ إِلَى ۹ آلافِ مِتْرٍ مُرَبَّع مِنْ وَرَقِ الذَّهَبِ مِنْ دُونِ نِسْيَانِ الْأَسِرَّةِ الْمُتَحَرِّكَةِ. وَعَلَّقَ «شَارَاودُو» بِالْقَوْلِ مَازِحاً: «إِنَّهَا كَذٰلِكَ لِإِتَاحَةِ مُشَاهَدَةِ التِّلْفِيزِيُونِ بِشَكْلٍ أَفْضَلَ». وَجَرَى قِيَاسُ الْبِنَاءِ مَعَ الشِّرَاع الْفُولاذِيِّ حَتَّى يَدْخُلَ كِتَابَ «غِينِيتسَ» لِلْأَرْقَام الْقِيَاسِيَّةِ مُتَفَوِّقاً عَلَى فُنْدُقِ «وسْتِينْ سِتَامْفُورْد» فِي «سَنغَافُورَة» الَّذِي يَبْلُغُ ارْتِفَاعُهُ ۲۶۶/۱ مِتْراً.

۷۹ـ برج العرب بلندترین و ازگرانترین هتل‌های جهان.

مدیر هتل «برج العرب» که بلندترین هتل جهان به شمار می‌رود و فردا در دبی افتتاح خواهد شد، اعلام کرد: این هتل همچنین ازگرانترین هتل‌های جهان محسوب می‌شود، به طوری که قیمت یک شب اقامت در بعضی از سوئیت‌های آن، به ۱۵ هزار دلار می‌رسد. «فیلیپ شاراودو» گفت: نرخ تعرفه اقامت در هتل «برج العرب» بین ۳۳۰۰ درهم (۸۹۰ دلار) و ۵۵ هزار درهم (۱۵ هزار دلار) در نوسان است. این هتل که بر روی یک جزیره‌ی مصنوعی ساخته شده، ۲۰۲ سوئیت دارد که ۲۰ واحد آن دو طبقه است و مساحت هر واحد بین ۱۹۰ تا ۹۸۰ متر مربع است و همگی مجهز به همه‌ی وسایل رفاهی از جدیدترین نوع می‌باشند. از جمله خدمات منحصر به فرد این هتل، انتقال بازدیدکنندگان، داخل یک زیردریایی از طبقه‌ی پایین، به یک رستوران مخصوص غذاهای دریایی، در زیر آب از طریق سفری است که سه دقیقه به طول می‌انجامد. اما برای مشتریانی که بلندی را ترجیح می‌دهند، این هتل مجهز به آسانسورهایی است که با سرعت ۷ متر در ثانیه حرکت می‌کنند تا آنها را به رستوران گردان در ارتفاع ۲۰۰ متر بالای سطح آب منتقل کنند. برای رونق و رفاه بیشتر، این هتل که به شکل یک کشتی بادبانی طراحی شده و ارتفاع آن به ۳۲۱ متر می‌رسد،

طراحان این هتل از «برزیل» سنگ گرانیت، از «اتریش» کریستال، از «ایتالیا» سنگ مرمر و از «ایرلند» کتان وارد کرده‌اند. همچنین ۹ هزار متر مربع ورق طلا (در این هتل بکار رفته) و (ساخت) تخت‌های متحرک نیز فراموش نشده. «شاراودو» به شوخی گفت: این هتل برای بهتر نگاه کردن به تلویزیون (ساخته شده). ارتفاع این ساختمان با بادبان فولادی به گونه‌ای (طراحی شده) که در کتاب رکوردهای (گنیتس) ثبت شود و بلندتر از هتل «وستین استامفورد» در سنگاپور است که ارتفاع آن به ۲۶۶/۱ متر می‌رسد.

الأَعلَی: بلندترین.
الفُنْدُق: هتل، ج: الفنادق.
الأَغْلَی: گرانترین.
اِفْتَتَحَهُ: آن را افتتاح کرد. **أُفْتُتِحَ**: افتتاح کرده شد.
عَدَّ يَعُدُّ عَدّاً هُ: آن را... محسوب کرد.
يُعَدُّ: محسوب می‌شود
المَبِيْت: خوابیدن شب، گذراندن شب.
الأَجْنِحَة: مف: الجَنَاح: بخش، قسمت، سوئیت.
التَّعْرِفَة: صورت نرخ بندی، قیمت.
تَرَاوَحَ: در نوسان بود.
ضَمَّ يَضُمُّ ضَمّاً هُ: آن را دربر داشت.
المَبْنِيّ: ساخته شده.
الاِصطِنَاعِيَّة: مصنوعی.
المُؤَلَّفَة: تشکیل شده.
الحِدَاثَة: جدید.
اِنْفَرَدَ بِهِ: منحصر به آن بود.
الزُّوَار: مف: الزَّائِر: بازدید کننده.
الغَوَاصَة: زیردریایی.
السُّفْلَی: پایین.
المَطْعَم: رستوران، ج: مَطَاعِم.
المُتَخَصِّص: ویژه، مخصوص.
ثِمَارُ البَحْر: محصولات دریایی.
اِسْتَغْرَقَ وَقْتاً: طول کشید.
فَضَّلَهُ: آن را ترجیح داد.
الاِرْتِفَاعَات: مف: الارتفاع: بلندی.
المَصَاعِد: مف: المِصْعَد: آسانسور.
المُعَلَّق: معلق، گردان.
الإِضْفَاء: به وفور دادن چیزی به کسی.

صَمَّمَهُ: آن را طراحی کرد.
الشِّرَاع: بادبان کشتی، ج: شُرُع.
حَرِصَ ـُ حِرْصاً عَلَی ...: خواستار ... بود.
المُصَمِّم: طراح.
الاِسْتِيرَاد: وارد کردن.
الغِرَانيت: گرانیت.
الرُّخَام: سنگ مرمر.
الأَسِرَّة: مف: السرير: تخت.
عَلَّقَ بِالقَوْلِ ...: در توضیح افزود...
مَازِحاً: در حال شوخی، به شوخی.
جَرَی يَجْرِي جَرْياً: واقع شد.
القِيَاس: اندازه.
الأَرقَامُ القِيَاسِيَّة: رکورد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ كَمْ دُولاراً سِعْرُ المَبِيتِ فِي فُنْدُقِ «برج العرب»؟ ۲ـ أَيْـنَ بُـنِيَ هَـذَا الفُـنْدُقُ؟
۳ـ مَاذَا فَعَلَ صَاحِبُ هَذَا الفُنْدُقِ لِإِضْفَاءِ مَزِيدٍ مِنَ الرِّفَاهِيَّةِ وَالرَّوْنَقِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ بلندترین هتل جهان در دبی افتتاح شد. ۲ـ این هتل دارای آسانسوری است که با سرعت ۷ متر در ثانیه حرکت می‌کند. ۳ـ این هتل دارای رستوران گردانی است که در ارتفاع ۲۰۰ متری ساخته شده است.

۸۰ـ أُمٌّ أَخفَتْ جُثَّةَ ابْنَتِهَا عِشْرِينَ عَاماً.

أَفَادَتْ صَحِيفَةُ «نيويورك تايمز»: أَنَّ الشُّرْطَةَ الْأَمِرِيكِيَّةَ عَثَرَتْ عَلَى جُثَّةِ فَتَاةٍ فِي الثَّالِثَةِ مِنَ الْعُمْرِ أَخْفَتْهَا أُمُّهَا قَبْلَ عِشْرِينَ عَاماً فِي خِزَانَةٍ دَاخِلَ شُقَّتِهَا فِي (نيويورك). وَأَضَافَتِ الصَّحِيفَةُ: أَنَّ الْأُمَّ الَّتِي تُدْعَى «مَادِلِين» أُوقِفَتْ وَمِنَ الْمُنْتَظَرِ أَنْ يُوَجَّهَ إِلَيْهَا اتِّهَامٌ بِالْقَتْلِ. وَأَشَارَتْ إِلَى أَنَّ جُثَّةَ الْفَتَاةِ الَّتِي كَانَتْ تَبْلُغُ الثَّالِثَةَ وَالعِشْرِينَ مِنَ الْعُمْرِ الْآنَ عُثِرَ عَلَيْهَا مَلْفُوفَةً بِأَوْرَاقِ

صَحِيفَةٍ تَحْمِلُ تَارِيخَ الرَّابِعِ مِنْ تِشْرِينِ الثَّانِي نُوفَمْبر ۱۹۷۹. وَأَوْضَحَتِ الْمَسْؤُولَةُ عَنْ إِدَارَةِ الْمَبْنَى لِصَحِيفَةِ «نِيُويُورْك تَايْمْز» بَعْدَ اكْتِشَافِ جُثَّةِ الطِّفْلَةِ: أَنَّ «مادلين» كَانَتْ تَتَوَهَّمُ بِاسْتِمْرَارٍ أَنَّهَا تَسْمَعُ صُرَاخَ أَطْفَالٍ وَغَالِباً مَا كَانَتْ تَشْتَكِي مِنْ ذَلِكَ إِلَى الْمُحِيطِينَ بِهَا. وَعَلَى الرُّغْمِ مِنْ تَأْكِيدَاتِ الْمَسْؤُولَةِ عَنْ إِدَارَةِ الْمَبْنَى بِعَدَمِ وُجُودِ أَطْفَالٍ فِي الْمَبْنَى إِلَّا أَنَّ «مادلين» كَانَتْ تَسْمَعُ صُرَاخَهُمْ بِاسْتِمْرَارٍ.

۸۰ـ مادری که جنازه‌ی دخترش را بیست سال پنهان کرد.

روزنامه‌ی «نیویورک تایمز» گزارش داد: پلیس «آمریکا» جنازه‌ی یک دختر سه ساله را که بیست سال پیش، مادرش او را داخل یک کمد در آپارتمانش در «نیویورک» پنهان کرده بود، پیدا کرد. این روزنامه در ادامه افزود: این مادر که «مادلین» نام دارد، توقیف شد و انتظار می‌رود که متهم به قتل شود. روزنامه‌ی مذکور اشاره کرد: جنازه‌ی این دختر که الان عمرش به بیست و سه سال می‌رسد، در حالی پیدا شد که در ورقهای روزنامه‌ای پیچیده شده بود که تاریخ آن نوامبر ۱۹۷۹ است. بعد از کشف جنازه‌ی بچه، خانم مسئول اداره‌ی ساختمان، به روزنامه‌ی «نیویورک تایمز» گفت: «مادلین» همیشه تصور می‌کرد که فریاد بچه‌ها را می‌شنود و غالباً از این مسئله به اطرافیان خود شکایت می‌کرد. با وجود تأکید خانم مسئول ساختمان، به نبودن اطفال در ساختمان، ولی «مادلین» فریاد آنها را دائماً می‌شنید.

عَثَرَ عَلَى....: ... را پیدا کرد.
أَخْفَاه: آن را پنهان کرد.
أَوْقَفَهُ: او را دستگیر کرد. **أُوقِفَ:** دستگیر شد.
وَجَّهَ اِلَيْهِ اتِّهَاماً: او را متهم کرد. **يُوَجَّهُ اِلَيْهِ اتِّهاماً:** مورد اتهام قرار می‌گیرد.
المَلْفُوفَة: پیچیده شده.
تَوَهَّمَ أَنَّ...: توهم کرد که ...

الصُّرَاخ: فریاد. کرد.
غَالِباً: اکثر مواقع. **المُحِيطِين**: اطرافیان.
اِشْتَکَی مِنْ ... اِلَی ...: از ... به ... شکایت **بِاسْتِمْرَار**: دائماً.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ أَيْنَ أُخْفِيَتْ جُثَّةُ الفَتَاةِ؟ ۲ـ کَيْفَ وَجَدَتِ الشُّرْطَةُ الجُثَّةَ؟ ۳ـ مَاذَا کَانَتْ تَتَوَهَّمُ «مادلین» دَائِماً؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ همسایه‌ی ما همیشه از شنیدن صدای بچه‌ها شکایت می‌کند. ۲ـ چیزی نیافتیم که جسد بچه را در آن بپیچیم. ۳ـ تو گمان می‌کنی که صدای بچه‌ها را می‌شنوی.

۸۱ـ اسْتِعْمَالُ النِّيکُوتينِ کَمَادَّةٍ مُسَکِّنَةٍ لِلْآلامِ.

اِسْتَطَاعَ الْبَاحِثُونَ الْفَرَنْسِيُّونَ بَعْدَ وُقُوفِهِمْ عَلَى تَأْثِيرَاتِ مَادَّةِ النِّيکُوتينِ عَلَى الدِّمَاغِ مِنَ التَّمْهِيدِ لِصُنْعِ الْأَدْوِيَةِ المُسَکِّنَةِ لِلَآلامِ تُسَبِّبُ إِدْمَاناً أَقَلَّ بِکَثِيرٍ مِنِ اسْتِعْمَالِ مَادَّةِ الْمُورفِينِ. ذَکَرَتْ ذَلِکَ الصُّحُفُ الْفَرَنْسِيَّةُ وَأَضَافَتْ: أَنَّ الْبَاحِثِينَ وَقَفُوا خِلالَ الدِّرَاسَاتِ الَّتِي أَجْرَوْهَا عَلَى مَادَّةِ النِّيکُوتِينِ بِأَنَّهَا ذَاتُ تَأْثِيرٍ مُبَاشِرٍ عَلَى مُسْتَقْبِلَتَيْ (الفَا ۴) وَ(بيتا۲) فِي الدِّمَاغِ فِي تَخْدِيرِ الْآلامِ، وَبِذَلِکَ ثَبَتَ لَدَيْهِمُ الْعلاقَةُ الْمُبَاشِرَةُ بَيْنَ هَاتَيْنِ الْمُسْتَقْبِلَتَيْنِ وَبَيْنَ تَخْدِيرِ أَوْ تَسْکِينِ الْآلامِ وَبِالتَّالِي إِمْکَانِيَّةُ صُنْعِ الْأَدْوِيَةِ الَّتِي تُؤَثِّرُ عَلَيهِمَا لِتَسْکِينِ الْآلامِ دُونَ أَنْ تُؤَدِّيَ إِلَى حَالاتِ الإِدمَانِ کَمَا هُوَ الْحَالُ فِي مَادَّةِ الْمُورفِينِ. لِذَلِکَ بَدَأَ الْبَاحِثُونَ بِالتَّوَجُّهِ نَحْوَ الإِهْتِمَامِ بِمَادَّةِ النِّيکُوتِينِ وَالتَّرْکِيبَاتِ الْمُشَابِهَةِ لهَا بِاعْتِبَارِهَا مَجْمُوعَةً طِبِّيَّةً جَدِيدَةً

لِتَخْدِيرِ الْآلَامِ الْحَادَّةِ وَيَأْمُلُونَ مِنْ خِلَالِ ذَلِکَ صُنْعَ أَدْوِيَةٍ مُسَكِّنَةٍ قَوِيَّةٍ فِي الْأَمَدِ الْقَرِيبِ لا تَحْمِلُ خَصَائِصَ الإِدْمَانِ أَوْ أَيَّةَ أَعْرَاضٍ جَانِبِيَّةٍ أُخْرَى.

۸۱ـ استفاده از نیکوتین به جای یک ماده‌ی مسکن درد.

محققان فرانسوی پس از اطلاع از تأثیرات ماده‌ی نیکوتین بر مغز، توانستند مقدمات ساخت داروهای مسکن درد را که موجب اعتیاد کمتری در مقایسه با استفاده از ماده‌ی مورفین می‌شود، فراهم کنند. این مطلب را روزنامه‌های فرانسوی نقل کردند و افزودند: محققان در طی تحقیقاتی که بر روی ماده‌ی نیکوتین انجام دادند، اطلاع یافتند که این ماده تأثیر مستقیم بر گیرنده‌های (الفا ۴) و (بتا ۲) در مغز، برای بی‌حسی دردها دارد و به همین دلیل رابطه‌ی مستقیم بین این دو گیرنده و بین تسکین درد برای آنها ثابت شده و در نتیجه امکان ساخت داروهایی که بر این دو گیرنده، برای تسکین دردها تأثیر می‌گذارند، فراهم شده است، بدون اینکه مانند مورفین منجر به اعتیاد شود. به همین دلیل محققان به ماده‌ی نیکوتین و ترکیبات مشابه آن اهتمام بسیار نشان دادند، با توجه به اینکه اینها مجموعه‌ی طبی جدیدی برای تسکین دردهای شدید به شمار روند و امیدوارند که در آینده‌ی نزدیک از این طریق، داروهای مسکن و قوی‌ای بسازند که ویژگیهای اعتیاد آور و عوارض جانبی دیگر را نداشته باشند.

اِسْتَطَاعَهُ: توانایی آن را داشت.
الوُقُوفُ عَلَى...: اطلاع، آگاهی از...
الأَدْوِيَة: مف: الدواء: دارو.
الآلَام: مف: الأَلَم: درد.
سَبَّبَهُ: موجب آن شد.
الإِدْمَان: اعتیاد.
أَقَلّ: کمتر.
أَجْرَى دِرَاسَةً عَلَى ...: تحقیقاتی بر ... انجام داد.
المُسْتَقْبَل: گیرنده.

التَّخْدِير: بی‌حس کردن.
ثَبَتَ ـُ ثَبْتاً: ثابت شد.
العَلاقَةُ المُبَاشَرَة: رابطه‌ی مستقیم.
أَثَّرَ عَلَی ...: بر ... تأثیر گذاشت.
أَدَّی اِلَی...: ... منجر به...شد
بَدَأَ ـَ بَدْأً بِـ...: شروع به...کرد
التَّوَجُّه نَحْوَ: رو آوردن به...
باعْتِبَارِهَا: با توجه به اینکه، از نظر اینکه.
الحَادَّة: تند.
الأَمَدُ القَرِيب: آینده نزدیک.
حَمَلَ ـ حَمْلاً ہُ: آن را دربرداشت. **لا تَحْمِلُهُ**: آن را دربر ندارد.
الخَصَائِص: مف: الخصيصة: ویژگی.
الأَعْرَاضُ الجَانِبِيَّة: عوارض جانبی.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَاذَا آسْتَطَاعَ البَاحِثُونَ الْفَرَنْسِيُّونَ؟ ۲ـ مَاذَا يَأْمُلُ البَاحِثُونَ خِلالَ هَذَا الْكَشْفِ؟
۳ـ مَاذَا ثَبَتَ لَدَی هَؤلاءِ البَاحِثِينَ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ محققان از ماده‌ی نیکوتین دارویی ساخته‌اند که موجب تسکین درد می‌شود.
۲ـ داروی جدید مانند مرفین منجر به اعتیاد نمی‌شود. ۳ـ این داروی جدید عوارض جانبی ندارد.

۸۲ـ نِصْفُ أَنْهَارِ العَالَمِ مُلَوَّثَةٌ.

قَالَتِ اللُّجْنَةُ الْعَالَمِيَّةُ لِلْمِيَاهِ لِلْقَرْنِ الْحَادِي وَالْعِشْرِينَ: إِنَّ أَكْثَرَ مِنْ نِصْفِ أَنْهَارِ الْعَالَمِ الْكُبْرَى تَتَعَرَّضُ لإِسْتِنْزَافٍ وَتَلَوُّثٍ خَطِيرٍ. وَقَالَ «اسْمَاعِيل سِرَاجُ الدِّين» رَئِيسُ اللُّجْنَةِ وَهُوَ أَيْضاً نَائِبُ رَئِيسِ الْبَنْکِ الدُّوَلِيِّ لِلْمُنْتَجَاتِ الْخَاصَّةِ فِي بَيَانٍ: إِنَّ ۲۵ مَلْيُونَ نَسَمَةٍ فَرُّوا مِنْ دِيَارِهِمْ عَامَ ۱۹۹۸ بِسَبَبِ مَا

أَصَابَ أَحْوَاضَ الْأَنْهَارِ مِنِ اسْتِنْزَافٍ وَتَلَوُّثٍ وَتَحَاتٍّ وَتَسَمُّم وَهُوَ مَا يَفُوقُ عَدَدَ اللاجِئِينَ بِسَبَبِ الحُرُوبِ لِلْمَرَّةِ الأُولَى فِي التَّارِيخ. وَأَضَافَ قَوْلَهُ: أَنَّهُ بِحُلُولِ عَام ٢٠٢٥ قَدْ يَزِيدُ عَدَدُ النَّازِحِينَ لِأَسْبَابٍ بِيئِيَّةٍ إِلَى أَرْبَعَةِ أَمْثَالِ مَا هُوَ عَلَيْهِ الْآنَ. وَاللُّجْنَةُ الْعَالَمِيَّةُ لِلْمِيَاهِ جَمَاعَةٌ مُتَعَدِّدَةُ الْأَطْرَافِ مَقَرُّهَا «بَارِيْس» يُمَوِّلُهَا الْبَنْكُ الدُّوَلِيُّ وَالْأُمَمُ الْمُتَّحِدَةُ. وَالتَّلَوُّثُ بِشَكْلٍ خَطِيرٍ يُؤَدِّي إِلَى تَدَهْوُرِ وَتَسَمُّمِ البِيئَاتِ الْمُحِيطَةِ مِمَّا يُعَرِّضُ لِلْخَطَرِ الصِّحَّةَ وَمَصْدَرَ العَيشِ لِلنَّاسِ الَّذِينَ يَعْتَمِدُونَ عَلَيْهَا فِي الرِّيِّ وَالشُّرْبِ وَالْأَغْرَاضِ الصِّنَاعِيَّةِ. وَقَالَ «سِرَاجُ الدِّين»: إِنَّ الإِفرَاطَ فِي الْإِسْتِخْدَام وَسُوءِ الْإِستخدَام لِلْأَرْضِ وَمَوَارِدِ المِيَاهِ فِي أَحْوَاضِ الْأَنْهَارِ فِي الدُّوَلِ الصِّنَاعِيَّةِ وَالنَّامِيَةِ عَلَى السَّوَاءِ هُوَ السَّبَبُ الرَّئِيسيُّ لِتَدَهْوُرِهَا. وَقَالَتِ اللُّجْنَةُ: إِنَّهُ بَيْنَ أَكْثَرِ الْأَنْهَارِ تَعَرُّضاً لِهَذِهِ الضُّغُوطِ النَّهْرُ الْأَصْفَرُ فِي «الصِّين» وَنَهْرُ «كُولُورَادُو» فِي «الوِلايَاتِ الْمُتَّحِدَةِ» وَ«النِّيلِ» فِي «إِفْرِيقِيَا» وَ«الفُولْغَا» فِي «رُوسِيَا» وَ«الغَانْغِ» فِي جَنُوبِ آسِيَا.

۸۲ـ نیمی از رودهای جهان آلوده است.

کمیته‌ی جهانی آبهای قرن بیست و یکم اظهار داشت: بیش از نیمی از رودخانه‌های بزرگ جهان در معرض خشک شدن و آلودگی خطرناک قرار دارند. «اسماعیل سراج الدین» رئیس این کمیته که معاون بانک جهانی تولیدات خاص نیز هست، در بیانیه‌ای اظهار داشت: ۲۵ میلیون نفر در سال ۱۹۹۸، به علت اتفاقاتی که برای سرچشمه‌ها و حوزه‌های آبریز رودخانه‌ها همچون خشک شدن، آلودگی، فرسایش و مسمومیت، بوجود آمده، از سرزمین‌های خود فرار کرده‌اند و این مسئله در تاریخ، برای اولین بار، بیشتر از تعداد پناهندگان به علت جنگ‌ها است. او در ادامه گفت: با رسیدن سال ۲۰۲۵ تعداد آوارگانِ عوامل زیست محیطی، به چهار برابر

میزان کنونی خواهد رسید. کمیته‌ی جهانی آبها، گروهی با شاخه‌های مختلف است که مرکز آن «پاریس» است و «بانک جهانی» و «سازمان ملل» از آن حمایت مالی می‌کنند. آلودگی شدید موجب بحران و مسمومیت محیط اطراف می‌گردد به طوری که سلامت و منبع زندگی مردمی راکه در آبیاری، آشامیدن و اهداف صنعتی به آن تکیه دارند ـ در معرض خطر قرار می‌دهد. سراج الدین گفت: افراط در استفاده و استفاده نابجا از زمین و منابع آبی در سرچشمه‌های رودخانه‌ها درکشورهای صنعتی و در حال رشد، به طور یکسان، علت اصلی بحران است. این کمیته اظهار داشت: از میان رودخانه‌ها، رودخانه زرد در چین، کولورادو در امریکا، نیل در افریقا، ولگا در روسیه و گنگ در جنوب آسیا، بیشتر از بقیه در معرض این فشارها قرار دارند.

أَنْهَار: مف: النَهْر: رودخانه.
المُلَوَّث: آلوده.
اللَّجْنَة: کمیته ج: لُجَان.
تَعَرَّضَ لِـ...: در معرض...قرارگرفت.
الاِسْتِنْزَاف: تمام شدن، استفاده شدن.
الخَطِير: خطرناک.
المُنْتَجَاتُ الخَاصَّة: تولیدات خاص.
النَّسَمَة: فرد، شخص.
الأَحْوَاض: مف: الحوض: منبع، بستر رودخانه‌ها.
التَّحَاتّ: فرسایش، تحلیل.
التَّسَمُّم: مسمومیت.
فَاقَ يَفُوقُ فَوْقاً هُ: بیشتر بود.
اللّاجِي: پناهنده.
الحُرُوب: مف: الحرب: جنگ.
النَّازِح: مهاجر، کوچ کننده.
البِيْئَة: محیط زیست.
مُتَعَدِّدَةُ الأَطرَاف: چند جانبه، پراکنده.
مَوَّلَهُ: از او حمایت مالی کرد.
الإِعْدَاد: جمع‌آوری، تهیه.
المُنْتَدَى: کانون، انجمن، باشگاه.
أَدَّى إِلَى...: منجر به...شد
التَّدَهْوُر: بحرانی شدن.
خَطَرُ الصِّحَّة: خطر سلامتی.
عَرَّضَهُ لِـ...: آن را در معرض .. قرار داد.
مَصْدَرُ العَيْش: منبع زندگی.

اِعْتَمَدَ اِلَی...: به...تکیه کرد

الرِّيّ: آبیاری.

الأَغرَاضُ الصِّنَاعِيَّة: اهداف صنعتی.

المَوَارِد: مف: المَوْرِد: چشمه، آبشخور.

النَّامِيَة: در حال رشد.

عَلَی السَّواء: به طور یکسان.

أَكْثَرَ تَعَرُّضاً: بیشتر از جهت در معرض بودن.

الضُّغُوط: مف: الضَّغْط: فشار.

النَّهْرُ الأَصْفَر: رودخانه زرد.

الفُولْغَا: (رود) ولگا.

الغَانْغ: (رود) گنگ.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ کَمْ نَهْراً فِي العَالَمِ تَتَعَرَّضُ لِلاسْتِنْزَافِ وَ التَّلَوُّثِ؟ ۲ـ لِمَاذَا فَرَّ النَّاسُ مِنْ دِيَارِهِمْ؟ ۳ـ إِلامَ يُؤَدِّي التَّلَوُّثُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ مردم به علت خشک شدن و آلودگی رودخانه‌ها از سرزمین خود فرار کردند. ۲ـ آلودگی شدید موجب بحران و مسمومیت شد. ۳ـ علت اصلی بحران استفاده‌ی بد از منابع آبی است.

۸۳ـ أَطْفَالٌ يَلْعَبُونَ بـ ۲۶۷ مَلْيونَ دُولارٍ

ذَكَرَتْ صَحِيفَةُ «عُكَّاظ» السُّعُودِيَّةُ: أَنَّ السُّعُودِيَّةَ تَسْتَوْرِدُ مَا قِيمَتُهُ مِيلْيَارُ رِيَالٍ (۲۶۷ مَلْيُونَ دُولارٍ تَقْرِيباً) مِنْ أَلْعَابِ الْأَطْفَالِ سَنَوِيّاً فِي حِينِ ۱۰ ٪ فَقَطْ مِن احْتِيَاجَاتِ الْمَمْلَكَةِ فِي أَلْعَابِ الْأَطفَالِ تُصْنَعُ مَحَلِّيّاً. وَأَوْضَحَتِ الصَّحِيفَةُ: أَنَّ الْأَلعَابَ وَخُصُوصاً الْأَلعَابُ الإِلكْتِرُونِيَّةُ تُسْتَوْرَدُ بِشَكْلٍ خَاصٍّ مِنَ «الصِّينِ» وَ«كوريَا الجَنُوبِيَّة» وَ«اليَابَانِ» وَ«ايطَاليَا». وَأَضَافَتْ: أَنَّ الْمَمْلَكَةَ تَضُمُّ مَصْنَعاً وَاحِداً لِأَلْعَابِ الْأَطْفَالِ الْبِلاسْتِيكِيَّةِ يُلَبِّي ۱۰ ٪ فَقَطْ مِنِ

احْتِيَاجَاتِ السُّوقِ السُّعُودِيَّةِ. وَنَقَلَتِ الصَّحِيفَةُ عَنْ تَاجِرٍ لِأَلْعَابِ الأَطْفَالِ فِي «مَكَّةَ» قَوْلَهُ: أَنَّ الْأَلْعَابَ الْمُسْتَوْرَدَةَ لاسِيَّمَا مِنَ «الصِّينِ» تُكَلِّفُ أَقَلَّ بِكَثِيرٍ لَوْ صُنِعَتْ مَحَلِّيّاً.

۸۳ـ بچه‌هایی که با ۲۶۷ میلیون دلار بازی می‌کنند.

روزنامه‌ی «عکاظ» عربستان گزارش داد: کشور «عربستان»، سالانه یک ملیارد ریال، معادل تقریبی ۲۶۷ میلیون دلار اسباب‌بازی بچه‌گانه وارد می‌کند و این در حالی است که فقط ۱۰ ٪ از نیاز کشور به اسباب‌بازی کودکان، در داخل ساخته می‌شود. این روزنامه در توضیح می‌گوید: اسباب‌بازیها، بویژه اسباب‌بازیهای الکترونیکی از «چین»، «کره‌ی جنوبی»، «ژاپن» و «ایتالیا» وارد می‌شوند. روزنامه‌ی مذکور در ادامه افزود: کشور «عربستان» یک کارخانه‌ی اسباب‌بازی پلاستیکی بچه‌گانه دارد که فقط ۱۰ ٪ از تقاضای بازار «سعودی» را تأمین می‌کند، این روزنامه از یک تاجر اسباب بازی در «مکه» نقل کرده است: اسباب‌بازیهای وارداتی بویژه از «چین» بسیار ارزانتر تمام می‌شود تا اینکه در داخل تولید شود.

السُّعُودِيَّة: عربستان.
اِسْتَوْرَدَه: آن را (کالا را) وارد کرد.
الأَلْعَاب: مف: اللُّعْبَة: اسباب بازی.
مَحَلِّيّاً: داخلی، به شکل محلی و داخلی. **أَوْضَحَ أنَّ...**: توضیح داد که ...
اليَابَان: ژاپن.
ضَمَّ ـُ ضَمّاً هُ: آن را دربر داشت.
لَبَّاهُ: به او پاسخ مثبت داد.
السُّوق: بازار، ج: أَسْوَاق.
المُسْتَوْرَدَة: وارداتی.
كَلَّفَهُ ثَمَناً: هزینه‌ای بر او تحمیل کرد.
تُكَلِّفُ أَقَلَّ بِكَثِيرٍ: بسیار ارزانتر تمام می‌شود.

□ تمرین

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ کَمْ دُولاراً تَسْتَوْرِدُ السُّعُودِیَّةُ مِنْ أَلْعَابِ الْأَطْفَالِ؟ ۲ـ مِنْ أَیْنَ تَسْتَوْرِدُ السُّعُودِیَّةُ الْأَلْعَابَ الإلِکْتِرُونِیَّةَ؟ ۳ـ کَمْ مَصْنَعاً لأَلْعَابِ الْأَطْفَالِ تَضُمُّ السُّعُودِیَّةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ کشور اسلامی نباید مواد غذایی از خارج کشور وارد کند. ۲ـ ساختن اسباب بازی برای ما هزینه‌ی زیادی دارد. ۳ـ کشور ما کارخانه‌های بسیاری دارد.

۸۴ـ رَوَاتِبُ لِمُتَسَوِّلِینَ فِي النَّمْسَا.

ذَکَرَ مَسْؤُولُونَ: أَنَّ «غِرَاتْس» ثَانِيَ أَکْبَرِ مَدِینَةٍ فِي «النَّمسَا» سَتَدْفَعُ ۳۵۰۰ شِلِنٍ نمسَاويٍّ (۲۶۰ دُولاراً) شَهْرِیّاً لِلْمُتَسَوِّلِینَ فِي مُحَاوَلَةٍ لإِخْلاءِ الشَّوَارِعِ مِنْهُمْ. وَسَتُرْسِلُ إِدَارَةُ الْخَدَمَاتِ الْإِجْتِمَاعِیَّةِ هُنَاکَ مَعُونَةً مَالِیَّةً مُقَابِلَ أَدَاءِ بَعْضِ الْأَعْمَالِ وَذَلِکَ بَدَلاً مِنْ مُضَایَقَةِ المَارَّةِ فِي وَسَطِ الْمَدِینَةِ. وَقَالَ رَئِیسُ الْخَدَمَاتِ الإِجْتِمَاعِیَّةِ فِي «غِرَاتْس» لِرُویترز: «نَحْنُ لا نَتَحَدَّثُ عَنْ عَمَلٍ مُنْتَظِمٍ. فَمِنَ النَّاحِیَةِ الْقَانُونِیَّةِ لا یُعَدُّ ذَلِکَ مُمْکِناً حَیْثُ یَحْتَاجُ الأَجَانِبُ إِلَی تَصْرِیحِ عَمَلٍ.» وَمُعْظَمُ الْمُتَسَوِّلِینَ فِي «غِرَاتْس» مِنَ الْغَجَرِ الْقَادِمِینَ مِنْ «سِلُوفَا» الْمُجَاوِرَةِ. وَسَتَسْتَمِرُّ التَّجْرِبَةُ الَّتِي بَدَأَتْ یَوْمَ الْجُمُعَةِ المَاضِي عِدَّةَ أَشْهُرٍ حَتَّی یَتِمَّ تَقْوِیمُ مَدَی فَعَّالِیَّتِهَا.

۸۴ـ حقوق برای گدایان در اتریش.

مسئولان (اتریش) اعلام کردند: «گراتس» دومین شهر بزرگ «اتریش» ماهانه ۳۵۰۰ شلینگ (۲۶۰ دلار) به منظور تخلیه‌ی خیابانها از گدایان به آنها می‌پردازد. اداره‌ی تأمین خدمات اجتماعی آنجا (آن شهر) یک کمک مالی در مقابل انجام

بعضی از کارها می‌فرستد و این در مقابل مزاحمت (گدایان برای) عابران در مرکز شهر است. رئیس خدمات اجتماعی شهر «گراتس»، به خبرگزاری «رویتر» اعلام کرد: ما از یک کار مرتب و منظم سخن نمی‌گوییم، از جهت قانونی این کار ممکن نیست، زیرا بیگانگان نیازمند اجازه‌ی کار هستند و بیشتر گدایان در شهر «گراتس» از کولی‌هایی هستند که از کشور همسایه اسلوونی می‌آیند. تجربه‌ای که روز جمعه‌ی گذشته، شروع شده چند ماه ادامه می‌یابد تا میزان تأثیر آن ارزیابی شود.

الرَّوَاتِب: مف: الرّاتب: حقوق.
دَفَعَ ـَ دَفْعاً هُ: آن را پرداخت.
شَهْرِيّاً: ماهانه.
المُتَسَوِّل: گدا.
الإِخْلاء: خالی کردن.
أَرْسَلَهُ: آن (او) را فرستاد.
الخَدَمَاتُ الاجْتِمَاعِيَّة: خدمات اجتماعی. **المَعُونَة**: کمک.
الأَدَاء: انجام.
المُضَايَقَة: تنگی، دردسر.
المَارَّة: مف: المارّ: عابر پیاده.
العَمَلُ المُنْتَظِم: کار منظم و مرتب.
الأَجَانِب: مف: الأَجنبيّ: خارجی، بیگانه.
تَصْرِيحُ العَمَلِ: اجازه کار.
الغَجَر: مف: الغجريّ: کولی، غربتی.
القَادِم: مسافر، از راه رسیده.
اسلُوفَا: اسلوونی.
المُجَاوِرَة: همسایه.
اِسْتَمَرَّ: ادامه یافت.
تَمَّ تَقْوِيمُ مَدَى...: اندازه گیری میزان ... انجام شد.

☐ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا تَدْفَعُ الْحُكُومَةُ ۳۵۰۰ شلن شَهْرِياً لِلْمُتَسَوِّلِينَ؟ ۲ـ مِنْ أَيْنَ يَأْتِي أَكْثَرُ الْمُتَسَوِّلِينَ؟ ۳ـ كَمْ شَهَراً تَسْتَمِرُّ هٰذِهِ التَّجْرِبَةُ وَ لِمَاذَا؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ دولت باید ماهیانه به گداها پول بپردازد و شهر را از آنها خالی کند. ۲ـ از یک کار منظم و مرتب حرف بزن. ۳ـ جمع کردن گدایان در کشور ما امکان‌پذیر نیست.

۸۵ـ فِيتَامِين (E) يَقْتُلُ الخَلايَا السَّرَطَانِيَّة.

قَالَ الْبَاحِثُونَ الْأَمرِيكِيُّونَ: إِنَّ مَادَّةً كِيمِيَاوِيَّةً مُشْتَقَّةً مِنْ فِيتَامِين (E) تَسْتَطِيعُ قَتْلَ الْخَلايَا السَّرَطَانِيَّةِ حَتَّى تِلْكَ الَّتِي تَعْجِزُ الْعَقَاقِيرُ الْأُخْرَى عَنِ الْقَضَاءِ عَلَيْهَا. وَأَفَادَ الدُّكْتُورُ «اَرِي مَاوِر» مِنْ مُسْتَشْفَى الْأَطْفَالِ فِي «لُوسْ انْجِلِس»: أَنَّهُ وَ رِفَاقَهُ تَوَصَّلُوا إِلَى مَادَّةٍ كِيمِيَاوِيَّةٍ تُعَدُّ وَاحِدَةً مِنَ الْمُشْتَقَّاتِ الْكَثِيرَةِ لِفِيتَامِين (E) يُمْكِنُ إِضَافَتُهَا إِلَى عَقَاقِيرَ يَتَنَاوَلُهَا بَعْضُ مَرْضَى السَّرَطَانِ. وَقَالَ الْبَاحِثُونَ فِي تَقْرِيرٍ نُشِرَ فِي مَجَلَّةِ «الْمَعْهَدِ الْقَوْمِيِّ لِلسَّرَطَانِ»: إِنَّ هَذِهِ المَادَّةِ الْكِيمِيَاوِيَّةِ، ثَبَتَ أَنَّهُ يُمْكِنُهُ قَتْلُ الخَلايَا السَّرَطَانِيَّةِ خَاصَّةً خَلايَا سَرَطَانِ الرَّحَمِ وَالنُّخَاعِ الشَّوْكِيِّ. وَتَعْلِيقاً عَلَى الْاِكْتِشَافِ قَالَ الدُّكْتُورُ «جُونْ رِيد» مِنْ مَعْهَدِ «بُورِنْهَام» فِي «كَالِيفُورْنِيَا»: إِنَّ الْمَادَّةَ الْمُشْتَقَّةَ تَمَّ اخْتِبَارُهَا بِالفِعْلِ عَلَى الإِنْسَانِ مُضِيفاً: أَنَّ مَعْرِفَةَ طَرِيقَةِ عَمَلِهَا رُبَّمَا تُسَاعِدُ الْعُلَمَاءَ فِي تَطْوِيرِ عَقَاقِيرَ أَكْثَرَ فَعَّالِيَّةً تَسْتَمِدُّ هِيَ مَفْعُولَهَا مِنْ تَأْثِيرِ تِلْكَ المَادَّةِ.

۸۵ـ ویتامین (E) سلولهای سرطانی را از بین می‌برد.

محققان امریکایی می‌گویند: یک ماده‌ی شیمیایی مشتق از ویتامین (E)، می‌تواند سلول‌های سرطانی و حتی سلول‌هایی راکه داروهای دیگر از تسلط بر آنها ناتوان هستند، بکشد. دکتر «اری ماور» از بیمارستان کودکان در «لوس آنجلس» گفت: او و دوستانش به یک ماده‌ی شیمیایی دست یافته‌اند که یکی از مشتقات متنوع

ویتامین (E) محسوب می‌شود و می‌توان آن را به داروهای دیگری که بعضی از بیماران سرطانی مصرف می‌کنند، اضافه کرد. محققان در گزارشی که در مجله‌ی «آکادمی ملی سرطان» منتشر شده اظهار داشتند: ثابت شده که این ماده‌ی شیمیایی می‌تواند سلول‌های سرطانی، خصوصاً سرطان رحم و نخاع شوکی را از بین ببرد. در توضیح این اکتشاف علمی دکتر «جان رید» از مرکز تحقیقات «بورنهام» در «کالیفرنیا» گفت: آزمایش این ماده‌ی مشتق، عملا بر روی انسان آزمایش شده است. او در ادامه افزود: شناخت شیوه‌ی عمل این ماده، ممکن است به دانشمندان کمک کند که داروهایی با تأثیر بیشتر، تهیه کنند که کارآیی خود را از تأثیر این ماده می‌گیرند.

المَادَّةُ الكيمِيَاوِيَّة: ماده شیمیایی.
المُشْتَقَّة: مشتق شده.
اِسْتَطَاعَهُ: آن کار را توانست انجام دهد.
الخَلايَا: مف: الخَلِيَّة: سلول.
العَقَاقِير: مف: العِقَّار: دارو.
القَضَاء عَلَى ...: از بین بردن ... کشتنِ ...
تَوَصَّلَ اِلَی ...: به...دست یافت.
عَدَّ يَعُدُّ عَدّاً هُ: به حساب آورد، شمرد.
تُعَدُّ: به شمار می‌آید
إِضَافَتِهَا: اضافه کردن آن.
تَنَاوَلَه: آن را خورد.
المَرْضَى: مف: مریض: بیمار.

ثَبَتَ ـُ ثَبْتاً أنَّ...: ثابت شد که ...
أَمْكَنَهُ شَيْئاً: چیزی یا کاری را توانست.
النُّخَاعُ الشَّوكِيّ: نخاع شوکی.
تَعْلِيقاً: در توضیح، برای توضیح.
تَمَّ اخْتِبَارُهُ: آزمایش آن انجام شده.
مُضِيفاً: در حالی که اضافه کرد.
رُبَّمَا: شاید.
سَاعَدَه: کمکش کرد.
التَّطْوِير: ساختن.
اِسْتَمَدَّ مِنْ...: از...کمک خواست
المَفْعُول: تأثیر.

□ **تمرين**

الف) به سؤالات زير پاسخ دهيد:

۱ـ أَيُّ مَادَّةٍ كِيمِيَاوِيَّةٍ تَسْتَطِيعُ قَتْلَ الْخَلايَا السَّرَطَانِيَّةِ؟ ۲ـ كَـيْفَ تَـمَّ اخْـتِبَارُ هٰـذِهِ المَادَّةِ المُشْتَقَّةِ؟ ۳ـ فِيمَ تُسَاعِدُ هٰذِهِ المَادَّةُ الْجَدِيدَةُ الْعُلَمَاءَ؟

ب) ترجمه كنيد:

۱ـ اين ماده مى‌تواند سلولهاى سرطانى را از بين ببرد ولى آن يكى از اين كار عاجز است. ۲ـ من به ماده‌اى دست يافتم كه از مشتقات ويتامين (A) محسوب مى‌شود.
۳ـ دانشمندان آزمايشهاى متعددى را بر روى انسان انجام دادند.

۸۶ـ قَانُونٌ يَنُصُّ عَلَى احْتِرَامِ الكِبَارِ

أَصْبَحَ احْتِرَامُ الْكِبَارِ قَانُوناً فِي وِلايَةِ «لُوِيزِيَانَا الْأَمرِيكِيَّةِ» بَعْدَ أَنْ وَقَّعَ حَاكِمُ الْوِلايَةِ الْجُمْهُورِيَّةِ عَلَى مُسَوَّدَةِ قَانُونٍ تَأْمُرُ الطَّلَبَةَ بِمُخَاطَبَةِ مُعَلِّمِيهِمْ وَمُوَظَّفِينَ آخَرِينَ بِالمَدْرَسَةِ (بِسَيِّدَتِي) أَوْ (سَيِّدِي). وَيُحَتِّمُ عَلَى الطَّلَبَةِ أَيْضاً الإِشَارَةَ إِلَى جَمِيعِ الْكِبَارِ بالسَّيِّدِ وَالسَّيِّدَةِ وَإِلَّا سَيُوَاجِهُونَ عُقُوبَاتٍ تَأْدِيبِيَّةً. وَقَالَ الحَاكِمُ: إِنَّ عَلَى أَوْلِيَاءِ أُمُورِ الصِّغَارِ تَعْلِيمَهُمْ مَبَادِئَ احْتِرَامِ الْآخَرِينَ وَلَكِنْ عِنْدَمَا لايَتَحَقَّقُ ذَلِكَ فَعَلَى الْـمَدَارِسِ التَّـدَخُّلُ. وَأَوْضَـحَ «دُونْ كِرَافِينْز» الْعُضْوُ الدِّيمُقْرَاطِيُّ بِمَجْلِسِ شُيُوخِ الْوِلايَةِ الَّـذِي أَشْـرَفَ عَلَى وَضْعِ مُسَوَّدَةِ القَـانُونِ: أَنَّـهُمَا قِـيمَتَانِ غَـيرُ مُـتَوَاجِـدَتَينِ فِـي شُـبَّانِ الْوِلايَاتِ المُتَّحِدَةِ هَذِهِ الْأَيَّامَ الْأَمْرُ الَّذي يُسَاهِمُ فِي تَزَايُدِ أَعْمَالِ العُـنْفِ بَيْنَهُمْ. وَيُلْقِي بَعْضُ الْمُعَلِّقِينَ باللَّومِ فِـي أَعْـمَالِ الْعُنْفِ «الَّـتِي تَشْـهَدُهَا الْمَدَارِسُ فِي الْآوِنَةِ الْأَخِيرَةِ مِثْلُ فَتْحِ طَـلَبَةِ النِّـيرَانَ بِـمَدْرَسَةٍ ثَـانَوِيَّةٍ فِـي «كُولُورَادُو» عَلَى الْفَشَلِ فِي زَرْعِ الْمَعَايِيرِ الْأَخْلاقِيَّةِ فِي الْأَطْفَالِ.

۸۶ـ قانونی که در احترام به بزرگان تصریح دارد.

در ایالت «لویزانیای آمریکا» احترام به بزرگترها شکل قانونی یافت و این بعد از زمانی بود که حاکم ایالت، پیش نویس قانونی را امضاء کرد که به دانشجویان دستور می‌دهد، معلمان و بقیه کارمندان را در مدرسه با (لفظ) «خانم» یا «آقا» خطاب کنند. (این قانون) همچنین دانشجویان را مجبور می‌کند که به بزرگان با لفظ «خانم» و «آقا» اشاره کنند وگرنه با مجازاتهای تأدیبی روبرو خواهند شد. حاکم گفت: لازم است، اولیای امور اطفال اصول و مبانی احترام به دیگران را، به کوچکترها یاد دهند و اگر این موضوع تحقق نیابد، مدارس باید دخالت کنند. «دن کرافینز» عضو دموکرات مجلس سنای این ایالت که بر نوشتن پیش‌نویس این قانون نظارت داشت، در توضیح گفت: این دو ارزش، امروزه در بین جوانان امریکا وجود ندارند و این امری است که در افزایش اعمال خشونت‌آمیز در بین آنها سهیم است. بعضی از مفسران اعمال خشونت‌آمیزی راکه در این اواخر مدارس شاهد آن هستند، مورد ملامت قرار می‌دهند، آنها اعمالی همچون تیراندازی دانش‌آموزان در دبیرستانی در «کلورادو» را به واسطه‌ی شکست در ایجاد معیارهای اخلاقی در بچه‌ها می‌دانند.

نَصَّ یَنُصُّ نَصّاً، عَلَی...: به...تصریح کرد.
أَصْبَحَ: شد.
وَقَّعَهُ: آن را امضاء کرد.
المُسَوَّدَة: پیش‌نویس.
أَمَرَ یَأْمُرُ أمْرَاً هُ بِـ...: او را به...دستور داد.
الطَّلَبَة: مف: الطَّالِب: دانش آموز، دانشجو.
حَتَّمَهُ عَلَی...: آن را بر...واجب کرد.
وَاجَهَهُ: با او روبرو شد.
العُقُوبَة: مجازات.
المَبَادِیء: مف: المبدأ: اصول و مبانی.
تَحَقَّقَ: محقق شد.
التَّدَخُّل: دخالت.
أَوْضَحَ أَنَّ...: توضیح داد که...
مَجْلِسُ الشُّیُوخ: مجلس سنا.
أَشْرَفَ عَلَی...: بر...نظارت داشت، بر...اشراف داشت.

الْقِيمَة: ارزش ج: قِيَم.
غَيْرُ مُتَوَاجِد: غيرموجود.
الشُّبَّان: مف: الشابّ: جوان.
سَاهَمَ فِي...: در...مشارکت کرد.
التَّزايُد: افزایش.
أَعْمَالُ العُنْف: خشونت.
أَلْقَى بِاللَّوم: سرزنش کرد، مسئول دانست.
المُعَلِّق: مفسر.
شَهِدَ ـَ شُهُوداً هُ: او یا آن را دید.
الآوِنَة الأَخيرَة: در این اواخر.
فَتْحُ النِّيرَان: تیراندازی.
الزَّرْع: کاشتن، ایجاد، استوار کردن.
المَعَايِيرُ الأَخلاقيَّةُ: معیارهای اخلاقی.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَتَى أَصْبَحَ احْتِرَامُ الْكِبَارِ قَانُوناً؟ ۲ـ بِمَاذَا يَأْمُرُ هَذَا القَانُونُ الطُّلابَ؟ ۳ـ مَاذَا تَشْهَدُ الْمَدَارِسُ الْأَمرِيكِيَّةُ فِي الْآوِنَةِ الْأَخِيرَةِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ استاد به دانشجویان دستور داد که در کارهای درسی با یکدیگر همکاری کنند.
۲ـ استاد باید مبانی اخلاقی را به دانشجویان یاد دهد. ۳ـ مردم ایران در این اواخر شاهد دخالت امریکا در کشور عراق هستند.

۸۷ـ أَمْرَاضُ القَلْبِ السَّبَبُ الرَّئِيسِيُّ لِلْوَفَاةِ.

ذَكَرَتْ صَحِيفَةُ «شَنْغْهَاي نِيُوز»: أَنَّ أَكْثَرَ مِنْ مَلْيُونِ صِينِيٍّ يُعَانُونَ مِنْ مَرَضِ الْقَلْبِ وَالَّذي أَوْضَحَتْ أَنَّهُ كَانَ السَّبَبَ الْأَوَّلَ لِلْوَفَاةِ فِي عَامِ ۱۹۹۸. وَنَقَلَتِ الصَّحِيفَةُ عَنْ إِحْصَاءَاتٍ رَسْمِيَّةٍ قَوْلَهَا: أَنَّ نَصِيبَ أَمْرَاضِ الشَّرَيَانِ فِي حَالاتِ الْوَفَاةِ الَّتِي حَدَثَتْ فِي «الصِّينِ» فِي عَامِ ۱۹۹۸ كَانَ ۴۰ ٪ بِزِيَادَةِ ۱۰ ٪ عَنْ عَامِ ۱۹۵۹. وَأَضَافَتْ: أَنَّهُ فِي «شَنْغْهَايَ» يُعَانِي ۴۱/۱۵ ٪

مِنَ السُّكَّانِ الَّذِينَ تَزِيدُ أَعْمَارُهُمْ عَنْ ۳۵ عَاماً مِنِ ارْتِفَاعِ ضَغْطِ الدَّمِ. وَقَدْ بَدَأَتْ «شَنْغهَايُ» بِبَرَامِجِ «أُسْبُوعِ وِقَايَةِ شَرَايِينِ الْقَلْبِ» لِتَحُثَّ عَلَى اتِّبَاعِ أُسْلُوبِ حَيَاةٍ صِحِّيٍّ بِشَكْلٍ أَكْبَرَ لِلْوِقَايَةِ مِنْ هَذَا الْمَرَضِ الْمُمِيتِ.

۸۷ـ امراض قلبی علت اصلی مرگ.

روزنامه‌ی «شانگهای نیوز» گزارش داد: بیش از ۱۰۰ میلیون چینی مبتلا به بیماری قلبی هستند و بنا به توضیحات این روزنامه (بیماری قلبی) اولین علت مرگ و میر در سال ۱۹۹۸ بوده است. این روزنامه بر اساس آمارهای رسمی نقل کرده: میزان بیماری شریان قلب در «چین»، که منجر به فوت شده در سال ۱۹۹۸، ۴۰ ٪ بوده که نسبت به سال ۱۹۵۹، ۱۰٪ افزایش داشته است. (این روزنامه) افزود: در «شانگهای» ۴۱/۱۵ ٪ از ساکنان بالای ۳۵ سال مبتلا به فشار خون بالا هستند. «شانگهای» برنامه‌های «هفته‌ی پیشگیری از (بیماریهای) شرایین قلب» را شروع کرده تا (مردم را) برای جلوگیری از این بیماری کشنده، تشویق به پیروی از شیوه‌ی زندگی بهداشتی کند.

السَّبَبُ الرَّئيسيُّ: علت اصلی.
عَانَى مِنْ...: از...رنج کشید، به...مبتلا شد
الإِحْصَاء: آمار.
النَصِيب: سهم، اندازه.
الشَّرَيَان: سرخرگ، ج: شرائين.
زَاد يَزِيدُ زِيَادَةً عَنْ...: بیشتر از...بود
ضَغْطُ الدَّمِ: فشار خون.
الارْتِفَاع: زیادی.
حَثَّ يَحُثُّ حَثّاً عَلَى...: او را به...تشویق کرد.
الحَيَاةُ الصِّحِّيَّة: زندگی بهداشتی.
المُمِيت: کشنده، مرگبار

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَا هُوَ أَوَّلُ سَبَبٍ لِلْوَفَاةِ فِي الصِّينِ؟ ۲ـكَم ٱزْدَادَ المَوْتُ فِي الصِّينِ بِسَبَبِ أَمْرَاضِ الشَّرَيَانِ؟ ۳ـلِمَاذَا بَدَأَتْ «شنغهاي» بِبَرَامِجِ أُسْبُوعِ وِقَايَةِ شَرَايِينِ الْقَلْبِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ پدرش به بیماری قلبی دچار شد. ۲ـ ده در صد مردم ایران گرفتار فشار خون هستند. ۳ـ من او را تشویق به پیروی از شیوه‌ی زندگی بهداشتی کردم.

۸۸ـ زَوَاجٌ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ بَعْدَ تَبْدِيلِ الأَدْوَارِ.

حِينَ يُقْدِمُ زَوْجَانِ عَلَى الإِرْتِبَاطِ مَرَّةً ثَانِيَةً يَتَعَهَّدَانِ بِأَنْ يَكُونَ الْأَمْرُ مُخْتَلِفاً. فَقَدْ تَزَوَّجَ جَانِبَانِ «نِيُوهَام» وَ«دِيْفِيد وِيلْسُن» مِنْ جَدِيدٍ وَلَكِنْ بَعْدَ أَنْ تَحَوَّلَ الْعَرِيسُ إِلَى عَرُوسٍ وَتَحَوَّلَتِ الْعَرُوسُ إِلَى عَرِيسٍ عَقِبَ جِرَاحَتَيْنِ لِتَغْيِيرِ الْجِنْسِ. قَبْلَ ۱۹ عَاماً سَارَ الزَّوجَانِ عَلَى نَفْسِ بِسَاطِ الْكَنِيسَةِ الَّتِي عُقِدَتْ قِرَانُهُمَا لِكَنْ «دِيفِيد» كَانَ وَقْتَهَا «دَانِييلَ» نَحِيفَةَ الْقَدِّ الَّتِي وَقَعَتْ فِي هَوَى الصَّيَّادِ فَارِعِ الطُّولِ «جونَ» الَّذِي أَصْبَحَ فِي الزَّوَاجِ الثَّانِي العَرُوسَ الَّتِي تَحْمَرُّ وَجْنَتَاهَا حَيَاءً. قَالَتِ الْعَرُوسُ الَّتِي ارْتَدَتْ ثَوْبَ عُرْسٍ مِنَ السَّاتَانِ الْأَبْيَضِ لِصَحِيفَة «نِيُوزْ أُوفْ ذِي وُورْلْد» هَذَا ثَانِي أَسْعَدِ أَيَّامِ حَيَاتِي. الْيَوْمُ الْأَوَّلُ كَانَ حِينَ أُجْرِيَتِ الْجِرَاحَةُ وَأَصْبَحْتُ أُنْثَى».

۸۸ـ ازدواج برای دفعه‌ی دوم پس از تغییر نقش.

وقتی زن و شوهر برای دفعه‌ی دوم اقدام به پیوند می‌کنند، تعهد می‌دهند که موضوع به شکل دیگری باشد. دو طرف «نیوهام» و «دیوید ویلسن» دوباره ازدواج کردند ولی بعد از دو عمل جراحی، برای تغییر جنسیت، که داماد تبدیل به عروس و

عروس تبدیل به داماد شد. ۱۹ سال قبل این زوج روی همین فرش کلیسا که ازدواج آنها صورت گرفت راه رفتند ولی «دیوید» در آن وقت «دانیل» لاغر اندامی بود که در عشق صیادی بلند قد به نام «جان» افتاد که در ازدواج دوم، تبدیل به عروس خانمی شد که گونه‌هایش از شرم و حیا سرخ شده بود. عروس که لباس عروسی‌ای، از ساتن سفید پوشیده بود به روزنامه‌ی «نیوز اوف ذی ورلد» گفت: این دومین خوشبختی در روزهای زندگی من است.

روز اول وقتی بود که جراحی انجام شد و من زن شدم.

الأَدْوَار: مف: الدَوْر: نقش.
أَقْدَمَ عَلَى...: به...اقدام کرد
الارْتِبَاط: رابطه، ارتباط.
تَعَهَّدَ بِـ...: عهده دار...شد، تعهد کرد به...
جَانِبَان: دو طرف.
تَحَوَّلَ إِلَى...: به...تغییر یافت
العَرِيس: داماد.
عَقِبَ: به دنبال.
سَارَ يَسيرُ سَيْراً: حرکت کرد.
البِسَاط: فرش ج: بُسُط.
عَقَدَ ـِ عَقْداً: برگزار کرد. **عُقِدَتْ قِرَانُهما**: عقد آنها صورت گرفت.
القِرَان: جشن ازدواج.

نَحِيفَةُ القَدّ: لاغر اندام.
وَقَعَ يَقَعُ وُقُوعاً فِي...: در... افتاد.
الصَّيَّاد: شکارچی.
فَارِعُ الطُّولِ: بلند قامت.
اِحْمَرَّ: سرخ شد.
حَيَاءً: از روی شرم، به علت شرم.
اِرْتَدَاه: آن را پوشید.
الثَّوب: لباس.
العُرْس: جشن ازدواج، عروسی.
أُنثَى: مؤنث، زن.
أَجْرَاهُ: آن را انجام داد. **أُجْرِيَتِ الجِرَاحَةُ**: جراحی انجام شد.

□ تمرین

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ بِمَاذَا يَتَعَهَّدُ الزَّوْجَانِ عَلَى الزِّوَاجِ مَرَّةً ثَانِيَةً؟ ۲ـ لِمَاذَا آحْمَرَّتْ وَجْنَتَا «نیوهام»؟
۳ـ لِمَاذَا أَصْبَحَتِ الْعَرُوسُ مَسْرُورَةً؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ دختر عمو و پسر دائیم ده سال پیش ازدواج کردند. ۲ـ گونه هایم از شرم سرخ شد. ۳ـ دکتر، چشم پدرم را جراحی کرد.

۸۹ـ تَدْشِينُ غَابَةِ أَرْزٍ جَدِيدَةٍ فِي «لُبْنَانَ».

أَعْلَنَتْ جَمْعِيَّةُ أَصْدِقَاءِ غَابَةِ الْأَرْزِ فِي «لُبْنَانَ»: الانْتِهَاءَ مِنْ حَمْلَةِ تَشْجِيرٍ شَمِلَتْ زَرْعَ ۶۰ أَلْفَ غَرْسَةٍ عَلَى ارْتِفَاعِ أَلْفَى مِتْرٍ مِنْ سِلْسِلَةِ جِبَالِ لُبْنَانَ الْغَرْبِيَّةِ «أَرْزُ الرَّبِّ» الَّتِي يَعُودُ تَارِيخُهَا إِلَى عَهْدِ سُلَيمَانَ الْحَكِيمِ. وَيُعْتَبَرُ الْمَشْرُوعُ الَّذِي يَمْتَدُّ عَلَى مُنْحَدِرَاتٍ تَبْلُغُ مَسَاحَتُهَا ۲۲۶ هِكْتَاراً تَخْتَرِقُهَا جَدَاوِلُ مَاءٍ عِدَّةٌ، الْأَوَّلَ مِنْ نَوْعِهِ فِي لُبْنَانَ وَرُبَّمَا فِي الْعَالَمِ، نَظَراً لِحَجْمِ الْمُشَارَكَةِ مِنْ جَمِيعِ الْجِنْسِيَّاتِ فِي عَمَلِيَّةِ زَرْعِ الْأَشْجَارِ وَرِعَايَتِهَا. وَبِإِمْكَانِ كُلِّ مَنْ يَتَوَلَّى رِعَايَةَ شَجَرَةِ أَرْزٍ حَفْرُ اسْمِهِ عَلَيْهَا وَتَنْظِيمُ حَفَلاتِ اسْتِقْبَالٍ وَنَيْلُ عُضْوِيَّةِ الْجَمْعِيَّةِ. وَسَيَكُونُ لِكُلِّ شَجَرَةٍ بِطَاقَةُ تَعْرِيفٍ وَصُورَةٌ خَاصَّةٌ بِهَا إِضَافَةً إِلَى تَحْدِيدِ مَوْعِدِ زَرْعِهَا وَسَيَكُونُ بِاسْتِطَاعَةِ الْمُمَوِّلِينَ مُتَابَعَةُ أَوْضَاعِ أَشْجَارِهِمْ وَتَطَوُّرِهَا مُبَاشَرَةً أَوْ عَبْرَ الإِنْتِرْنِتِ. وَقَالَ «بَسَّام جَعْجَعْ» رَئِيسُ الْجَمْعِيَّةِ لِوِكَالَةِ «فِرَانْس بِرِس»: «سَيَتَعَايَشُ فِي هَذِهِ الْغَابَةِ تَحْتَ هُوِيَّةِ أَرْزِ لُبْنَانَ، جَمِيعُ الْأَدِيَانِ وَالإِنْتِمَاءَاتِ الإِيدِيُولُوجِيَّةِ وَالسِّيَاسِيَّةِ وَالثَّقَافِيَّةِ». وَتَبْلُغُ تَكَالِيفُ صِيَانَةِ شَجَرِ الْأَرْزِ فِي هَذِهِ الْغَابَةِ وَرِعَايَتِهَا مَدَى الْحَيَاةِ ۱۵۰ دُولاراً.

۸۹ـ افتتاح جنگل جدید سدر در لبنان.

جمعیت دوستداران جنگل سدر در «لبنان» خبر از پایان بسیج درختکاری داد، بسیجی که، شامل کاشت ۶۰ هزار نهال سدر در ارتفاع دو هزار متری سلسله جبال غربی لبنان به نام «ارز الرَّب» است که تاریخ آن به دوران «سلیمان حکیم» برمی‌گردد. این طرح که تا دامنه‌های کوه امتداد می‌یابد، مساحتش به ۲۲۶ هکتار می‌رسد و چند نهر آب از وسط آن عبور می‌کند، با توجه به مشارکت همه‌ی ملیتها در عملیات کاشت درختان و نگهداری از آنها، (این کار) در «لبنان» و شاید در جهان، در نوع خود بی‌نظیر محسوب می‌شود. هرکس که نگهداری یک درخت سدر را بر عهده می‌گیرد، می‌تواند اسمش را بر آن حفر کند و جشن استقبال ترتیب دهد و عضو جمعیت شود. هر درخت علاوه بر تاریخ کاشت، یک کارت شناسایی و عکس مخصوص دارد. حمایت کنندگان مالی می‌توانند وضعیت درختهای خود و پیشرفت آنها را به شکل مستقیم یا از طریق اینترنت پیگیری کنند. «بسام جعجع» رئیس این جمعیت به خبرگزاری «فرانس پرس» گفت: همه‌ی ادیان، گرایش‌های عقیدتی، سیاسی و فرهنگی در سایه‌ی هویت «سدر لبنان» با هم زندگی خواهند کرد. هزینه‌ی نگهداری درخت سدر و محافظت مادام‌العمر از آن در این جنگل به ۱۵۰ دلار می‌رسد.

التَّدْشِين: افتتاح.
الغَابَة: جنگل.
الأَرْز: سدر.
الاَنْتِهَاء: پایان یافتن.
حَمْلَةُ تَشْجِير: بسیج درختکاری.
شَمِلَ ـُ شُمُولاً ةً: شامل آن شد.
الزَّرْع: کاشتن.
الغَرْسَة: یک نهال.
الارْتِفَاع: بلندی.
أَلْفَي مِتْرٍ: دو هزار متر.
عَادَ يَعُودُ عَوْداً إِلَى...: به...برگشت
إعْتَبَرَه: آن را به حساب آورد. يُعتَبَرُ: به حساب می‌آید.
المَشْرُوع: طرح.

اِمْتَدَّ عَلَی...: تا...امتداد یافت.
المُنْحَدِر: شیب، دامنه کوه.
اِخْتَرَقَه: آن را شکافت.
الجَدَاوِل: مف: الجدول: نهر، جوی آب.
الرِّعَايَة: سرپرستی، نگهداری.
تَوَلَّاه: آنرا به عهده گرفت.
الحَفْر: کندن، حَفْرُ الإسم: کندن نام بر چیزی.
الحَفَلَات: مف: الحَفْلَة: جشن.
النَّيْل: به دست آوردن، دریافت کردن.
البِطَاقَة: کارت شناسایی.
التَّحْدِيد: تعیین کردن.
المُمَوِّل: حمایت کننده‌ی مالی.
المُتَابَعَة: پیگیری.
التَّطَوُّر: پیشرفت، رشد.
مُبَاشَرَةً: به شکل مستقیم.
عَبْرَ: از طریق.
تَعَايَشَ: زندگی کرد.
الهُوِيَّة: جنسیت، شخصیت.
الانْتِمَاء: گرایش. **الانتماءات الایدیولوجیّة**: گرایش‌های عقیدتی.
الثَّقَافِيَّة: فرهنگی.
التَّكَالِيف: مف: التّكليف: هزینه.
الصِّيَانَة: محافظت.
مَدَى الحَيَاة: مادام العمر.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَاذَا أَعْلَنَتْ جَمْعِيَّةُ أَصْدِقَاءِ غَابَةِ الْأَرْزِ فِي لُبْنَانَ؟ ۲ـ إِلَى مَتَى يَعُودُ تَأْرِيخُ غَابَةِ «أَرْزِ الرَّبِّ»؟ ۳ـ مَاذَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَفْعَلَ الَّذي يَتَوَلَّى رِعَايَةَ شَجَرَةِ أَرْزٍ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ هرسال تعداد زیادی درخت باید در شهرها کاشته شود. ۲ـ بچه‌ها نباید اسمشان را روی درختان حفر کنند. ۳ـ مخارج تحصیل من در دانشگاه به صد هزارتومان در ماه می‌رسد.

۹۰ـ كِلابٌ مُدَرَّبَةٌ لِمُساعَدَةِ الجُنُودِ.

ذَكَرَتْ صَحِيفَةُ «كُومِيرسَانْت»: أَنَّ أَرْبَعَةَ كِلابٍ مُدَرَّبَةٍ فِي «رُوسْتُوف فِيلِيكِي» سَتُرْسَلُ قَرِيباً إِلَى «كُوسُوفُو» لِمُسَاعَدَةِ الْجُنُودِ الرُّوسِ عَلَى اكْتِشَافِ الْأَلْغَام. وَقَالَتِ الصَّحِيفَةُ نَقْلاً عَنْ صَحِيفَةِ «زُولُوتُوی» المَحَلِّيَّةِ: إِنَّ هَذِهِ الْكِلابَ «إِيوتَا» وَ«غرَاى» وَ«دانَا» وَ«بَارِيرَا» دُرِّبَتْ فِي فَوْجِ كَاشِفِي الْأَلْغَامِ الْوَاقِعِ فِي «رُوسْتُوف» وَلَهَا خِبْرَةٌ كَبِيرَةٌ. وَتُضِيفُ «كُومِيرسَانْتُ»: أَنَّ هَذِهِ الْكِلابَ تَدَرَّبَتْ عَلَى اكْتِشَافِ ۲۰ غِرَاماً مِنْ مَادَّةِ «تِي.ان. تِي» الْمَوضُوعَةِ فِي غِلافٍ مِنَ الْبِلاسْتِيک، وَأَنَّهَا تَسْتَطِيعُ بِالتَّالِي أَنْ تَجِدَ مِئَاتِ الْغِرَامَاتِ مِنَ الْمُتَفَجِّرَاتِ عَلَى الْأَرْضِ مِنْ دُونِ الصُّعُوبَةِ. وَبِحَسَبِ الصَّحِيفَةِ فَإِنَّ كَلْباً مُدَرَّباً مِنْ هَذِهِ الكِلابِ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَحُلَّ مَحَلَّ ۱۵ جُنْدِيّاً كَاشِفاً لِلْأَلْغَامِ. يُذْكَرُ أَنَّ هَذِهِ الْكِلابَ اسْتُخْدِمَتْ أَثْنَاءَ الْحَرْبِ فِي جُمْهُورِيَّةِ «الشِّيشَانِ» (۱۹۹۶ ـ ۱۹۹۴) «بِالقَوْقَازِ» الرُّوسِيِّ. وَتَقُولُ «كُومِيرسَانْت»: إِنَّ الْمُقَاتِلِينَ الشِّيشَانِيِّينَ عَرَضُوا لِقَتْلِ وَاحِدٍ مِنْ هَذِهِ الْكِلابِ مَبْلَغاً مِنَ الْمَالِ مُسَاوِياً لِلْمَبْلَغِ الَّذي كَانَ مَعْرُوضاً لِقَتْلِ ثَلاثَةِ ضُبَّاطٍ رُوسٍ.

۹۰ـ سگهای تربیت شده برای کمک به سربازان.

روزنامه‌ی «کومیرسانت» گزارش داد: چهار سگ آموزش دیده در «روستوف فیلکی» به زودی برای کمک به سربازان روسی برای کشف مین، به «کوزوو» فرستاده خواهند شد. این روزنامه به نقل از روزنامه‌ی محلی «زولوتوی» گزارش داد: این سگها به نام «ایوتا»، «گرای»، «دانا» و «باریرا» در گردان کشف مین، در «روستوف» تربیت شده‌اند و دارای مهارت بسیاری هستند. روزنامه‌ی «کومیرسانت» می‌افزاید: این سگها برای کشف ۲۰ گرم (تی.ان.تی) که در یک پوشش پلاستیکی قرار داده شده، آموزش دیده‌اند و در نتیجه می‌توانند، صدها گرم مواد منفجره را به راحتی در

زمین کشف کنند. بنا به گزارش این روزنامه: هر سگ تربیت شده، در بین این سگها، می‌تواند جانشین ۱۵ سرباز کاشف مین شود. گفته می‌شود: ایـن سگـها در خـلال جنگ جمهوری «چچن»، در سالهای «۱۹۹۶ ـ ۱۹۹۴» در «قفقاز روسیه» به کار گرفته شدند. روزنامه‌ی «کومیرسانت» می‌گوید: رزمندگان «چچن» برای کشتن هر کدام از این سگ‌ها، مبلغی معادل مبلغ تعیین شده برای کشتن سه افسر روسی پیشنهاد کرده بودند.

الکِلاب: مف: الکَلْب: سگ.
المُدَرَّبَة: تربیت شده.
أرْسَلَهُ: او را فرستاد. ستُرسَل: فرستاده می‌شود.
قَریباً: بزودی.
الألْغَام: مف: اللُّغم: مین.
دَرَّبَهُ: او یا آن را آموزش داد. دُرِّبَت: آموزش داده شدند.
الفَوْج: گردان، ج: افواج.
الخِبْرَة: مهارت.
الغَلاف: پوشش، کیسه.
بالتَّالِي: درنتیجه.
المُتَفَجِّرات: مواد منفجره.

الصُّعُوبَة: سختی.
حَلَّ یَحُلُّ حَلاً: جایگزین شد.
الجُنْدِيّ: سرباز، ج: جُنُود.
اِسْتَخْدَمَهُ: او یا آن را بکار گرفت.
أُستُخْدِمَت: به کار گرفته شد.
القَوْقَاز: قفقاز.
عَرَضَ ـِ عَرْضاً هُ لـ...: آن را برای... پیشنهاد داد.
المُسَاوِي: معادل.
مَعْرُوضاً: عرضه شده، پیشنهاد داده شده.
الضُّبَّاط: مف: الضَابِط: افسر.

□ تمرین

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا تُرْسَلُ الْکلابُ الْمُدَرَّبَةُ إلَی «کوسفو»؟ ۲ـ عَلامَ دُرِّبَتْ هَذَهَ الکِلابُ؟

۳ـ كَمْ مِنَ الْمَالِ عَرَضَ الشِّيشَانِيُّونَ لِقَتْلِ وَاحِدٍ مِنْ هَذِهِ الْكِلابِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ سگی که تو آموزش دادی دارای مهارت بسیاری است. ۲ـ سربازان برای کشف مواد مخدر آموزش داده شدند. ۳ـ پلیس برای کشتن او مبلغ زیادی را پیشنهاد داد.

۹۱ـ طَيَّارٌ يَتْرُكُ طَائِرَتَهُ بَحْثاً عَنْ وَجْبَةٍ لَذِيذَةٍ.

ذَكَرَتْ شَرِكَةُ طَيَرَانِ «نُورْث وِسْت» الْأَمِرِيكِيَّةُ أَنَّهَا أَنْهَتْ عَقْدَ أَحَدِ طَيَّارِيهَا بَعْدَ أَنْ تَرَكَ طَائِرَتَهُ بِرُكَّابِهَا رَابِضَةً فِي أَحَدِ الْمَطَارَاتِ ۹۰ دَقِيقَةً لِلْبَحْثِ عَنْ طَعَامٍ لِأَنَّ الْوَجْبَةَ الْمُقَدَّمَةَ أَثْنَاءَ الرِّحْلَةِ لَمْ تَرُقْ لَهُ. وَقَالَ مَسْؤُولُونَ بِالشَّرِكَةِ: إِنَّ الْكَابْتَن «فِلُويْد دِينْ» غَادَرَ الطَّائِرَةَ وَهِيَ مِنْ طَرَازِ بُويْنغ ۹۵۹ فِي «لاسْ فِيغَاس» وَأَبْلَغَ بَاقِيَ أَفْرَادِ الطَّاقِمِ أَنَّهُ ذَاهِبٌ لِلْبَحْثِ عَنْ طَعَامٍ آخَرَ. وَعِنْدَمَا فَشِلَ «دِين» فِي الْعُثُورِ عَلَى ضَالَّتِهِ فِي صَالَةِ الْمَطَارِ اسْتَقَلَّ سَيَّارَةَ أُجْرَةٍ لِشِرَاءِ طَعَامٍ خَارِجَ الْمَطَارِ قَبْلَ أَنْ يَعُودَ إِلَى الطَّائِرَةِ بِرُكَّابِهَا الْمِائَةِ وَالْخَمْسِينَ الَّذِينَ اسْتَبَدَّ بِهِمُ الْغَضَبُ وَهُمْ يَنْتَظِرُونَ لِلطَّيَرَانِ إِلَى «دِيتْرُويْتَ». وَقَالَ أَحَدُ الرُّكَّابِ: عِنْدَمَا كُنَّا مُنْتَظِرِينَ لِمُغَادَرَةِ الطَّائِرَةِ الْمَطَارَ أَعْلَنَ طَاقِمُهَا: أَنَّ الطَّيَّارَ غَادَرَهَا لِأَنَّهُ لَمْ يُمْكِنْهُ الْعُثُورُ عَلَى «وَجْبَةٍ شَهِيَّةٍ» فِي الْمَطَارِ.

۹۱ـ یک خلبان، هواپیمایش را برای جستجوی یک وعده غذای لذیذ ترک می‌کند.

شرکت هواپیمایی «فورت وست» آمریکا گزارش داد: قرارداد با یکی از خلبانهای خود را فسخ کرده است، زیرا خلبان، هواپیمای آماده‌ی پروازش را با مسافرانش به مدت ۹۰ دقیقه به دنبال غذا، در فرودگاه ترک کرد. زیرا غذایی که در طی سفر در هواپیما داده شده بود برای او خوشایند نبود. مسؤلان این شرکت گفتند: کاپیتان

«فلوید دین» هواپیما را که از نوع بوینگ ۹۵۹ بود (در فرودگاه) «لاس وگاس» ترک کرد و به بقیه خدمه‌ی هواپیما اطلاع داد که به دنبال غذای دیگری می‌رود. وقتی «دین» در پیدا کردن گمشده‌ی خود در سالن فرودگاه، ناامید شد، قبل از اینکه به هواپیما با ۱۵۰ سرنشین برگردد برای خرید غذا از خارجِ فرودگاه، سوار یک تاکسی شد. این سرنشینان که خشم بر آنها غلبه کرده بود منتظر پرواز به «دیترویت» بودند. یکی از مسافران گفت: وقتی منتظر پرواز هواپیما از فرودگاه بودیم، کارکنان هواپیما اعلام کردند: خلبان هواپیما را ترک کرده، زیرا نتوانسته به یک وعده غذای لذیذ در فرودگاه دست یابد.

الطَّيَّار: خلبان.
الطَّائِرَة: هواپیما.
بَحْثاً عَنْ...: به دنبال...، در جستجوی...
الوَجْبَة: وعده غذایی.
أَنْهَاهُ: آن را تمام کرد، آن را پایان داد.
العَقْد: قرارداد، ج: عقود.
الرُّكَّاب: مف: الرَّاكِب: مسافر.
الرَّابِض: نشسته، آماده‌ی پرواز. (برای شتر و هواپیما).
المَطَار: فرودگاه.
المُقَدَّم: داده شده.
أَثْنَاء: در طی.
الرِّحْلَة: سفر.
رَاقَ يَرُوقُ رَوْقاً لَهُ: برایش خوشایند بود.
غَادَرَهُ: آن یا او را ترک کرد.
أَبْلَغَهُ أَنَّ...: به او خبر داد که...
فَشِلَ ـَ فَشَلاً فِي...: شکست خورد در...
العُثُورُ عَلَى...: پیدا کردنِ...
الضَّالَّة: گم شده.
الصَّالَة: سالن.
إِسْتَقَلَّهُ: سوار شد، استقلّ سيَّارةً: سوار ماشین شد.
الطَّاقِم: کادر پرواز.
رُكَّابُهَا المِائَةُ و الخَمْسِين: ۱۵۰ نفر سرنشین آن.
إِسْتَبَدَّ بِهِمُ الغَضَبُ: خشم بر آنها غالب شد.

الطَّیَرَان: پرواز.
المُغَادَرَة: ترک کردن.
أَمْکَنَهُ شَیْئٌ: برایش امکان چیزی پیش آمد.
الشَّهِیَّة: خوشمزه، لذیذ.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا أَنْهَتْ شَرِکَةُ الطَّیَرَانِ عَقْدَ أَحَدِ طَیَّارِیهَا؟ ۲ـ لِمَاذَا تَرَکَ الطَّیَّارُ الطَّائِرَةَ وَ الرُّکَابَ؟ ۳ـ لِمَاذَا غَضِبَ الرُّکَّابُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ من قراردادم را با آن شرکت فسخ کردم. ۲ـ دانشجویان برای پیدا کردن کتاب کلاس را ترک کردند. ۳ـ من از پیدا کردن کتاب در کتابخانه مأیوس شدم.

۹۲ـ وَاحِدٌ مِنْ أَلْفٍ حِصَّةُ إِیْرَانَ مِنَ السِّیَاحَةِ الدُّوَلِیَّةِ.

أَعْلَنَ الْمُدِیرُ الْعَامٌ لِلشُّؤُونِ الدُّوَلِیَّةِ فِي مُؤَسَّسَةِ السِّیَاحَةِ وَالسَّفَرِ الإِیرَانِیَّةِ بِأَنَّ حِصَّةَ إِیرَانَ مِنَ السِّیَاحَةِ الدُّوَلِیَّةِ تُقَدَّرُ بِوَاحِدٍ مِنْ أَلْفٍ. وَأَشَارَ «السَّیِّد...» الَّذِي کَانَ یَتَحَدَّثُ فِي اجْتِمَاعِ لِمَجْلِسِ شُؤُونِ السِّیَاحَةِ فِي مُحَافَظَةِ «لُرِسْتَان» إِلَی الْأَمَاکِنِ السِّیَاحِیَّةِ الْکَثِیرَةِ فِي إِیرَانَ قَالَ: مِنْ خِلالِ رَفْعِ الْمُسْتَوَی الثِّقَافِيِّ الْعَامِّ نَسْتَطِیعُ أَنْ نَکْسِبَ امْتِیَازَاتٍ أَکْثَرَ وَنَحْصُلَ عَلَی حِصَّةٍ أَکْثَرَ فِي مَجَالِ السِّیَاحَةِ. وَأَکَّدَ: أَنَّهُ بِالإِضَافَةِ إِلَی الْمَکَاسِبِ الْمَادِّیَّةِ فَإِنَّ ازْدِهَارَ الحَرَکَةِ السِّیَاحِیَّةِ فِي الْبِلادِ سَیُغَیِّرُ الْکَثِیرَ مِنْ وِجْهَاتِ النَّظَرِ السَّلْبِیَّةِ الْمَوجُودَةِ تُجَاهَ إِیرَانَ لَدَی الْعَالَمِ حَیْثُ یُمْکِنُ بِذَلِکَ إِفْشَالُ الْحَمَلاتِ الإِعلامِیَّةِ الْمُضَادَّةِ الَّتِي تَتَعَرَّضُ لَهَا الْبِلادُ.

۹۲ـ سهمیه‌ی ایران از گردشگری جهانی، یک در هزار.

مدیر عامل امور بین‌المللی سازمان گردشگری ایران اعلام کرد: سهم ایران از جهانگردی بین‌المللی یک در هزار تخمین زده می‌شود. آقای... که در جلسه‌ی شورای امور گردشگری استان لرستان سخن می‌گفت، به مناطق گردشگری بسیار در ایران اشاره کرد و گفت: از طریق بالا بردن سطح فرهنگ عمومی می‌توانیم امتیازات بیشتری کسب کنیم و سهمیه‌ی بیشتری در زمینه‌ی گردشگری بدست آوریم. او تأکید کرد: شکوفایی حرکت گردشگری در کشور، علاوه بر درآمدهای مالی، بسیاری از دیدگاههای منفی موجود را درباره‌ی ایران در نزد جهانیان تغییر می‌دهد به طوری که بدین وسیله می‌توان حمله‌های تبلیغاتی علیه ایران را که کشور در معرض آن قرار گرفته، خنثی کرد.

الحِصَّة: سهم، ج: حِصَص.
السِّيَاحَة: جهانگردی.
قَدَّرَهُ: آن را تخمین زد. **تُقَدَّرُ**: تخمین زده می‌شود.
وَاحِد مِنْ أَلْف: یک در هزار.
المُحَافَظَة: استان.
رَفْعُ المُسْتَوَى: بالا بردن سطح.
كَسَبَ ـ كَسْباً هُ: آن را به دست آورد.
المَجَال: زمینه.
المَكَاسِب: مف: المَكْسَب: درآمد.
الإِزْدِهَار: شکوفایی.
غَيَّرَهُ: آن را تغییر داد.
وِجْهَةُ النَّظَر: دیدگاه.
السَّلْبِيَّة: منفی.
تُجَاهَ: در مقابل.
الإِفشَال: خنثی کردن، به شکست کشاندن.
الحَمَلاتُ الإِعْلامِيَّة: مبارزات تبلیغاتی.
المُضَادَّة: علیه، ضد.
تَعَرَّضَ لِـ...: در معرض... قرار گرفت.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَاذَا تَسْتَطِيعُ إِيرَانُ مِنْ خِلالِ رَفْعِ مُسْتَوَى الثَّقَافِيِّ أَنْ تَكْسِبَ؟ ۲ـ مَاذَا سَيُغَيِّرُ

آزْدِهَارَ الْحَرَكَةِ السِّيَاحِيَّةِ؟ ۳ـ كَمْ حِصَّةُ إِيرَانَ مِنَ السِّيَاحَةِ الدُّوَلِيَّةِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ دانشجویان از طریق بالا بردن سطح علمی خود امتیازات بیشتری را کسب می‌کنند. ۲ـ سهم ایران از تجارت جهانی یک ۰/۰۱ تخمین زده می‌شود. ۳ـ کشور ما در معرض حمله‌های تبلیغاتی دشمنان قرار گرفت.

۹۳ـ ۳۵۰ عُنْصُرَ تَلَوُّثٍ فِي حَلِيبِ الْأُمَّهَاتِ.

أَكَّدَ تَقْرِيرٌ بِرِيطَانِيٌّ: الْعُثُورَ عَلَى أَكْثَرَ مِنْ ۳۵۰ مَادَّةً سَامَّةً فِي لَبَنِ الْأُمَّهَاتِ فِي مُخْتَلِفِ أَنْحَاءِ الْعَالَمِ مِنْ بِينِهَا شَوَائِبُ عُطُورٍ وَزُيُوتٌ لِلْحِمَايَةِ مِنَ الشَّمْسِ أَوْ مُزِيلاتٌ لِلْبُقَعِ وَ«دِيُوكْسِينُ» وَمُبِيدَاتٌ حَشَرِيَّةٌ وَمَعَادِنُ ثَقِيلَةٌ وَغَيْرُهَا. وَأَوْضَحَتِ الدِّرَاسَةُ الَّتِي وُضِعَتْ بِنَاءً عَلَى طَلَبِ مُؤَسَّسَةِ «وُورْلْد وَايد فَانْد فُور نِيچِر» وَنَشَرَتْهَا صَحِيفَةُ «دِي اِنْدِپِنْت»: أَنَّ الْبُحُوثَ الَّتِي أُجْرِيَتْ فِي دُوَلٍ مُخْتَلِفَةٍ كَشَفَتْ عَنْ وُجُودِ عَنَاصِرِ تَلَوُّثٍ «مَعْرُوفَةٍ كَمُسَبِّبٍ لِلسَّرَطَانِ وَأُخْرَى تُؤَثِّرُ عَلَى الْجِهَازِ الْمَنَاعِيِّ أَوِ النَّشَاطِ الْهُرْمُونِيِّ» فِي حَلِيبِ الْأُمَّهَاتِ. وَهَذِهِ الْمَوَادُّ السَّامَّةُ الَّتِي يَزِيدُ مَجْمُوعُهَا عَنْ ۳۵۰ مَادَّةً تَرَاكَمَتْ عَلَى مَدَارِ السِّنِينَ لَدَى الْأُمَّهَاتِ اللَّاتِي يَنْقُلْنَهَا إِلَى مَوَالِيدِهِنَّ مِنْ خِلالِ الرَّضَاعَةِ الطَّبِيعِيَّةِ. وَاسْتِنَاداً إِلَى التَّقْرِيرِ فَإِنَّ مَا يَدْخُلُ أَمْعَاءَ الْمَوَالِيدِ الْبِرِيطَانِيِّينَ الْبَالِغِينَ الشَّهْرَيْنِ مِنَ الْعُمْرِ مِنْ مَادَّةِ «الدِّيُوكْسِينِ» يَزِيدُ بِمِقْدَارِ ۴۲ مَرَّةً عَنِ الْجُرْعَةِ الْقُصْوَى.

كَمَا عُثِرَ عَلَى بَقَايَا مُبِيدَاتٍ حَشَرِيَّةٍ مِثْلِ (دي. دي. تي) وَمَادَّةِ (پي.سي.پي) الْكِيمِيَاوِيَّةِ الشَّدِيدَةِ السُّمِّيَّةِ وَالَّتِي تُسْتَخْدَمُ عَلَى سَبِيلِ الْمِثَالِ فِي الرَّسْمِ أَوْ فِي الْمُحَوِّلاتِ الْكَهْرَبَائِيَّةِ.

۹۳- ۳۵۰ عنصر آلودگی در شیر مادران.

یک گزارش از بریتانیا برکشف بیش از ۳۵۰ ماده‌ی سمی در شیر مادران، در مناطق مختلف دنیا، تأکید کرد. از جمله‌ی آنها، آلودگی مربوط به عطرها، کرم‌های ضد آفتاب، کرم‌های ضد لک، دیوکسین، حشره‌کشها، فلزات سنگین و چیزهای دیگر است. این تحقیق که به درخواست مؤسسه‌ی «ورلد واید فاند فورنیچر» انجام شده و روزنامه‌ی «دی اندیپنت» آن را منتشر کرده، در توضیح می‌گوید: تحقیقاتی که در کشورهای مختلف انجام شده، وجود عناصر معروف آلودگی، مانند عوامل سرطان‌زا و عوامل مؤثر دیگر بر سیستم دفاعی بدن و فعالیت‌های هورمونی را در شیر مادران کشف کرده است. این مواد سمی که تعدادشان به بیش از ۳۵۰ ماده می‌رسد و در طی سالها در (شیر) مادرانی جمع می‌شود که (آن را) با شیردادن طبیعی به نوزادهایشان منتقل می‌کنند. براساس این گزارش «دیوکسینی» که وارد روده‌ی نوزادان بریتانیایی دوماهه می‌شود، ۴۲ برابر حد مجاز آن است. همچنین بقایای حشره‌کشهایی مثل (د.د.ت) و ماده‌ی شیمیایی (پی.سی.بی) که شدیداً سمی هستند و برای نمونه در نقاشی و ترانسفورماتورهای برق بکار می‌رود، کشف شده است.

التَّلَوُّث: آلودگی.

الحَلِیب: شیر.

التَّقْرِیر: گزارش، ج: تقاریر.

العُثُورُ عَلَی...: دستیابی به...

السَّامَّة: سمی.

أنْحَاء: مف: النَحْو: طرف، سو.

الشَّوائِب: مف: الشّائبة: آلودگی.

الزُّیُوت: مف: الزَیْت: روغن.

المُزِیل: برطرف کننده.

البُقَع: مف: البُقْعَة: لکه.

المُبِید: نابود کننده.

المَعَادِن: مف: المَعْدِن: فلز.

وَضَعَ یَضَعُ وَضْعاً هُ: آن را طرح‌ریزی کرد. **وُضِعَتْ بِناءً**: بنا بر...طرح‌ریزی شد.

نَشَرَ ـُ نَشْراً هُ: آن را منتشر کرد.

أَجْرَاهُ: آن را اجری کرد. **أُجرِيَت:** انجام شد. **الجِهَازُ المَنَاعِيّ:** دستگاه دفاعی بدن.

تَرَاكَمَ: جمع شد، متراکم شد.

عَلَى مَدَارِ السِّنين: در طی سالها.

نَقَلَ ـُ نقلاً هُ: آن را منتقل کرد.

المَوَالِيد: مف: المُولُود: نوزاد.

الرَّضَاعَة: شیرخواری.

الأَمْعَاء: مف: المِعَاء و المِعيً: معده.

الجُرْعَة: مقدار معین مصرف دارو.

الجُرْعَةُ القُصْوَى: حداکثر مقدار.

عَثَرَ ـُ عُثُوراً عَلَى...: آن را به دست آورد، عُثِرَ علیه: به دست آمد

البَقَايَا: مف: البقية.

السُّمِيَّة: سمی.

الرَّسْم: نقاشی.

المُحَوِّلات الكَهْرَبَائيَّة: ترانسفورماتورها.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ أَيُّ مَوَادّ تُؤَثِّرُ عَلَى تَلَوُّثِ حَلِيبِ الْأُمَّهَاتِ؟ ۲ـ مَاذَا كَشَفَتْ هَذِهِ البُحُوثُ؟

۳ـ كَيفَ تَنْتَقِلُ هَذِهِ المَوَادُّ السَّامَّةُ إِلَى الْأَطْفَالِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ ۳۵۰ عنصر آلودگی در شیر مادران کشف شد. ۲ـ این مواد بر سیستم دفاعی و فعالیتهای هرمونی بدن تأثیر می‌گذارند. ۳ـ این مواد از طریق شیردادن از مادران به نوزادان منتقل می‌شود.

۹۴ـ أَلْقَتْ بِنَفْسِهَا فِي أَتُّونِ المُحْرَقَةِ لِتُرَافِقَ زَوْجَهَا فِي رِحْلَتِهِ الأَخِيرَةِ.

أَفَادَتِ الصُّحُفُ الْهِنْدِيَّةُ: أَنَّ امْرَأَةً هِنْدِيَّةً أَلْقَتْ نَفْسَهَا عَلَى مُحْرَقَةِ جُثَّةِ زَوْجِهَا، تَطْبِيقاً لِتَقْلِيدِ «سَاتِي» الهِنْدُوسِيِّ الْقَدِيم الْمَحْظُورِ فِي الْهِنْدِ مُنْذُ الْقَرْنِ المَاضِي الَّذي يَقْضِي بِأَنْ تُرَافِقَ الزَّوْجَةُ شَرِيكَ العُمْرِ فِي رِحْلَتِهِ

الْأَخِيرَةِ. وَوَقَعَ الْحَادِثُ الْخَمِيسَ الْمَاضِىَ فِي قَرْيَةِ «هَامِيرْبُور» فِي وِلايَـةِ «اوتَار بِرَاديش» فِي شَمَالِ الْهِنْدِ. وَقَدْ أَلْقَتْ بِنَفْسِهَا فِي النَّارِ الزَّوْجَةُ الَّتِي كَانَتْ تَرْتَدِي ثَوْبَ الزَّفَافِ وَتَضَعُ كُلَّ حُلِيِّهَا وَسَطَ النَّارِ، أَمَامَ مِئَاتٍ مِنَ الْأَشْخَاصِ بَعْضُهُمْ قَدِمُوا مِنْ مَنَاطِقَ تَبْعُدُ أَكْثَرَ مِنْ مِائَةِ كِيلُومِتْرٍ عَنْ مَكَانِ الْحَادِثِ، رَاحُوا يُطْلِقُونَ هُتَافَاتٍ تَمْجُدُ تَقْلِيدَ «سَاتِي» وَذَلِكَ وَفْقَ صَحِيفَةِ «ذِي بِيُونِير». وَأَضَافَتِ الصَّحِيفَةُ: أَنَّ الزَّوْجَةَ أَعْلَنَتْ سَابِقاً نِيَّتَهَا حَرْقَ نَفْسِهَا غَيْرَ أَنَّ الشُّرْطَةَ لَمْ تَكُنْ مَوجُودَةً فِي مَكَانِ الحَادِثِ لِثَنْيِهَا عَنْ ذَلِكَ. وَكَانَتِ السُّلُطَاتُ الإِمْبَرَاطُورِيَّةُ الْبِرِيطَانِيَّةُ حَظَرَتْ فِي القَرْنِ الْمَاضِي تَقْلِيدَ «سَاتِي» الَّذِي يُلْزِمُ الْأَرْمَلَةَ بِاللِّحَاقِ بِزَوْجِهَا الْمُتَوَفَّى إِلَى الْجَنَّةِ!! إِثْرَ الْحَمْلَةِ الَّتِي قَامَ بِهَا الإِصْلاحِيُّ الْهِنْدُوسِيُّ «رجَارموهون روي» ضِدَّ «هَذِهِ الْعَادَةِ الْوَحْشِيَّةِ». يُذْكَرُ أَنَّ آخِرَ حَادِثٍ مُشَابِهٍ أُعْلِنَ عَنْهُ وَقَعَ عَامَ ۱۹۸۹ فِي «رَاجِسْتَان» فِي شَمَالِ الْهِنْدِ.

۹۴ـ یک زن خودش را در کورهٔ آدم سوزی انداخت تا در سفر آخرت همراه شوهرش باشد.

روزنامه‌های هند گزارش دادند: یک زن هندی برای اجرای سنت قدیمی «ساتی» هند که از قرن گذشته در هند ممنوع شده، خودش را در کورهٔ آدم سوزی شوهرش در آتش انداخت. این سنت حکم می‌کند که زن در سفر آخرت همراه شوهرش باشد. این حادثه در پنج‌شنبه گذشته در روستای «هامیربور» در ایالت «اوتارپرادش» در شمال «هند» رخ داد. این زن که لباس عروسی پوشیده و همهٔ زیورآلات خود را در آتش می‌انداخت، در مقابل صدها نفر که بعضی از آنها از مناطقی آمده بودند که بیش از صد کیلومتر از محل حادثه فاصله داشت، خود را در آتش انداخت، بنا به گزارش روزنامهٔ (ذی بیونر) مردم شعارهایی در تمجید از سنت «ساتی» می‌دادند. این روزنامه در ادامه گزارش آورده است: این زن قبلاً قصد خود را برای سوزاندن خویش

اعلام کرده بود، ولی پلیس در محل حادثه نبود که او را از این کار منصرف کند. مقامات دولت امپراتوری «بریتانیا» (در هند) در قرن گذشته سنت «ساتی» را، که بیوه را ملزم به پیوستن به شوهر مرخومش در بهشت می‌کرد، به دنبال بسیجی که «رجارمورهون روی» اصلاح طلب هندی، علیه این عادت وحشیانه، به پا کرد، ممنوع کردند. گفته می‌شود آخرین حادثه‌ی مشابهی که اعلام شده، در سال ۱۹۸۹ در «راجستان» هند اتفاق افتاده است.

أَلْقَى بِهِ: آن را انداخت.
أُتُون: کوره، ج أُتُن.
رَافَقَهُ: همراهیش کرد.
أَفَادَ أَنَّ...: گزارش داد که...
المُحْرَقَة: قربانی که در آتش می‌سوزانند.
تَطْبِيقاً: برای اجرای.
التَّقْلِيد: سنت.
المَحْظُور: ممنوع.
أَطْلَقَ هُتَافاً: شعار داد.
مَجَّدَهُ: او را ستود.
وِفْقَ: بنا به، براساس.
الحَرْق: آتش زدن.
الثَّنْي عَنْ...: جلوگیری کردن از...
حَظَرَ ـُ حَظْراً هُ: آن یا او را منع کرد.
أَلْزَمَهُ بِـ...: او را مجبور به... کرد

اللِّحَاق: ملحق شدن، پیوستن.
المُتَوَفَّى: فوت شده.
إِثْرَ: به دنبال.
الحَمْلَة: بسیج.
الوَحْشِيَّة: وحشیانه.
أَعْلَنَهُ: آن را اعلام کرد. **أُعلِنَ عنه**: اعلام شد.
وَقَعَ يَقَعُ وُقُوعاً: واقع شد، اتفاق افتاد.
الحَلْى: ج: حُلِيّ: زیور و زینت.
المِئَات: مف: المِائَة: صد.
قَدِمَ ـَ قُدُوماً: آمد.
قَضَى يَقْضِي قَضَاء بِـ...: حکم به... کرد
شَرِيكُ العُمْر: شوهر.
رِحْلَتهُ الأَخِيرَة: سفر آخرت او، مرگ او.
اِرْتَدَاهُ: آن را پوشید.
ثَوْبُ الزَّفَاف: لباس عروسی.

الزَّفَاف: عروسی.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا أَلْقَتِ الْمَرْأَةُ نَفْسَهَا فِي النَّارِ؟ ۲ـ كَيْفَ أَلْقَتْ نَفْسَهَا فِي النَّارِ؟ ۳ـ مَتَى حَذَرَتِ السُّلُطَاتُ تَقْلِيدَ «ساتي»؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ من می‌خواهم در این سفر همراه تو باشم. ۲ـ مردی که لباس سفید پوشیده بود، کتاب را در آب انداخت. ۳ـ من قبلا قصد خود را از این کار اعلام کردم، ولی کسی مرا از این کار منع نکرد.

۹۵ـ فِيتَامِينُ (E) يَقِي مِنَ السَّرَطَانِ.

ذَكَرَ عُلَمَاءُ أَنَّ الْمُدَخِّنِينَ الَّذِينَ بِدِمَائِهِمْ مُسْتَوَيَاتٌ مُرْتَفِعَةٌ مِنْ فِيتَامِينِ (E) أَقَلُّ عُرْضَةً لِلْإِصَابَةِ بِسَرَطَانِ الرِّئَةِ. وَلَكِنَّهُمْ أَكَّدُوا: أَنَّ هَذَا لَا يَعْنِي بِالضَّرُورَةِ أَنَّ تَنَاوُلَ فِيتَامِينِ (E) يُمْكِنُ أَنْ يَمْنَعَ الإِصَابَةَ بِالسَّرَطَانِ فَالمَزِيدُ مِنَ الدِّرَاسَاتِ مَطْلُوبَةٌ لِإِثْبَاتِ ذَلِكَ. لَكِنَّ الدِّرَاسَةَ تُظْهِرُ أَنَّ فِيتَامِينَ (E) يُمْكِنُهُ الْعَمَلُ دَاخِلَ الْجِسْمِ لِوِقَايَتِهِ مِنَ السَّرَطَانِ. وَأَظْهَرَتِ الدِّرَاسَةُ الَّتِي شَمِلَتْ ۲۹ أَلْفَ فَنْلَنْدِيٍّ مِنَ المُدَخِّنِينَ أَنَّ الإِصَابَةَ بِسَرَطَانِ الرِّئَةِ قَلَّتْ بِنِسْبَةِ ۱۹ ٪ بَيْنَ أَصْحَابِ الْمُسْتَوَيَاتِ الْمُرْتَفِعَةِ مِنْ فِيتَامِينِ (E). وَكَتَبَتْ «كَارِين وُودْسُون» وَزُمَلاؤُهَا فِي صَحِيفَةِ مَعْهَدِ السَّرَطَانِ الْقَوْمِيِّ «هَذِهِ النَّتَائِجُ تُشِيرُ إِلَى أَنَّ وُجُودَ مُسْتَوَيَاتٍ مُرْتَفِعَةٍ مِنَ «الفَاتُو كُوفِيرُول» وَهُوَ الشَّكْلُ النَّشِطُ لِفِيتَامِينِ (E) فِي الْجِسْمِ وَقْتَ بِدَايَةِ تَشَكُّلِ الْوَرَمِ السَّرَطَانِيِّ يَمْنَعُ تَطَوُّرَهُ. وَأُعْطِيَ بَعْضُ مَنْ شَمِلَتْهُمُ الدِّرَاسَةُ فِيتَامِينَاتٍ إِضَافِيَّةً وَلَمْ

يُعْطَ الْبَعْضُ الْآخَرُ أَيَّ فِيتَامينَاتٍ. وَعَمِلَ بَعْضُ الْبَاحِثِينَ عَلَى مَعْرِفَةِ مَا إِذَا كَانَ الرِّجَالُ الَّذِينَ تَنَاوَلُوا فِيتَامِينَ (E) إِضَافِيّاً أَصْبَحُوا أَقَلَّ عُرْضَةً لِلْإِصَابَةِ بِالسَّرَطَانِ لَكِنَّهُمْ لَمْ يَتَوَصَّلُوا إِلَى أَيِّ نَتِيجَةٍ. وَقَالَتْ «وُودسُون»: إِنَّهَا سَتَبْحَثُ مِنْ جَدِيدٍ فِي تَحَالِيلِ دَمِ الْمُشَارِكِينَ احْتِمَالَ أَنْ يَكُونَ تَنَاوُلُ فِيتَامِينِ (E) فِي الْمَرَاحِلِ الْمُبَكِّرَةِ جِدّاً لِتَكَوُّنِ الْوَرَمِ يَمْنَعُ تَطَوُّرَهُ.

۹۵ـ ویتامین (E) از سرطان جلوگیری می‌کند.

تعدادی از دانشمندان اظهار داشتند: افرادی که سیگار می‌کشند و در خون آنها میزان بالایی از ویتامین (E) وجود دارد، کمتر در معرض سرطان ریه هستند. ولی آنها تأکید کردند که این حتما بدان معنی نیست که خوردن ویتامین (E) می‌تواند مانع ابتلای به سرطان شود، زیرا تحقیقات بیشتری برای اثبات این مطلب لازم است ولی این تحقیق نشان می‌دهد که ویتامین (E) می‌تواند در داخل بدن، برای پیشگیری از سرطان عمل کند. این تحقیق که بر روی ۲۹ هزار فنلاندی سیگاری انجام شد، نشان داد که میزان ابتلای به سرطان ریه، در بین کسانی که میزان بالایی ویتامین (E) دارند ۱۹ ٪ کمتر است. «کارین وودسون» و همکارانش در روزنامه‌ی «مرکز تحقیقات ملی سرطان» نوشتند: «این نتایج نشان می‌دهد که میزان بالایی از «الفاتو کوفیرول» که شکل فعال ویتامین (E) در بدن است، در زمان شروع تشکیل غده‌های سرطانی، مانع پیشرفت آنها می‌شود. به بعضی از کسانی که این تحقیقات بر روی آنها انجام شد ویتامین اضافی داده شد و به برخی دیگر هیچ ویتامینی داده نشد. تعدادی از محققان سعی کرده‌اند که دریابند، آیا مردانی که ویتامین (E) اضافی می‌خورند، کمتر در معرض ابتلا به سرطان هستند؟ ولی به نتیجه‌ای نرسیدند. «وودسون» گفت: او دوباره در مورد آزمایش خون شرکت کنندگان تحقیق خواهد کرد که (آیا) احتمال اینکه خوردن ویتامین (E) در مراحل بسیار ابتدایی رشد غده، مانع پیشرفت آن

می‌شود (وجود دارد یا نه).

وَقَى يَقِي وِقَايَةً هُ: از آن پیشگیری کرد.
المُـدَخِّن: کسی که سیگار می‌کشد، سیگاری.
الدِّمَاء: مف: الدم: خون.
المُسْتَوَيَات: مف: المُسْتَوَى: سطح.
المُرْتَفِعَة: بالا، زیاد.
العُرْضَةُ لِـ. : در معرض...
الإِصَابَة: ابتلا.
عَنَى يَعْنِي عِنَايَةً هُ: بدین معنا بود که....
مَنَعَ يَمْنَعُ مَنْعاً هُ عن...: او را منع کرد از...
شَمِلَ ـُ شُمُولاً هُ: شامل آن یا او شد.
قَلَّ يَقِلُّ قِلَّةً: کم شد.
الزُّمَلاء: مف: الزَّميل: همکار، دوست.
النَّشِيط: فعّال.
التَّطَوُّر: پیشرفت.
التَّحَالِيل: مف: التحليل: آزمایش.
التَّكَوُّن: شکل‌گیری.

☐ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ مَنْ هُمُ الَّذِينَ أَقَلُّ عُرْضَةً لِلإِصَابَةِ بِسَرَطَانِ الرِّئَةِ؟ ۲ـ مَاذَا يَفْعَلُ فِيتَامِينُ E دَاخِلَ الْجِسْمِ؟ ۳ـ كَمْ شَخْصاً شَمِلَتْ هَذِهِ الدِّرَاسَةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ اگر در خونت میزان بالایی ویتامین E وجود داشته باشد، کمتر به سرطان دچار می‌شوی. ۲ـ این ماده از پیشرفت غده‌های سرطانی جلوگیری می‌کند. ۳ـ ابتلا به سرطان در بعضی از شهرها افزایش یافته است.

۹۶ـ السُّعُودِيَّةُ تَمْنَحُ النِّسَاءَ بِطَاقَاتِ هُوِيَّةٍ مُسْتَقِلَّةً.

أَعْلَنَ نَائِبُ وَزِيرِ الدَّاخِلِيَّةِ «الأَمِيرُ...»: أَنَّ النِّسَاءَ السُّعُودِيَاتِ سَيَحْصُلْنَ قَرِيباً عَلَى بِطَاقَاتِ هُوِيَّةٍ وَهِيَ وَثِيقَةٌ رَسْمِيَّةٌ كَانَتْ حَتَّى الْآنَ حُكْراً عَلَى

الرِّجَالِ فِي السُّعُودِيَّةِ. وَقَالَ «الْأَمِيرُ...»: إِنَّ «المَرْأَةَ لَهَا حَقُّهَا الْكَامِلُ فِي أَنْ تَحْمِلَ حَفِيظَةً مُسْتَقِلَّةً وَبِطَاقَةً مُسْتَقِلَّةً وَلَهَا حُقُوقُهَا الشَّرْعِيَّةُ كَامِلَةً». وَنَقَلَتْ وِكَالَةُ الْأَنْبَاءِ السُّعُودِيَّةُ الرَّسْمِيَّةُ عَنِ «الأَمِيرِ أَحْمَدَ» قَوْلَهُ: «أَنَّ هُنَاكَ إِجْرَاءَاتٍ تَنْظِيمِيَّةً تَحْتَ الإِعْدَادِ وَسَيَتِمُّ إِكْمَالُهَا بِحَيْثُ تَكُونُ هُنَاكَ بِطَاقَةٌ مُسْتَقِلَّةٌ لِلْمَرْأَةِ». وَحَظْرُ حُصُولِ النِّسَاءِ عَلَى هَذِهِ الْبِطَاقَاتِ هُوَ أَحَدُ العَوَائِقِ الْعَدِيدَةِ الَّتِي مَنَعَتِ السُّعُودِيَاتِ مِنَ الْقِيَادَةِ وَحَصَرَتِ الْمِهَنَ الْمُتَاحَةَ أَمَامَهُنَّ بِالطِّبِّ وَالتَّعْلِيمِ تَقْرِيباً.

۹۶ـ عربستان سعودی، کارت شناسایی مستقل به زنان می‌دهد.

معاون وزیر کشور «عربستان»، «امیر...» اعلام کرد: زنان «سعودی» بزودی کارت شناسایی می‌گیرند و این کارت سند رسمی است که در کشور «سعودی» تا به حال در انحصار مردان بوده است. «امیر...» گفت: زن حق کامل دارد که شخصیت و کارت شناسایی مستقل و حقوق قانونی کامل داشته باشد. خبرگزاری رسمی «سعودی» از «امیر...» نقل کرد: برنامه‌های سازمان‌یافته‌ای در دست تهیه است و به زودی تکمیل خواهد شد به گونه‌ای که زن کارت شناسایی مستقل خواهد داشت. ممنوعیتِ داشتن کارت شناسایی برای زنان، یکی از موانع عدیده‌ای است که زنان سعودی را از رانندگی منع کرده و تقریبا مشاغل مجاز به آنها را محصور به پزشکی و تدریس کرده است.

مَنَحَ ـَ مَنْحاً هُ شَيْئاً: چیزی را به او داد. آورد
البِطَاقَات: مف: البِطَاقَة: کارت. **بِطَاقَةُ الهُوِيَّة:** کارت شناسایی
حَصَلَ ـُ حُصُولاً عَلَى...: ...را به دست
الوَثِيقَة: سند. ج: وَثَائِق
الحُكْر: در انحصار.
الحَفِيظَة: شخصیت، هویت.

الشَّرعِيّ: قانونی.
التَنْظِيمِيَّة: سازمان‌دهی شده.
تَحْتَ الإِعْدَاد: در دست تهیه.
تَمَّ يَتِمُّ تَمَاماً: کامل شد. **تَمَّ اِكْمَالُها**: به پایان رسید.
الحَظْر: ممنوعیت.
العَوَائِق: مف: العَائق: مانع.
الحَصْر: محدودیت.
المِهَن: مف: المِهْنَة: شغل، حرفه.
المُتَاحَة: در دسترس، فرصت داده شده.
أَخْضَعَهُ لِـ...: او را مطیع...کرد، او را قانع به...کرد.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ عَلامَ سَتَحْصُلُ النِّسَاءُ فِي السُّعُودِيَّةِ؟ ۲ـ مِمَّ مَنَعَتِ السُّعُودِيَّةُ النِّسَاءَ؟ ۳ـ مَا هِيَ المِهَنُ المُتَاحَةُ أَمَامَ النِّسَاءِ فِي السُّعُودِيَّةِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ من به زودی کارت شناسایی می‌گیرم. ۲ـ هر انسانی حق کامل دارد که کارت شناسایی داشته باشد. ۳ـ دولت سعودی زنان را از رانندگی منع می‌کند.

۹۷ـ مَاتَتْ فِي السَّيَّارَةِ بَعْدَ أَنْ تَرَكَتْهَا المُدَرِّسَةُ.

ذَكَرَتْ صَحِيفَةُ «الخَلِيج»: أَنَّ طِفْلَةً تَبْلُغُ مِنَ الْعُمْرِ ثَلاثَةَ أَعْوَام تُوُفِّيَتِ اخْتِنَاقاً بَعْدَ أَنْ نَسِيَتْهَا مُدَرِّسَتُهَا فِي سَيَّارَةٍ مُقْفَلَةٍ خِلالَ ثَلاثِ سَاعَاتٍ فِي «دُبَی». وَاسْتَغْرَقَتِ الطِّفْلَةُ «رَادَا»، مِنَ التَّابِعِيَّةِ الْهِنْدِيَّةِ فِي نَوْم عَمِيقٍ عَلَى الْمَقْعَدِ الْخَلْفِيِّ فِي سَيَّارَةِ الْمُدَرِّسَةِ الهِنْدِيَّةِ الَّتِي رَافَقَتْهَا إِلَى الحِضَانَةِ. وَلَكِنَّ الْمُدَرِّسَةَ نَسِيَتِ الطِّفْلَةَ لَدَى وُصُولِهَا وَأَوْقَفَتْ سَيَّارَتَهَا قُرْبَ الْحِضَانَةِ تَحْتَ الشَّمْسِ الْحَارِقَةِ. وَبَعْدَ مُرُورِ ثَلاثِ سَاعَاتٍ لاحَظَ أَحَدُ الْعَابِرِينَ وُجُودَ طِفْلَةٍ فِي السَّيَّارَةِ وَقَامَ بِإِبْلاغِ الشُّرْطَةِ الَّتِي أَخْرَجَتْ «رَادَا» مِنَ

السَّيَّارَةِ وَهِيَ تُعَانِي مِنْ نَقْصِ الْأُوكْسِجِينِ. وَتُوُفِّيَتِ الطِّفْلَةُ أَثْنَاءَ نَقْلِهَا فِي سَيَّارَةِ الإِسْعَافِ رُغْمَ تَقْدِيمِ الْعِنَايَةِ اللَّازِمَةِ. وَاعْتَقَلَتِ الشُّرْطَةُ الْمُدَرِّسَةَ بِتُهْمَةِ: «الإِهْمَالِ الَّذِي أَدَّى إِلَى الوَفَاةِ».

۹۷ـ بعد از اینکه معلمش او را در ماشین رها کرد جان خود را از دست داد.

روزنامه‌ی «الخلیج» گزارش داد: یک دختربچه‌ی سه ساله، بعد از اینکه معلمش او را در یک ماشین قفل شده، به مدت سه ساعت در «دبی» فراموش کرد، در اثر خفگی جان باخت. بچه که تابعیت «هندی» دارد و نامش «رادا» است، روی صندلی عقب ماشین خانم معلم هندی که او را به مهدکودک آورده بود، به خواب عمیقی فرو رفته بود ولی معلم، هنگام رسیدن، بچه را فراموش کرد و ماشین را نزدیک مهدکودک در گرمای سوزان خورشید پارک کرد. پس از گذشت سه ساعت یکی از عابران متوجه وجود بچه در ماشین شد و به پلیس اطلاع داد، پلیس «رادا» راکه دچار کمبود اکسیژن شده بود از ماشین بیرون آورد، این بچه هنگام انتقال به بیمارستان، با وجود مراقبت‌های لازم، در آمبولانس فوت کرد و پلیس، معلم را به جرم سهل‌انگاری منجر به مرگ بازداشت کرد.

اِخْتِنَاقاً: در اثر خفگی.
نَسِيَ يَنْسَى نسيَاناً هُ: او یا آن را فراموش کرد.
المُقْفَل: قفل شده.
اِسْتَغْرَقَ فِي...: در...فرو رفت، در...غرق شد.
التَّابِعِيَّة: تابعیت.
المَقْعَد: صندلی ج: مَقَاعِد.
الخَلْفِيّ: عقب.
رَافَقَهُ: او را همراهی کرد.
أَوْقَفَهُ: آن را نگه داشت.
الحِضَانَة: مهد کودک.
الحَارِقَة: سوزان.
المُرُور: گذشتن.

لاحَظَهُ (أوْ **لاحَظَ أَنَّ**...: متوجه آن شد یا متوجه شد که...

قَام يَقُومُ قِيَاماً بِإبْلاغ...: اقدام بـه خـبر دادن. کرد.

الشُّرْطَة: پلیس.

أخْرَجَهُ: او را بیرون آورد.

عَانَى مِنْ...: مبتلا و دچار به....شد.

النَّقْص: کمبود.

العِنَايَةُ اللّازِمَة: مراقبت لازم.

اِعْتَقَلَهُ: او را بـازداشت کـرد. **اُعتُقِلَت**: بازداشت شد.

الإهْمَال: سهل انگاری، کوتاهی.

أدَّىٰ إلَى...: منجر به...شد.

□ **تمرين**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا تُوُفِيَّتِ الطِّفْلَةُ؟ ۲ـ أَيْنَ أَوْقَفَتِ المُعَلِّمَةُ سَيَّارَتَهَا؟ ۳ـ لِمَاذَا اعْتُقِلَتِ المُدَرِّسَةُ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ تو نباید برادرت را فراموش کنی. ۲ـ ماشینت را نزدیک مدرسه پارک نکن. ۳ـ کمبود اکسیژن موجب مرگ او شد.

۹۸ـ سُكّانُ بَلْدَةٍ يَتَحَوَّلُ شَعْرُهُمْ مِنَ الأَشْقَرِ إلَى الأحْمَرِ.

شَعَرَ سُكَّانُ بَلْدَةٍ «كَنَدِيَّة» صَغِيرَةٍ بِالقَلَقِ فِي الْآوِنَةِ الْأَخِيرَةِ عِنْدَمَا وَجَدُوا شَعْرَهُمُ الْأَشْقَرَ يَتَحَوَّلُ إلَى اللَّونِ الأَحْمَرِ. وَقَالَ رَئِيسُ بَلَدِيَّة «فِيردِن» لِرُويْتِرْز: «يَصْطَبِغُ شَعْرُ السُّكَّانِ بِلَوْنٍ خَفِيفٍ». وَأَضَافَ: أَنَّ سُكَّانَ هَذِهِ الْبَلْدَةِ الْوَاقِعَةِ فِي غَرْبِ «كَنَدَا» وَالَّتِي يَقْطُنُهَا ثَلاثَةُ آلافِ نَسَمَةٍ بَدَأَ شَعْرُهُمْ يَتَحَوَّلُ إِلَى اللَّونِ الْأَحْمَرِ بَعْدَ أَنْ أَقَامَتِ الْبَلَدِيَّةُ مَصْنَعاً جَدِيداً لِمُعَالَجَةِ الْمِيَاهِ فِي وَقْتٍ سَابِقٍ هذَا الْعَامَ. وَتَلْتَقِطُ الْمِيَاهُ الْمُعَالَجَةُ الْحَدِيدَ عِنْدَمَا تَمُرُّ

فِي الْأَنَابِيبِ القَدِيمَةِ وَهُوَ مَا يُسَبِّبُ هَذَا اللَّونَ الْأَحْمَرَ. وَقَالَ «رِيْد» الَّذِي تَحَوَّلَ لَوْنُ شَعْرِ زَوْجَتِهِ إِلَى البُرْتُقَالِيِّ: إِنَّ حُكُومَةَ الْبَلْدَةِ بَدَأَتْ فِي وَضْعِ مَادَّةٍ تَمْنَعُ تَفَاعُلَ الْمَاءِ مَعَ الْحَدِيدِ فِي الْأَنَابِيبِ لِحَلِّ الْمُشْكِلَةِ.

۹۸ـ موی مردم یک شهرک از بور به قرمز تغییر می‌کند.

اخیراً مردم یک شهرک کوچک در «کانادا»، هنگامی که متوجه شدند، موهای بور آنها به رنگ قرمز تبدیل می‌شود، احساس نگرانی کردند. شهردار شهر «فیردن» به خبرگزاری «رویتر» گفت: موی ساکنان شهر به رنگ روشن درمی‌آید. او در ادامه گفت: ساکنان این شهر، (واقع در غرب کانادا) که سه هزار نفر در آن سکونت دارند، موهایشان شروع به تغییر به رنگ قرمز کرد (و این هنگامی است که) شهرداری یک سال قبل، کارخانه‌ی جدیدی برای تصفیه‌ی آب تأسیس کرد. آبهای تصفیه شده هنگامی که از لوله‌های قدیمی عبور می‌کنند، آهن به خود جذب می‌کنند و علت این رنگ قرمز همین است. «رید» که رنگ موی همسرش به پرتغالی تغییر کرده است گفت: مسئولین شهرک برای حل این مشکل، شروع به اضافه کردن ماده‌ای (به آب) کرده‌اند که مانع ترکیب شیمیایی آب با آهن در لوله‌ها شود.

السُّكَّان: مف: الساكن.
شَعَرَ ـُ شُعُوراً بِـ...: چیزی را احساس کرد.
القَلَق: نگرانی.
الآوِنَةَ الأَخيرَة: این اواخر.
الأَشْقَر: بور، بلوند.
تَحَوَّلَ إِلَى...: تبدیل به...شد
اللَّونُ الأَحْمَرُ: رنگ قرمز.
رَئيسُ البَلَدِيَّة: شهردار.
اِصْطَبَغَ بِلَونِ...: به رنگِ... درآمد.
مُعَالَجَةُ المِيَاه: تصفیه آبها.
اِلْتَقَطَهُ: آن را جذب کرد و برداشت.
الأَنَابِيب: مف: الأُنبُوب: لوله.
التَّفَاعُل: تأثیر شیمیایی، واکنش شیمیایی.

□ تمرین

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا شَعَرَتْ سُكَّانُ الْبَلْدَةِ بِالْقَلَقِ؟ ۲ـ مَتَى تَغَيَّرَ لَوْنُ شَعْرِ السُّكَّانِ؟ ۳ـ مَا هُوَ سَبَبُ تَغَيُّرِ لَوْنِ شَعْرِهِمْ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ احساس کردم که موهایم در حال تغییر است. ۲ـ در این شهرک ۱۰۰۰ نفر سکونت دارند. ۳ـ آب از لوله‌های قدیمی عبور نمی‌کند.

۹۹ـ مُعَمَّرٌ إِيرَانِيٌّ يَبْلُغُ مِنَ الْعُمْرِ ۱۲۳ عَاماً.

يَعِيشُ الْمُعَمَّرُ الإِيرَانِيُّ «مِير وَلِي بَالِيزبَان» الْبَالِغُ مِنَ الْعُمْرِ ۱۲۳ عَاماً فِي مَدِينَةِ «آبْدَانَانَ» التَّابِعَةِ لِمُحَافَظَةِ «اِيْلامَ» غَرْبِيَّ الْبِلادِ فِي سَلامَةٍ تَامَّةٍ يُمَارِسُ مِهْنَتَهُ يَوْمِيّاً كَمُزَارِعٍ فِي حَقْلِهِ. وَنَقَلَتْ وِكَالَةُ «ارنَا» عَنْ «بَالِيزبَان» قَوْلَهُ: أَنَّهُ قَضَى ۹۵ عَاماً مِنْ عُمْرِهِ فِي الْقَرْيَةِ مُشْتَغِلاً بِالزِّرَاعَةِ وَتَرْبِيَةِ المَوَاشِي قَبْلَ أَنْ يَنْتَقِلَ قَبْلَ سَنَتَينِ إِلَى مَدِينَةِ «آبدانَان». وَأَضَافَ «بَالِيزبَانُ»: أَنَّ السِّرَّ فِي طُولِ عُمْرِهِ وَتَمَتُّعِهِ بِالسَّلامَةِ التَّامَّةِ هُوَ الْعَمَلُ الْمُسْتَمِرُّ وَمُمَارَسَةُ الْمَشْيِ عَبْرَ جِبَالِ وَسُهُولِ الْمِنْطَقَةِ بِاسْتِمْرَارٍ وَالاِعْتِمَادِ عَلَى الحَلِيبِ وَمُشْتَقَّاتِهِ كَغِذَاءٍ يَوْمِيٍّ وَعَدَمِ اسْتِخْدَامِ الأَدْوِيَةِ طِوَالَ هذِهِ السِّنِينَ حَيْثُ لَمْ يُرَاجِعِ الْأَطِبَّاءَ عَلَى الإِطْلاقِ. وَعَنْ عَدَدِ أَحْفَادِهِ قَالَ «بَالِيزبَانُ»: إِنَّ لَهُ مَا يَقْرُبُ مِنْ مِائَةِ حَفِيدٍ، وَمَازَال يُمَارِسُ مِهْنَتَهُ كَمُزَارِعٍ فِي حَقْلِهِ. وَيَقُولُ أَهَالِي الْمَدِينَةِ: إِنَّ «مِير ولِي» يَذْهَبُ يَوْمِيّاً إِلَى حَقْلِهِ الَّذي يَبْعُدُ عَنْ «آبدانانَ» مَسَافَةَ كِيلُومِتْرَينِ وَيَعُودُ إِلَى الْبَيْتِ مَشْياً دُونَ الاِسْتِفَادَةِ مِنْ وَسَائِطِ النَّقْلِ المُتَوَفِّرَةِ أَوْ حَتَّى الدَّوَابِّ.

۹۹ـ عمر کهنسال ایرانی به ۱۲۳ سال می‌رسد.

کهنسال ایرانی «میرولی پالیزبان» که ۱۲۳ سال دارد در شهر «آبدانان» از توابع استان «ایلام» در غرب کشور، در سلامتی کامل زندگی می‌کند و روزانه کارش را در مزرعه‌اش به عنوان یک کشاورز انجام می‌دهد. خبرگزاری «ارنا» از «پالیزبان» نقل کرد: او دو سال پیش قبل از اینکه به «آبدانان» منتقل شود، ۹۵ سال از عمرش را در روستا، با اشتغال به کشاورزی و دامداری گذرانده است. «پالیزبان» در ادامه گفت: راز طول عمر و برخورداری از سلامت کامل او، کار مداوم و اقدام به پیاده‌روی در کوهها و دشتهای منطقه به شکل مداوم و تکیه بر شیر و فرآورده‌های آن، به عنوان غذای روزانه و استفاده نکردن از دارو در طی این سالها است به طوریکه اصلاً به دکتر مراجعه نکرده است. «پالیزبان» درباره‌ی نوه‌هایش گفت: حدود ۱۰۰ نوه دارد و هنوز هم به شغلش به عنوان یک کشاورز در مزرعه‌اش می‌پردازد. مردم شهر می‌گویند: «میر ولی» هر روز پیاده به مزرعه‌اش که در فاصله‌ی دو کیلومتری شهر است، می‌رود و بازمی‌گردد و بدون اینکه از وسایل نقلیه‌ی موجود یا حتی از چهارپایان استفاده کند.

المُعَمَّر: کهنسال.
عَاشَ يَعِيشُ عِيشَةً: زندگی کرد.
مَارَسَهُ: به آن (کار) پرداخت.
المِهْنَة: شغل، ج: مِهَن.
الحَقْل: مزرعه، ج: حُقُول.
قَضَى يَقْضِي قَضَاءً (وقتا): زمانی را گذراند.
القَرْيَة: روستا، ج: قُرَى.
مُشْتَغِلاً: مشغول.

المَوَاشِي: مف: المَاشِيَة: دام، چهارپا.
السِّرّ: رمز، ج: أسرَار.
التَّمَتُّع: بهره‌مندی.
مُمَارَسَةُ المَشْي: اقدام به پیاده روی.
الجِبَال: مف: الجَبَل: کوه.
السُّهُول: مف: السَهْل: دشت.
الأَدْوِيَة: مف: الدَوَاء: دارو.
عَلَى الإطلاق: مطلقاً.
رَاجَعَه: رجوع کرد به او.

الأَحفَاد: مف: الحَفيد: نوه.
مَشْياً: پیاده.
بَعُدَ ـُ بُعْدا عَنْ...: از...دور شد و دور بود
المُتَوَفِّرَة: موجود.
الدَّوَابّ: مف: الدَابَّة: چهارپا.

□ تمرين

الف) به سؤالات زير پاسخ دهيد:

۱ـ بِمَاذَا يَشْتَغِلُ «باليزبان»؟ ۲ـ مَا هُوَ سِرُّ طُولِ عُمْرِ «باليزبان» وَ تَمَتُّعِهِ بِـالسَّلامَةِ؟ ۳ـ كَيْفَ يَعُوْدُ «باليزبان» مِنْ مَزْرَعَتِهِ إِلَى بَيْتِهِ؟

ب) ترجمه كنيد:

۱ـ تو ده سال از عمرت را در تهران به تدريس گذرانده‌ای. ۲ـ من سه سال پيش به اين شهر منتقل شدم. ۲ـ تو هر روز پياده به مدرسه می‌روی.

۱۰۰ـ إِخْتِبَارٌ جَدِيدٌ عَلَى الحَشَرَاتِ.

أَجْرَى بَاحِثُو جَامِعَةِ «كمبريدجَ الْبرِيطَانِيَّةِ» اخْتِبَارَاتٍ جَدِيدَةً عَلَى بَعْضِ الْحَشَرَاتِ الْمَنْزِلِيَّةِ لِتَطويرِ مُبيدَاتِ الحَشَرَاتِ.
فَقَدْ أَوْرَدَتِ الصُّحُفُ الْبرِيطَانِيَّةُ بِأَنَّ الْبَاحِثِينَ رَبَطُوا أَجْهِزَةً إِلِكْتِرُونِيَّةً دَقِيقَةً جِدّاً بِالْجَهَازِ الْعَصَبِيِّ لِبَعْضِ الصَّرَاصِرِ الَّتِي تَعِيشُ فِي المَنَازِلِ لِتَتَبُّعِ حَرَكَةِ وَآلِيَّةِ تَأْثِيرَاتِ الْمُبيدَاتِ عَلَى هَذِهِ الْحَشَرَاتِ. وَأَضَافَتِ الصُّحُفُ: أَنَّ خُبَرَاءَ جَامِعَةِ «كمبريدج» يَأْمُلُونَ مِنْ خِلالِ هَذِهِ التَّجَارِبِ مَعْرِفَةَ الْمِقْدَارِ الْكَافِي لِكُلِّ نَوْعٍ مِنْ هَذِهِ الْمُبيدَاتِ لِقَتْلِ الْحَشَرَاتِ وَإِمْكَانِيَّةَ اسْتِثْمَارِ نَتَائِجِ هَذِهِ التَّجَارِبِ لِإِنْتَاجِ مُبيدَاتٍ قَوِيَّةٍ وَمُؤَثِّرَةٍ وَفِي ذَاتِ الْوَقْتِ أَقَلَّ ضَرَراً عَلَى الإِنسَانِ وَالبِيئَةِ.

۱۰۰ـ یک آزمایش جدید بر روی حشرات.

محققان دانشگاه «کمبریج بریتانیا» برای اصلاح و تکمیل حشره‌کش‌ها آزمایش‌های جدیدی روی تعدادی از حشرات خانگی انجام دادند. روزنامه‌های بریتانیا گزارش دادند: محققین برای پیگیری حرکت و مکانیزم تأثیر حشره‌کشها بر این حشرات، دستگاههای الکترونیکی بسیار کوچکی به دستگاه عصبی تعدادی از سوسک‌هایی که در خانه‌ها زندگی می‌کنند متصل کردند. این روزنامه‌ها در افزودند: کارشناسان دانشگاه «کمبریج» امیدوارند با این آزمایش‌ها، مقدار کافی از هر نوع حشره‌کش را برای کشتن حشرات، بشناسند و از نتایج این نوع آزمایش‌ها برای تولید حشره‌کش‌های قوی و مؤثر و در عین حال کم ضررتر برای انسان و محیط زیست، بهره‌برداری کنند.

الإِخْتِبَار: آزمایش.
البَاحِث: محقق.
التَّطوِير: رشد دادن.
مُبِيدُ الحَشَرَات: حشره‌کش.
أَوْرَدَ بِأَنَّ...: گزارش داد که...
رَبَطَ ـُ رَبْطاً هُ بِـ...: آن را به... متصل کرد.
الأَجْهِزَة: مف: الجَهَاز: دستگاه.
الدَّقِيق: کوچک و ریز.
الجَهَازُ العَصَبِيّ: دستگاه عصبی.
الصَّرَاصِر: مف: الصُرصُور: سوسک.
التَّتَبُّع: پی‌گیری.
أَمِلَ ـُ أَمَلاً هُ: به آن امیدوار بود.
الإِسْتِثْمَار: بهره‌برداری.
الإِنْتَاج: تولید.
أَقَلُّ ضَرَراً: کم ضررتر.
البِيئَة: محیط زیست.

□ **تمرین**

الف) به سؤالات زیر پاسخ دهید:

۱ـ لِمَاذَا رَبَطَ البَاحِثُونَ أَجْهِزَةً إِلِكْتِرُونِيَّةً بِالْجَهَازِ الْعَصَبِيِّ لِبَعْضِ الصَّرَاصِرِ؟ ۲ـ مَاذَا

يَأْمُلُ خُبَرَاءُ جَامِعَةِ «کمبریج»؟ ۳ـ لِـمَاذَا أَجْـرَى خُـبَرَاءُ جَـامِعَةِ «كَـمْبريج» هَـذِهِ الاخْتِبَارَاتِ؟

ب) ترجمه کنید:

۱ـ آزمایش‌های جدیدی بر روی حشرات خانگی انجام شد. ۲ـ تـو بـاید یک دستگاه الکترونیکی به ماشینت وصل کنی. ۳ـ در خانه‌ها نباید سوسک و حشرات خانگی زندگی کنند.



دیگر آثار دکتر یحیی معروف

۱ـ العروض العربی البسیط، انتشارات سازمان سمت و دانشگاه رازی

این کتاب مشتمل بر دو علم عروض و قافیه است که به زبانی کاملاً ساده به عربی همراه با تمرینات و پاسخنامه نگاشته شده است. ابیات کتاب برگرفته از اشعار شاعران متعهد در مدح اهل بیت پیامبر ﷺ است. علاوه بر آن عروض عربی و فارسی و نیز شعر نو در دو زبان با یکدیگر مقایسه شده است. این کتاب به عنوان سرفصل درس (عروض و قافیه) تعیین شده است.

۲ـ فن ترجمه (عربی به فارسی و فارسی به عربی) انتشارات سازمان سمت و دانشگاه رازی (چاپ اول ۱۳۸۰ چاپ چهارم ۱۳۸۳).

این کتاب به مسائل ترجمه از زوایای مختلف همچون ترجمهٔ اسم، فعل، حرف و جمله در دو زبان فارسی و عربی می‌پردازد. این کتاب به عنوان سرفصل درس (فن ترجمه) تعیین شده است.

۳ـ فرهنگ لغات و اصطلاحات معروف، انتشارات یادوارهٔ کتاب

این کتاب مشتمل بر هزاران واژهٔ (فارسی به عربی) رایج در ادبیات، هنر، اقتصاد، سیاست، طب، کشاورزی، برق و الکترونیک، فیزیک، شیمی، زیست شناسی، نجوم، ورزش، حقوق، امور نظامی، و اصطلاحات روزنامه‌ها و مجلات عربی است.

۴ـ مکالمات حجاج و زائران عتبات عالیات، انتشارات یادوارهٔ کتاب

این کتاب راهنمای مکالمات حجاج، زائران عتبات عالیات و مسافران کشورهای عربی است که مشتمل بر گفتگوهایی در ارتباط با مناسک حج، گمرک، فرودگاه، هتل، مطب، بیمارستان، فروشگاه، پست و تلفن، سالن غذاخوری، پلیس، بانک، مسافرت، موزه، پوشاک و دهها موضوع ضروری دیگر است.

دیگر آثار دکتر وحید سبزیانپور

۱ـگامی فراتر در آموزش عربی جلد ۱ و ۲ و ۳، انتشارات خورشید باران.

این راهنمای زبان عربی با استفاده از روشهای پیشرفته در آموزش زبان، در سه جلد از مبتدی تا پیشرفته، مشتمل بر بیش از ده هزار جمله‌ی کاربردی به شکل پرسش و پاسخ و ترجمه همراه با پاسخ نامه است، به گونه‌ای که علاقمند به زبان عربی می‌تواند به تنهایی و بدون نیاز به استاد، با فراگرفتن عام‌ترین و شایع‌ترین افعال و کلمات رایج در زبان عربی، قادر به مکالمه، فهم متون و ترجمه از عربی به فارسی و بالعکس گردد.

۲ـآموزش نامه نگاری به زبان عربی، جلد ۱ و ۲ تألیف مشترک با خانم زهرا یزدی نژاد، انتشارات خورشید باران.

مؤلفان در این دو کتاب سعی بر این داشته‌اند که با یک فهرست جامع، واژه‌های لازم برای نوشتن انواع نامه را در اختیار خواننده قرار دهند، در این دو کتاب بیش از صد نامه به زبان عربی با ترجمه‌ی فارسی و توضیح واژه‌ها آمده، به گونه‌ای که خواننده می‌تواند با رجوع به موضوع مورد نظر و راهنمای کتاب، در هر زمینه نامه به زبان عربی بنویسد.

۳ـ فرهنگ وحید (فرهنگ کلمات اضداد و مترادف در زبان عربی)، انتشارات خورشید باران.

این کتاب مجموعه‌ای گسترده با هزاران واژه‌ی متضاد و مترادف در سه بخش، به زبان عربی و فارسی و کتاب اضداد (واژه‌هایی که به تنهایی دارای مفاهیم متضاد هستند) است.

خورشید بزرگ



آشنایی با روزنامه‌ها و مجلات عربی
۱۸۰۰۰ ریال
پخش یکتا